

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

دَرُ اثْبَاتِ رَجَمَتِ وَطْهُورِ امْتِنَانِهِ

عَلَيْهِمُ السَّلَامُ

تَأليف

آية الله محدث جليل العابد

سید محمد حسین موسوی ارومی

معروف به عربی نایب



# تحفة الشيعة

در اثبات رجعت و ظهورائمه

( عليهم السلام )

تأليف

آية الله محدث جليل القدر

سيد حسين موسوي ارومي

( معروف به عرب باغي )

چاپ خيام-قم

ش ۱۳۵۸

## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله الذي وعدنا رجعة الائمة ، وبشرنا رجوعهم بالسلطنة الكاملة ،  
وأخبرنا ظهورهم بالرياسة المطلقة ، وضمن لهم النصر والغلبة على الاديان  
الباطلة ، واطهار دينهم وشريعتهم في جميع البرية ، واعلاء كلمتهم وآثارهم  
في كل الامكنة . والصلاة والسلام على خاتم الرسالة وسيد الانبياء وصفوة  
النبوة ، الذي جاء بالقرآن المخبر بالرجعة . وعلى آله واولاده الذين هم حفاظ  
الشريعة ، المكملين ما اندرس من الدين في زمان الغيبة ، المظهرين ما خفي  
من الشرع في وقت الرجعة ، المنتقمين من اعداء الاسلام انتقاماً يوجب عزة  
الاسلامية ، واللعنة على ظالمهم من الان الى يوم القيامة .

وبعد : چنين گوید حقيرفانی ( حسين بن نصرالله بن صادق الموسوی  
الحسينی الارومی ) اين وجيزه ايست دراثبات رجعت ائمه عليهم السلام از  
خصوص آيات قرآن ودرحق بودن ظهورالمهدى المنتظرالقائم من آل محمد  
صلی الله عليه وآله ازتفسيرفرقان ، وناميده شده (بتحفة الشيعة دراثبات رجعت  
وظهورالائمة) .

وبناى حقيردراين كتاب نقل تفسير آيات وتأويل محكمات قرآن است



که در خصوص رجعت ائمه و ظهور امام غائب نازل شده است، و آنهم بترتیب آیات و سوره قرآن و تا بحال احدی از علماء ابدال در ظهور امام قائم و رجعت ائمه علیهم سلام الله الملك المتعال باین نظم و ترتیب کتابی جمع نکرده، زیرا که علماء اعلام هر چندیکه کتابهای بسیار در این خصوص تصنیف نموده‌اند و لکن جمیع آیات را نقل نکرده‌اند و بترتیب نیز تألیف ننموده‌اند، و نظرایشان در نقل احادیث بوده.

و قبل از شروع بمقصد لابد است از مقدمه‌ای تا آنکه اصل مقصد واضح و روشن تر گردد، پس میگویم بعون الله تعالی و ببرکت ائمه هدی :

## مقدمة مهمة

( در اثبات مطلق رجعت )

و بیان وقوع آن در اتم سابقه و قرون ماضیه است، و رفع استبعاد آن و دفع شبهه از آن، و آنکه رجعت ممکن است. و دلیل بر این قطع نظر از احادیث معتبره و اضحه صحیحه چند آیه صریحه الدلالة است.

( آیه اول ) قوله تبارك و تعالی « واذ قلتم یا موسیٰ لن نؤمن لك حتى نرى الله جهرة فأخذتكم الساعة و انتم تنظرون ثم بعثناكم من بعد موتكم لعلکم تشكرون »<sup>(۱)</sup> یعنی آن زمانیکه گفتید ای بنی اسرائیل بحضرت موسی که ما ایمان نمیآوریم بتو تا آنکه خدا را آشکار و عیاناً مشاهده نمائیم پس از جهت این مخالفت اخذ نمود و دریافت کرد شما را برق سوزنده و حال آنکه شما نظر میکردید و دیدید که برق شما را سوخت پس شما را بعد از مردن شما زنده کردیم و بعد از سوخته شدن احیاء نمودیم، شاید که شما شکر این نعمت را بکنید و متشکر باشید.

پس این آیه مبارکه دلالت واضحه نمود بر زنده شدن جمعی از بنی اسرائیل



بعد از مردن و سوخته شدن ایشان ، و این قصه در کتب اخبار و تفاسیر تفصیل دارد و ما ملخص و ما حصل آن را از تفسیر امام حسن عسکری علیه السلام نقل میکنیم تا آنکه دلالت آیه واضحتر گردد .

و ترجمه آنچه که در تفسیر امام است اینست : بدرستی که موسی علیه السلام وقتیکه اراده نمود بر اینکه اخذ کند بر قوم خود عهد و پیمان را بر محمد<sup>(۱)</sup> صلی

(۱) حضرت نبی اکرم صلی الله علیه و آله وسلم اسم شریفش محمد و احمد و محمود و غیر اینها که علماء تاریخ در محل خود ذکر کرده اند ، القاب شریفه آنحضرت مصطفی و مختار و امین و بشیر و نذیر و غیر ذلک که تفصیلا در ذکر حالات شریفه آنجناب مذکور است .

مشهور بین علماء شیعه در روز جمعه هفدهم ماه ربیع المولود عام الفیل در زمانیکه همه دنیا را جهل و نادانی گرفته بود پابعرضه دنیا نهاد ، در ایام طفولیت آنجناب بسیار خوارق العادات و محیر العقول رخ داد و از نوجوانی بامانت و درستکاری معروف و مشهور بود که مردم او را «امین» می گفتند در چهل سالگی به رسالت از طرف خداوند مبعوث و از آنوقت به زحمات و مشقات طاقت فرسا متحمل گشت چنانچه خود فرماید: «ما اوزی نبی مثل ما اوزیت» هیچ پیامبری مثل من اذیت نشد .

پس از دست دادن دو حامی ستوه ناپذیر حضرت ابوطالب و حضرت خدیجه نتوانست در زادگاه خود مکه معظمه بماند ، روز پنجشنبه غره ربیع الاول بعد از ۱۳ سال از بعثت و ۵۳ از عام الفیل که از بهار عمر آنجناب ۵۳ سال می گذشت بطرف مدینه طیبه هجرت و روز دوشنبه ۱۱ همان ماه بمدینه طیبه وارد شد و اسم مدینه «یثرب» بود .

پس از آمدن حضرت نبوی به مدینه طیبه - شهر پاکیزه - تغییر نام داده شد

بعد از آن دین مقدس اسلام روزبه روز ترقی نمود و از اطراف و اکناف فوج فوج برای اسلام آوردن بحضور آنحضرت شرفیاب می گشتند ، هفتاد و شش و بقولی هشتاد غزوه که در ۲۶ آنها خود آنجناب فرمانده لشکر بودند انجام دادند در سال دهم هجرت بسن ۶۳ سالگی و ۶۳ سال پس از عام الفیل در ۲۸ ماه صفر آفتاب عمر آنحضرت غروب فرمود .

جنات الخلود ص ۱۴ ، اعلام الوری ص ۵ .

(عام الفیل یعنی سال فیل ، عربها چون مبدأ تاریخ ثابت نداشتند هر اتفاق مهمی که رخ می داد او را مبدأ تاریخ قرار می دادند و عام الفیل همان واقعه مشهور است که قرآن مجید هم از او یاد کرده .

علت آن واقعه چنین است که : ابرهه که از طرف سلطان حبشه یمن را بحیثه تصرف خود آورد متوجه شد که عربها هر سال بزیارت کعبه میروند و بآنجا بسیار احترام می گذارند امر کرد در صنعا مثل او خانه بنا کردند بس زیبا و مردم را امر کرد که عوض کعبه به زیارت آنجا بروند «نفیل» نامی از عرب روزی بعنوان زایر بآنجا رفت چون شب شد به خدام گفت من نذر کرده ام که شب اینجا بخوابم اجازه خواب باو دادند چون شب همه خوابیدند وی قبلا خود را آماده کرده بود همه دیوار و فرش و غیره را ملوث کرد چون صبح آمدند درها را باز کردند نفیل فرار کرد ابرهه از عمل مرد عرب مطلع شد نائره غضب شعله ور گشت امر به تخریب کعبه نمود بالشکر بیشمار سوار فیل شده طرف کعبه روی آوردند ولی صاحب بیت چنانچه حضرت عبدالمطلب فرمود : انا رب الابل وللبیت رب : من صاحب شترم و بیت را صاحب هست ، کید ابرهه را در نطفه خفه کرد ، خدا الشکری از طیور مأمور ساخته که آنان را با سنگریزه تیره



الله علیه و آله نبوت و از برای علی و ائمه علیهم السلام بامامت ، پس گفتند قوم او که ما ایمان نیاوریم بر اینکه این امر و فرمان از خدای تو است تا آنکه ما خدا را عیاناً و آشکارا مشاهده نمائیم و خودش بما خبر بدهد بر این امر و خدا خودش بما بگوید که اقرار کنید بر نبوت محمد و امامت علی و ائمه از اولاد او . پس ناگاه اخذ نمود ایشان را برق سوزنده و علانیه و آشکار و سوختند آنکسانیکه این را گفته بودند ، پس موسی بباقی ماندگان ایشان فرمود آیا قبول و اعتراف میکنید شما یا نه و اگر قبول نکنید نبوت و امامت ایشان را پس شما نیز مثل آنها سوخته خواهید شد ، پس گفتند باقی ماندگان که ما نمیدانیم برایشان چه گذشته و بر سر آنها چه بلاها آمده ، پس ای موسی هر گاه بسوده است سوخته شدن ایشان از جهت رد آنها و قبول نکردن ایشان نبوت ایشان و امامت علی «ع» و اولاد او را پس سؤال کن از خدای خود بحق محمد «ص» و آل او که ایشان را زنده نماید تا آنکه ما از آنها سؤال نمائیم از سبب سوختن ایشان .

پس موسی دعا کرد و خدا را بمحمد و آل او قسم داد پس خداوند ایشان را زنده کرد و از آنها سؤال نمودند از سبب سوختن آنها ، پس ایشان گفتند که جهت بلای ما و سوخته شدن ماها عدم اعتقاد ما بود بر امامت علی و اولاد او بعد از نبوت محمد «ص» پس دیدیم بعد از مردن و سوختن خودمان ملکوت خداوند را از آسمانها و حجابها و عرش و کرسی و جنان و دوزخ ، پس ما ندیدیم در آنها کسی را که امر او و فرمان او نافذتر باشد و سلطنت او بزرگتر گردد از محمد

---

باران کرده و از بین بردند . روضة الصفا ج ۲ ص ۱۶ .

و عرب برای اهمیت واقعه او را مبدأ تاریخ قرار دادند و حضرت نبی اکرم در این سال پرمیمنت با قدم خود دنیا را منور گردانید .

وعلی وفاطمه و حسن و حسین ، و بدرستیکه وقتیکه ما مردیم بر همین صاعقه و برق سوزنده بردند ما را بسوی دوزخ پس ندا نمود محمد و علی ماسالك دوزخ را که آنها را از عذاب آتش دوزخ نگهدارید و برایشان عذاب نکنید زیرا که آنها زنده میشوند بسؤال يك سؤال کننده که قسم میدهد خداوند عزوجل را بحق ما و بحق اولاد طاهرین ما .

پس خداوند عالمیان در این آیه خطاب فرمود باهل زمان محمد صلی الله الله علیه و آله که : ای بنی اسرائیل پس وقتیکه پدران سوخته و مرده شماها سوختند بسبب انکار ولایت و امامت علی و اولاد طاهرین او زنده شدند بسبب دعا و شفاعت محمد و آله الطاهرین «ع» پس واجب است بر شما که متعرض نشوید بآنچه پدران شما انکار نمودند و هلاک شدند و دوباره زنده گردیدند به شفاعت ایشان<sup>(۱)</sup> . تمام شد تفسیر امام علیه السلام .

پس این آیه وافی هدایه و این تفسیر شریف دلالت واضحه کرد بر وقوع رجعت و زنده شدن بعد از مردن و بلکه بعد از سوختن و پراکنده شدن و متفرق بودن اجزاء انسان و خاکستر او بر عالم ، و دلالت از این واضحتر نمیشود و برهان از این لائقتر و روشنتر نمیباشد .

( آیه دوم ) قوله تعالى « الم ترالى الذين خرجوا من ديارهم وهم الوف حذر الموت فقال لهم الله موتوا ثم احياهم »<sup>(۲)</sup> یعنی آیا نگاه نمیکنی بسوی آنکسانی که خارج و بیرون شدند از خانههای خود از خوف مرگ و ایشان چند هزار بودند پس خداوند فرمود بآنها که بمیرید و ایشان مردند پس بعد از زمانها آنها را زنده نمود .

(۱) تفسیر برهان ج ۱ ص ۶۳ .

(۲) البقرة : ۲۴۳ .



و این آیه شریفه نیز دلالت کرد بر زنده شدن بعد از مردن ، و حاصل این قصه اینست که در اصول کافی ثقة الاسلام کلینی اعلی الله مقامه نقل نموده :  
 از حضرت امام محمد باقر<sup>(۱)</sup> و امام جعفر صادق علیهما السلام بدستیکه این جماعت از اهل يك شهر بودند از شهرهای شام و هفتاد هزار خانه وار بودند و در هر سال طاعون در میان ایشان ظاهر میشد ، پس در اول بسروز طاعون اغنیاء از شهر بیرون میشدند و فقراء از جهت عدم تمکن باقی میماندند پس فقراء زیادتر میمردند و اغنیاء کمتر ، پس فقراء میگفتند : اگر ما نیز بیرون میشدیم کمتر می مردیم و اغنیاء هم میگفتند اگر ما نیز میماندیم زیادتر میمردیم ، پس در سالی رأی آنها متفق گردید که اگر طاعون در میان ایشان بروز نماید اغنیاء بر فقراء اعانت کنند و همه اهل آن شهر بیرون روند ، پس در اول احساس طاعون در آن سال جمیع اهل شهر بیرون رفتند و از محل طاعون دور شدند و سفر نمودند ببلاد

---

(۱) محمد بن علی ملقب از رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم به « باقر العلوم » و مکنی به ابو جعفر در روز جمعه یا شنبه اول یا ۲۲ رجب و بقولی روز سوم صفر سال ۵۷ یا ۵۸ هجری متولد گردید و والده ما جدّه آنجناب ام عبدالله دختر سبط اول حضرت امام حسن مجتبی است ، و آن حضرت اول کسی است که نسل حسنین علیهما السلام را جمع نمود چنانچه تمام فضائل و مناقب آنان را بارش برده بود . روز دوشنبه هفتم ماه ذی حجه یا ربیع الاول و بقولی ربیع الثانی در مدینه طیبه در خانه خود بعلت زهری که ابراهیم بن ولید والی مدینه در میان طعام بآنحضرت خورانیده بود که حضرت سخت مریض شده و بعد از چند روز از دنیا رفتند و بقولی هشام بن عبدالملک آنحضرت را مسموم گردانید در سن ۵۷ سالگی در سال ۱۱۴ رحلت فرمودند . جنات الخلود ص ۲۶ و ارشاد ص ۲۶۱ .

واطراف آنقدر که خداوند خواسته بود ، پس مرور کردند و گذرایشان بشهر خراب افتاد که اهل آن شهر را نیز طاعون هلاك و متفرق نموده بود ، پس نزول کردند در آن خرابه و رحل اقامت انداختند و برقرار شدند پس خدای قهار بر آنها فرمود که بمیرید جمیعاً پس همه ایشان در يك ساعت مردند و پوسیده و استخوان آنها رمیم شد .

و چونکه استخوانهای ایشان در سر راه مردم و اهل قافله و کاروان بود از این جهت اهل کاروانها استخوانهای آنها را جمع نمودند و در يك طرف گذاشتند پس گذریکی از انبیاء بنی اسرائیل بر استخوانهای ایشان افتاد که نام او (حزقیل) بود پس وقتی که دید آن استخوانها را گریه کرد و عبرت گرفت پس عرض نمود: ای خداوند عالمیان همچنانکه این جماعت را در يك ساعت میرانده و همه را در يكدم هلاك نموده ای قادری که همه ایشان را در يك آن زنده نمائی تا آنکه بعد از زنده شدن مملکت و بلاد تو را آباد بکنند و بندگان تو از اینها متولد شوند و اینها نیز ترا عبادت کنند مثل سائربندگان تو .

پس خداوند عالم وحی فرمود بآن پیغمبر که: آیا دوست میداری که ایشانرا زنده کنم؟ عرض کرد: بلی ای خدای من ، پس خداوند اسم اعظم را باوحی نمود که بگوید، پس وقتی که حزقیل گفت آنچه را که خداوند باو یاد داده بود نظر نمود بسوی آن استخوانها دید که آنها بحرکت آمدند و بعضی از آنها بسوی بعضی دیگر طیران نمودند پس همه آنها زنده شدند و نظر نمودند ایشان بطرف همدیگر و تکبیر و تهلیل و تقدیس گفتند بر خدا ، پس حزقیل در این وقت گفت: شهادت میدهم بر اینکه خداوند بر همه چیز قادر است و قدرتش بر جمیع کاینات شامل است . پس حضرت صادق «ع» فرمود که این آیه در حق آنجماعت نازل شده<sup>(۱)</sup> تمام شد تفسیر آیه .



پس آیه شریفه و این تفسیر منقول دلالت واضحی نمود بر رجعت و زنده شدن مرده‌ها و عیش آنها بعد از زنده شدن پس استبعاد رجعت رفع شد و وقوع آن ثابت گردید .

(آیه سیم) قوله تعالى «او كالذي مر على قرية وهي خاوية على عروشها قال انى يحيى هذه الله بعد موتها فاما لله مائة عام ثم بعثه»<sup>(۱)</sup> یعنی یا مثل آنکسیکه مرور نمود بیک قریه و دهی که آن خراب شده بود اهل آن قریه همه مرده بودند و گفت چطور زنده میکند اینها را خداوند بعد از مردن آنها یعنی از فهمیدن کیفیت زنده شدن و زنده نمودن بعد از مردن عاجز ماند و اعتراف بعجز خود نمود ، پس خداوند او را میراند و صد سال مرده و بسدن او ماند ، و بعد از صد سال او را زنده نمود و خر او را که مرده بود نیز زنده کرد و بعد از پوسیده شدن و متفرق بودن اجزاء خر زنده شد .

و حاصل این قضیه از قراریکه صاحب تفسیر قمی و عیاشی از حضرت صادق علیه السلام نقل نمودند چنانست که بعد از آنکه (بخت نصر)<sup>(۲)</sup> تمام بنی اسرائیل

(۱) البقره : ۲۵۹ .

(۲) بخت نصر به ضم باء و سکون خاء و فتح نون و فتح و تشدید صاد اسم پادشاه ظالم و جبار معروف است .

شمس الدین سامی در قاموس الاعلام گوید : دونفر آثوری باین نام سلطنت کرده‌اند :

اولی از تاریخ ۶۶۷ تا ۶۴۷ قبل از میلاد مسیح بوده که در «نینوی» حکومت داشته سپس «میدیا» - عراق عجمی و آذربایجان - را بعد از قتل «ارفخشاد» حاکم آنها بحیثه تصرف خود آورد و وزیر خود «هلوفرن» را بالشکر جرار بتصرف سوریه و فلسطین مأمور کرد وی در محاصره شهر «بتولیه» بادست یکدختر

را کشت حتی يك عجوزه مسانده بود او را نیز پیدا کرد و کشت ، و در آخر امر خود بختنصر کشته شد و جسد های مرده ها در بیابان ماند ، پس بیرون شد

یهودی کشته شد ، بعد از این واقعه ستاره بخت نصر افول کرد و در یکی از جنگها مقتول گردید .

دومی بخت نصر بزرگ است که آثوریه را با بلبستان متحد نموده حاکم اینها گشت و در تاریخ ۶۰۶ قبل از میلاد به فلسطین سوق الجیش کرده «یهویا قیم» حاکم فلسطین در خود یارای مقاومت ندیده طوق اطاعت او را در گردن نهاد ، مأمورین که او را به پیش بخت نصر می آوردند در بین راه از ترس زهره چاک شد و مرد بخت نصر پسر او «یحینو» را بجای او نصب کرد بعد از صد روز او را با احبار و علماء یهود و حضرت دانیال و حزقیل اسیر کرده به بابل انتقال داد و عمومی وی « صدقیا » را بحکومت بنی اسرائیل منصوب کرد ، بعد از نه سال صدقیا یاغی شده خروج نمود بخت نصر دوباره بطرف فلسطین عسکر فرستاد بقولی بعد از دو سال محاصره بیت المقدس را تصرف کرده و آنجا را خراب کرده و آتش زد و عموم بنی اسرائیل را اسیر کرده به بابل برد و پس از آن شهر صور را نیز متصرف شد و سپس بمصر لشکر کشی کرده مصر سفلی را مقهور و مغلوب خود ساخته و از آنجا غنایم بی شمار بدست آورد بابل را خیلی آباد کرد این قهر و غلبه روز افزون در افکار وی اثر گذاشت بداعیه الوهیت افتاده امر نمود هر جا مجسمه های او را نصب کرده سجده نمایند ، بالاخره این اعمال باعث شد نعمت بزرگ الهی «عقل» را از دست داد خود را گاو خیال می کرد به بیابانها افتاد در این مدت زن او مملکت را اداره می کرد ، بعد از هفت سال عافیت پیدا کرده از این عمل بدخود پشیمان و دوباره مشغول سلطنت شده در تاریخ ۵۶۲ قبل از میلاد و بقول دائرة المعارف وجدی در ۵۵۱ وفات کرد .

حضرت ارمیا پیغمبر بنی اسرائیل و سوار شد بخر خود و با او بود يك قدر کاه برای خر و يك قدری طعام و شربت برای خود پس نظر کرد بسوی مرده ها که در بیت المقدس و اطراف آنها از دهات کشته شده بودند، پس دید که درنده های بیابان و درنده های دریا و هوا این بدنهارا میخورند ، پس يك ساعت در نفس خود فکر نمود و بعد از آن گفت چگونه اینها را زنده میکند خداوند و درنده ها این جنه ها را خورده اند ، پس خداوند او را در آن مکان میراند ، و اینست قول خدای تعالی «او کالذی مر علی قرية وهی خاویة» الایة .

پس وقتی که خداوند رحم کرد بر بنی اسرائیل و هلاک نمود بختنصر را رد فرمود بنی اسرائیل را بر دنیا و جمعی از ایشان را بد دنیا برگردانید ، و زمانی که خداوند قهار مسلط گردانیده بود بختنصر را بر بنی اسرائیل حضرت عزیر پیغمبر گریخته بود و داخل شده بر چشمه و غائب شده بود در آن و باقی ماند ، ارمیا در حالتی که مرده و میت بود صدسال پس بعد از صدسال خداوند قادر او را زنده کرد ، پس اول چیزیکه از او زنده نمود چشمهای او بود مثل سفیدی تخم مرغ ، پس نظر کرد ارمیا و وحی نمود بر او خداوند که چقدر مکث کردی؟ عرض نمود : يك روز پس نظر بافتاب کرد دید که آفتاب بلند شده عرض کرد: یا بعض از روز . پس خداوند فرمود : بلکه مکث کردی صدسال پس نظر کن بسوی طعام و شربت خود که تغییر نکرده و نظر کن بخر خود و هر آینه میگردانم این طور زنده شدن ترا آیه برای مردم و نظر نما باستخوانهای پوسیده چطور آنها را از جای ریخته شده بلند میکنیم و آنها را روی همدیگر میگذاریم و زنده میکنیم و بعد از آن گوشت بر روی آنها میکشیم ، پس ارمیا نظر میکرد باستخوانهای پوسیده متفرقه که جمع میشد باو و نظر مینمود بگوشت همچنانکه خورده بود آنها را درنده ها که میآمد بسوی استخوانها از این طرف و از آن طرف



و میچسبید با استخوانهای او تا آنکه خودش و خرش هر دو بر خاسته پس گفت که میدانم خداوند بر هر چیزی قادر است<sup>(۱)</sup> تمام شد تفسیر قمی و تفسیر عیاشی .  
 و در احتجاج و کمال الدین نیز این قصه را بارمیا نسبت داده اند مثل دو تفسیر سابق ، و لکن در سه و چهار خبر دیگر این قضیه را بحضرت عزیر نسبت داده اند ، و بعضی علماء در بین این احادیث منافات خیال نمودند و در نظر حقیر ابدأ تنافی نیست ، زیرا که این طور قضیه هم برای ارمیا و هم برای عزیر اتفاق افتاده اما ارمیا از جهت تعجب او از کشته های بختنصر چنانکه شنیدی و اما عزیر از جهت تعجب نمودن او از مردن قوم خودش جمیعاً در یک روز ، چنانکه بر این تصریح فرموده محدث کاشانی<sup>(۲)</sup> اعلى الله مقامه .

بر هر تقدیر این آیه و این احادیث بسیار که در تفسیر آیه وارد شده دلیل واضح و برهان لائح است بر امکان و وقوع رجعت در امم سابقه و اتفاق زنده شدن مردها در قرون ماضیه .

(آیه چهارم) قوله تعالى حكاية عن عيسى «وابریء الاکمه و الابرص و احی الموتی باذن الله»<sup>(۳)</sup> یعنی من شفا میدهم کور مادرزاد را و شخص برص گرفته را و زنده میکنم مرده ها را باذن خداوند ، و معنی موتی مرده ها است یعنی قدرت من که خدا بمن داده آنست که هر قدر مرده خواسته باشید و هر وقت که میل داشته باشید زنده میکنم باذن خدا .

و از این آیه معلوم میگردد که حضرت عیسی بسیار از مرده ها را زنده کرده ، چنانکه از کتب اخبار و قصص انبیاء مستفاد می شود ، و در تفسیر عیاشی نقل کرده

(۱) عیاشی ج ۱ ص ۱۴۰ و تفسیر قمی ج ۱ ص ۸۶ .

(۲) تفسیر صافی ص ۷ طبع تبریز .

(۳) آل عمران : ۴۹ .

خواهد شد. عیسی فرمود: بلکه میخوری و زندگانی می کنی و مدت بیست سال میمانی و زن میگیری و از برای تو اولاد میشود. پس عرض کرد: قبول میکنم باقی ماندن را پس او را داد بمادرش و او بیست سال زندگانی و عیش نمود و از او اولاد متولد گردید<sup>(۱)</sup> تمام شد حدیث.

و از این قبیل احادیث بسیار است، چنانکه در حیاة القلوب و بحار نقل فرمودند، بلکه این نحو قضایا از برای پیغمبر ما محمد صلی الله علیه و آله بسیار اتفاق افتاده، یکی از آنها آن حدیث است که در احتجاج از حضرت سید الشهداء نقل کرده و در کتاب توحید از حضرت امام رضا علیهما السلام منقول شده که اجتماع نمودند جماعت قریش در نزد حضرت رسول صلی الله علیه و آله پس عرض کردند که: مرده های ما را زنده کن. پس آنحضرت امیر المؤمنین علیه السلام را با ایشان فرستاد و فرمود بآنحضرت که: با اینها بروی بجبانه پس ندا کن بصوت بلند باسم ایشان که آنها را زنده میخوانند و بگو ای فلان وای فلان وای فلان محمد «ص» بشما میگوید که برخیزید باذن خدا. پس حضرت امیر المؤمنین چنان کرد پس ایشان زنده شدند و برخاستند در حالی که خاک از سر آنها میریخت، پس قریش آمدند و از مرده های خود احوال پرسیدند و بعد از گفتگوهای ایشان مرده ها خبر دادند بقریش که محمد پیغمبری مبعوث شده و گفتند آن مرده ها که ما آرزوی کنیم که کاش زمان او را درک میکردیم و باو ایمان می آوردیم. پس حضرت رضا «ع» فرمود که: هر آینه آنحضرت شفا داد کور مادرزاد را و شخص ببرد مبتلا شده را و دیوانه شدگان را و با آنحضرت حیوانات تکلم نمود و مرغها و جن و شیاطین با آنحضرت سخن گفت<sup>(۲)</sup> تمام شد.

(۱) عیاشی ج ۱ ص ۱۷۴ تفسیر برهان ج ۱ ص ۳۱۱.

(۲) توحید صدوق ص ۳۰۶ ط مصطفوی.

واحادیث در این مقام بسیار است و ذکر آنها باعث تطویل است ، و حاصل این آیات شریفه و اضحة الدلالة است بروقوع رجعت در زمان سابقه و زنده شدن جمعی از مرده‌ها در قرون ماضیه ، واحادیث که در تفاسیر این آیات است دلالت آنها واضحتر و برهان بودن آنها روشن‌تر است بروقوع رجعت ، و هر چیزیکه در حد نفس خود ممکن الوقوع باشد و بودن او محال نباشد انکار آن کار عاقل نیست بلکه انکار آن کاشف است از نبودن عقل و سفاقت و بلادت صرفه و عدم شعور بالمره . و اگر بر چیز ممکن خبر دهد يك شخص صادق بلکه يك معصوم و خصوصاً خبر بدهد بوقوع آن خالق معصوم پس انکار آن کفر محض خواهد بود و زندقه صرف خواهد شد .

و این قاعده کلیه است در تمام اصول الدین و فروع آن ، پس در اینجا نیز چنین است زیرا که رجعت و زنده شدن مرده امر ممکن است و وقوع آن عقلاً محال نیست و مخبر صادق که پیغمبر و امام باشد بآن خبر دادند و خالق عصمت و معصوم نیز در قرآن در آیات سابقه بآن خبر داده و بروقوع آن اخبار فرموده . پس عقل بطور یقین میداند که آن صحیح است و موافق واقع است و منکر آن انکار ضروری می‌کند و آن هم کافر و مخلد در دوزخ است زیرا که اگر کسی منکر ضرورت و بدیهی عقل شود از زمره عقلا خارج و داخل در نوع حیوانات خواهد گشت و این کس قابلیت ندارد که با عقلا و دانایان داخل بهشت گردد بلکه باید او را بجای مناسب شأن او ببرند و او را در محل جهل جحیم و در محبس عناد جهنم حبس کنند تا با عدالت واقعیه درست باشد و با میزان واقعی موافق گردد .

اینست که منکر ضروری دین و انکار بدیهی عقل و یقین در جهنم مخلد و دائم خواهد شد و در دنیا کافر و در زمره سك و خوك نجس می‌گردد ، زیرا



که نجاست عبارت است از خبائث واقعی و کثافت معنوی و آن انکار ضروری و عناد با امر عقلی و یقینی است و عدم انقیاد به فرمایش صاحب شرع است، و از این جهت است نجاست کفار زیرا که ایشان منکر نبوت هستند با آنکه نبوت پیغمبر ما از اقوای ضروریات و ابده بدیهیات است، و چونکه آنها انکار نبوت نمودند و از مقتضای عقل و یقین خارج شدند صاحب شرع حکم فرمود نجاست ایشان در آیات و اخبار متواترات، چنانکه این مطلب را با تفصیل در کتاب طریق صواب بیان کردیم و پرده را برداشتیم.

و علت نجاست منکر ضروری دین و انکار کننده عقل و یقین در نظر صاحب شرع اینست که این قسم اشخاص را و این نحو آدم را اهل دین بمیان خود راه ندهند و از آنها اجتناب نمایند و با آنها معاشرت و مباشرت نکنند و ایشان را مثل بول و سگ نجس بدانند تا آنکه اهل دین و عقل و یقین از شر و فساد آنها محفوظ باشند، و تا آنها متدینین را و صاحبان عقل و یقین را ضایع و از دین بیرون نکنند و کسی نیز از اهل ایمان بآن اعتقاد نباشد. و ذکر تفصیل این مطلب در اینجا مناسب نیست و مقصود اشاره بود بآن فی الجملة.

و حاصل اینست که مسئله رجعت در شرع انور ضروری است و قرآن بر آن دلالت کرده و اخبار آل اطهار بآن ناطق شده با وجود آنکه خود رجعت ممکن است و در عقل محال نیست، و وقتیکه قرآن بر آن ناطق گردید پس آن ضروری می شود، و آیات داله بر رجعت واقعه در امام سابقه زیاد بود و لکن ما اکتفاء نمودیم بر همین پنج آیه مذکوره زیرا که در آنچه ذکر شد کفایت است از برای اهل بصیرت، و قضیه زنده شدن مرغها در دست حضرت ابراهیم از این قبیل است، و زنده شدن اصحاب کهف را بعد از سیصد و نه سال مرحوم صدوق بر رجعت حمل کرده و بزنده شدن آنها بعد از مردن قائل شده و از علماء

عامه نقل فرموده که ایشان گفتند نزول عیسی در آخر الزمان و نماز کردن او با مهدی صاحب الزمان رجعت او است .

وما بعد از آیات سابقه احتیاج باین فرمایش نداریم پس وقتیکه مقدمه واضح گردید و رجعت فی الجمله ولو در امم سابقه ثابت شد ، پس معلوم میشود وقوع آن در این امت بدون شبهه زیرا که بدلیل واضح معلوم شد که زنده شدن محال نیست و رجعت ممکن است ، و چیزیکه ممکن شد وقوع آن اشکال ندارد و وقتیکه مخبر صادق مثل پیغمبر ما خبر داد بر وقوع آن پس یقین کامل برای شخص عاقل حاصل می شود بر وقوع رجعت و زنده شدن بعد از مردن در این امت نیز .

اما خبر دادن حضرت رسول صلی الله علیه و آله بر وقوع آن و غیر آن در این امت پس آن حدیث متواتر است در میان عامه و خاصه که احدی در صدور آن شبهه نکرده از اهل اسلام و آن حدیث اینست که فرمود: می باشد در این امت مثل آنچه در امم سابقه واقع شده است مانند موافقت دوتای نعل و پره های تیر بایکدیگر . تمام شد .

پس از این حدیث معلوم می شود رجعت در این امت از محتومات است و لابد است از وقوع آن .

## آیات رجعت

(حضرات ائمه معصومین علیهم السلام)

والحاصل مقدمه معلوم شد شروع نمائیم باصل مقصود و آن بیان آیات است که تفسیر شده بظهور حضرت مهدی قائم و رجعت ائمه طاهرین «ع» و اثبات این مطلب ، پس می گویم بعون الله تعالی و ببرکت ائمه هدی .  
(آیه اول) در جزو ثانی از سوره بقره قوله تعالی « اینماتکونوا یات بکم الله جمیعاً »<sup>(۱)</sup> یعنی در هر جا بوده باشید خداوند عالمیان تمامی شما را می آورد و حاضر می کند .

در تفسیر صافی فرموده که : در اخبار و احادیث اهل بیت علیهم السلام وارد شده که مراد از این آیه وافی هدایه اصحاب حضرت مهدی قائم حجة بن الحسن است در آخر الزمان<sup>(۲)</sup> یعنی خدای قادر اصحاب آنحضرت را در یک زمان اندک همه ایشان را بحضور آنحضرت حاضر می کند .

و در تفسیر عیاشی و مجمع البیان در تفسیر این آیه از امام رضا علیه السلام

(۱) البقرة : ۱۴۸ .

(۲) الصافی ص ۵۰ .

نقل کرده که آن حضرت فرمودند : و هر گاه قائم شود و ظاهر گردد قائم ما اهل بیت پس البته جمع میکند خداوند عالم تمامی شیعیان ما را و حاضر می گرداند آنها را از جمیع شهرها و بلادها بخدمت آن حضرت و همه در حضور او میباشند<sup>(۱)</sup>.

و در تفسیر عیاشی و کتاب کمال الدین از حضرت صادق «ع» روایت کرده اند که فرمود : بتحقیق نازل شده این آیه در اصحاب حضرت قائم حجة ابن الحسن «ع» ، و بدستیکه اصحاب آن حضرت مفقود می شوند شب از فراش خود پس صبح می کنند در مکه و بعضی از ایشان در روز سیر می کنند در میان ابرو ما می شناسیم نام او را و نام پدر او را و نسب او را<sup>(۲)</sup> تمام شد حدیث .

پس این احادیث دلالت واضحه نمود بر اینکه این آیه شریفه در خصوص اصحاب آن حضرت نازل شده ، و مقصود خداوند از جمع شدن مردم جمع شدن در خدمت او است ، و خدایتعالی بقدرت خود اصحاب آن بزرگوار را بدور او جمع می کند بدون زحمت بایشان بلکه همه آنها یابطنی الارض و یابابری می آیند بخدمت او .

(آیه دوم) در جزو ثانی از سوره بقره قوله سبحانه و تعالی «و لنبلونکم بشیء

من الخوف و الجوع و نقص من الاموال و الانفس و الثمرات و بشر الصابرين» (۳)

یعنی البته اختبار و امتحان میکنیم شمارا بچیزی از ترس و گرسنگی و ناقص شدن مالهای شما و نقصان نفس شما و کمی ثمرهای زراعت و اشجار شما تا از برای خود شما معلوم گردد که کدام یکی از شما از امتحان سالم بیرون میشوید و بشارت بده در این وقت صبر کنندگان را. این حاصل ترجمه آیه بود .

(۱) عیاشی ج ۱ ص ۶۶ مجمع البیان ج ۱ ص ۲۳۱ .

(۲) عیاشی ج ۱ ص ۶۷ .

(۳) البقره : ۱۵۵ .



و در ا کمال الدین مرحوم صدوق از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده در تفسیر این آیه شریفه که آن حضرت فرمود که : این علامات قبل از ظهور حضرت قائم آل محمد صلی الله علیه و آله واقع می شود ، و اینها از جانب خداوند بر مؤمنین وارد می گردد .

و فرمود : بچیزی از خوف و ترس از پادشاهان بنی امیه در آخر سلطنت آنها و گرسنگی بسبب گرانی نرخها در میان مردم و نقصانی مالهای مردم بفساد تجارت و کمی منفعت و نقصان در نفس مردم بمرک زرد و بمردن فاحش و کمی ثمرات و میوه ها بسبب قلت حاصل و کمی دخل زراعتها و بشارت بدهید بر صبر کنندگان در این وقت که همه اینها بوقوع رسید بتعجیل ظهور قائم آل محمد «ص» . پس بعد از این فرمود که : این تأویل آیه هست و تأویل آن را نمی داند مگر خدا و آنکسانیکه راسخ در علمند <sup>(۱)</sup> تمام شد حدیث .

ولکن این حدیث محتاج بیان است در چند فقره آن :

اول- فرمایش آن حضرت که فرمود ترس از پادشاهان بنی امیه و ظاهر امراد از ایشان بنی فلان باشد زیرا که ایشان از نسل بنی امیه هستند همچنانکه این را مورخ فرانسوی تفصیلاً نوشته و جناب مؤید الاسلام در جریده خود که در اول محرم سال هزار و سیصد و بیست و هشت نوشته از او نقل نمود هر که خواهد بآن جریده رجوع کند .

دوم- فرمایش آن حضرت که مردم بمرک زرد و موت فاش مرده میشوند که معنای موت ذریع <sup>(۲)</sup> روایت است ظاهراً مراد از این مرک و بائی باشد و یا مرک پی در پی باشد که بسیار مردم در اندک زمانی تلف می شوند یا بجنک و یا

(۱) کمال الدین ج ۲ ص ۶۴۹ .

(۲) ذریع مانند سریع در وزن و معنی .

بغير جنك ومقصود زياد شدن مرده‌ها است از متعارف .

سیم - فرمایش آن حضرت که این تأویل آیه است ، و مراد از این تأویل آخر تفسیر است که فرمود « بشر الصابرين بتعجيل ظهور القائم » یعنی متصل شدن بتعجيل ظهور القائم تأویل است نه تفسیر ، و این را غیر خداوند و راسخین کسی نمیداند . و حاصل اینست که این حدیث صحیح وارد در تفسیر آیه در مقام بیان بودن آیه هست در تعداد علامات ظهور حضرت قائم پس آیه مع تفسیر دلیل واضح است در بیان علامات ظهور آن حضرت و در خبر دادن از لابدیه ظهور آنجناب .

( آیه سیم ) در جزو دوم از سوره بقره قوله تعالى « وقاتلوهم حتی لا تكون فتنة ویكون الدین لله فان انتهوا فلا عدوان الا علی الظالمین » <sup>(۱)</sup> یعنی بکشید کفار را تا فتنه نباشد در زمین و شرك برداشته شود و بوده باشد دین خالص از برای خداوند پس اگر برگشتند و قبول اوامر و اطاعت خداوند نمودند پس عدوان نیست مگر بر ظالمان ، یعنی بعد از توبه از کفار دست برداشته می‌شود و از ظالمان برداشته نمی‌شود و ظالمان را می‌کشند و برایشان تعدی می‌شود . این حاصل ترجمه آیه .

و در اخبار معتبره وارد شده که مراد از ظالمان در این آیه اولاد قاتلان حضرت امام حسین علیه السلام و بدست مبارك امام عصر عجل الله فرجه برایشان تعدی که جزاء اعمال و اعتقاد ایشان است خواهد شد و آنها را حضرت قائم می‌کشد ، چنانکه صدوق اعلی الله مقامه در علل الشرایع از حضرت امام رضا علیه السلام روایت کرده که از آن حضرت پرسیدند که چه میفرمائید در حدیثی که از حضرت صادق « ع » نقل شده که فرمودند : وقتیکه قائم ما اهل بیت

ظاهر می شود می کشد اولاد قاتلان حضرت امام حسین را بسبب افعال و کردار پدران آنها . حضرت رضا فرمودند : حدیث صحیح است . پس عرض کردند : خداوند عالم می فرماید «ولاتور وازرة ووزرا خری»<sup>(۱)</sup> یعنی کسی وزر و گنساه و وبال کسی دیگر را بر نمیدارد . حضرت فرمود : راست فرموده خداوند در جمیع اقوالش و فرمایشاتش ، ولکن اولاد قاتلان حضرت امام حسین «ع» راضی می شدند بکرده های پدران خود و فخر می کردند بآن کردار ایشان ، و هر کسی که راضی باشد بچیزی می شود مثل آنکس که آن را نموده و هر گاه يك کسی کشته شود در مشرق پس راضی شود بمردن او در مغرب کسی پس در آینه می شود راضی بقتل او شريك آن قاتل در نزد خداوند عالم ، پس بدرستی که می کشد حضرت قائم آل محمد «ص» در وقت ظهورش اولاد قاتلان سید الشهداء را بسبب راضی بودن ایشان بکرده های پدران خود<sup>(۲)</sup> .

و روایت نموده در تفسیر عیاشی از حضرت صادق «ع» در تفسیر «فلا عدوان الا علی الظالمین»<sup>(۳)</sup> که فرمود : عدوان و تعدی نیست مگر بر اولاد قتله حضرت امام حسین یعنی در دست مبارك حضرت قائم در زمان ظهورش . و باز هم عیاشی در روایت دیگر نقل نموده از امام علیه السلام که خداوند قهار تعدی نمی فرماید و مجازات سخت نمی کند مگر بر اولاد قتله سید الشهداء<sup>(۴)</sup> یعنی در وقت قیام حضرت قائم آل محمد «ص» . تمام شد حدیث .  
پس از این احادیث معتبره معلوم شد که این آیه شریفه در دست حضرت

(۱) فاطر : ۱۸ .

(۲) علل الشرایع ج ۱ ص ۲۲۹ .

(۳) البقرة : ۱۹۳ .

(۴) عیاشی ج ۱ ص ۸۶ .

حجت عجل الله فرجه جاری خواهد شد و عدوان بر ظالمان در زمان ظهور آن حضرت واقع می شود و فتنه در وقت آن بزرگوار رفع شود و دین خالص از برای خداوند در آن زمان می گردد ، و واضح گردید که تفسیر این آیه یا تأویل آن در دست آنجناب ظاهر خواهد شد و آنچه ما ذکر نمودیم از این احادیث واضح است و محتاج بتأمل و تفکر نیست پس این آیه نیز در شان امام عصر حجة بن الحسن علیه السلام است .

(آیه چهارم) در جزو دوم از سورة بقره قوله سبحانه و تعالی «هل ينظرون الا ان يأتیهم الله فی ظلل من الغمام والملائكة وقضى الامر»<sup>(۱)</sup> یعنی آیا نظر می کنند این قوم و منتظر می شوند این را که بیاید برایشان خداوند عالم در سایه هائی از ابر و بیاید ملائکه بر آنها و اگر ملائکه بیاید امر تمام می شود و مهلت به آنها داده نمی شود .

این ترجمه ظاهر آیه و در قرائت اهل بیت علیهم السلام آیه نحو دیگر است ، زیرا که حضرت امام رضا «ع» این نحو قرائت نموده «الا ان یأتیهم الله بالملائكة فی ظلل من الغمام» چنانکه در تحفة الاخیار که در قرائت الائمة الابرار است این را نقل نمودم .

بهر تقدیر از تفسیر این آیه معلوم می شود که این آیه مبارکه در خصوص حضرت قائم آل محمد «ص» نازل شده و مراد از ملائکه که نازل می شود اعوان و انصار آن حضرت است که از آسمان بنصرت آنجناب می آیند ، چنانکه عیاشی در تفسیر این آیه از حضرت امام محمد باقر «ع» روایت کرده که آن حضرت فرمود : گویا بدرستی که من نگاه میکنم بقائم اهل بیت بتحقیق استعلا کرده بر نجف اشرف شما پس وقتیکه بر نجف شما آمد نشر می کند علم



حضرت پیغمبر را پس وقتیکه نشر نمود رایت آن حضرت را نازل می شود  
بر حضرت قائم ملائکه بدر<sup>(۱)</sup>.

و حضرت باقر «ع» فرمود که: امام عصر عجل الله فرجه نازل میگردد در  
قبه‌هایی از نور در وقتیکه نازل شود به پشت کوفه که نجف باشد و وارد میشود  
در آنجا بفاروق که حضرت امیر المؤمنین علیه السلام است پس این در وقت  
نزولش می شود، و اما «قضی الامر» پس مراد از آن داغ گذاشتن است بر خرطوم  
کفار در روزیکه کافران را داغ میگذارند<sup>(۲)</sup>. تمام شد حدیث.

و ایضاً عیاشی از امام محمد باقر «ع» روایت کرده در تفسیر این آیه شریفه  
که فرمود: نازل می شود حضرت قائم «ع» در هفت قبه از نور و معلوم نمی شود  
که در کدام یکی است در وقت نزول آن حضرت در پشت کوفه پس این در  
وقت نزولش می شود<sup>(۳)</sup> تمام شد.

پس از این دو حدیث معلوم شد که مراد از آیه آن حضرت است و مقصود  
آمدن آنجناب است، و این بنا بر قرائت ائمه که ذکر شد موافق است، زیرا که  
ترجمه آن اینست مگر آنکه بیاورد خداوند بر ایشان ملائکه را در ظلها و پرده‌های  
ابر یعنی منتظر آن روز هستند که خداوند ملائکه را در سایبانهای ابر بر ایشان می آورد.  
و این معنی موافق همان دو حدیث سابق است، پس قرائت ائمه با تفسیر  
آیه مطابق شد زیرا که در تفسیر فرمود که حضرت حجت عصر «ع» در قبه‌های  
نور که عبارت باشد از سایبانهای ابر نازل می شود و بسا ملائکه هم میشود،  
و از همین جهت معلوم نشود که در کدام یکی است و در آیه نیز می فرماید که

(۱) عیاشی ج ۱ ص ۱۰۳.

(۲) عیاشی ج ۱ ص ۱۰۳.

(۳) عیاشی ج ۱ ص ۱۰۳.

خداوند ملائکه را برایشان می‌آورد و حاصل این همان است . پس معلوم شد که این آیه در شأن آن حضرت نازل گردیده .

(آیه پنجم) در سوره آل عمران در جزو سیم قوله تعالی « وَاِذَا خذَ اللهُ مِيثَاقَ النَّبِيِّينَ لَمَا آتَيْتُكُمْ مِنْ كِتَابٍ وَحِكْمَةٍ ثُمَّ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مُصَدِّقٌ لِمَا مَعَكُمْ لَتُؤْمِنُنَّ بِهِ وَلَتَنْصُرُنَّهُ »<sup>(۱)</sup> یعنی آن وقتیکه خداوند عالم از پیغمبران عهد گرفت هر آینه آنچه بشما دادم و عطا نمودم از کتاب و حکمت و بعد از آن بیاید بشما پیغمبر که شما و آنچه‌یزیرا که شما دارید و با شما است تصدیق نماید البته در این وقت بآن پیغمبر ایمان بیاورید و براو یاری کنید .

و در احادیث معتبره وارد شده که این آیه در رجعت واقع می‌شود و یاری و نصرت پیغمبران بر پیغمبر ما و وصی او در رجعت خواهد بود چنانکه در تفسیر قمی و عیاشی از حضرت صادق «ع» روایت کردند که فرمود : خداوند مبعوث نفرموده پیغمبر را از پیغمبران از زمان حضرت آدم تا حضرت نبی خاتم مگر آنکه از ایشان عهد گرفته که رجوع نمایند بدنیا و نصرت و یاری کنند امیر المؤمنین «ع» را ، و اینست معنی قوله تعالی «لَتُؤْمِنُنَّ بِهِ وَلَتَنْصُرُنَّهُ» یعنی ایمان بیاورید بر رسول الله صلی الله علیه و آله و یاری کنید بامیر المؤمنین<sup>(۲)</sup> تمام شد .

و در بصائر الدرجات از حضرت صادق «ع» روایت کرده است که فرمود : یعنی ایمان بر رسول خدا خواهند آورد و حضرت امیر «ع» را یاری خواهند کرد در رجعت . پس فرمود بخدا سو گند که هر پیغمبری که خدا مبعوث گردانیده است از آدم و هر که بعد از او است جمیع ایشان را بر میگرداند بدنیا تا قتال و جهاد کنند در پیش روی حضرت امیر المؤمنین علیه السلام<sup>(۳)</sup> .

(۱) آل عمران : ۸۱ .

(۲) تفسیر قمی ج ۱ ص ۱۰۶ تفسیر عیاشی ج ۱ ص ۱۸۱ .

(۳) حضرت علی بن ابیطالب سلام الله علیه ابو الحسن و ابو تراب کنیه

و در کتاب منتخب البصائر از کتاب واحده از حضرت امام محمد باقر «ع» روایت کرده است که حضرت امیر «ع» فرمود تا آنجا که میگوید: و چون ارواح پیغمبران را خلق کرد عهد و پیمان از ایشان گرفت که بما ایمان آورند و ما را یاری کنند، پس حضرت این آیه را خواند و فرمود: یعنی ایمان بیاورید به محمد «ص» و یاری کنید وصی او را و همه پیغمبران یاری خواهند کرد، و بدرستی که حق تعالی گرفت پیمان مرا و پیمان محمد را که یاری یکدیگر بکنیم و بتحقیق که من یاری کردم محمد را و جهاد کردم در پیش روی او و کشتم دشمنان

داشت مفتخر به دامادی حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم شوهر سیده نساء عالمین و پدر سیدان جوانان اهل بهشت و خانه زاد خدا که این افتخار از خواص آن حضرت می باشد زیرا کسی قبل از او و بعد از او باین افتخار بزرگ نائل نگشته و نخواهد گشت حتی موقع زائیدن مریم عیسی روح الله علی نبینا و آله و علیه السلام را امر بخروج از بیت المقدس شد.

والده ماجده آنجناب فاطمه بنت اسد بن هاشم است و آنحضرت اول کسی است که از دو هاشمی متولد شده و فاطمه بنت اسد مانند شوهرش حضرت ابوطالب به اسلام و پیغمبر اسلام خدمات بیشمار کرده.

خواص آن حضرت را احدی قادر بنوشتن و گفتن نیست، چطور امکان دارد در حالیکه پیغمبر خدا فرمود: یا علی خدا را غیر از من و تو کسی نشناخت و من را غیر از خدا و تو کسی نشناخت و تو را غیر از خدا و من احدی نشناخت روز جمعه ۱۳ ماه رجب سال ۳۰ پس از عام الفیل در کعبه «خانه خدا» متولد و ۱۹ ماه رمضان المبارک در مسجد کوفه «خانه خدا» بادست شقی ترین اولین و آخرین ابن ملجم مضروب و در ۲۱ ماه مذکور در اثر همان ضربت بشهادت رسیدند.

اورا و وفا نمودم از برای خدا بآنچه گرفته است از من از میثاق و پیمان دریاری محمد، و هنوز یاری من نکرده‌اند احدی از پیغمبران و رسولان خدا و بعد از این در رجعت یاری من خواهند نمود و ما بین مغرب و مشرق زمین از من خواهد بود همه، و البته خدا همه را مبعوث خواهد کرد از آدم تا خاتم هر پیغمبری و رسولی که بوده باشد و در پیش روی من شمشیر خواهند زد بر سر زنده‌ها و مرده‌ها که زنده شده باشند از جن و انس و چه بسیار عجب است و چگونه تعجب نکنم از مرده‌هایی که خدا ایشان را زنده کند و گروه گروه از قبرها بیرون آیند لبیک گویند و صدا بلند کنند که «لبیک لبیک یاداعی الله» و در میان بازارهای کوفه روند و شمشیرهای برهنه بردوشهای خود گذاشته باشند و بر سر کافران و جباران و اتباع آنها زنند از جباران اولین و آخرین تا آنکه حقتعالی وفا کند بوعده که فرموده برایشان در قرآن که «وعد الله الذین آمنوا»<sup>(۱)</sup> تا آخر آیه . تا آنکه فرمود : بدرستی که مرا برگشتنی بعد از برگشتن و رجعتی از بعد رجعتی خواهد بود و منم صاحب رجعتها و برگشتنیها و صاحب حکمها و انتقام کشیدن آنها و دولتهای عجب و منم مانند شاخی از آهن و منم بنده خدا و برادر رسول خدا و من امین خدا و خازن علم خدا و صندوق سر خدا و حجاب خدا و وجه خدا<sup>(۲)</sup> تا آخر حدیث که طولانی است .

پس این خبر شریف دلالت واضحه نمود بر اینکه این آیه شریفه در خصوص رجعت حضرت امیر المؤمنین «ع» است، و همچنین آن دو حدیث سابق که هر دو دلالت صریحه دارد در رجعت آن حضرت، و معلوم است که رجعت آن حضرت در زمان ظهور حضرت قائم آل محمد «ص» خواهد شد، و در این

(۱) النور : ۵۵ .

(۲) تفسیر برهان ج ۲ ص ۷۴۳ و ج ۱ ص ۱۸۲ .



سه حدیث هر چندیکه از ظهور قائم اسم نبرده است و لکن از قراین و امارات معلوم است که رجعت ائمه بعد از ظهور آنجناب واقع خواهد شد .

و ختم کنیم این آیه را بذکر دو حدیث :

اول آنها - در مجمع البیان از امیر المؤمنین «ع» نقل کرده که : بدرستیکه خداوند عالم پیمان گرفت از پیغمبران قبل از پیغمبر مسا براینکه خبر بدهند و اخبار کنند بر امتهای خود ایشان بر مبعوث شدن او و بر تعریف و توصیف او و بشارت بدهند بر امتها بآمدن او و مأمور شوند بتصدیق او <sup>(۱)</sup> .

دوم - باز هم از آن حضرت روایت نموده که فرمود : خداوند مبعوث نفرموده و ارسال نکرده هیچ پیغمبری را آدم باشد یا بعد از آدم مگر آنکه پیمان و عهد گرفته از آن براینکه هر گاه مبعوث فرمود خداوند حضرت محمد «ص» را و او زنده باشد البته باو ایمان بیاورد و براو نصرت و یاری کند و امر فرموده خداوند بر این که آن پیغمبران پیمان بگیرند بر این امر از قوم خود و امت خودشان <sup>(۲)</sup> .

پس از این دو حدیث شریف معلوم شد که احدی از پیغمبران نیامده مگر آنکه برای اظهار شأن و نبوت و خاتمیت و افضلیت پیغمبر ما و بیان ولایت و امامت اوصیای او واجب کردن و ختم نمودن اطاعت و انقیاد ایشان را بر امتان خودشان، و حدیث دوم صریح است در واجب بودن حضرت و یاری پیغمبران و امتان ایشان بر آن حضرت .

پس از دمه احادیث معتبره گذشته خصوصاً حدیثیکه از کتاب واحده نقل شده معلوم گردید که این آیه شریفه در خصوص رجعت ائمه علیهم السلام نازل

(۱) مجمع البیان ج ۱ ص ۴۶۸ .

(۲) مجمع البیان ج ۱ ص ۴۶۸ .

شده و در قرائت اهل بیت این آیه را بنحو دیگر قرائت فرموده اند چنانکه در تحفة الاخیار نوشته ام .

(آیه ششم) در جزو سیم از سورة آل عمران قوله تعالى «افغیر دین الله یبغون وله اسلام من فی السموات والارض طوعاً و کرها»<sup>(۱)</sup> یعنی آیا طلب می کنند غیر دین خدا را و حال آنکه برخدا و دین او سلم شده و گردن نهاده آنکس که در آسمانها و آنکس که در زمین است یا بر غبت و بطور دلخواهی و یا با اکراه و بطریق اجباری .

و در احادیث وارد شده که مضمون این آیه در زمان ظهور حضرت قائم خواهد شد ، و سلم شدن جمیع مردم طوعاً و کرها در وقت آنحضرت میشود و در زمان سلطنت آنجناب واقع میگردد ، چنانکه در تفسیر عیاشی از حضرت صادق «ع» روایت کرده که فرموده این آیه شریفه نازل شده در خصوص حضرت قائم آل محمد<sup>(۲)</sup> .

و در روایت دیگر از آن حضرت نقل کرده که آنحضرت این آیه را تلاوت فرمود و بعد از آن فرمایش کردند که : زمانیکه قائم ما اهل بیت ظاهر شود نماند یک قطعه از زمین مگر آنکه نداء میشود در آن بر شهادتین شهادت بر توحید و شهادت بر رسالت<sup>(۳)</sup> .

و در مجمع البیان از حضرت صادق «ع» روایت کرده که آنحضرت فرمود : معنای این آیه اینست که مجبور میشوند اقوام و طوایف مردم بر اسلام و می آیند

(۱) آل عمران : ۸۳ .

(۲) تفسیر عیاشی ج ۱ ص ۱۸۳ .

(۳) تفسیر عیاشی ج ۱ ص ۱۸۳ .

قومهای متعدد باطوع و رغبت و جمعی با اکراه و از ترس شمشیر<sup>(۱)</sup> .  
 و در تفسیر صافی فرموده : یعنی در زمان حضرت قائم آل محمد<sup>(۲)</sup> پس  
 از این احادیث معلوم شد که این آیه در شأن آنحضرت و در بیان وقت ظهور  
 آن بزرگوار و بیان حالات آنجناب نازل شده است و این واضح است .  
 (آیه هفتم) در جزو چهارم از سوره آل عمران قوله تعالی «ومن دخله  
 کان آمناً»<sup>(۳)</sup> یعنی هر کس که داخل شود بران او مأمون میشود و در امان و امن  
 می گردد .

و در تفسیر وارد شده که مراد از امان و مأمون بودن در زمان حضرت قائم  
 است ، چنانکه صدوق اعلی الله مقامه در علل الشرایع از حضرت صادق<sup>(ع)</sup>  
 روایت کرده که آنحضرت با ابوحنیفه فرمودند : خبر بده بمن از این آیه «ومن  
 دخله کان آمناً» کدام زمین است این ؟ ابوحنیفه گفت : این کعبه است . حضرت  
 فرمود : آیا میدانی که حجاج بن یوسف در وقتیکه منجنیق گذاشت بعد از الله بن  
 زبیر در کعبه پس او را کشت آیا او در امن و امان بود؟ پس ابوحنیفه ساکت شد  
 و سخن نگفت ، پس از آنحضرت پرسیدند از جواب این و تفسیر این آیه پس  
 فرمود : هر که بیعت بر قائم ما اهل بیت نماید و داخل شود در اصحاب او  
 و مسح کند دست او را پس او در امان است<sup>(۴)</sup> تمام شد .

پس واضح گردید که این آیه در شأن آنحضرت و در بیان زمان ظهور آن  
 بزرگوار است ، و این حدیث منافات ندارد با احادیث معتبره بسیار که در بیان

(۱) مجمع البیان ج ۱ ص ۴۷۰ .

(۲) الصافی ص ۸۷ .

(۳) آل عمران : ۹۷ .

(۴) علل الشرایع ج ۱ ص ۹۰ .

معنی آیه وارد شده که مراد امنیت در حرم مکه و امان در اوست و حرام است که کسی را از حرم خدا بیرون برند هر چند بیکه در خارج حرم آدم کشته باشد بعلمت اینکه این حدیثها در معنای ظاهر آیه است و حدیث اول در تأویل آیه است، و یا آنکه اینها در تنزیل آیه است و آن در تأویل آیه شریفه و ابداً در میان اینها منافات و تعارض نیست زیرا که از برای قرآن معنای بسیار و بطنهای بی شمار است چنانکه در اخبار وارد شده، پس منافات در بین تفسیر و تأویل نیست و همچنین است در آیات سابقه و آیات که بعد ذکر میگردد.

(آیه هشتم) در جزو چهارم از سوره آل عمران قوله تعالی «یمددکم ربکم بخمسة آلاف من الملائكة مسومین»<sup>(۱)</sup> یعنی مدد و اعانت می کند بر شما خدا به پنج هزار از ملائکه که علامت شده بودند بر عمامه ها.

و این آیه در جنگ بدر نازل شده و خداوند در آن جنگ بر مؤمنین نصرت کرد و ملائکه را بیاری ایشان فرستاد و تنزیل این در جنگ بدر است و تأویل آن در امام عصر و صاحب الامر «ع» است چنانکه عیاشی از امام محمد باقر «ع» در تفسیر این آیه روایت کرده که آنحضرت فرمود: بدرستیکه ملائکه که نصرت و یاری نمودند بحضرت پیغمبر «ص» در روز بدر بر آسمان صعود و عروج نکرده اند و نخواهند نمود تا آنکه یاری کنند حضرت صاحب الامر و آنها انتظار ظهور آن حضرت را دارند و ایشان پنج هزارند<sup>(۲)</sup>.

پس این حدیث شریف دلالت نمود بر اینکه این آیه تأویل بآن حضرت شده و مراد او است و منافات در بین تأویل و تنزیل ندارد چنانکه ذکر شد و در جای خود معلوم گردیده.

(۱) آل عمران: ۱۲۵.

(۲) تفسیر عیاشی ج ۱ ص ۱۹۷.

(آیه نهم) در جزو پنجم از سوره نساء قوله سبحانه وتعالى «يا ايها الذين آمنوا اطيعوا الله واطيعوا الرسول واولى الامر منكم»<sup>(۱)</sup> یعنی ای آنکسانی که ایمان آورده اید بخداوند عالم و بر رسول و پیغمبر او اطاعت و انقیاد کنید بفرمایشات خداوند و بفرموده پیغمبر او و باو امر و فرموده های صاحبان امر که از شما هستند .

پس این آیه شریفه چنانکه اطاعت خداوند را و انقیاد پیغمبر را واجب نمود همچنین اطاعت و انقیاد صاحبان امر را نیز واجب گردانید بدون شبهه و من غیر ریه ، و مراد از صاحبان امر در این آیه وافی هدایه ائمه و اهل بیت علیهم السلام هستند بالضرورة و باخبار واضح و باحادیث صحیحه از حضرت امیر المؤمنین تا حضرت قائم آل محمد «ص» ، چنانکه در کتاب اکمال الدین از جابر بن عبد الله انصاری روایت کرده که فرمود : وقتیکه این آیه نازل شد به خدمت حضرت رسول صلی الله علیه و آله عرض نمودم : یا رسول الله ما شناختیم خداوند و پیغمبر او را پس اولی الامر کیانند و صاحبان امر کیستند که خداوند اطاعت ایشان را باطاعت واجباً تو مقارن و دریک آیه ذکر فرموده؟ پس حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود: ای جابر ایشان خلیفه های منند و ایشان امامان مسلمانان بعد از من هستند، و اول ایشان حضرت امیر المؤمنین «ع» و بعد از او حضرت امام حسن و بعد از او حضرت امام حسین و بعد از او حضرت علی بن الحسین و بعد از او حضرت محمد بن علی که در توریة معروف است بباقر و تو او را درک میکنی ای جابر، پس وقتیکه بخدمت او رسیدی پس سلام مرا باو برساند و بعد از او حضرت امام صادق جعفر بن محمد و بعد از او حضرت موسی بن جعفر و بعد از او حضرت علی بن موسی و بعد از او حضرت محمد بن علی<sup>(۲)</sup>

(۱) النساء : ۵۹ .

(۲) حضرت ابو جعفر محمد بن علی الجواد او را ابو جعفر الثانی میگفتند



وبعد از او علی بن محمد<sup>(۱)</sup> و بعد از او حضرت حسن بن علی و بعد از او همنام زیرا حضرت امام محمد باقر سلام الله علیه ابو جعفر الاول بود در کودکی به امامت رسید (وعیسی علی نبینا و آله و علیه السلام در مهدبه رسالت نائل گشت) خداوند هر چه را که اراده کرد می شود .

اسم مادر آنجناب سبیکه و بقولی خیزران بود . و گویند نسب باهل بیت ماریه قبطیه مادر ابراهیم بن رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم می رساند وزنی بود در فضل یکانه عصر خود ، ۸ ساله بود که پدر بزرگوارش بزهر جفا شهید شد در کودکی با بزرگان علماء ادیان در پیش مأمون خلیفه وقت مباحثاتی نمود و همه را مغلوب کرد .

فضائل و مناقب آن حضرت بی شمار در بیست و پنج سالگی بدست زوجه خود ام الفضل دختر مأمون با زهر شهید شد . در شب جمعه ۱۹ ماه مبارک رمضان سال ۱۹۵ متولد و در آخر ذی قعدة یا ششم ذی حجة سال ۲۲۰ هجری رحلت فرمودند .

سفینة البحار ج ۱ ص ۳۱۰ ، اثبات الوصیه ص ۱۶۳ ، کفایة الطالب ص ۴۵۸  
 (۱) حضرت علی بن محمد النقی الهادی امام دهم ابو الحسن ، کنیه آن حضرت بو دهادی و ناصح و متوکل و متقی از جمله القاب شریفه آنجناب میباشد پس از شهادت پدر بزرگوارش حضرت جواد سلام الله علیه در سن ۱۲ سالگی به امامت رسید از آنحضرت مانند آباء امجادش مناقب و فضائل زیاد است که در کتب مفصّله ذکر شده است .

ما فقط برای تیمن و تبرک خواستیم اسامی ائمه معصومین را ذکر بنمائیم تا بلکه در روزی که «لاینفع مال ولا بنون» نه مال و ثروت و نه اولاد به فریاد انسان نمیرسند ، متمسکی و حجتی و بهانه‌ای در دست ما بوده باشد .

من محمد و مکنی بحجة الله فی ارضه ، و باقی مانده خداوند در میان بندگان خود  
پسر حضرت امام حسن عسکری، این همان کس است که خداوند قادر بدست  
او فتح میکند تمام روی زمین را از مشرق تا بمغرب و این همان کس است که  
غائب می شود از شیعه های خود و دوستان خودش يك غائب شدنی که ثابت  
نماند در آن غائب شدن او در امامت او مگر آنکسانیکه خداوند قلب آنها را  
بایمان امتحان کرده باشد .

جابر گوید : عرض نمودم بخدمت حضرت رسول خدا پس آیا از برای  
شیعه او انتفاع حاصل می شود از آن حضرت در زمان غائب بودن او ؟ پس  
فرمود: بلی قسم بآن خدائی که مرا بنبوت مبعوث فرموده بدرستی که شیعه های  
او روشنائی مییابند بنور مبارك او و منتفع می شوند بولایت او در زمان غائب  
بودن او مثل منتفع شدن مردم بافتاب که در زیر ابر بوده باشد ، ای جابر این  
از مکنون سر خدا و از مخزون علم خدا است پس این را مخفی بدار از غیر اهل آن<sup>(۱)</sup> .  
و در تفسیر صافی بعد از نقل این حدیث فرموده که اخبار در این معنی  
در کتب متداوله معتبره از جهت بسیاری بحد و حصر نمی آید<sup>(۲)</sup> تمام شد .

پس معلوم گردید که مراد از اولی الامر در این آیه حضرت قائم آل محمد با  
پدران خودش است و مراد خداوند چنانکه حضرت امیر و حسنین از آیه است  
آن حضرت در روز پنجم ماه رجب یا سوم ماه مذکور و بقولی روز جمعه  
دوم رجب و بقول شهید در دروس نیمه ذی حجه سال ۲۱۲ متولد و روز دوشنبه  
۲۵ جمادی الاخری سال ۲۵۴ هجری در چهل سالگی رحلت فرمودند .

الفصول المهمة ص ۲۸۳ ، سفینه البحار ج ۱ ص ۲۳۹ .

(۱) تفسیر برهان ج ۱ ص ۲۳۴ .

(۲) تفسیر الصافی ص ۱۱۳ ط تبریز .

همچنین است حضرت قائم و معلوم است که صاحب امر بودن آنحضرت بعد از ظهورش خواهد شد لا غیر .

(آیه دهم) در جزو پنجم از سوره نساء قوله تعالى «الم ترالی الذین قیل لهم کفوا ایدیکم قالوا ربنا لم کتبت علینا القتال لولا اخرتنا الی اجل قریب» (۱) یعنی آیا نگاه نمیکنی بسوی آنکسانیکه گفته شد بایشان که نگاهدارید دست خود را از جنگ تا آنکه گفتند خدایا چرا واجب نوشته برای ما جنگ را و چرا ما را مؤخر نگردانیدی تا بوقت نزدیک .

و مراد از «اجل قریب» وقت ظهور حضرت قائم است در این آیه ، چنانکه در اصول کافی و در تفسیر عیاشی در تفسیر این آیه از حضرت امام محمد باقر روایت کرده اند که فرمود : مراد از «کفوا ایدیکم» کف ید است با حضرت امام حسن ، و مراد از «کتب علیهم القتال» وجوب جهاد است با حضرت امام حسین ، و مراد از «الی اجل قریب» تأخیر است تا زمان ظهور حضرت قائم آل محمد پس بدرستی که باو است ظفر و مؤمنین در آن وقت غالب می شوند بردشمنان<sup>(۲)</sup> تمام شد .

پس از این حدیث معلوم شد که این آیه در شأن آنحضرت است و مراد از تفسیر آن یا از تأویل آن آنجناب است و ظفر با او خواهد شد .

(آیه یازدهم) در جزو ششم از سوره نساء قوله تعالى «وان من اهل الکتاب الا لیؤمنن به قبل موته»<sup>(۳)</sup> یعنی نیست احدی از اهل کتاب مگر آنکه او ایمان میآورد باو قبل از مردن او .

(۱) النساء : ۷۷ .

(۲) تفسیر عیاشی ج ۱ ص ۲۵۸ .

(۳) النساء : ۱۵۹ .

و در اخبار وارد شده که ایمان اهل کتاب در زمان ظهور حضرت قائم خواهد کردید ، و هر چندیکه تنزیل این آیه در خصوص اولاد و ذریه حضرت فاطمه علیها السلام است چنانکه عیاشی در تفسیر این از حضرت صادق «ع» روایت کرده که از آنحضرت پرسیدند از این آیه شریفه پس فرمودند که: آیه شریفه در شأن ما نازل شده خاصه بدرستیکه احدی نیست از اولاد حضرت فاطمه «ع» و نمیرد و از دنیا خارج نمی شود مگر آنکه اقرار میکند بر امامت ما اهل بیت همچنانکه اقرار نمودند اولاد حضرت یعقوب بر حضرت یوسف<sup>(۱)</sup> تمام شد .

پس بنا بر تنزیل آیه مراد از اهل کتاب اولاد فاطمه است و مراد از «به» امام است ، و مراد از ضمیر «موته» بازهم اولاد فاطمه است . و اما تأویل این آیه بیان حالات زمان ظهور آنحضرت است ، چنانکه در تفسیر قمی از شهر بن حوشب نقل کرده که گفت مرا حجاج بن یوسف وقتی گفت یا شهر یک آیه ای در کتاب خدا است از فهم آن من عاجز شده ام پس من گفتم آن کدام آیه است ای امیر گفت آیه «وان من اهل الکتاب» زیرا که من امر میکنم گردن یهود و نصرانی را میزنند و ابداً لب آنها حرکت نمیکند و ایمان نمیآوردند تا آنکه مرده میشود . گفتم : خداوند امیر را اصلاح کند این نحو نیست که تو تأویل نمودی . گفت : تأویل آیه بچه نحو است . گفتم : بدرستیکه حضرت عیسی «ع» نازل میشود از آسمان قبل از روز قیامت بروی زمین پس نمیماند هیچ اهل ملت از یهود و نصاری و غیر آنها مگر آنکه ایمان میآوردند بحضرت عیسی قبل از مردن او و حضرت عیسی نماز میکند در پشت سر حضرت مهدی آخر الزمان . حجاج گفت : وای بر تو این را از که یاد گرفته ای و از کجا آورده ای . پس گفتم : این را از حضرت امام محمد باقر «ع» یاد گرفتم . پس گفت : از چشمه صاف

و پاکیزه آورده‌ای<sup>(۱)</sup> تمام شد .

پس معلوم شد که تأویل این آیه در زمان حضرت قائم آل محمد «ص» ظاهر خواهد گردید ، و معلوم گردید که این حدیث در تأویل آیه است و حدیث اول در تنزیل او است ، زیرا که در حدیث اول حضرت صادق فرمود که این در خصوص اولاد حضرت فاطمه نازل شده و در این حدیث که از حضرت امام محمد باقر نقل نموده فرموده که تأویل این آیه بآن نحو نیست که تو میگوئی و بعد از آن تأویل آیه را ذکر نمود .

پس بنابراین حدیث اول تنزیل است و حدیث دوم تأویل یا آنکه هر دو حدیث تأویل است و تأویل مراتب دارد ، چنانکه تفسیر نیز مراتب دارد و هر کدام از معانی وارده حمل میشود بر یک مرتبه از تفسیر و یا از تأویل و ابداً منافات ندارد ، بعلمت آنکه از برای قرآن هفت بطن و یا هفتاد بطن است همچنانکه اخبار بسیار در این معنی از معدن وحی و تنزیل وارد شده و آنچه شنیده‌ای که استعمال يك لفظ در دو معنی جایز نیست پس آن در غیر قرآن است چنانکه از تفاسیر معلوم میشود .

(آیه دو از دهم) در جزوه هفتم از سوره مائده قوله تعالی «اطيعوا الله واطيعوا الرسول واحذروا فان توليتم فانا على رسولنا البلاغ المبين»<sup>(۲)</sup> یعنی اطاعت کنید بر خداوند و انقیاد نمائید بر پیغمبر او و حذر کنید پس هر گاه پشت نمائید بر فرمایشات خدا و رسول او و اطاعت و انقیاد نکنید پس بد رستیکه نیست بر پیغمبر ما مگر آشکار رساندن، یعنی بعد از «تولی» شما بر شما عذاب درد دنیا نخواهد شد و بر شما مهلت شده .

(۱) تفسیر قمی ج ۱ ص ۱۵۸ .

(۲) المائده : ۹۲ .



و در اصول کافی از حضرت صادق «ع» در تفسیر این آیه روایت کرده که آنحضرت فرمود: آگاه باشید سوگند بخدا هلاک نشد آنکسانیکه قبل از شما بودند و هلاک نشد کسیکه هلاک شد بعد از آنها تا آنکه ظهور کند قائم ما اهل بیت مگر بسبب ترك ولایت ما و انکار کردن حق ما، و حضرت رسول از دنیا نرفت تا آنکه لازم کرد برگردن تمام این امت حق امامت ما را و خداوند هدایت کند هر کس را که خواهد بسوی راه راست<sup>(۱)</sup> تمام شد.

پس از این حدیث معلوم شد که مراد از مهلت که از آیه مستفاد شد تا زمان ظهور حضرت قائم آل محمد است و تا آنحضرت ظهور نکرده خداوند بر گناهکاران و کافران مهلت داده و در وقت ظهور آنحضرت مهلت داده نمیشود برایشان، و اگر معنی آیه این نحو نباشد این حدیث در تفسیر این آیه مناسبت ندارد و حال آنکه بغیر از این حدیث تفسیر دیگری ندارد پس معلوم میشود آنچه ما ذکر کردیم که این آیه نیز اشاره است بزمان ظهور آنحضرت.

(آیه سیزدهم) در جزو هفتم از سوره انعام قسوله تعالی « فلما نسوا ما ذكروا به فتحنا عليهم ابواب كل شيء حتى اذا فرحوا بما اوتوا اخذناهم بغتة فاذا هم مبلسون »<sup>(۲)</sup> یعنی پس وقتیکه نسیان کردند آنچه چیزی را که متذکر شده بودند بآن پس گشادیم برایشان درهای همه چیزها را تا آن وقتیکه شاد شدند بآن چیزیکه عطا شدند گرفتیم ایشان را ناگهان پس آن زمان آنها مأیوس شدند.

و این آیه تاویل شده بلکه تفسیر شده بظهور حضرت قائم آل محمد «ص» چنانکه در تفسیر علی بن ابراهیم قمی از حضرت امام محمد باقر «ع» روایت

(۱) الصافی ص ۱۴۶ ط تبریز.

(۲) الانعام: ۴۴.

کرده که آنحضرت فرمود : پس وقتیکه نسیان نمودند آنچه را که متذکر شده بودند یعنی پس وقتیکه ترك کردند ولایت امیر المؤمنین «ع» را و حال آنکه مأمور شده بودند بآن گشادیم بر آنها درهای همه چیزها را از دولت درد دنیا و آنچه بر آنها بسط و وسعت شده بود درد دنیا پس اخذ کردیم آنها را ناگهان یعنی اخذ میکنم ایشان را بقیام حضرت قائم آل محمد گویا که از برای آنها پادشاه نبوده هرگز<sup>(۱)</sup>. تمام شد .

پس این حدیث شریف دلالت کرد بر اینکه مراد از «اخذناهم بغتة» ظهور حضرت قائم است بدون شبهه در این .

(آیه چهاردهم) در جزوه هشتم از سوره انعام قوله تعالی «یوم یأتی بعض آیات ربك لا ینفع نفساً ایمانها لم تکن آمنت من قبل او کسبت فی ایمانها خیراً»<sup>(۲)</sup> یعنی روزیکه میآید بعض علامتهای خداوند تونفع نمیدهد و فائده نمیکند هیچ نفس را ایمان او که از اول ایمان نیاورده بود یا در ایمان خود خیر را کسب نکرده بود .

و این آیه شریفه در شأن حضرت قائم است ، زیرا که مراد از بعض آیات در این آیه وافی هدایه آنحضرت است ، و یا آنکه علامات ظهور آنحضرت است ، چنانکه در کتاب اکمال الدین از حضرت صادق «ع» روایت کرده که آنحضرت فرمود : مراد از این آیه ظهور قائم منتظر است .

و باز هم در آن کتاب از آنحضرت روایت نموده که مراد از آیات ائمه هستند و مراد از این آیه انتظار شده حضرت قائم منتظر است پس در آن روز

(۱) تفسیر قمی ج ۱ ص ۲۰۰ .

(۲) الانعام : ۱۵۸ .

نفع نمیدهد هیچ نفس را ایمان او که از اول نبوده<sup>(۱)</sup>. تمام شد .  
 و مراد از بودن ایمان قبل از آن روز بودن ایمان است در میثاق ، چنانکه  
 در کافی از حضرت صادق «ع» روایت کرده که مراد از «آمنت من قبل» روز  
 میثاق است<sup>(۲)</sup>.

و در احادیث بسیار این آیه تفسیر شده بطلوع آفتاب از مغرب ، چنانکه در  
 کتاب توحید و در احتجاج طبرسی و در تفسیر قمی و در کتاب خصال و در کافی<sup>(۳)</sup>  
 نقل کرده اند و ابداً منافات در بین این اخبار نیست بعلمت اینکه مراد از طلوع  
 آفتاب از مغرب ظهور آن حضرت است ، چنانکه صعصعه در حدیث مفصل گفته  
 و در تفسیر صافی نیز نقل کرده زیرا که گفته بعد از نقل حدیث پس صعصعه تفسیر  
 نموده طلوع آفتاب از مغرب را بظهور قائم . تمام شد .

پس معلوم شد که این آیه در خصوص آن حضرت نازل شده بدون ریه .  
 (آیه پانزدهم) در جزوه هشتم از سورة اعراف قوله تعالى «هل ينظرون  
 الا تاويله يوم ياتى تاويله»<sup>(۴)</sup> یعنی آیا نظر میکنند مگر بر تأویل آن و روزیکه  
 میآید تأویل آن .

و مراد آنست که منتظر میشوند بر تأویل قرآن که ادیان مرتفع شود و همه  
 مبدل بر دین اسلام گردد و يك روز تأویل آن میآید . و در تفسیر علی بن ابراهیم  
 قمی که روایاتش منسوب بحضرت صادق علیه السلام فرموده که تأویل آن که

(۱) کمال الدین ج ۲ ص ۳۳۶ .

(۲) الصافی ص ۱۶۷ طبع تبریز .

(۳) الصافی ص ۱۶۷ .

(۴) الاعراف : ۵۳ .

خواهد آمد ظهور حضرت قائم آل محمد «ص» است و مراد از تأویل آنحضرت است<sup>(۱)</sup>.

(آیه شانزدهم) در جزو نهم از سوره اعراف قوله تعالی «ان الارض لله یورثها من یشاء من عباده والعاقبة للمتقین»<sup>(۲)</sup> یعنی بدرستی که روی تمام زمین از برای خداوند است و میدهد زمین را و در آن قائم مقام میکند آنکسی را که خواهد از بندگان خود و عاقبت از برای پردهیزکاران است.

و در تفسیر این آیه وارد شده که مراد از این آیه و از «من یشاء من عباده» امام قائم آل محمد است، چنانکه در تفسیر عیاشی از حضرت امام محمد باقر روایت کرده که آنحضرت فرمود: یافتیم در کتاب امیر المؤمنین «ع» که این آیه را ذکر کرده بود، و بعد از آن فرموده بود که: من و اهل بیت من هستیم که خداوند عالم زمین را بما داده و مائیم متقیان و تمام روی زمین از برای ما است، پس هر کس از مسلمانان احیاء کند و زنده و تعمیر نماید یک قطعه زمین را و زراعت کند در آن پس باید ادا نماید خراج و زکات آنرا بر امام از اهل بیت من و بعد از این از برای او است آنچه میخورد، و اگر بعد از تعمیر خراب کند و خرابه گذارد آن زمین را پس کس دیگر از مسلمانان آن را تعمیر کند و آباد نماید پس آنکس احق و اولی است بر آن زمین پس واجب است بر او که ادا کند زکات و خراج آن را بر امام از اهل بیت من و بعد از آن از برای او حلال است آنچه از آن زمین میخورد تا آنکه ظاهر شود قائم اهل بیت من باشمشیر، پس حضرت قائم آل محمد «ص» اخذ میکند و مالک شود روی زمین را و منع میکند مردم را و ایشان را از زمین خارج نماید چنانکه پیغمبر «ص» مالک شد و منع کرد مردم را از زمین حضرت قائم آل محمد نیز چنان خواهد نمود مگر آن زمینهایی که در

(۱) تفسیر قمی ج ۱ ص ۲۳۵.

(۲) الاعراف: ۱۲۸.

دست شیعیان ما بوده باشد پس حضرت قائم آل محمد مقاطعه میکند با شیعیان ما و زمین را در دست ایشان میگذارد و از آنها نمیگیرد مگر زکات را<sup>(۱)</sup>. تمام شد. پس از این تفسیر معلوم گردید که این آیه شریفه در شأن آنحضرت نازل شده و مراد از «من یشاء من عباده» حضرت قائم آل محمد است و زمین را آنحضرت مالک خواهد شد، و اگر قائم آل محمد زمین را مالک نشود این آیه معنی پیدا نخواهد کرد زیرا که احدی از ائمه «ع» تمام روی زمین را مالک نشده و در زمان خود بسلطنت نرسیدند بالضرورة. و احادیث که دلالت میکنند بر بودن تمام روی زمین از برای امام با این حدیث در کتاب مسائل النجفیه که در خمس نوشته‌ام بیان کردیم و این مسئله را برهانی و واضح نمودیم.

(آیه هفدهم) در سورة انفال قوله تعالى «**وقاتلوهم حتی لا تكون فتنة ویكون الدین كله لله**»<sup>(۲)</sup> یعنی بکشید کافران را تا آنکه نباشد شرك و کفر بوده باشد تمامی دینها از برای خداوند عالم.

و این آیه شریفه در شأن حضرت قائم آل محمد صلی الله علیه و آله نازل شده، چنانکه در تفسیر مجمع البیان و در تفسیر عیاشی از حضرت صادق روایت کردند که آنحضرت فرمود که تأویل این آیه وافی هدایه هنوز نیامده، و اگر بتحقیق قائم ما اهل بیت ظهور کند زود باشد که درک نماید تأویل این آیه را که کسی در آن زمان بوده باشد و البته میرسد دین حضرت پیغمبر «ص» تا آنجا که شب میرسد یعنی هر جا که شب و روز میشود دین پیغمبر در آنجا جاری میشود و ظاهر میگردد و فرمود تا آنکه نماید شرك و کفر در روی زمین چنانکه خداوند

(۱) تفسیر عیاشی ج ۲ ص ۲۵.

(۲) الانفال : ۳۹.

فرموده «يعبدونني ولايشركون بي شيئاً»<sup>(۱)</sup>. یعنی عبادت میکنند بر من و بر من شريك قرار نمیدهند هیچ چیزی را .

و در اصول کافی از حضرت امام محمد باقر «ع» در تفسیر این آیه روایت کرده که آنحضرت فرمود: تأویل این آیه هنوز نیامده، بدرستی که پیغمبر رخصت بر کفار داد و از آنها جزیه قبول کرد بجهت حاجت خود و حاجت اصحاب خود پس هر گاه بتحقیق بیاید تأویل این آیه قبول نمیشود از آنها جزیه و لکن آنها کشته میشوند تا آنکه خداوند را واحد و بی شريك بدانند و اقرار بوحدانیت خدایتعالی نمایند تا آنکه نبوده باشد در روی زمین شرك<sup>(۲)</sup>. تمام شد .

پس از این تفسیر معلوم گردید که این آیه در شأن حضرت قائم آل محمد است و ما این آیه را با این حدیث در کتاب کشف الحجاب که در نجاست اهل کتاب است ذکر کردیم و مطلب را واضحتر از این بیان نمودیم و حجاب را کشف کردیم .

(آیه هجدهم) از سوره توبه قوله سبحانه وتعالى « يریدون ان یطفؤا نور الله بأفواههم ویأبی الله الا ان یتیم نوره ولو کره الکافرون »<sup>(۳)</sup> یعنی اراده میکنند بر اینکه خاموش نمایند نور خداوند را بدهان خود و منع میکنند خداوند مگر آنکه تمام نماید نور خود را و هر چندیکه مکروه میدارند کافران . و این آیه شریفه در شأن حضوت قائم آل محمد «ص» نازل شده بحسب تأویل اگر تنزیل آن در غیر آنحضرت باشد ، چنانکه در اکمال الدین در تفسیر این آیه روایت کرده که حضرت صادق «ع» فرمود : بتحقیق فرعون ملعون

(۱) تفسیر مجمع البیان ج ۲ ص ۵۴۳ .

(۲) الصافی ص ۱۹۸ طبع تبریز .

(۳) التوبه : ۳۳ .



پاره کرد شکمهای حامله‌ها را در بنی اسرائیل بجهت پیدا کردن حضرت موسی علیه السلام ، و همچنین بنو امیه و بنو عباس وقتیکه واقف و مطلع شدند بر اینکه بدرستی که زوال پادشاهی و سلطنت ایشان در دست قائم اهل بیت ما خواهد شد عداوت بر ما کردند و بر ما شمشیر کشیدند و اهل بیت پیغمبر را کشتند ، اینها همه بجهت طمع بود بر اینکه برسند بحضرت قائم و او را بکشند پس منع کرد خداوند از اینکه کشف کند امر او را بريك نفر مکروه میدارند آن کافران<sup>(۱)</sup> .

پس از این تفسیر و تأویل معلوم شد که این آیه در خصوص حضرت قائم آل محمد «ص» است و خداوند وعده تمام کردن امر امامت و سلطنت او را بر اهل بیت و شیعیان اوداده زیرا که ظلمه های بنو امیه و بنو عباس بر همه ائمه علیهم السلام دست یافتند و ایشان را کشتند و کسی از آنحضرات طاهرین باقی نمانده مگر وجود مبارك حضرت قائم آل محمد و اگر آنحضرت نیز بسلطنت و امامت مطلقه نرسد این آیه و همین حدیث صحیح معنی پیدا نمیکند ، پس واضح شد که این آیه در باره آنحضرت است و در غیر او نیست زیرا که نور غیر او از آباء طاهرین او و امامت ایشان تمام نشد و بآخر نرسید و در اکثر اوقات در خوف و تقیه بودند .

(آیه نوزدهم) در سوره توبه قوله تعالى «هو الذي ارسل رسوله بالهدى ودين الحق ليظهره على الدين كله ولو كره المشركون»<sup>(۲)</sup> یعنی خداوند آن وجود مقدس است که فرستاد پیغمبر خودش محمد بن عبد الله را بهدایت و اوضحه و بادی حق و ثابت تا آنکه آنحضرت را ظاهر سازد و غلبه دهد بر تمام دینها و دین آنحضرت غالب شود بر جمیع ادیان و اگر چه مکروه دارند آنرا مشرکان .

(۱) انصافی ص ۲۰۷ ط تبریز .

(۲) التوبه : ۳۳ .

و در احادیث معتبره بسیار وارد شده که این آیه در خصوص حضرت قائم آل محمد است ، چنانکه در تفسیر قمی فرموده که این آیه در حضرت قائم منتظر نازل شده ، و فرموده که تأویل این آیه بعد از تنزیل واقع خواهد بود .  
و در کتاب اکمال الدین از حضرت صادق «ع» در تفسیر این آیه روایت کرده که فرمود : قسم بخداوند هنوز نازل نشده تأویل این آیه و نازل نمیشود تا تأویل آن حتی آنکه ظاهر شود قائم آل محمد ، پس وقتی که ظهور کرد حضرت قائم ما مانند کافری بخداوند بزرگ و نه مشرک بامام علیه السلام مگر آنکه مکروه میدارد ظهور آنحضرت را و کافران و مشرکان چنان کشته می شوند که اگر يك كافر و يك مشرک در جوف يك سنك باشد آن سنك صدا می کند که ای مؤمن در بطن من کافری است و مرا بشکن و آنرا بکش <sup>(۱)</sup> .

و در اصول کافی از حضرت امام موسی کاظم <sup>(۲)</sup> در تفسیر این آیه روایت کرده

(۱) کمال الدین ج ۲ ص ۶۷۰ .

(۲) حضرت امام موسی بن جعفر علیهما السلام کنیه آنحضرت ابوالحسن و ابوابراهیم و ابوعلی بود و معروف به العبدالصالح و کاظم ، در ابواء بین مدینه و مکه ۷ صفر سال یکصد و بیست و هشت متولد و در ۲۵ ماه رجب سال ۱۸۳ در سن ۵۵ در زندان سندی بن شاهک رحلت فرمود در ۲۰ سالگی بامامت رسید و مدت امامت آنحضرت ۳۵ سال شد ، هارون الرشید آنجناب را مسموم کرد در بغداد در مقابر قریش مدفون گردید که فعلاً به کاظمین معروف است «اللهم ارزقنا زیارته» .

در جنات الخلود گوید : آنحضرت بلندقامت و ضعیف تر کیب و بسیار کندم گون مابین دندانهای پیشین و بین کتفین کشاده ، تا گوید سخی ترین مردم بود و کم روزی بود که بخشش نکند و کمتر از دوازده هزار دینار بکسی ندادی

که فرمود خداوند آن واجب الوجود است که امر فرمود رسول خود را بولایت وصی خود و ولایت دین حق است تا آنکه غالب کند دین حق را بر تمام ادیان در زمان ظهور حضرت قائم آل محمد «ص» و خداوند تمام کننده ولایت امام قائم است هر چندیکه مکروه بدانند کافران بولایت علی علیه السلام . و عرض کردند : آیا این تنزیل قرآن است ؟ فرمود : بلی این کلام تنزیل است و اما غیر این کلام آخر پس او تأویل قرآن است <sup>(۱)</sup> .

و ایضاً در کافی در حدیث مناجات حضرت موسی «ع» نقل کرده که بتحقیق ذکر نمود خداوند حضرت محمد بن عبدالله را و فرمود : پس کلمات من تمام شد با و البته ظاهر میکنم دین او را بر جمیع ادیان و عبادت میکنند بر من در تمامی مکانها <sup>(۲)</sup> .

و در احتجاج طبرسی از حضرت امیر المؤمنین «ع» روایت نموده که فرمود : غائب میشود صاحب این امر امامت و ریاست تامه بجهت شامل بودن فتنه بر قلبها تا آنکه می شود اقرب خلق بر او باشد خلق بر او بحسب عداوت و در این وقت خداوند او را مدد و یاری میکند ببلشگری که آنرا نمی بیند کسی و ظاهر میکند دین پیغمبر خود را در دست مبارک او بر جمیع ادیان و اگر چه مکروه دارند

و قبل از سلام سلام دادی و قبل از سؤال بخشش نمودی و اخلاق حمیده آنجناب بسیار است .

در ارشاد گوید : قرآن را با صوت زیبا قرائت می فرمود و شنوندگان تلاوت او محزون و بسا به گریه می افتادند .

ارشاد ص ۲۹۸ ، جنات المخلود ص ۳۰ ، اعلام الوری ص ۲۹۴ .

(۱) الصافی ص ۲۰۷ ط تبریز .

(۲) الصافی ص ۲۰۷ ط تبریز .

مشرکان آنرا<sup>(۱)</sup>.

و در مجمع البیان در تفسیر این آیه از حضرت باقر «ع» روایت کرده که فرمود: بدرستی که غالب بودن دین پیغمبر ما «ص» بر تمام ادیان در زمان ظهور حضرت قائم آل محمد صی شود پس نماند احدی مگر آنکه اقرار میکند بدین حضرت محمد<sup>(۲)</sup>.

و در تفسیر عیاشی نیز این حدیث را روایت نموده از آن حضرت و باز هم روایت کرده که فرمود: خداوند ظاهر میکند دین حضرت پیغمبر را بسائر ادیان در رجعت یعنی در رجعت ائمه و مؤمنین در وقت ظهور حضرت قائم آل محمد صلی الله علیه و آله<sup>(۳)</sup>.

و ایضاً در تفسیر عیاشی از حضرت امیر المؤمنین «ع» روایت نموده که آن حضرت از اصحاب خود پرسیدند که آیا خداوند ظاهر فرموده دین رسول خود را بر تمام ادیان . عرض کردند: بلی . حضرت فرمود: کلا و حاشا چنین نیست ، سوگند بخداوندی که جان من در دست قدرت او است تا آنکه نماند فریبه و دهی مگر آنکه ندا میشود در آن «اشهد ان لا اله الا الله ، و اشهد ان محمداً رسول الله» در هر صبح و شام<sup>(۴)</sup>.

و باز هم عیاشی از حضرت صادق «ع» در تفسیر این آیه روایت کرده که آن حضرت فرمود: وقتیکه ظهور نماید قائم آل محمد باقی نماند کافری و نه

(۱) الصافی ص ۲۰۷ ط تبریز .

(۲) مجمع البیان ج ۳ ص ۲۵ .

(۳) عیاشی ج ۲ ص ۸۷ .

(۴) الصافی ص ۲۰۷ ط تبریز .

مشرکی بخداوند عظیم مگر آنکه مکروه دارد ظهور آنحضرت را<sup>(۱)</sup>.  
 ودر مجمع البیان در تفسیر این آیه از مقدادبن اسود روایت کرده که  
 گفت: شنیدم از حضرت پیغمبر که میفرمود: باقی نماند در روی زمین يك خانه  
 چه از گل و خاک باشد و چه از پشم و غیر آن باشد مگر آنکه داخل میکند خداوند  
 اسلام را بر آن خانه یا بعزت و یا بذلت، پس خدای تعالی عزیز میکند اهل اسلام را  
 و قرار میدهد ایشان را از اهل آن و یا آنکه ذلیل میکند مردم را پس متدین میشوند  
 به آن در حال ذلت و خواری<sup>(۲)</sup>.

و در کتاب اکمال الدین و تفسیر عیاشی از حضرت باقر «ع» روایت کرده اند  
 که آنحضرت فرمود در تفسیر این آیه که: قائم ما اهل بیت از جانب خداوند  
 نصرت داده شده بر عب و ترس مردم از او و تأیید کرده شد بنصرت و غلبه بر  
 دشمنان و کشیده میشود از برای او زمین یعنی بطی الارض می رود، و ظاهر میکند  
 زمین خزینه های خود را برای او و میرسد سلطنت او بمشرق و مغرب، و ظاهر  
 میکند خداوند باودین خود را بر تمام ادیان، پس باقی نماند در روی زمین هیچ  
 خرابه مگر آنکه معمور میکند آن را و نازل میشود حضرت عیسی بن مریم پس  
 نماز میکند در پشت سراو. تمام شد<sup>(۳)</sup>.

و حاصل جمیع این احادیث اینست که مضمون این آیه که عبارت باشد  
 از ظاهر بودن دین اسلام و بر طرف شدن تمام ادیان باطله از روی زمین در رجعت  
 ائمه هدی و در زمان ظهور حضرت قائم آل محمد «ص» خواهد بود.

پس معلوم شد که این آیه در شأن آنحضرت و در بیان وقایع زمان ظهور

(۱) عیاشی ج ۲ ص ۸۷.

(۲) مجمع البیان ج ۳ ص ۲۵.

(۳) کمال الدین ج ۱ ص ۳۳۱.

آنجناب است بدون شبهه .

(آیه بیستم) ازسوره توبه قوله تعالى «والذين يكتزون الذهب والفضة ولا ينفقونها في سبيل الله فبشرهم بعذاب اليم»<sup>(۱)</sup> یعنی آنکسانیکه خزینه میکنند طلا و نقره را و انفاق نمیکنند آنها را در راه خداوند پس بشارت بده بایشان بعذاب سخت و دردناک .

و در احادیث وارد شده که این آیه در خصوص آنکسانی است و این عذاب دردناک درباره اشخاصی است که طلا و نقره را از حضرت قائم آل محمد «ص» مضایقه میکنند در زمان ظهور آنحضرت ، چنانکه در کافی و در تفسیر عیاشی از امام جعفر صادق «ع» روایت کردند که آن حضرت فرمود : وسعت داده شده شیعیان ما بر آنکه انفاق کنند از آنچه در دست ایشان است از طلا و نقره و خزینه بمعروف بدون اسراف پس وقتیکه ظاهر شود قائم ما حرام میشود بر هر صاحب خزینه خزینه او تا آنکه بیاورد آن را بحضرت صاحب الامر «ع» ، پس آن حضرت استعانت میکند بآن بردشمن خودش<sup>(۲)</sup> .

و اینست معنی قول خداوند عالم که میفرماید «والذين يكتزون الذهب والفضة» الایه ، و معنای حدیث واضح است احتیاج به بیان ندارد .

(آیه بیست و یکم) درسوره توبه قوله تعالى «ان الله اشترى من المؤمنین انفسهم واموالهم بأن لهم الجنة»<sup>(۳)</sup> الایه یعنی خداوند از مؤمنان خرید نفس ایشان را و مالهای آنها را و در عوض آن بایشان جنت را داد . و در تفسیر عیاشی و قمی فرمودند که : این آیه در شأن ائمه است زیرا که

(۱) التوبة : ۳۴ .

(۲) العیاشی ج ۲ ص ۸۷ .

(۳) التوبة : ۱۱۱ .



وصف فرموده خداوند ایشان را بصفی که در غیر ایشان نیست بعلت آنکه فرموده «التائبون العابدون»<sup>(۱)</sup> الایة . و در آخر کلام قمی فرموده و جائز نیست اینکه بوده باشد باین صفتها غیر از ائمه علیهم السلام<sup>(۲)</sup> .

و در تفسیر عیاشی روایت کرده که از حضرت باقر «ع» سؤال کردند از این آیه فرمود : خداوند خرید نفسها و مالهای مؤمنان را در میثاق ، پس قرائت نمود راوی آیه بعد را که «التائبون» الایة ، پس حضرت فرمود : نه این نحو نیست بخوانید «التائبین العابدین» تا آخر آیه ، و فرمود : زمانیکه می بینی ایشان را در رجعت که خریده خداوند از ایشان نفسها و مالهای آنها را و این دیدن تو ایشان را در رجعت خواهد بود<sup>(۳)</sup> . تمام شد .

پس این حدیث دلالت نمود بر رجعت ائمه که در زمان ظهور حضرت قائم خواهد شد پس از اینجا معلوم میشود که این آیه در رجعت ائمه است و در بیان زمان ظهور حضرت قائم آل محمد است بدون ریه .

(آیه بیست و دوم) در سوره یونس قوله تعالی «بل کذبوا بمالم یحیطوا بعلمه ولما یأتهم تأویلہ»<sup>(۴)</sup> یعنی بلکه تکذیب نمودند بآنچه احاطه نمیکنند بدانستن او و حال آنکه هنوز نیامده تأویل آن بر آنها .

و در تفسیر این آیه وارد شده که مراد از تأویل در این آیه رجعت ائمه است چنانکه علی بن ابراهیم قمی در تفسیر این فرموده که : این آیه در خصوص رجعت نازل شده و تکذیب کردند بر رجعت که آن رجعت نمیشود<sup>(۵)</sup> .

(۱) العیاشی ج ۲ ص ۱۱۳ .

(۲) تفسیر قمی ج ۱ ص ۳۰۶ .

(۳) عیاشی ج ۲ ص ۱۱۲ .

(۴) یونس : ۳۹ .

(۵) تفسیر قمی ج ۱ ص ۳۱۲ .

و در تفسیر عیاشی از حضرت باقر «ع» روایت نموده که از آنحضرت پرسیدند از چیزهای بزرگ از رجعت و غیر آن ، پس فرمود : بدرستی که این چیزها که از من سؤال میکنید هنوز وقت آن نیامده و خدا فرموده « بل کذبوا بما لم یحیطوا بعلمه »<sup>(۱)</sup> الایه .

و ایضاً از حضرت صادق «ع» مثل این روایت را نقل نموده . پس از این روایات معلوم شد که در این آیه از رجعت خبر میدهد و مراد از تأویل قرآن رجعت است و آن هم در زمان ظهور حضرت قائم آل محمد است چنانکه از توضیحات است .

( آیه بیست و سیم ) قوله تعالى در سورة یونس « واما نرینک بعض الذی نعدهم »<sup>(۲)</sup> یعنی و یا آنکه بنمائیم بر تو بعض آنچه را که بایشان وعده داده ایم . و در تفسیر وارد شده که مراد از این رجعت و قیام قائم است ، چنانکه در تفسیر قمی در تفسیر « بعض الذی نعدهم » فرموده من الرجعة و قیام القائم ، یعنی بعض چیزهایی که خداوند بایشان وعده داده رجعت و ظهور امام قائم است<sup>(۳)</sup> . پس این آیه دلالت نمود بر رجعت ائمه و ظهور امام غائب و این آیه بغیر از این تفسیر دیگر ندارد .

( آیه بیست و چهارم ) در سورة یونس قوله تعالى « ولو ان لكل نفس ظلمت ما فی الارض لا فتدت به »<sup>(۴)</sup> یعنی و هر گاه بوده باشد از برای هر نفس که ظلم کرده آنچه در زمین است هر آینه فدا کند آن را .

(۱) تفسیر عیاشی ج ۲ ص ۱۲۲ .

(۲) یونس : ۴۶ .

(۳) تفسیر قمی ج ۱ ص ۳۱۲ .

(۴) یونس : ۵۴ .

و در تفسیر این آیه قمی فرموده یعنی ظلم کرده بر حق آل محمد و فدا کند آنچه را که در زمین است در رجعت<sup>(۱)</sup>. تمام شد. پس معلوم میشود که این آیه در بیان رجعت است.

(آیه بیست و پنجم) در سوره یونس قوله تعالى «الان اولياء الله لا خوف عليهم ولا هم يحزنون»<sup>(۲)</sup> یعنی آگاه باشید بد رستیکه دوستان خداوند عالم نه خوف بر ایشان است و نه ایشان محزون و غمناک میشوند.

در اکمال الدین از حضرت صادق «ع» در تفسیر این آیه روایت نموده که فرمود: طوبی از برای شیعیان قائم ما اهل بیت که منتظر میشوند بظهور او در ایام غائب شدن او و اطاعت میکنند بر او در وقت ظهور او و ایشان هستند اولیاء الله که نه خوف بر ایشان است و نه ایشان محزون میشوند<sup>(۳)</sup>. پس از این تفسیر واضح شد که این آیه در بیان حال اصحاب حضرت قائم است.

(آیه بیست و هشتم) در سوره یونس قوله تعالى «لهم البشري في الحياة الدنيا وفي الآخرة»<sup>(۴)</sup> یعنی از برای ایشان است بشارت در دنیا و بشارت در آخرت.

و در اصول کافی در تفسیر این آیه از حضرت باقر «ع» روایت نموده که فرمود: بشارت میدهد خداوند عالم بر ایشان بقیام قائم آل محمد و بظهور او و بکشتن دشمنان ایشان و نجات در آخرت و وارد شدن آنها بر محمد و اولاد صادقین او در حوض کوثر<sup>(۵)</sup> تمام شد.

(۱) تفسیر قمی ج ۱ ص ۳۱۳.

(۲) یونس: ۶۲.

(۳) کمال الدین ج ۲ ص ۳۵۷.

(۴) یونس: ۶۴.

(۵) الکافی ج ۱ ص ۴۲۹.

پس از این تفسیر معلوم گردید که این آیه مبارکه در شأن شیعیان حضرت قائم و اصحاب آن بزرگوار است .

(آیه بیست و هفتم) در سوره هود قوله تعالی «وَلئن أَخْرنا عَنْهم الْعذاب الی امة معدودة»<sup>(۱)</sup> یعنی واگر بتأخیر بیندازیم ما عذاب را از ایشان بسوی امت معدوده یعنی ایشان را مهلت دادیم تا وقت وزمان امت معدوده .

و در تفسیر قمی از حضرت امیر المؤمنین «ع» روایت کرده که فرمود : مراد از امت معدوده و از جماعت شمرده شده اصحاب حضرت قائم آل محمد است و آنها سیصد و ده و زیاد است<sup>(۲)</sup> .

و در تفسیر عیاشی از حضرت صادق «ع» روایت کرده که امت معدوده حضرت قائم آل محمد و اصحاب آنحضرت است<sup>(۳)</sup> .

و باز هم عیاشی از آنحضرت روایت نموده که امت معدوده عدد ایشان بقدر عدد اصحاب بدر است<sup>(۴)</sup> تمام شد .

و عدد اصحاب بدر سیصد و سیزده بوده باتفاق تمام مسلمین .

و در تفسیر عیاشی از حضرت امام محمد باقر «ع» روایت کرده که آنحضرت فرمود : اصحاب قائم آل محمد سیصد و ده و چیزی زیاده است ، و ایشانند قسم بخداوند عالم امت معدوده که در قرآن خود فرموده ، و تلاوت کرد این آیها و فرمود مجتمع میشوند اصحاب حضرت قائم آل محمد بخدمت او بشتاب مثل اجتماع نمودن ابرهای وقت پاییز در یکجا<sup>(۵)</sup> .

(۱) هود : ۸ .

(۲) تفسیر قمی ج ۱ ص ۳۲۳ .

(۳) تفسیر عیاشی ج ۲ ص ۱۴۱ .

(۴) تفسیر عیاشی ج ۲ ص ۱۴۰ .

(۵) تفسیر عیاشی ج ۲ ص ۱۴۰ .

و در کافی و مجمع البیان<sup>(۱)</sup> این حدیث را نیز نقل کردند .  
 و در تفسیر قمی در آخر این آیه فرموده : یعنی اگر ما بر مردم بدکار و اشرار  
 مهلت بدهیم و نعمت بایشان کرامت بکنیم در این دنیا تا وقت ظهور حضرت  
 قائم آل محمد «ص» پس ایشان را برگردانیم و بر آنها عذاب میکنیم در آن زمان  
 و ایشان میگویند چه چیز است که حبس میکند عذاب را از ما یعنی این را میگویند  
 بطریق استهزاء که چرا قائم نمیشود و چرا او ظهور نمیکند<sup>(۲)</sup> تمام شد .  
 پس این احادیث که در تفسیر این آیه وارد شده دلالت واضحی نمود بر اینکه  
 این آیه در شان حضرت قائم آل محمد و اصحاب او نازل شده بدون شبهه و بدون  
 احتیاج بیان .

(آیه بیست و هشتم) در سوره هود قوله تعالی «بقیت الله خیر لکم ان کنتم  
 مؤمنین»<sup>(۳)</sup> یعنی باقی مانده خداوند از برای شما خیر است اگر بوده باشید  
 مؤمنان و بخدا و رسولش ایمان آورندگان .

و در اکمال الدین از حضرت باقر «ع» روایت نموده که فرمود : اول آن  
 چیزیکه نطق میکند بآن حضرت قائم آل محمد «ص» در وقت ظهورش این آیه  
 است ، و بعد از آن میفرماید که منم بقیت الله و حجت خداوند و خلیفه او بر شما  
 پس سلام نمیکند بحضرت قائم سلام کننده مگر آنکه میگوید «السلام علیک  
 یا بقیه الله فی ارضه»<sup>(۴)</sup> تمام شد .

پس از این تفسیر معلوم شد که مراد از بقیت الله در آیه شریفه حضرت

(۱) مجمع البیان ج ۳ ص ۱۴۴ .

(۲) تفسیر قمی ج ۱ ص ۳۲۲ .

(۳) هود : ۸۶ .

(۴) کمال الدین ج ۱ ص ۳۳۱ .

قائم آل محمد است بدون شبهه .

(آیه بیست و نهم) در سوره هود قوله تعالی «ولقد آتینا موسی الكتاب فاختلف فيه»<sup>(۱)</sup> یعنی بتحقیق ما عطا کردیم بموسی کتاب را پس اختلاف شد در او. و در اصول کافی از حضرت باقر «ع» در تفسیر این آیه روایت کرده که آن حضرت فرمود: اختلاف نمودند چنانکه این امت اختلاف کردند در کتاب خود ایشان و زود باشد که اختلاف کنند در آن کتابیکه با حضرت قائم آل محمد صلی الله علیه و آله است همچنان کتابیکه بیاورد آن را بر مردم تا آنکه انکار کند آنرا جمعی از مردم پس آن حضرت ایشان را جدا کند و گردن ایشان را میزند<sup>(۲)</sup> پس از این حدیث معلوم میشود که مراد از فاختلف فيه بحسب تأویل قرآن حضرت قائم آل محمد است هر چندیکه تنزیل آیه در کتاب حضرت موسی هست، زیرا که منافات در بین تنزیل و تسأویل ندارد چنانکه حضرت فرمود که این امت اختلاف کردند در کتاب خودشان، پس اگر آیه مختص باشد بکتاب موسی پس کلام امام در این مقام معنی پیدا نمیکند، پس چنانکه اشاره باختلاف این امت در این قرآن تأویل است همچنین اختلاف در کتاب حضرت قائم نیز تأویل است و مراتب تأویل مختلف است .

(آیه سی ام) در سوره رعد قوله تعالی «ان الذین آمنوا و عملوا الصالحات طوبی لهم و حسن مآب»<sup>(۳)</sup> یعنی بدرستی که آنکسانیکه ایمان آورده اند و عمل صالح نمودند از برای ایشان است طوبی و مرجع نیکو .

و در اصول کافی از حضرت صادق «ع» در تفسیر این آیه روایت کرده که

(۱) هود : ۱۱۰ .

(۲) الصافی ص ۲۴۲ ط تبریز .

(۳) الرعد : ۲۹ .



فرمود : طوبی از برای کسی است که تمسك نماید بامر ما اهل بیت در ایام غائب بودن قائم آل محمد «ص» پس قلب او میل به باطل نکند بعد از هدایت یافتن. پس عرض نمودند : طوبی چه چیز است . حضرت فرمود : طوبی درختی است در بهشت اصل آن در خانه حضرت امیر المؤمنین «ع» و نیست هیچ مؤمن مگر آنکه در خانه او شاخی از شاخهای آن درخت است و اینست قول خداوند که میفرماید «طوبی لهم و حسن مآب»<sup>(۱)</sup> .

پس از این تفسیر معلوم شد که این آیه در شأن شیعیان حضرت قائم آل محمد صلی الله علیه و آله است و اگر تنزیلش در مطلق مؤمنان باشد تاویلش در اوست. (آیه سی و یکم) در سوره ابراهیم قوله تعالی «وذكرهم بأيام الله ان في ذلك لآيات لكل صبار شكور»<sup>(۲)</sup> یعنی متذکر کن آنها را بایام خداوند بدرستی که در این ایام خداوند را هر آینه علامات است از برای هر صبر کننده شکر نماینده. و در کتاب خصال از حضرت باقر «ع» در تفسیر این آیه روایت کرده که فرمود ایام الله روز قیام قائم ما اهل بیت است و روز رجعت ائمه است و روز قیامت است<sup>(۳)</sup> .

و در تفسیر قمی فرموده که : ایام الله سه روز است روز ظهور حضرت قائم و روز مړك و روز قیامت است<sup>(۴)</sup> .

پس از این تفسیر معلوم شد که مراد از ایام الله در این آیه روز ظهور آن حضرت است و زمان ریاست آن بزرگوار از این آیه مراد است چنانکه روز

(۱) الصافی ص ۲۶۱ ط تبریز .

(۲) ابراهیم : ۵ .

(۳) الصافی ص ۲۶۳ ط تبریز .

(۴) تفسیر قمی ج ۱ ص ۳۶۷ .

قیامت و روز رجعت و یا روز مَرَك مراد است و منافات در بین این دو روایت ندارد زیرا که روز رجعت روز مَرَك اکثر مردم است از کفار و فجار و اشرار. (آیه سی و دوم) در سوره حجر قوله تعالی «قال فانك من المنظرین الی یوم الوقت المعلوم»<sup>(۱)</sup> یعنی خداوند عالم فرمود: بابلیس پس بدرستی که تو از مهلت شدگان هستی تا روز وقت معلوم و معین شده.

و مراد از وقت معلوم در آیه وقت ظهور حضرت قائم آل محمد «ص» است، چنانکه عیاشی در تفسیر این آیه از حضرت صادق «ع» روایت نموده که از آنحضرت پرسیدند از معنی این آیه پس فرمود: برای آیا تو گمان میکنی که مراد از یوم وقت معلوم روزی است که مردم در آن روز محشور میشوند، چنین نیست بدرستی که خداوند عالم مهلت داد بابلیس تا روزیکه قیام میکند در آن قائم ما اهل بیت، پس وقتیکه خدایتعالی برانگیخت قائم ما را میآید بمسجد کوفه و ابلیس ملعون بیاید بخدمت آنحضرت تا آنکه بزانو در آید در پیش او پس میگوید: و او بلا از این روز پس آنحضرت میگیرد از پیشانی او پس گردن او را میزند پس این روز است یوم الوقت المعلوم<sup>(۲)</sup>.

و در تفسیر قمی روایت کرده که یوم الوقت المعلوم روزی است که حضرت پیغمبر «ص» ابلیس را سر میبرد<sup>(۳)</sup>.

و منافات در بین این دو حدیث ندارد زیرا که گردن زدن حضرت قائم ذبح کردن پیغمبر است پس از این تفسیر معلوم شد که یوم وقت معلوم ظهور آنحضرت است. و در بعضی اخبار وارد شده که مراد از روز وقت معلوم نفخه

(۱) الحجر: ۳۷ و ۳۸.

(۲) تفسیر عیاشی ج ۲ ص ۲۴۲.

(۳) تفسیر قمی ج ۲ ص ۲۴۵.

صور است آن تقيه است زیرا که عامه این نحو تفسیر کردند و امام در آن حدیث تقيه کرده است .

(آیه سی و سیم) در سوره حجر قوله تعالی «ان فی ذلك لآیات للمتوسمین و انہا لبسبیل مقیم»<sup>۱</sup> یعنی بدرستی که در این هر آینه علامات است از برای اشخاص با فراست و بدرستی که آن علامتها در راه مقیم و در طریق و محل قوام است . و اخبار وارد است که مراد از متوسمین و سبیل مقیم ائمه است ، و در بعضی از آنها تفسیر بحضرت قائم آل محمد شده ، چنانکه در اکمال الدین از حضرت صادق «ع» روایت کرده که آنحضرت فرمود : زمانیکه ظهور کند قائم ما اهل بیت نمی ایستد در پیش آنحضرت احدی از خلق خداوند مگر آنکه می شناسد او را که او مؤمن است و یا او بدکار و از اشرار است و در آنحضرت آیه است از برای متوسمین و او آیه است از برای متوسمین و او است سبیل مقیم<sup>۲</sup> .

پس از این حدیث معلوم گردید که مراد از سبیل مقیم حضرت قائم آل محمد «ص» است ، و این حدیث یکی از مراتب تفسیر و یا تأویل است و منافات با احادیث دیگر ندارد که در آنها فرمودند که مراد مؤمنین و یا ائمه علیهم السلام است زیرا که تفسیر و تأویل مراتب دارد چنانکه بیان و معلوم گردید .

(آیه سی و چهارم) در سوره نحل قوله تعالی «او یأتی امر ربك» الی قوله سبحانه «و حاق بهم ما كانوا به یتهزؤن»<sup>۳</sup> یعنی یا آنکه امر و فرمان خداوند تو تا آنجا که میفرماید و احاطه کرد بر ایشان آنچه بیکه بر آن استهزاء میکردند . و در تفسیر قمی فرموده که مراد از «امر ربك» عذاب و مرک و ظهور حضرت

(۱) الحجر : ۷۵ و ۷۶ .

(۲) کمال الدین ج ۲ ص ۶۷۱ .

(۳) النحل : ۳۳ و ۳۴ .

قائم آل محمد است و مراد از « یستهزؤن به » استهزاء کفار است بر عذاب در رجعت<sup>(۱)</sup> تمام شد حاصل آن.

پس این آیه نیز دلالت بر ظهور حضرت قائم و رجعت کرد و مراد از این آیه بحسب تأویل آن حضرت شد .

(آیه سی و پنجم) در سوره نحل قوله تعالی «واقسموا بالله جهدايمانهم لایبعث الله من یموت بلی وعداً علیه حقاً واکن اکثر الناس لایعلمون\* لیبین لهم الذی یختلفون فیه ولیعلم الذین کفروا انهم کانوا کاذبین»<sup>(۲)</sup> یعنی قسم یاد کردند بخداوند قسمی با مبالغه و با جحد و جهد آنکه خداوند زنده نمی کند آنکسی را که فوت می شود نه چنین نیست بلکه زنده کردن مرده ها وعده است بر خداوند حقیقه و لکن اکثر مردم نمی دانند و زنده میکند تا آنکه بیان کند برایشان آنچه یکه در آن اختلاف مینمایند و تا آنکه بدانند آنکسانیکه کافرند بدرستی که آنها بوده اند دروغگویان .

و در تفسیر عیاشی و اصول کافی از حضرت صادق «ع» روایت کرده اند که آن حضرت بسابی بصیر فرمود : چه میگوئی در این آیه ؟ ابو بصیر عرض نمود : مردم میگویند بدرستی که مشرکین اعتقاد میکنند و قسم یاد نمایند و عرض میکنند بحضرت رسول «ص» که خداوند مرده ها را زنده نمیکند . پس حضرت فرمود : تف باد بر کسیکه این را گفته ، سؤال بکن از آنها آیا مشرکون بخدا قسم یاد میکنند یا بلات و عزی . ابو بصیر عرض کرد بخدمت حضرت : فدای تو شوم حقیقت را بمن بفرما در معنی این آیه . حضرت فرمود : ای ابا بصیر بتحقیق هر گاه ظهور کند قائم ما اهل بیت زنده میکند خداوند قومی را از

(۱) تفسیر قمی ج ۱ ص ۳۸۵ .

(۲) النحل : ۳۸ و ۳۹ .

شیعیان ، پس حضرت قائم آل محمد «ص» از آنها بیعت میگیرد درحالتیکه شمشیر ایشان در دوش میشود ، پس این خبر میرسد بقوم دیگر از شیعیان ماکه نمرددهاند پس با همدیگر میگویند زنده شده فلان وفلان وفلان کس واز قبرها برخاستند ودرخدمت قائم آل محمد هستند ، وبعد ازاین پس خبرزنده شدن مردهها میرسد بگوش دشمنان اهل بیت پس آنها میگویند ای طایفه شیعه چه قدر دروغ میگوئید شما این دولت وسلطنت وریاست شماست وبا وجوداین شما نیز دروغ میگوئید وخبربا همدیگر میدهید که مردهها زنده شدند ، بخدا قسم مردهها زنده نمیشوند تا روزقیامت ، پس خداوند قول آنها را درقرآن حکایت کرد وفرمود «واقسموا بالله جهد ايمانهم لايبعث الله من يموت»<sup>(۱)</sup>. ودرتفسیرقمی ازحضرت صادق «ع» روایت کرده که آنحضرت فرمود : چه میگویند مردم دراین آیه ؟ عرض کردند : میگویند این آیه نازل شده در کفار. حضرت فرمود : کفارقسم را بخداوند یاد نمیکنند ، وبدرستیکه این آیه نازل شده درامت محمد که بایشان گفته شد که شما زنده میشوید وقبل ازقیامت رجعت میکنید ، پس ایشان قسم یاد میکنند که آنها رجعت نخواهند کرد. پس خداوند قول ایشان را رد نمود وفرمود «ليبين لهم الذي يختلفون فيه وليعلم الذين كفروا انهم كانوا كاذبين» حضرت فرمود: یعنی دررجعت برمیگرداند آنها را پس میکشد ایشان را حضرت قائم آل محمد «ص» وشفا میدهد بر سینههای مؤمنین<sup>(۲)</sup>.

و درتفسیرعیاشی ازحضرت صادق «ع» روایت کرده که آنحضرت فرمود: چه میگویند مردم دراین آیه وافی هدایه ؟ عرض شد بخدمت او: میگویند که

(۱) الصافی ص ۲۷۶ وعیاشی ج ۲ ص ۲۵۹ .

(۲) تفسیرقمی ج ۱ ص ۳۸۵ .

قیامت وزنده شدن و نشر شدن نیست. فرمود: دروغ گفتند بخدا قسم بدرستی که این زنده شدن در آن زمان است که ظاهر شود قائم آل محمد و رجعت کند با او رجعت کنندگان، پس آن وقت میگوید اهل خلاف شما بتحقیق ظاهر شده ای طایفه شیعه دولت شما و این از دروغ گفتن شماست که میگوئید فلان و فلان رجعت کرده نه چنین نیست بخدا قسم « لا یبعث الله من یموت » آیا نمی بینی که خداوند فرموده « واقسموا بالله جهد ايمانهم » و بودند مشرکین اشد تعظیماً از برای لات و عزی از اینکه قسم یاد کنند بغیر آنها پس خداوند در جواب ایشان فرمود « بلی وعداً علیه حقاً لیبین لهم الذی یختلفون فیه » تا آخر آیات<sup>(۱)</sup>. پس از این احادیث معتبره معلوم شد که این آیات شریفه در خصوص رجعت و ظهور حضرت قائم آل محمد است و در بیان حال زمان قیام قائم اهل بیت نازل شده است و محتاج بیان نیست بالبداهة .

(آیه سی و ششم) در سوره بنی اسرائیل قوله تعالی « لتفسدن فی الارض مرتین ولتعلن علواً کبیراً \* فاذا جاء وعد اولیئهما بعثنا علیکم عبداً لنا ولی باس شدید فجاسوا خلال الدیار وکان وعداً مفعولاً »<sup>(۲)</sup> یعنی البته فساد میکنید در زمین دو مرتبه و البته علو و طغیان مینمائید طغیان بزرگی پس وقتی که می آید وعده اول آن طغیان و علو و فساد مبعوث میکنم بر شما بندگان خودم را که صاحب قوت شدیدند در جنگ، پس شمارا طلب میکنند و در خانه های شما شما را بدست می آورند و از جهت قتل و کشتن شما را میگیرند و این وعده خواهد شد .

و در کافی و تفسیر عیاشی از حضرت صادق روایت کردند که آنحضرت در

(۱) تفسیر عیاشی ج ۲ ص ۲۵۹ .

(۲) بنی اسرائیل : ۴ و ۵ .



تفسیر این آیه چنین فرمودند که : مراد از فساد دو مرتبه یکی قتل حضرت امیر المؤمنین است و یکی زخم زدن بحضرت امام حسن<sup>(۱)</sup> است ، و مراد از علو کبیر کشتن حضرت سید الشهداء است ، و مراد از عباد اولی باس شدید قومی است که خداوند مبعوث میکند ایشان را قبل از ظهور حضرت قائم آل محمد ، پس نمیگذارند خون آل محمد را مگر آنکه میگیرند و قاتلان ایشان را میکشند و مراد از وعده خداوند که «وعداً مفعولاً» باشد ظهور حضرت قائم آل محمد است<sup>(۲)</sup>.

(۱) حضرت امام حسن مجتبی امام دوم شیعیان سبط اول کنیه آنجناب ابو محمد بود در نیمه ماه رمضان المبارک سال ۳ از هجرت نبوی متولد شد روز هفتم بعد از تولد والده ماجده اش صدیقه کبری او را در حریر بهشتی که جبرئیل آورده بود پیچانده خدمت حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم آورد آنجناب او را حسن نام گذاشت و گوسفندی برای او عقیقه نمود .

انس بن مالک گوید : کسی به رسول الله از حسن بن علی شبیه تر نبود . بعد از پدر بزرگوارش بامامت رسید و در روز جمعه ۲۱ ماه رمضان المبارک سال ۴۰ هجرت مردم بآنحضرت بیعت کردند ولی به عهد و بیعت خود عمل نمودند در اثر دسیسه های معاویه بن ابوسفیان ملعون و وعده و وعیدهای او آن جناب را تنها گذاشته عده ای به معاویه لاحق شدند و جمعی دیگر به او نوشتند اگر می خواهی حسن بن علی را دستگیر کرده تحویل تو بدهیم و آنحضرت را با خنجر زخمی کردند حضرت امام حسن علیه السلام مجبور بصلح گردید ، معاویه بوسیله جعده دختر اشعث بن قیس که زوجه آنحضرت بود آقارا مسموم کرد در روز پنجشنبه ۲۸ ماه صفر سال ۵۰ بسن ۴۸ رحلت فرمودند . ارشاد ص ۱۸۷ .

(۲) الصافی ص ۲۸۶ و عیاشی ج ۲ ص ۲۸۱ .

و در تفسیر عیاشی از حضرت باقر «ع» روایت کرده که فرمود: مراد از عباد اولی بآس شدید حضرت قائم آل محمد و اصحاب آنحضرت است<sup>(۱)</sup>.  
و منافات در بین این دو حدیث نیست زیرا که مراد از قومی که قبل از ظهور حضرت قائم مبعوث میشوند اصحاب آنحضرت است که پیش از تشریف آوردن آنحضرت بکوفه بنی امیه را میکشند پس معلوم شد که این آیه در خصوص امام عصر عجل الله فرجه و اصحاب او است و در شأن ایشان نازل شده.

(آیه سی و هفتم) در سوره بنی اسرائیل قوله تعالی «ثم ردنا لكم الكرة عليهم و امددناكم باموال و بنین و جعلناکم اکثر نفیراً»<sup>(۲)</sup> یعنی پس رد کردیم بر شما دولت و غلبه را بر آنها و مدد کردیم بر شما با مالها و اولادها و قراردادیم عددتان را زیادتر.

و در این آیه خطاب بر بنی امیه است، چنانکه در تفسیر قمی فرموده در بیان معنی آیه: یعنی از برای بنی امیه بر اولاد پیغمبر و مدد کردیم بر شما با اموال و اولاد و قراردادیم عدد شمارا زیادتر از حسن و حسین علیهما السلام و اصحاب ایشان و اسیر کردند زنان آل محمد را<sup>(۳)</sup>.

و در کافی در تفسیر عیاشی فرموده «ورد الکره علیهم» بظهور نمودن و رجعت کردن حضرت امام حسین است با هفتاد نفر از اصحاب خودش و در سرایشان طاس کلاه طلا باف میشود در زمانی که بوده باشد حجت قائم آل محمد در بین ایشان و بعد از آن مالک میشود حضرت امام حسین<sup>(۴)</sup> روی زمین را تا آنکه

(۱) عیاشی ج ۲ ص ۲۸۱.

(۲) بنی اسرائیل: ۶.

(۳) تفسیر قمی ج ۲ ص ۱۴.

(۴) پس از امام حسن سبط اول نوبت امامت به برادر گرامی او حضرت

واقع میشود ابروهایش برچشمهای او<sup>(۱)</sup>.

وایضاً عیاشی در تفسیر این آیه از حضرت صادق «ع» روایت کرده که آن حضرت فرمود اول آنکسیکه رجعت میکند بدنیا حضرت سیدالشهداء ویزید ابن معاویه واتباع او است، پس حضرت آنها را میکشد چنانکه آنحضرت را کشته بودند و بعد از این این آیه را تلاوت فرمود «ثم ردونا لكم الكرة علیهم»<sup>(۲)</sup>. پس واضح شد که در این آیه اشاره بر رجعت ائمه و ظهور حضرت قائم آل محمد نموده، و این در شأن ایشان نازل گردیده و در خصوص حضرت قائم وجد بزرگوار او است.

ابا عبدالله الحسین سبط ثانی رسید، آنحضرت در شب پنجم ماه شعبان سال چهارم هجرت متولد شد وجد بزرگوارش نام او را حسین گذاشت.

پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم حسنین علیهما السلام را بسیار دوست می داشت و می گفت: خدایا من اینهارا دوست می دارم و هر که اینهارا دوست دارد او را هم دوست می دارم. و فرمود: هر که حسن و حسین را دوست دارد من او را دوست می دارم و هر که من او را دوست دارم خدا او را دوست می دارد و هر که خدا او را دوست دارد او را وارد بهشت می گرداند و هر که اینهارا دشمن دارد من او را دشمن می دارم و هر که من او را دشمن داشتم خدا او را دشمن می دارد و هر که را که خدا دشمن داشت او را بجهنم می برد.

بدعوت اهل کوفه از مکه معظمه بقصد کوفه خارج لشکر ابن زیاد سر راه آنحضرت را گرفته از ورود بکوفه مانع شده و در دهم محرم سال ۶۱ او را لب تشنه شهید نمودند بابی انت وامی یا ابا عبدالله. ارشاد ص ۱۹۷.

(۱) عیاشی ج ۲ ص ۲۸۱.

(۲) عیاشی ج ۲ ص ۲۸۲.

(آیه سی و هشتم) در سوره بنی اسرائیل قوله تعالی «فاذا جاء وعد الاخرة لیسوا وجوهکم» الی قوله تعالی «وان عدتم عدنا»<sup>(۱)</sup> یعنی وقتیکه بیاید وعده آخر مبعوث میکنیم بندگان خودمان را تا آنکه سیاه کنند روی شما را و اگر عود کنید شما ما نیز عود میکنیم .

و در تفسیر قمی فرموده که مراد از وعد الاخرة یعنی ظهور قائم آل محمد و اصحاب آنحضرت است ، و مراد از عدتم یعنی اگر عود کنید بطغیان ای اولاد امیه بسفیانی ، پس عود میکنیم ما بظاهر کردن حضرت قائم آل محمد<sup>(۲)</sup> . پس این آیه نیز در شأن حضرت صاحب الزمان نازل شده بلاشبهه .

(آیه سی و نهم) در سوره بنی اسرائیل قوله تعالی «ومن قتل مظلوماً فقد جعلنا لولیه سلطاناً فلا یسرف فی القتل انه کان منصوراً»<sup>(۳)</sup> یعنی هر کسی کشته شود در حالتیکه او مظلوم است و بدون حق کشته شده است پس بتحقیق قرار دادیم ما از برای ولی او سلطنت پس اسراف نکند در کشتن قاتل بدرستیکه آن ولی نصرت داده شده و ما باو نصرت داده ایم .

و در کافی در تفسیر این آیه از حضرت صادق «ع» روایت کرده که آنحضرت فرمود : این آیه در حق حضرت سید الشهداء نازل شده اگر تمامی اهل زمین کشته شوند بسبب کشته شدن آنحضرت اسراف نمیشود<sup>(۴)</sup> .

و ولی او حضرت قائم آل محمد «ص» است که بنی امیه را میکشد ولی منصور عبارت از آنحضرت است ، چنانکه در روایت محمد بن حمران در کافی

(۱) بنی اسرائیل : ۷ و ۸ .

(۲) تفسیر قمی ج ۲ ص ۱۴ .

(۳) بنی اسرائیل : ۳۳ .

(۴) الصافی ص ۲۸۹ ط تبریز .

از حضرت صادق وارد «فأقام الله لهم ظل القائم وقال بهذا انتقم لهذا»<sup>(۱)</sup> یعنی خداوند برپا نمود ظل و شبه حضرت قائم آل محمد را بر ملائکه ، و فرمود: با این شخص انتقام میکنم بر قاتلان سید الشهداء و بدست این میکشم آنها را ، پس ملائکه از ضجه و ناله ساکت شدند، پس معلوم گردید که آیه در شأن حضرت قائم آل محمد است چنانکه مراد از مظلوم سید الشهداء است ، همچنین مراد از ولی منصور امام قائم آل محمد است .

(آیه چهلم) در سوره بنی اسرائیل قوله تعالی «جاء الحق وزهق الباطل ان الباطل كان زهوقاً»<sup>(۲)</sup> یعنی حق آمد و رفت باطل و کفر و شرك بدرستی که باطل که کفر و شرك باشد بعد از آمدن حق بوده است مضمحل و برطرف شده . در کافی در تفسیر این آیه از حضرت باقر «ع» روایت نموده که آنحضرت فرمود: زمان ظهور قائم ما اهل بیت سلطنت و ریاست باطله میرود و نابود میشود<sup>(۳)</sup> . و در خراج از حکیمه خاتون روایت کرده که وقتی که متولد شد حضرت قائم آل محمد «ص» بود نظیف و پاک و پاکیزه و در دست راستش نوشته شده بود از قدرت خدا «جاء الحق وزهق الباطل» الایة<sup>(۴)</sup> .

پس معلوم شد که مراد از حق در این آیه حضرت قائم آل محمد و از آمدن حق مراد ظهور آنحضرت است و مراد از باطل ادیان فاسده و سلطنتهای باطله است . ( آیه چهل و یکم ) در سوره کهف قوله تعالی «فاذا جاء وعد ربی جعله دكاه و كان وعد ربی حقاً»<sup>(۵)</sup> یعنی پس وقتی که بیاید و عده خداوند من قرار میدهد

(۱) الکافی ج ۱ ص ۴۶۵ .

(۲) بنی اسرائیل : ۸۱ .

(۳) الصافی ص ۲۹۴ ط تبریز .

(۴) الخراج و الجرایح ص ۶۶ ط بمبی .

(۵) الکهف : ۹۸ .

آنرا یعنی آن سدر را خراب و باز زمین یکسان و بوده است و عده خداوند من حق. و در تفسیر عیاشی از حضرت صادق «ع» روایت کرده در معنی «اجعل بینکم و بینهم ردماً»<sup>(۱)</sup> که آن حضرت فرمود یعنی تقیه، پس قدرت ندارند بر مطلع بودن بر آن و قدرت ندارند بر نقب و خراب نمودن را بر آن، فرمود زمانیکه دانستی تقیه را قادر نمیشوند بر تو حيله کردن را و تقیه حصار محکم است و در بین تو و دشمنان خداست می شود تقیه که قدرت پیدا نمیکند بر نقب و خراب کردن او پس وقتیکه بیاید و عده خداوند من آن تقیه را خراب میکند و بر میدارد پس خداوند عالم از دشمنان دین انتقام می کشد و آنها را میکشد<sup>(۲)</sup>.

پس از این حدیث وارد در تفسیر این آیه معلوم شد که مراد از وعده خداوند عالم در این آیه شریفه ظهور حضرت قائم آل محمد «ص» است زیرا که از واضحات است که تقیه در زمان آن حضرت رفع می شود چنانکه از بعض آیات سابقه نیز معلوم شد و در آیات بعد از این نیز واضح خواهد گردید.

پس از ملاحظه آیات و اخبار واضح می گردد که مراد از این آیه ظهور حضرت قائم آل محمد است و زیادتر از این محتاج بیان نیست.

(آیه چهل و دوم) قوله تعالى در سورة مریم «حتی اذا رأوا ما یوعدون

اما العذاب و اما الساعة فسیعلمون من هوشرو مکاناً و اضعف جنداً \* ویزید الله

الذین اهتدوا هدی»<sup>(۳)</sup> یعنی تا زمانیکه دیدند آنچه را که وعده شده بودند

از عذاب و یا از روز قیامت پس زود میدانند که کدام است بدتر از جهت مکان

و جایگاه و ضعیف تر از جهت مدد و قوت و خداوند زیاد می کند هدایت آن

(۱) الکهف : ۹۵ .

(۲) عیاشی ج ۲ ص ۳۵۱ .

(۳) مریم : ۷۵ و ۷۶ .

کسانی را که طلب هدایت میکنند و هدایت مییابند .  
 در کافی از حضرت صادق «ع» در تفسیر این آیه روایت کرده که آن حضرت فرمود : اما قول خداوند « اذا رأوا مایوعدون » پس این ظهور حضرت قائم آل محمد است و اینست قیامت صغری و ساعت موعود بر آنها ، پس زود باشد که آن روز را میدانند و آنچه بر آنها نازل می شود مییابند از خداوند در دست حضرت قائم آل محمد پس اینست قول خداوند « من هو شرمکاناً » یعنی در نزد حضرت قائم آل محمد ، و معنی « یزید الله » یعنی زیاد میکند در این روز هدایت بالای هدایت بسبب تابع بودن ایشان بر حضرت قائم آل محمد زیرا که آنها اعراض نمیکنند از آنحضرت و او را انکار نمیکنند <sup>(۱)</sup> .

پس از این تفسیر معلوم شد که این آیه در خصوص حضرت قائم آل محمد صلی الله علیه و آله و در بیان ظهور و سلوک آنحضرت است بدون شبهه در این ، و مراد از « مایوعدون » و از عذاب و از ساعت آن چیز است که از دست حضرت قائم اهل بیت بدشمنان دین میرسد چنانکه هدایت زیادتر بر تابعان آنحضرت می رسد بلاریبه .

(آیه چهل و سیم) قوله تعالى در سورة طه « یعلم ما بین ایدیهم و ما خلفهم و لایحیطون به علماً » <sup>(۲)</sup> یعنی خداوند میداند آنچه را که مقدم است بر آنها و آنچه را که بعد از آنها خواهد آمد و احاطه نمی کنند بر خدا از جهت علم .  
 در تفسیر قمی در این آیه فرموده یعنی خداوند میداند آنچه را که پیش ایشان است از اخبار ماضی از حالات انبیاء و اولیاء و گذشتگان و آنچه را که بعد از ایشان است از اخبار حضرت قائم آل محمد <sup>(۳)</sup> .

(۱) الکافی ج ۱ ص ۴۳۱ .

(۲) طه : ۱۱۰ .

(۳) تفسیر قمی ج ۲ ص ۶۵ .



پس از این تفسیر معلوم شد که مراد از «ماخلفهم» حضرت قائم آل محمد است، زیرا که بناء تفسیر قمی بر اخبار است که از حضرت صادق «ع» وارد شده، پس واضح می شود آنچه ماذکر کردیم.

(آیه چهل و چهارم) در سوره طه قوله تعالی « ولقد عهدنا الى آدم من قبل فنسى ولم نجد له عزماً »<sup>(۱)</sup> یعنی هر آینه بتحقیق عهد کردیم ما بر آدم قبل از این پس نسیان نمود و نیافتیم از برای او عزم و جزم در آنچه ما عهد کردیم بر او در علل الشرایع و بصائر الدرجات از حضرت پیغمبر «ص» در تفسیر این آیه روایت کرده اند که خدایتعالی عهد کرد بر آدم در حضرت محمد بن عبد الله صلی الله علیه و آله و در ائمه بعد از آن حضرت، پس آدم ترك نمود و نشد عزم از برای او در ائمه که آن بزرگواران چنان بودند و بدرستی که پیغمبران اولی العزم نامیده شدند زیرا که خداوند عهد کرد بر ایشان در حضرت محمد صلی الله علیه و آله و اوصیای او و در حضرت مهدی قائم آل محمد بالخصوص و در سیرت او و در سلوک و کردار و رفتار او بعد از ظهورش پس عزم و جزم پیغمبران اولی العزم جمع شد بر اینکه محمد و اوصیای او و حضرت قائم بالخصوص همچنان است و اقرار نمودند بر این<sup>(۲)</sup>.

وایضاً در علل الشرایع از آنحضرت روایت کرده که فرمودند: خداوند اخذ نمود میثاق و عهد را از پیغمبران اولی العزم بر اینکه بدرستی که من خدای شما هستم و حضرت محمد رسول من است و حضرت علی امیر و پیشوای مؤمنان است از تمام مخلوقات و اوصیای او بعد از آن والی امر من و خزان علم من هستند، و بدرستی که بحضرت مهدی صاحب الزمان نصرت میکنم بر دین خودم

(۱) طه: ۱۱۵.

(۲) علل الشرایع ج ۱ ص ۱۲۲ و بصائر الدرجات ص ۷۰.

و با او ظاهر میکنم سلطنت خودم را و با او انتقام می کشم از دشمنان دین خودم و با او عبادت کرده میشوم طوعاً و کرهاً . پیغمبران عرض کردند: اقرار نمودیم ای خداوند ما و شاهد شدیم و حضرت آدم اقرار نکرد و انکار نیز نمود ، پس ثابت شد عزم در این پنج نفر از پیغمبران اولی العزم در خصوص حضرت مهدی قائم آل محمد و نشد از برای آدم عزم بر اقرار بحضرت قائم ، و اینست معنی قول خداوند «ولقد عهدنا الی آدم من قبل فنسی و ام نجدله عزمًا» ، فرمود بدرستی که معنی نسی ترك است یعنی آدم ترك کرد اقرار بحضرت قائم آل محمد را<sup>(۱)</sup> . پس از این تفسیر واضح گردید که این آیه در خصوص حضرت قائم و در اخذ بیعت از برای آنحضرت است از انبیاء و پیغمبران اولی العزم بالبداهه .

(آیه چهل و پنجم) در سوره طه قوله تعالی «ومن اعرض عن ذکری فان له معیشتة ضنکاً و نحشروه یوم القيمة اعمی»<sup>(۲)</sup> یعنی هر آنکسی که از ذکر من اعراض کند پس بدرستی که از برای او است معیشت ضیق و محشور میکنیم او را در روز قیامت کور. در تفسیر قمی از حضرت صادق روایت کرده که فرمود معیشت ضنک از برای ناصبی ها است عرض کردند با آنحضرت که ما آنها را در دنیا در کفایت و آسودگی مشاهده می کنیم تا آنکه می میرند حضرت فرمود: این گفتم بخدا قسم در رجعت است و خوراک ایشان در رجعت عذرة انسان خواهد شد<sup>(۳)</sup> .

و دلیل بر اینکه این در رجعت می شود آخر آیه است که میفرماید : ما اورا در روز قیامت کور محشور میکنیم پس از حدیث مذکور معلوم میشود که این آیه

(۱) الصافی ص ۳۲۴ .

(۲) طه : ۱۲۴ .

(۳) تفسیر قمی ج ۲ ص ۶۵ .

در رجعت ائمه و در بیان حال دشمنان ایشان است و در رجعت ایشان با حضرت قائم آل محمد یا بعد از آن حضرت .

(آیهٔ چهل و ششم) قوله تعالى در سورة انبياء «فلما احسوا باسنا اذا هم منها يركضون \* لا تتركضوا وارجعوا الي ما اترفتهم فيه ولساكنكم لعلكم تسئلون»<sup>(۱)</sup> یعنی وقتیکه احساس کردند باس و عذاب ما را در آن وقت از آن عذاب میگریزند گفته میشود بر آنها نگریزید و رجوع کنید بسوی آنچه بودید در آن از نعمت و لذت و مسکنها شاید که شما سؤال کرده شوید .

در کافی از حضرت باقر «ع» در تفسیر این آیه روایت کرده که فرمود : وقتیکه ظهور کند قائم آل محمد «ص» میفرستد جمعی را از اصحاب خود بطلب و دست آوردن بنی امیه بشام پس آنها از ترس و خوف میگریزند بروم پس اهل روم میگویند بر بنی امیه شما جاندارید و نخواهید داشت در ولایت ما تا آنکه بدین نصاری داخل شوید پس آنها تماماً نصرانی می شوند و صلیبها را بگردن خود نمایند بعد از آن نصاری آنها را جای می دهند پس زمانی که اصحاب حضرت قائم آل محمد خبردار می شوند که بنی امیه بروم رفتند در عقب آنها خودشان را بروم میفرستند و وارد برو ولایت نصاری میشوند پس اهل روم و نصاری امان طلب میکنند و امان میگویند ، پس اصحاب قائم مهدی «ع» میفرمایند امان نیست تا آنکه بنی امیه را حاضر کنید و بدست ما بدهید اهل روم بنی امیه را تماماً برایشان تسلیم میکنند و اینست قوله تعالى «لا تتركضوا» الی قوله «لعلكم تسئلون» یعنی حضرت قائم از خزینهها میپرسد و حال آنکه خودش اعلم و داناتر است بر خزینهها از همه کس<sup>(۲)</sup> .

(۱) الانبياء : ۱۲ و ۱۳ .

(۲) الصافی ص ۳۲۶ .

و در تفسیر قمی این حدیث را نقل نموده و بعد فرموده : این آیه از آن آیات است که لفظ آن ماضی و معنای آن مستقبل و بعد خواهد شد و از آن آیات است که تأویلش بعد از تنزیل آن می شود <sup>(۱)</sup> تمام شد .

پس از این تفسیر معلوم میشود که این آیه در شأن حضرت قائم و اصحاب او و در بیان حال دشمنان او است، پس حاصل معنای آیه این می شود که زمانیکه احساس میکنند بنی امیه آمدن اصحاب حضرت قائم آل محمد « ص » را پس آنها بروم و ولایت نصاری میگریزند از ترس ایشان و بر بنی امیه بطور استهزاء می گویند که نگریزید و رجوع کنید بسوی نعمتهای خود و مسکنهای خودتان از شما سؤال خواهد شد و شمارا خواهند کشت .

(آیه چهل و هفتم) در سوره انبیاء قوله تعالی « و حرام علی قریة اهلکناها انهم لا يرجعون » <sup>(۲)</sup> یعنی حرام است رجوع کردن بر هر قریه که ما آنرا هلاک کرده ایم و آن را بعذاب کشته ایم .

در تفسیر قمی از حضرت باقر و صادق « ع » در تفسیر این آیه روایت کرده که فرمودند: هر قریه که خداوند آنرا هلاک نموده بعذاب اهل آن قریه رجوع نمی کنند در رجعت <sup>(۳)</sup> .

و در مجمع البیان از حضرت باقر روایت نموده که فرموده هر قریه که خداوند اهل آنرا بعذاب هلاک نموده پس بدرستی که ایشان رجعت نمیکنند و قبل از قیامت آنها زنده نمیشوند <sup>(۴)</sup> .

(۱) تفسیر قمی ج ۲ ص ۶۸ .

(۲) الانبیاء : ۹۵ .

(۳) تفسیر قمی ج ۲ ص ۷۶ .

(۴) مجمع البیان ج ۴ ص ۶۳ .

پس از این احادیث که در تفسیر این آیه وارد شده معلوم می شود که رجعت بر سائر مردم است و باقی مردمان رجعت خواهند نمود و معلوم است که رجعت خلق با ائمه «ع» خواهد گردید و رجعت مردم بجهت سلطنت ائمه است بدون شبهه. (آیه چهل و هشتم) در سوره انبیاء قوله تعالی «ولقد كتبنا فی الزبور من بعد الذکر ان الارض یرثها عباد الصالحون»<sup>(۱)</sup> یعنی هر آینه بتحقیق نوشتیم در زبور حضرت داود بعد از تعلیم ذکر بر او این را که بدرستی که مالک میشود زمین را وقائم مقام میگردد در زمین کلا بندگان صالحان من .

و در تفسیر مجمع از حضرت باقر «ع» روایت کرده که آنحضرت فرمود که : مراد از «عبادی الصالحون» اصحاب حضرت قائم آل محمد است در آخر الزمان .

و خود صاحب مجمع فرموده : دلالت میکند بر این آنچه روایت نموده آن را شیعه و سنی از حضرت پیغمبر که فرمود اگر نمانده باشد از عمر دنیا مگر یک روز البته طولانی میکند خدا آن روز را تا مبعوث کند یک مرد بزرگوار را از اهل بیت من تا آنکه زمین را پراز عدل و داد خواهی کند چنانکه مملو شده بود از ظلم و تعدی<sup>(۲)</sup> .

و در تفسیر قمی از حضرت صادق «ع» روایت نموده که فرمود : مراد از «عبادی الصالحون» حضرت قائم آل محمد و اصحاب او است و در زبور تحمید و تمجید و دعاء است<sup>(۳)</sup> .

و در روایت دیگر از آنحضرت نقل نموده که فرمود : خداوند نازل کرد بر

(۱) الانبیاء : ۱۰۵ .

(۲) مجمع البیان ج ۳ ص ۶۶ .

(۳) تفسیر قمی ج ۲ ص ۷۷ .

داود «ع» زبور را و در آن بود توحید و تمجید و دعا و اخبار رسول الله و امیر المؤمنین و الائمه از اولاد ایشان و اخبار رجعت و ذکر حضرت قائم آل محمد . تمام شد .

پس از این اخبار معلوم شد که در این آیه مراد از صالحون حضرت قائم «ع» و اصحاب او است و ایشان وارث تمامی روی زمین میشوند از پادشاهان ، و مراد از ذکر زبور توحید و محمد و ائمه و اخبار رجعت ایشان است .

پس بنا بر این تفسیر حاصل معنای آیه این میشود که بتحقیق نوشتیم ما در زبور حضرت داود «ع» بعد از بیان توحید و ذکر محمد «ص» و وصی او و ائمه از نسل ایشان و بیان امامت و فضیلت ایشان و وجوب اطاعت ایشان بر جمیع خلق این را که بدرستی که مالک میشود بر زمین و سلطنت میکند در آن بندگان صالحان من که حضرت مهدی صاحب الزمان باشد و اصحاب او ، و اینست معنی آیه بحسب تفسیر .

(آیه جهل ونهم) قوله تعالى در سورة حج « اذن للمدين يقاتلون بأنهم ظلموا »<sup>(۱)</sup> یعنی رخصت داده شدند آنکسانیکه مقاتله میکنند با کفار بسبب آنکه بدرستی که ایشان مظلوم شده اند .

و در تفسیر مجمع از حضرت صادق روایت نموده که آنحضرت فرمود بدرستی که عامه میگویند که این آیه در حق پیغمبر نازل شده در آن وقتی که قریش او را از مکه خارج کردند و حال آنکه در حق آنحضرت نازل نشده بلکه بدرستی که این آیه در حق حضرت قائم آل محمد نازل شده و قتیکه ظاهر میشود طلب نماید خون حضرت سیدالشهداء را در حالتیکه آنحضرت میگوید مائیم صاحب

خون و اولیاء حضرت حسین علیه السلام<sup>(۱)</sup> تمام شد .

پس معلوم شد که این آیه در خصوص حضرت قائم آل محمد است ، پس حاصل معنای آیه این میشود بنابراین تفسیر که رخصت داده خداوند بحضرت قائم آل محمد که قتال کند با کفار و آنها را بکشد بجهت مظلوم شدن جدش حسین «ع» در دست آن کفار و فجار بد کردار .

(آیه پنجاهم) در سوره حج قوله تعالی «الذین ان مکناهم فی الارض اقاموا الصلوة و آتوا الزکوة و امرؤا بالمعروف و نهوا عن المنکر و لله عاقبة الامور»<sup>(۲)</sup> یعنی اشخاصی هستند که اگر ما تمکین بدهیم ایشان را در زمین اقامه میکنند نماز را و ادا میکنند زکات را و امر بمعروف و نهی از منکر میکنند و از برای خدا است عاقبت کارها .

در تفسیر قمی از حضرت باقر «ع» روایت نموده که آنحضرت فرمود ، پس این آیه در خصوص آل محمد «ص» نازل شده تا آخر آیه و حضرت مهدی صاحب الزمان و اصحاب او را خداوند مالک میکند بر تمامی روی زمین از مشرق تا بمغرب و ظاهر میکند خداوند دین خود را بآنحضرت و محو میکند خداوند با اوبدعتها را و باطلها را چنانکه اهل باطل و شقاوت حق را محو کرده بودند تا آنکه دیده نشود ظلم و جور در هیچ جای و امر بمعروف و نهی از منکر میکنند<sup>(۳)</sup> تمام شد .

پس از این تفسیر معلوم شد که این آیه در خصوص حضرت قائم آل محمد

(۱) تفسیر قمی ج ۲ ص ۸۴ . و این حدیث شریف در تفسیر مجمع البیان یاد

نگشته است .

(۲) الحج : ۴۱ .

(۳) تفسیر قمی ج ۲ ص ۸۵ .



نازل شده و مراد از اشخاص تمکین داده شده و اشخاص امر بمعروف کننده و نهی از منکر نماینده آن حضرت و اصحاب آن بزرگوار است بدون شبهه .

(آیه پنجاه و یکم) در سورة حج قوله تعالى « و بئرمعطلة و قصرمشید »<sup>(۱)</sup> یعنی چاه مهجور شده هست و قصر بلند است .

و در اکمال الدین و کتاب معانی الاخبار از حضرت صادق «ع» روایت کرده که فرمود بئرمعطلة امام صامت است و قصرمشید امام ناطق است<sup>(۲)</sup> .

و این تفسیر را در کافی از حضرت امام موسی کاظم «ع» نقل کرده<sup>(۳)</sup> . و در تفسیر قمی فرموده که این آیه مثل است از برای آل محمد «ص» ، و بشر معطله آن چاه است که از آن آب نکشند و مراد از آن امامی است که بتحقیق غائب باشد و از علم او اقتباس نشود و از نور هدایت او روشنی نبرند تا وقت ظهور او و قصرمشید او مرتفع است ، و او مثل است از برای امیرالمؤمنین «ع» و ائمه از اولاد او و از فضائل ایشان که منتشر است بر عالم و دنیا را پر کرده و آن اول یعنی امام غائب قول خداوند است «لیظهره علی الدین کله»<sup>(۴)</sup> .

پس از تفسیرهای مزبور معلوم شد که مراد از بئرمعطلة امام غائب است که صامت عبارت از او است پس بئرمعطلة امام غائب شد که بعد ظاهر میشود که از این آیه مقصود او است .

(آیه پنجاه و دوم) قوله تعالى در سورة حج « ذلك و من عاقب بمثل ما عوقب به ثم بغی علیه لینصرنه الله »<sup>(۵)</sup> یعنی اینست و هر که عاقب و عذاب

(۱) الحج : ۴۵ .

(۲) معانی الاخبار ص ۱۱۱ .

(۳) کافی ج ۱ ص ۴۲۷ .

(۴) تفسیر قمی ج ۲ ص ۸۵ .

(۵) الحج : ۶۰ .

نماید مثل آن عذابیکه بر او کرده بودند و بعد از آن باز ظلم شود بر او البته خداوند نصرت فرماید او را .

وقمی در تفسیر این آیه فرموده که آن عذاب کننده پیغمبر است زمانیکه بیرون کردند او را قریش از مکه و رفت بغار و طلب کردند او را تا بکشند او را ، پس خداوند عقاب کرد بردشمنان او در روز بدر بکشتن چند نفر از آنها ، پس زمانیکه رحلت فرمود رسول خدا قریش خون کشتگان خود را طلب نمودند و حضرت امام حسین «ع» را شهید کردند و بر او اولاد رسول خدا ظلم و ستم نمودند و این قول یزید ملعون است که گفت لیت اشیاخی ببدر شهدوا - الی آخره . پس خداوند فرمود «ذک و من عاقب» یعنی حضرت پیغمبر خدا «بمثل ما عوقب به» یعنی وقتیکه اراده نمودند که او را بکشند «ثم بغی علیه لینصرنه» بالقائم من ولده<sup>(۱)</sup> یعنی البته نصرت و یاری میکند خداوند بحضرت رسول بقیام حضرت قائم آل محمد که از اولاد او است .

پس از این تفسیر معلوم گردید که این آیه در شأن حضرت امام مهدی صاحب الزمان است و مراد از نصرت خدایتعالی نصرت و یاری با آنحضرت است در زمان ظهور او .

(آیه پنجاه و سیم) قوله تعالی در سوره مؤمنون «حتی اذا فتحنا علیهم باباً اذا عذاب شدید»<sup>(۲)</sup> یعنی تا زمانیکه گشادیم بر آنها يك دری صاحب عذاب درد ناك .

و در مجمع در تفسیر این آیه از حضرت باقر «ع» روایت کرده که آنحضرت

(۱) تفسیر وقمی ج ۲ ص ۸۶ .

(۲) المؤمنون : ۷۷ .

فرمود که : این عذاب شدید بر کافران و ظالمان در رجعت خواهد بود<sup>(۱)</sup>.  
 پس از این حدیث معلوم میشود که این آیه در خصوص رجعت است ،  
 و مراد از رجعت رجوع ائمه است با حضرت قائم آل محمد یا بعد از آن حضرت  
 و عذاب شدید بر کفار و فجار در رجعت بدست قائم آل محمد خواهد شد ،  
 چنانکه از تفسیر آیات سابقه معلوم گردید و بعد از آن واضح میگردد .

(آیه پنجاه و چهارم) قوله تعالی در سورة مؤمنون « قل رب اما تورینی  
 ما یوعدون » الی قوله « وانا علی ان نریک ما نعدهم لقادرون »<sup>(۲)</sup> یعنی  
 بگو ای خدای من هر گاه بنمائی بر من آنچه را که وعده بآنها شده . تا آنکه  
 فرماید : و بدرستی که خداوند قادر است بر اینکه بنمایاند بر تو آنچه را که وعده  
 بآنها داده است .

و در مجمع در سبب نزول این آیه از حضرت پیغمبر «ص» روایت کرده که  
 آن حضرت در حجة الوداع در منی فرمود که : بعد از من کافر نشوید و بعضی از  
 شما گردن بعضی دیگر را زنید و قسم بخداوند اگر این کار را بکنید البته مرا  
 می بینید در یک کتیبه و فوج بزرگی که شمارا گردن میزنند . راوی گفت پس دست  
 حضرت رسول خدا فشرده شد پس التفات بطرف دیگر نمود و فرمود یا در دست  
 علی شما را گردن میزنند پس در این وقت این آیه نازل شد<sup>(۳)</sup> .

و در بصائر الدرجات از جابر بن عبد الله روایت کرده که حضرت پیغمبر در  
 مکه خطبه خواند و فرمود : ای مردم من شما را میشناسم که بعد از من کافر  
 میشوید و بعضی گردن بعضی را میزند هر گاه این کار را بکنید من گردن شما را

(۱) مجمع البیان ج ۴ ص ۱۱۴ .

(۲) المؤمنون ۹۴-۹۵-۹۶ .

(۳) مجمع البیان ج ۴ ص ۱۱۷ .

میزنم ، بعد التفات نمود و برگشت بطرف راست پس مردم گفتند که جبرئیل دست او را فشار داد پس جبرئیل گفت یا آنکه علی «ع» گردن شما را میزند . و از ابان بن تغلب روایت کرده از حضرت صادق «ع» که فرمود : جبرئیل بر رسول خدا نازل شد پس عرض کرد یا محمد «ص» اگر خدا خواسته باشد تو آنها را گردن میزنی و یا آنکه علی گردن آنها را میزند و وعده گاه شما وادی السلام است . ابان گفت : عرض کردم بحضرت صادق «ع» که وادی السلام کجا است که خداوند وعده داده بر رسول خودش و بحضرت علی که ایشان در آنجا گردن کفار این امت را میزنند . حضرت فرمود : ای ابان وادی السلام پشت کوفه است<sup>(۱)</sup> . تمام شد .

پس معلوم گسردید که این آیه شریفه در خصوص رجعت است و خبر از رجعت میدهد ، و مراد از « ما یوعدون » و « ما نعدهم » رجعت و رجوع ائمه است ، و از این جهت است که حضرت رسول در اخبار سابقه فرمود گردن شمارا میزنم و یا آنکه علی گردن شما را میزند ، و حضرت صادق فرمود که وعده گاه ایشان در وادی السلام است که پشت کوفه باشد .

پس از این احادیث معلوم شد که این آیه در رجعت ائمه است و مراد از وادی السلام وادی السلام است که نجف باشد ، و از همین جهت است که در تفسیر صافی فرموده که مراد رجعت است و بلکه از مفسرین عامه نیز بیضاوی قائل شده است که این آیه در بیان رجعت است و معلوم است که رجعت ائمه بعد از ظهور حضرت قائم آل محمد خواهد گردید یا با او .

(آیه پنجاه و پنجم) در سوره نور قوله تعالی « وعد الله الذین آمنوا منکم و عملوا الصالحات لیستخلفنهم فی الارض » الی قوله « یعبدوننی لایشرکون

(۱) الصافی ص ۳۴۵ در آنجا از مختصر بصائر الدرجات نقل کرده است .

بی شیئاً»<sup>(۱)</sup> یعنی خداوند وعده داد آنکسانی را که ایمان آوردند از شما و عمل صالح کرده‌اند آنها که البته ایشان را در زمین خلیفه میکند همچنانکه خلیفه کرد آن اشخاصی را که قبل از ایشان بودند و البته متمکن میکند خداوند آنها را از اظهار دین که پسندیده است خداوند از برای ایشان و بدل میکند خوف و ترس ایشان را بر امن و آسودگی تا آنکه عبادت کنند خداوند را و بر خدا شریک قرار ندهند .

در کافی از حضرت صادق «ع» روایت کرده که از آنحضرت سؤال نمودند از این آیه پس حضرت فرمود که ایشان ائمه علیهم السلام هستند و مراد خداوند ایشان است .

وایضاً در کافی از حضرت باقر «ع» روایت نموده که آنحضرت فرمود :  
 بتحقیق فرموده است خداوند در کتاب خودش برائمه بعد از حضرت رسول خدا «وعد الله الذین آمنوا و عملوا الصالحات» الایة ، میفرماید برایشان من شما را خلیفه میکنم از برای علم خودم و دین و عبادت خودم بعد از پیغمبر خود چنانکه خلیفه نمودم اوصیای حضرت آدم را بعد از او تا آنکه مبعوث گرداند پیغمبری بعد از او را «یعبدوننی و لایشركون بی شیئاً» میفرماید عبادت میکنند بر من بر اینکه پیغمبری نیست بعد از محمد بن عبدالله و دین غیر از دین او نیست پس هر کس غیر از این را بگوید پس او از فاسقان است و بتحقیق علم را داد برائمه بعد از پیغمبر خودش و ما ئیم آن ولات امر و ائمة الدین پس از ما سؤال کنید<sup>(۲)</sup> .

و در کتاب واحده ایضاً از حضرت باقر «ع» روایت کرده در حدیث طولانی

(۱) النور: ۵۵ .

(۲) الکافی ج ۱ ص ۲۵۰ .

که بعض از آن در سوره آل عمران ذکر شد که حضرت امیر المؤمنین «ع» فرمود: تا آنکه خداوند بر آل محمد منجز نماید آنچه را که بر ایشان وعده داده است در فرمایش خودش «وعد الله الذین آمنوا» الی قوله تعالی «یعبدوننی ولایشرکون بی شیئاً» یعنی عبادت میکنند بر من در حال امنیت و عافیت و نمیترسند از احدی در عبادت من و نباشد در نزد آنها تقیه، و مراد از شرک در این آیه تقیه است.<sup>(۱)</sup>

و در تفسیر قمی فرموده که: این آیه در قوائم آل محمد نازل شده است.<sup>(۲)</sup>  
و در تفسیر مجمع فرموده آنچه از اهل بیت روایت شده در این آیه اینست که آن در مهدی آل محمد نازل گردیده.<sup>(۳)</sup>

و عیاشی در تفسیر این آیه از حضرت امام زین العابدین<sup>(۴)</sup> روایت نموده که

(۱) تفسیر برهان ج ۲ ص ۷۴۳.

(۲) تفسیر قمی ج ۲ ص ۱۰۸.

(۳) مجمع البیان ج ۴ ص ۱۵۲.

(۴) حضرت سید الساجدین علی بن الحسین بن علی علیهم السلام ابوالحسن و ابو محمد کنیه داشت زین العابدین و سید الساجدین و سجاد و ذوالثفتان از القاب شریفه آن حضرت بود و ذوالثفتان از آنجهت می گفتند که مواضع سجده آنجناب از کثرت بزمین خوردن برای سجده مانند زانوی شتر پینه گذاشته بودند.

روز جمعه بقولی روز پنجشنبه نیمه جمادی الاخر نهم شعبان المعظم سال ۳۸ بقولی ۳۶ و بقول دیگر ۳۷ هجری متولد گردید اسم مادر آنجناب شاه زنان یا شهربانویه بود دختر یزد جرد سلطان ایران که با خواهر دیگرش خدمت حضرت امیر المؤمنین آورده شد حضرت شهربانویه را به امام حسین و آن یکی

آنحضرت فرمود: قسم بخداوند آنکسانیکه خوف ایشان تبدیل بسامنیت و آسودگی میشود و تقیه از آنها برداشته میشود شیعیان ما هستند، و اینها برای ایشان بدست مبارك يك مرد بزرگوار میشود از ما اهل بیت و آن مرد مهدی این امت است و او آنکس است که حضرت پیغمبر در حق او فرمود: اگر نمانده باشد از عمر دنیا مگر يك روز البته خداوند عالم طولانی کند آن روز را تا آنکه سلطنت نماید و پادشاهی تمام روی زمین را بکند يك مرد بزرگوار از عترت من که نام او نام من است که زمین را پر میکند از عدل و داد خواهی همچنانکه پر شده بود از ظلم و تعدی. و بعد عیاشی فرموده که مثل این از حضرت امام محمد باقر و از حضرت صادق «ع» نیز روایت گردیده<sup>۱</sup>.

و در اکمال الدین از حضرت صادق «ع» در قصه نوح و ذکر انتظار مؤمنین از قوم او فرج را تا آنکه خداوند نمایاند بر آنها خلیفه بحق خودش را و تمکین دین خود را تا آنکه فرمود و همچنین است حضرت قائم آل محمد «ص»، پس بدرستی که طول یابد غائب بودن او تا آنکه حق خالص شود و ایمان صاف گردد از کدر بمرتد شدن هر کسی که طینت او خبیث است از شیعه آنکسانیکه خوف خواهر را به محمد بن ابی بکر تزویج فرمود که از او قاسم بن محمد بن ابی بکر بدنیآ آمد.

پنجاه و هفت و بقولی پنجاه و هشت سال عمر آنجناب بود روز شنبه و بقولی روز دوشنبه ۱۲ ماه محرم الحرام و بقولی ۱۸ و بقول دیگر ۲۵ ماه منذ کور سال ۱۱۰ و بقولی سال نود و چهارم یا نود و دوم هجرت رحلت فرمودند و آنسال را عام الفقهاء نام نهادند زیرا بسیاری از فقهاء در آنسال وفات نمودند.

جنات الخلود ص ۲۴، اعلام الوری ص ۲۵۶.

(۱) تفسیر برهان ج ۲ ص ۷۴۴.



نفاق در ایشان هست در وقتیکه احساس کنند ظهور خلیفه خداوند عالم را و متمکن شدن او و دین او در روی زمین و از برای جماعت شیعه خالص است امر و دین منتشر در عهد و زمان ظهور حضرت مهدی آل محمد، و این آیه در حق ایشان است که «وعد الله الذین آمنوا» باشد .

راوی عرض نمود بخدمت آنحضرت که : یا بن رسول الله ناصبها گمان می کنند که این آیه در حق ابی بکر و عمر و عثمان و علی نازل شده است؟ حضرت فرمود : خداوند ناصبها را هدایت و ارشاد نکند، چنین نیست چه وقت شد دین خداوند که آنرا اختیار نموده و رسولش آنرا پسندیده که منتشر باشد امر آن در این امت و چه وقت شد که خوف از قلب این امت رفع شود و شك مرتفع گردد از سینه آنها در عهد یکی از ابی بکر و یا عمر و یا عثمان و یا علی علیه السلام با همه آنکه چقدر از مردم در زمان ایشان مرتد شدند و چقدر فتنهها در ایام خلافت ایشان واقع شد و چقدر جنگها در زمان ایشان در بین کفار و مسلمانان واقع گردید<sup>(۱)</sup> .

و در احتجاج از حضرت امیر المؤمنین «ع» روایت کرده در حدیثی که عیوبات خلفا در آن بیان کرده و علت مهلت دادن خداوند را بر آنها ذکر نموده تا آنکه فرموده : همه این تحمل ائمه هدی این مصیبتها را بجهت اینست که تمام شود آن مهلت که خداوند بر ابلیس داده و حق شود قول بر کافران و نزدیک شود وعده حق خداوند همچنان وعده که خداوند آن را در کتاب خود بیان فرمود بقول خودش که «وعد الله الذین آمنوا» باشد و ظاهر شدن این وعده در آن زمان می شود که نماز از اسلام مگر اسم آن و نماز از قرآن مگر رسم آن و در این وقت خداوند قادر یاری میکند بر امام غائب شده بلسکرهائی که نمی بینند آنها را

و ظاهر میکند دین پیغمبر خود را در دست او و غالب میکند او را بر جمیع ادیان باطله<sup>(۱)</sup>. تمام شد .

پس از این احادیث بسیار واضح گردید که این آیه شریفه در خصوص حضرت قائم آل محمد و در بیان حال زمان ظهور آنحضرت نازل شده و در دلداری ائمه و ضعفای شیعه خداوند این آیه را بحیب خود فرستاد و در این آیه وعده نمود نصرت و یاری غیبی را بر آل محمد و تأیید دین خود را بقیام قائم آل محمد و باطل شدن ادیان باطله و مضمحل بودن اشخاص فاسد العقیده و رفع شدن ظلمه و فجره بظهور آنجناب .

و از ملاحظه تمام این احادیث معتبره کثیره علم قطعی حاصل میشود بر اینکه این آیه شریفه در بیان دولت حقه حضرت قائم آل محمد و بیان حالات زمان ظهور آنحضرت است بلاشبهه .

پس حاصل ترجمه آیه وافی هدایه بنابراین اخبار که در تفسیر آن وارد شده این میشود که خداوند عالم وعده داده است بر آنکسانیکه ایمان آوردند ایمان واقعی و عملهای صالح و نیکو کرده اند و از اعمال صالحه ابداً فرو گذاری نکرده اند و از عملهای نیکو هیچ ترك نکرده اند و آن کسان هم که از آل محمد میباشند ایشان را البته در روی زمین خلیفه و جانشین خود نماید چنانکه خلیفه و پادشاه کرده در روی زمین جمعی از کسان سابق را مثل سلیمان و داود و ذوالقرنین و غیر ایشان و وعده داده است خداوند بر ایشان بعد از آنکه ایشانرا خلیفه نمود دین ایشان را که پسندیده است از برای ایشان متمکن نماید و غالب کند بر جمیع ادیان و البته مبدل کند خوف آل محمد را بر امنیت و عافیت و آسودگی تا آنکه شیعیان ایشان عبادت کنند بر خداوند بدون ترس و من غیر تقیه و بلاخوف از

کفار و فجار و اشرار.

(آیه پنجاه و ششم) قوله تعالى در سورة شعراء « ان نشأ نزل عليهم من السماء آية فظلت اعناقهم لها خاضعين »<sup>(۱)</sup> یعنی هر گاه خواسته باشیم نازل میکنیم از آسمان علامتی بر آنها پس ثابت میشود گردنهای آنها بر آن علامت خاضع و تواضع کننده .

و در کافی در تفسیر این آیه از حضرت صادق «ع» روایت نموده که آنحضرت فرمود : بدرستی که قائم آل محمد ظهور نمیکند تا آنکه منادی از آسمان ندا کند پس میشوند آن ندا را مخدرات در پس پرده‌ها و میشوند آن را اهل مشرق و اهل مغرب و در قائم آل محمد نازل شده این آیه که « ان نشأ نزل عليهم من السماء آية » باشد<sup>(۲)</sup>.

و در تفسیر قمی از آنحضرت روایت کرده در معنای این آیه که فرمود: ذلیل میگردد گردنهای بنی امیه از برای آن علامت که از آسمان است و آن علامت صیحه‌ایست از آسمان باسم حضرت صاحب الزمان عجل الله فرجه<sup>(۳)</sup>.

و در ارشاد مفید از حضرت باقر «ع» در تفسیر این آیه روایت نموده که فرمود: زود باشد که خداوند آن علامت را از برای آنها ظاهر میکند . عرض کردند: آنها کدام اشخاص هستند؟ فرمود : بنی امیه و اتباع آنها هستند. عرض نمودند: آیه کدام است؟ فرمود : رکود آفتاب است در بین زوال تا وقت عصر و بیرون میشود سینه و روی در عین شمس و تعریف میکند حسب و نسب قائم آل محمد را و اینها در زمان سفیانی میشود و در وقت وقوع این علامتها بدرک رفتن سفیانی

(۱) الشعراء : ۴ .

(۲) بحار الانوار ج ۵۲ ص ۳۰۴ .

(۳) تفسیر قمی ج ۲ ص ۱۱۸ .

و اتباع او واقع ميگردد<sup>(۱)</sup>.

و در اكمال الدين از حضرت رضا «ع»<sup>(۲)</sup> روايت کرده در حدیثیکه در آن وصف ميکند قائم آل محمد را تا آنکه فرمود و آن قائم ما اهل بيت آنکسی است که منادی ندا ميکند از آسمان بدعوت و دلالت بر او و هدايت بسوی آن

(۱) الارشاد ص ۳۵۹ .

(۲) حضرت امام رضا سلام الله عليه اسم مبارکش علی بود رضا و رضی و وفی و صابر و قبله هفتم بنا بگفته صاحب جنات الخلود از القاب شریفه آنجناب است ابو الحسن کنیه داشت در شمایل شبیه جد بزرگوارش امیر المؤمنین علیه السلام بود هر چه سؤال کردند بدون تأخیر جواب می داد هر سه روز يك ختم قرآن می کرد و می فرمود زود تر هم می توانم ولی در هر آیه رحمت و غضب تأمل میکنم خدمتکاران را اذیت نمی داد و با آنها غذا میل می فرمود در خانه لباس کهنه می پوشید ولی در نظر مردم زینت می فرمود .

از کلمات قصار و در ربار آنجناب است : قناعت آبروی آدم را حفظ کرده و قدر او را عزیز می گرداند و از بندگی اهل دنیا می رهاند دو کس قناعت می کند مرید آخرت و اجتناب کننده از لثیمان و پست فطرتان .

عمر شریف آن حضرت مشهوره ۵۵ سال و بقولی ۵۱ و بقول دیگر ۴۹ سال و چند ماه بود که ۲۴ سال و دو ماه با پدر بزرگوار بود . روز سه شنبه یا پنجشنبه و بقولی روز جمعه ۱۱ ماه ذیحجه و بقولی ذیقعد و بقولی ۱۵ ذی قعد و بقول دیگر ذی حجه سال ۱۴۸ و بقولی ۱۵۳ هجرت متولد گردید و چون بزمین قدم مبارک گذاشت روی بقبله پیشانی بزمین گذاشته شهادتین ادا و به امامت آباء گرامی و امامت خود اقرار نمود و بقول مشهور در آخر ماه صفر سال ۲۰۳ در اثر سم دادن مأمون شهید شد . جنات الخلود ص ۳۲ .

حضرت کہ نداء را میشنود اهل زمین و در آن ندا منادی میگوید آگاہ باشید ای مردم کہ بدرستیکہ حجت خداوند بتحقیق ظاهرشده در نزد بیت اللہ پس تابع شوید اورا پس بدرستیکہ حق با اوست و حق در اوست و اینست معنی فرمایش خداوند کہ میفرماید «ان نشأ نزل علیہم من السماء آیة» . تمام شد<sup>(۱)</sup>. پس از این احادیث معلوم شد کہ این آیہ در شأن قائم آل محمد نازل شدہ و مراد از آیہ و علامت علامت ظهور آن بزرگوار است و مراد از خاضعین و تواضع کردن گردنہا در این آیہ شریفہ خضوع و ذلت بنی امیہ و اتباع ایشان بر حضرت قائم آل محمد و بعد از این تفسیرها معنای آیہ واضح است .

(آیة پنجاه و ہفتم) قوله تعالى در سورة نمل «امن یجیب المضطر اذا دعاه ویكشف السوء»<sup>(۲)</sup> یعنی آیا کیست کہ اجابت نماید دعاء شخص مضطر را زمانیکہ آن مضطر دعا کند و بگشاید و رفع نماید بدی را و بلا را .  
وقمی در تفسیر این آیہ از حضرت صادق «ع» روایت کردہ کہ فرمود: این آیہ نازل شدہ در شأن قائم آل محمد و قسم بخداوند او است ، مراد از این مضطر زمانیکہ نماز کند در مقام دور کمت و دعا کند و از خداوند سؤال نماید پس خداوند عالم دعاء اورا مستجاب میکند و کار اورا فراهم نماید و کشف سوء از آن حضرت کند و قرار میدہد اورا در زمین خلیفہ و پادشاهی زمین را براو عطا فرماید<sup>(۳)</sup> .

و در روایت دیگر فرمود: پس اول کسیکہ براو بیعت میکند جبرئیل میشود و بعد از او سیصد و سیزدہ نفر مرد بیعت میکنند بر آن حضرت . تمام شد .

(۱) کمال الدین ج ۲ ص ۳۷۲ .

(۲) النمل : ۶۲ .

(۳) تفسیر قمی ج ۲ ص ۱۲۹ .

پس از این تفسیر معلوم و واضح شد که این آیه در شأن حضرت قائم آل محمد نازل گردیده و مراد از مضطر در این آیه آنحضرت است بدون شبهه در این. (آیه پنجاه و هشتم) قوله تعالی در سورة نمل « **وَإِذَا وَقَعَ الْقَوْلُ عَلَيْهِمْ أَخْرَجْنَا لَهُمْ دَابَّةً مِنَ الْأَرْضِ تُكَلِّمُهُمْ أَنَّ النَّاسَ كَانُوا بِآيَاتِنَا لَا يُوقِنُونَ** » (۱) یعنی وقتی که واقع میشود قول معهود معین وعده شده بر آنها - و مراد از این قول معهود وعده رجعت است در زمان ظهور قائم آل محمد چنانکه در تفسیر صافی نقل نموده - بیرون میکنیم از برای آنها از زمین دابه‌ای را که با آنها تکلم میکند آن دابه بدرستی که مردم بوده‌اند بآیات ما و علامتهای وعده شده ما باور و یقین نمایند و بر آیات ما اعتقاد نکنند .

و مراد از دابة الارض در این آیه شریفه حضرت امیر المؤمنین است، چنانکه قمی در تفسیر این آیه از حضرت صادق «ع» روایت نموده که فرمود: **يَكُ رَوْزُ حَضْرَتِ پيغمبر «ص» رَفْتِ بِمَسْجِدِ وَ حَضْرَتِ عَلِيٍّ رَا دِيْدَ كَسَهٍ خَوَابِيْدَهٍ اسْتِ وَيَكُ قَدْرَ رِيْكَ دَر زِيْرَسْرِشْ جَمْعِ نَمُوْدَهٍ پَسِ پيغمبر «ص» اَوْرَا بِيْايشْ حَرَكْتِ دَادِ وَ فَرْمُوْدِ بَرَا وِقْمِ يَا دَابَّةُ الْاَرْضِ يَعْنِي بَر خِيْزَايْ دَابَّةُ الْاَرْضِ . پَسِ يَكُ نَفْرَا زِ اصْحَابِ بَانَ حَضْرَتِ عَرْضِ نَمُوْدَ: يَا رَسُوْلَ اللّٰهِ مَا نِيْزِيَا هَمْدِيْگَرَايْنِ نَحْوِ خَطَابِ نَمَائِيْمِ؟ فَرْمُوْدَ: نَهْ بَخْدَا قَسْمِ نِيْسْتِ اِيْنِ اسْمِ مَگَرِ اَزْ بَرَايْ اَوْ خَاصَهْ وَاوَا اسْتِ دَابَّةُ الْاَرْضِ هَمْ چنانکه خداوند او را در قرآن ذکر فرموده بقول خودش «وَإِذَا وَقَعَ الْقَوْلُ عَلَيْهِمْ» الايه . و بعد از آن فرمود: **يَا عَلِيُّ وَ قَتِيْكَهْ آخِرَ الزَّمَانِ مِيْشُوْدِ خَدَاوَنْدِ عَالَمِ تَرَا بِيْرُوْنِ مِيْكَنْدِ دَرْ خَوْشْتَرِيْنِ صَوْرْتِ وَ بَا تَوْبَا شَدْ مِيْسَمِ كِهْ بَا اَنْ دَاغِ مِيْكَنِيْ دَشْمَنَانِ خَوْدِ رَا . تا آخر حديث<sup>(۲)</sup> .****

(۱) النمل : ۸۲ .

(۲) تفسیر قمی ج ۲ ص ۱۳۰ .

پس از این تفسیر واضح شد که مراد از «وقع القول» رجعت است و مراد از آخر الزمان زمان ظهور حضرت قائم آل محمد است .

وایضاً قمی در تفسیر این آیه از حضرت صادق روایت نموده که يك مرد بعمار عرض کرد که : يك آیه در کتاب خداوند مرا بحیرت انداخته و قلب مرا فاسد نموده . پس عمار فرمود : کدام آیه است آن . عرض کرد آیه «اذا وقع القول عليهم اخرجنا لهم دابة من الارض» این دابه کیست و مراد از آن چیست پس عمار فرمود : قسم بخداوند نمیخورم و نمی نشینم تا آنکه دابة الارض را بتو نشان ندهم ، پس عمار با آن شخص آمد بخدمت حضرت امیر المؤمنین «ع» در حالتیکه آنحضرت خرما و مسکه میخورد ، پس حضرت امیر بعمار فرمود که بیا تو هم بخور و عمار نیز قبول نمود و خورد ، پس آنکس تعجب کرد از قسم یاد کردن عمار و خوردن او ، پس وقتیکه عمار برخاست آن شخص عرض کرد بعمار که تو قسم یاد کرده بودی که نخوری تا آنکه بمن نشان بدهی دابة الارض را . عمار فرمود : من ترا نشان دادم دابة الارض را و با او نیز خرما خوردم و آن حضرت بود دابة الارض اگر تو عقل داشته باشی<sup>(۱)</sup> .

و در تفسیر عیاشی مثل این قضیه را از ابوذر نقل نموده<sup>(۲)</sup> .

و در کافی از حضرت باقر «ع» روایت کرده که حضرت امیر المؤمنین فرمود : بتحقیق خداوند بمن عطا فرمود علم شش چیز را علم بلاها و علم مرگها و علم وصیتهای انبیاء و اولیاء و علم فصل الخطاب و من صاحب رجعتها و صاحب دولة الدول هستم و منم صاحب عصا و میسم و دابة الارض همچنانیکه تکلم میکنم با مردم<sup>(۳)</sup> .

(۱) تفسیر قمی ج ۲ ص ۱۳۱ .

(۲) الصافی ص ۳۷۴ .

(۳) تفسیر برهان ج ۲ ص ۷۸۰ .



ودرا کمال الدین از حضرت امیرالمؤمنین روایت کرده در حدیث که ذکر فرمود در آن دجال را و کشته شدن او را و فرمود آگاه باشید بعد از کشته شدن دجال طامة الکبری ظاهر خواهد شد . عرض کردند : طامة الکبری چه چیز است یا امیرالمؤمنین ؟ فرمود: بیرون شدن دابة الارض است از نزد صفا و مروه که با او باشد عصای موسی و خاتم سلیمان میگذارد خاتم را بروی هر مؤمن پس نقش میشود در روی او که او مؤمن است حقا و میگذارد آن را بروی هر کافری پس نوشته شود در او که این کافر است حقا . تا آخر حدیث (۱) .

پس از این حدیث معلوم میگردد که بیرون شدن دابة الارض در رجعت میشود و آن هم بعد از کشته شدن دجال است که قبل از ظهور حضرت قائم خروج خواهد کرد و در زمان آن حضرت کشته خواهد شد .

و در مجمع در تفسیر این آیه روایت کرده که از حضرت امیر «ع» سؤال کردند از دابة الارض . حضرت فرمود : منم دابة الارض بخدا قسم و از برای او ذنب نیست و اوریش دارد (۲) .

و احادیث دیگر در این معنی موجود است در کتب اخبار ، پس از این احادیث معتبره معلوم میشود که این آیه شریفه در رجعت ائمه نازل شده و آن هم بعد از ظهور قائم آل محمد است ، پس این آیه چنانکه بمقتضای این تفسیرها دلالت بر رجعت ائمه میکند همچنین دلالت بظهور قائم آل محمد نیز میکند زیرا که ظهور آن حضرت قبل از رجعت اجدادش خواهد شد البته .

( آیه پنجاه و نهم ) قوله تعالی در سورة نمل «ویوم نحشر من کل امة

(۱) کمال الدین ج ۲ ص ۵۲۷ .

(۲) مجمع البیان ج ۴ ص ۲۳۴ .

فوجاً ممن يكذب باياتنا فهم يوزعون»<sup>(۱)</sup> یعنی روزی که محشور میکنیم از هرامتی يك فوج را از کسانی که تکذیب میکردند آیات ما را و بدروغ نسبت میدادند علامات ما را پس آن تکذیب کنندگان نگاهدارنده و محبوس میشوند. و مراد از این آیه رجعت است بلا شبهه، چنانکه قمی از حضرت صادق علیه السلام در تفسیر دابة الارض روایت کرده که حضرت فرمود دابة الارض در رجعت و بعد از ظهور قائم آل محمد بیرون میآید و دلیل بر رجعت قوله تعالی «و یوم نحشور من کل امة فوجاً ممن يكذب باياتنا» و فرمود مراد از آیات حضرت امیر المؤمنین و الائمه علیهم السلام است. راوی عرض نمود: یا بن رسول الله عامه میگویند که مراد از آیه حشر در قیامت است. حضرت فرمود: پس آیا در قیامت خداوند محشور میکند از هرامت يك فوج را و باقی میگذارد باقی مردم را نه چنین نیست و این آیه در رجعت است و آیه قیامت پس او «و حشرنا هم فلم نغادر منهم احداً»<sup>(۲)</sup> است که میفرماید احدی را در قیامت ترك نمیکنیم و همه را محشور میکنیم. پس از این حدیث شریف واضح شد که آیه اول در رجعت است و محتاج بیان نیست.

و ایضاً قمی در تفسیر این آیه از آن حضرت روایت کرده که فرمود: نیست احدی از مؤمنان که کشته شده است مگر آنکه او رجعت میکند تا آنکه او بأجل خود بمیرد و رجعت نمی کند مگر آن کسی که ایمان خالص داشته باشد و مگر آن شخصی که او کافر باشد<sup>(۳)</sup>.

و در مجمع در تفسیر آیه فرموده که: بتحقیق احادیث بسیار از ائمه وارد

(۱) النمل: ۸۴.

(۲) تفسیر قمی ج ۲ ص ۱۳۰.

(۳) تفسیر قمی ج ۲ ص ۱۳۱.

گردیده که خداوند عالم در وقت ظهور قائم آل محمد قومی را زنده می کند از کسانی که مرده اند از اولیاء آنحضرت و شیعیان او تا آنکه فائز شوند بثواب نصرت او و یاری کردن او و شاد شوند بظاهر شدن پادشاهی او ، و زنده میکند خدایتعالی قومی را از دشمنان او تا آنکه انتقام بکشد از ایشان و تا آنکه برسند آنها ببعض آنچه که آنها مستحق هستند بر آن از عذاب و کشته شدن در دست اولیاء خداوند و در دست شیعه ایشان ، و بر سندی بر ذلت و خواری از آنچه مشاهده می کنند از عالی شدن کلمه خداوند .

و هیچ عاقل شك نمی کند در این که آنچه از اخبار رسیده مقدور است بخداوند و محال نیست ، و زنده شدن در امم سابقه و قرون ماضیه اتفاق افتاده و زنده کرده خداوند جمعی را و قرآن بر آن نطق کرده در چند موضع ، مثل قصه عزیر و قوم موسی و آن کسانی که از طاعون کربخته بودند و غیر ایشان بنا بر آنچه ما تفسیر نمودیم در جای خودش .

و در اخبار صحیحه بسیار از حضرت پیغمبر روایت کردند که فرموده :  
 در امت من واقع میشود آنچه در بنی اسرائیل واقع شده بدون کم و زیاد تمام شد<sup>(۱)</sup> .  
 و در صافی در تفسیر این آیه بعد از نقل اخبار بسیار فرمود : بتحقیق تصنیف نموده حسن بن سلیمان حلی طاب ثوابه کتابی در فضائل اهل بیت و نقل کرده در آن اخبار کثیره در اثبات رجعت و تفصیل آن ، و ذکر نموده در آن کتاب اینکه دابة الارض حضرت امیر المؤمنین «ع» است باخبار زیاد که معنای آنها موافق است ، و نقل نموده اکثر آنها را از کتاب سعد بن عبد الله که مختصر البصائر است<sup>(۲)</sup> تمام شد .

(۱) مجمع البیان ج ۴ ص ۲۳۴ .

(۲) الصافی ص ۳۷۵ طبع تبریز .

پس از احادیث سابقه و کلمات مفسرین در اینجا معلوم شد که این آیه در رجعت ائمه است و در مقام بیان ظهور قائم آل محمد است نه در بیان قیامت است. (آیه شصتم) قوله تعالی در سوره نمل «سیریکم آیاته فتعرفونها»<sup>(۱)</sup> یعنی زود باشد که خداوند بنمایاند بشما آیات و علامات خودش را پس شما نیز آنها را می شناسید .

و در تفسیر قمی در حدیث گذشته که از حضرت صادق «ع» روایت نموده بود فرمود که : مراد از آیات حضرت امیر المؤمنین و ائمه است<sup>(۲)</sup> .

و در تفسیر این آیه ایضاً از آن حضرت روایت کرده که فرمود : مراد از آیات در این آیه ائمه علیهم السلام است در وقتیکه رجعت نمایند بر دنیا، و ایشان را می شناسد دشمنان ایشان در رجعت در زمانیکه بیند ایشان را در دنیا و حضرت امیر فرمود از برای خداوند آیه بزرگتر از من نیست قسم بخداوند . تمام شد<sup>(۳)</sup> .

پس از این دو حدیث معلوم می شود که این آیه در رجعت ائمه است ، زیرا که مراد از آیات وقتیکه ائمه شد معلوم است دیدن ائمه در یکجا در رجعت خواهد شد و دشمنان ایشان را در رجعت خواهد دید و آن در وقت ظهور قائم آل محمد «ص» و بعد از آن می شود ، و بلکه ائمه در رجعت پادشاهان خواهند شد ، چنانکه در بصائر روایت کرده که از حضرت صادق پرسیدند از تفسیر «وجعلکم انبیاء وجعلکم ملوکاً»<sup>(۴)</sup> یعنی گردانید شمارا پیغمبران و گردانید شمارا پادشاهان . فرمود : پیغمبران حضرت رسول و ابراهیم و اسمعیل و ذریه

(۱) النمل : ۹۳ .

(۲) تفسیر قمی ج ۲ ص ۱۳۰ .

(۳) تفسیر قمی ج ۲ ص ۱۳۲ .

(۴) «اذ جعل فیکم انبیاء وجعلکم ملوکاً» آیه ۲۰ از سوره مائده .

اویند و پادشاهان ائمه‌اند. راوی گفت چه پادشاهی بشما داده‌اند حضرت فرموده پادشاهی بهشت و پادشاهی رجعت را خداوند بما ائمه داده است<sup>(۱)</sup>.

(آیه شصت و یکم) قوله تعالى در سورة قصص «ونريد ان نمن على الذين استضعفوا في الارض ونجعلهم ائمة ونجعلهم الوارثين ونمكن لهم في الارض ونرى فرعون وهامان و جنودهما منهم ما كانوا يحذرون»<sup>(۲)</sup> یعنی اراده می‌کنیم بر اینکه منت گذاریم بر آنکسانیکه ضعیف شده‌اند در روی زمین و قرار بدهیم ایشان را امامان و قرار بدهیم ایشان را وارث در روی زمین و مالک آن و تمکین بدهیم از برای ایشان در زمین و سلطنت روی زمین را بایشان بدهیم و بنمائیم بر فرعون و هامان و لشگرهای آنها از ائمه آنچه را که از آن حذر میکردند و این آیه شریفه باتفاق مفسرین امامیه در شأن اهل بیت و قائم آل محمد نازل شده است، چنانکه صدوق در کتاب غیبت از حضرت امیر «ع» روایت کرده که آنحضرت فرمود: مراد از این آیه آل محمد هستند که برانگیزد خداوند مهدی ایشان را بعد از ضعیف شدن و بی مدد و بی یار شدن ایشان پس آن مهدی آل محمد ایشان را شاد نماید و دشمنان ایشان را میکشد<sup>(۳)</sup>.

و در کافی روایت کرده که حضرت باقر «ع» نظر بحضرت صادق «ع» نمود که راه میرفت، پس فرمود این از آنکسان است که خداوند در حق ایشان فرموده است «ونريد ان نمن على الذين» الایة<sup>(۴)</sup>.

و در معانی الاخبار از حضرت صادق «ع» روایت کرده که حضرت رسول

(۱) تفسیر برهان ج ۱ ص ۲۷۷ به روایتی: ملك بهشت و ملك آتش را بسا دادند.

(۲) القصص: ۵ و ۶.

(۳) الصافی ص ۳۷۶ ط تبریز.

(۴) تفسیر برهان ج ۲ ص ۷۸۵.

خدا نظر نمود بحضرت امیر و امام حسن و امام حسین پس گریه نمود و فرمود :  
شما بعد از من مستضعف میشوید. پس عرض کردند بحضرت صادق که : معنای  
فرمایش پیغمبر چه بود ؟ فرمود : معنای آن این بود که شما آنکسانی هستید که  
بعد از من ائمه و امامان میشوید و خداوند در شأن شما فرموده « و نرید ان نمن  
علی الدین » الایة ، و بعد از آن حضرت صادق فرمود که : این آیه جاری است  
در ما اهل بیت تا روز قیامت<sup>(۱)</sup>.

و در مجالس ایضاً از آن حضرت روایت کرده که فرمود در این آیه که : آن  
از برای ما است و در ما اهل بیت است<sup>(۲)</sup>.

و در اکمال الدین و کتاب غیبت روایت نموده که وقتی که حضرت قائم آل  
محمد متولد شد پس این آیه را خواند و اول تکلمش باین آیه بود<sup>(۳)</sup>.

و قمی در تفسیر این آیه فرموده که : آن مثلی است که خدا زده است برای  
اهل بیت رسالت که موجب تسلی ایشان باشد ، زیرا که فرعون و هامان و قارون  
ستم کردند بر بنی اسرائیل و ایشان و اولاد ایشان را میکشتند ، و نظیر ایشان در  
این امت فلان و فلان و فلان و اتباع آنها هستند که سعی میکردند در قتل و قمع  
اهل بیت رسول خداوند عالم ، پس حق تعالی وعده داده بر رسول خود که هم  
چنانکه ولادت حضرت موسی «ع» را مخفی کردم و او را از فرعون و اتباع او  
غائب کردم و بعد از آن او را ظاهر نمودم و بر فرعون و اتباع او غالب کردم و همه را  
بر دست او هلاک کردم همچنین حضرت قائم آل محمد و اولاد او را پنهان میکنم  
و از فراغت زمان خود او مستور خواهم گردانید و در رجعت ایشان را بر آنها

(۱) معانی الاخبار ص ۷۹ .

(۲) الصافی ص ۳۷۶ .

(۳) کمال الدین ج ۲ ص ۴۲۵ .

غالب خواهم کرد که انتقام خود را از آن فراعنه بکشند<sup>(۱)</sup>.  
 پس تأویل آیه چنین است که می‌خواهم منت گذارم بر آنکسانی را که  
 ایشانرا ضعیف گردانیدند در زمین که اهل بیت رسالت باشند و بگردانم ایشان  
 را امامان و بگردانم ایشانرا وارثان زمین که پادشاهی روی زمین از برای ایشان  
 مسلم باشد و تمکن و اقتدار بدهم بر اهل بیت رسالت در زمین که باطل را  
 براندازند و حق را ظاهر گردانند و بنمائیم بر فرعون و هامان و قارون این امت را  
 و اتباع آنها را که حق آل محمد را غصب کردند.

« منهم » یعنی از آل محمد آنچه را که از آن حذر میکردند از کشته شدن  
 و معذب بودن و همچنین حضرت امام حسین و اصحاب او را زنده کنیم و قاتلان  
 ایشان را نیز زنده نمائیم تا انتقام بکشند از آنها و آنها را بدترین عذاب بقتل  
 رسانند.

وقمی فرموده که خطاب در این بر آل محمد است، بعلمت آنکه اگر خطاب  
 بایشان نباشد و در خصوص حضرت موسی نازل باشد خداوند میفرمود « منه  
 ما کانوا یحذرون » نه آنکه بفرماید منهم پس زمانیکه خداوند فرمود منهم معلوم  
 شد که خطاب بر آل محمد است.

و در تفسیر جوامع از حضرت امام زین العابدین روایت کرده که فرمود :  
 قسم بآن خدائی که پیغمبر را بحق بشیرو نذیر مبعوث کرده بدرستیکه ما اهل بیت  
 و شیعیان ما بمنزله موسی و شیعیان او هستیم و بدرستیکه دشمنان ما و اتباع آنها  
 بمنزله فرعون و اتباع او هستند<sup>(۲)</sup>.

پس از این احادیث معتبره بسیار معلوم گردید که این آیه شریفه در شان اهل

(۱) تفسیر قمی ج ۲ ص ۱۳۳ .

(۲) الصافی ص ۳۷۶ .



بیت و در خصوص رجعت ایشان و ظهور مهدی آن بزرگواران نازل شده و یسا آنکه نزولش در حضرت موسی و بنی اسرائیل است و تأویل آن در اهل بیت رسالت و در ظهور قائم آل محمد است و این جای شبهه نیست .

(آیه شصت و دوم) قوله تعالى در سورة قصص « ان الذی فرض علیک القرآن لرادک الی معاد »<sup>(۱)</sup> یعنی بدرستی که آن خداوند که فرض و واجب کرده قرآن را بر تو البته ترا رد میکند بسوی معاد و محل عود معین .

قمی در تفسیر این آیه از حضرت سجاد روایت کرده که آنحضرت فرمود یعنی رجعت میکند بسوی شما پیغمبر و امیر المؤمنین و ائمه علیهم السلام<sup>(۲)</sup> .

و ایضاً از حضرت باقر «ع» روایت کرده که در نزد آنحضرت ذکر شد جابر ابن عبدالله پس حضرت فرمود : خدا بر جابر رحمت کند بتحقیق رسید جابر در علم بمرتبه که میداند تأویل این آیه را یعنی مراد از آن رجعت است<sup>(۳)</sup> .

و علامه مجلسی اعلی الله مقامه بعد از ذکر این آیه فرموده : واحادیث بسیار وارد شده است که مراد رجعت حضرت رسول خدا است بسوی دنیا تمام شد پس از این اخبار معلوم شد که این آیه در خصوص رجعت ائمه نازل شده و رجعت ایشان هم با ظهور قائم آل محمد و بعضی بعد از او خواهد بود .

(آیه شصت و سیم) قوله تعالى در سورة عنکبوت « ولئن جاء نصر من ربک ليقولن انا کنا معکم »<sup>(۴)</sup> یعنی اگر بیاید نصرت و یاری از خداوند تو البته میگویند ایشان بدرستی که ما با شما بودیم در دین .

(۱) القصص : ۸۵ .

(۲) تفسیر قمی ج ۲ ص ۱۴۷ .

(۳) تفسیر قمی ج ۲ ص ۱۴۷ .

(۴) عنکبوت : ۱۰ .

و در تفسیر قمی فرموده است که مراد از «نصر» در این آیه شریفه قائم آل محمد است<sup>(۱)</sup>.

و از اخبار کثیره و ادعیه بسیار معلوم میشود که مراد از نصرت و ناصر آن بزرگوار است ، چنانکه در دعاء عهد که بسند معتبر نقل شده از حضرت صادق وارد است که « **واجعله اللهم مفرعاً لمظلوم عبادك و ناصرأ لمن لا یجد له ناصرأ غیرك و مجدداً لماعطل من احکام کتابك** »<sup>(۲)</sup> یعنی قرار بده خداوند ا قائم آل محمد را پناه از برای مظلوم بندگان خود و ناصر و نصرت و یاری کننده از برای آنکسیکه نمییابد از برای خود نصرت کننده مگر ترا ، و قرار بده او را تازه کننده آنچه معطل و ضایع شده از حکمهای کتاب تو. پس از این دعا معلوم میشود که نصرت مظلومین و نصیر بر مؤمنین باو خواهد بود .

و در خطبه غدیر حضرت پیغمبر فرموده آگاه باشید بدرستیکه ختم کننده امامان از ما است که قائم مهدی باشد آگاه باشید بدرستیکه او است غالب شونده بر ادیان باطله ، آگاه باشید بدرستیکه او است انتقام کشنده از ظالمان آگاه باشید بدرستیکه او است فتح کننده قلعه های محکم و خراب کننده آنها ، آگاه باشید بدرستیکه او است کشنده اهل شرك از هر قبیله ، آگاه باشید بدرستیکه او است درك کننده هر خون ناحق ریخته که از اولیاء خداوند ریختند ، آگاه باشید بدرستیکه او است ناصر دین خداوند ، آگاه باشید او است غراف از دریای عمیق او است که نامیده کند صاحب هر فضل را بفضل خودش و صاحب هر جهل را بجهلش ، آگاه باشید بدرستیکه او است برگزیده خدا و اختیار شده خداوند آگاه باشید او است وارث هر علم و احاطه کننده بر آن علم ، آگاه باشید او

(۱) تفسیر قمی ج ۲ ص ۱۴۹ .

(۲) مفاتیح الجنان ص ۵۳۹ ط اسلامیه ۱۳۵۹ .

است خبر دهنده از خداوند عالم، آگاه باشید او است رشید سدید، آگاه باشید بدستیکه او است که واگذار شده بر او احکام دین خدا، آگاه باشید بدستیکه او است که بتحقیق بشارت دادند بآمدن او پیغمبران گذشته‌ها، آگاه باشید او است حجت باقی و نیست حجت بعد از او و نیست حق مگر با او و نیست نور مگر در نزد او، آگاه باشید نیست غالب بر او و نیست نصرت شده بر او، آگاه باشید او است ولی الله در زمین و حکم خدا در میان خلق و امین خدا بر سر او و علانیة او<sup>(۱)</sup>.  
و این نحو احادیث و اخبار بسیار است که دلالت میکند بر اینکه حضرت قائم آل محمد ناصر است و نصرت با او است و نصر بر مؤمنین با او خواهد شد، پس معلوم میشود که مراد از «نصر» در این آیه آنحضرت است، چنانکه علی بن ابراهیم قمی در تفسیر این آیه فرموده و مراد نصرت آن بزرگوار است در زمان ظهورش بر مؤمنین.

(آیه شصت و چهارم) قوله تعالى در سورة روم «**ظهر الفساد فی البر والبحر بما کسبت ایدی الناس**»<sup>(۲)</sup> یعنی ظاهر شد فساد در بیابانها و دریاهای بسبب آنچه بیکه کسب کرده آن را دستهای مردم.

و ظاهر شدن فساد در بر و بحر اشاره است بآن فسادهایی که قبل از ظهور آن بزرگوار و در نزدیک ظهور قائم آل محمد «ص» در روی زمین و در میان مردم ظاهر میشود و زمین از ظلم و جور پر میشود، چنانکه در دعای عهد باین تصریح نموده بقوله «**واکحل ناظری بنظرة منی الیه و عجل فرجه و سهل مخرجه و اوسع منهجه و اسلك بی محجته و انفذ امره و اشدد ازره و اعمر اللهم به بلادک و احی به عبادک فانک قلت و قولک الحق ظهر الفساد فی البر و البحر بما کسبت ایدی الناس ف اظهر اللهم لنا ولیک و ابن ولیک و ابن بنت نبیک**

(۱) الصافی ص ۱۴۱ ط تبریز.

(۲) الروم: ۴۱.

المسمى باسم رسولك « تا آخر <sup>(۱)</sup> .

پس از این دعا واضح میگردد که مراد از ظهور فساد در بر و بحر واقع شدن فساد است در زمین قبل از ظهور آنحضرت و پر شدن زمین است از ظلم و جور، پس مراد از آیه بیان علامات ظهور قائم آل محمد است بدون شبهه .

(آیه شصت و پنجم) قوله تعالى در سورة لقمان « واسمغ علیکم نعمه ظاهرة وباطنة » <sup>(۲)</sup> یعنی خداوند عالم تمام نمود و فراخ کرد بر شما نعمتهای ظاهری و باطنی خود را و از هیچ وجه بر شما نقصی نگذاشت .

و در اکمال الدین و مناقب از حضرت امام موسی کاظم «ع» روایت کرده اند که در معنای این آیه فرمود که مراد از نعمت ظاهره امام ظاهر است و از نعمت باطنه امام غائب است تمام شد <sup>(۳)</sup> .

پس از این تفسیر معلوم میشود که مراد از باطنه در این آیه حضرت قائم آل محمد است بلاشکال .

(آیه شصت و ششم) قوله تعالى در سورة الم سجده « ولنذیقنهم من العذاب الادنی دون العذاب الاکبر لعلهم یرجعون » <sup>(۴)</sup> یعنی البته میچشانیم بر آنها از

(۱) زینت بده چشمم را بدیدار او فرج وی را زود کن خروج او را آسان گردان راهش گشاد کن مرا براه او ببر امر او را نافذ ساعد وی را سخت و محکم گردان خدایا بلاد و ممالک با دست او آباد و بندگانت را زنده کن تو فرمودی و قول تو راست است : فساد در بیابان «خشکی» و دریا «آب» ظاهر گشت در مقابل آنچه دستهای مردم کسب کردند خدایا برای ما ظاهر گردان ولی خود را و فرزند ولی خود را و پسر دختر ولی خود را «او را» که نامش نام پیغمبر تو است .

(۲) لقمان : ۲۰ .

(۳) اکمال الدین ج ۲ ص ۳۶۸ .

(۴) السجدة : ۲۱ .

عذاب نزدیکتر و یا پست تر از عذاب بزرگتر شاید که آنها برگردند .  
 و قمی در تفسیر این آیه فرموده که : عذاب ادنی عذاب رجعت است با  
 شمشیر و مراد از رجوع رجوع آنها است در رجعت تا آنکه معذب باشند<sup>(۱)</sup> .  
 و در مجمع در تفسیر این آیه فرموده در اخبار بسیار از حضرت باقر و صادق  
 علیهما السلام وارد شده که مراد از عذاب ادنی عذاب دابة الارض و فتنه دجال  
 است<sup>(۲)</sup> .

و این بالضرورة در زمان ظهور حضرت قائم و یا قبل او و مقارن ظهور او  
 خواهد بود ، و در بعضی از اخبار وارد شده که مراد از عذاب ادنی عذاب قبر است  
 و این منافات با احادیث سابقه ندارد زیرا که ممکن است که مراد عذاب قبر  
 و عذاب رجعت هر دو باشد و یا آنکه یکی تنزیل و یکی تأویل باشد ، و بلکه آخر  
 آیه که « لعلهم يرجعون » باشد دلیل است که این آیه در رجعت است و عذاب  
 قبر تأویل است .

و علامه مجلسی اعلی الله مقامه در تفسیر این آیه فرموده که حضرت امام  
 جعفر صادق «ع» فرمود که : عذاب نزدیکتر عذاب رجعت است که بشمشیر ایشان  
 را عذاب خواهند کرد و عذاب بزرگتر عذاب قیامت است و مراد از برگشتن  
 و زنده شدن در رجعت است . تمام شد<sup>(۳)</sup> .

( آیه شصت و هفتم ) قوله تعالى در سورة سجده « وبقولون متی هذا  
 الفتح ان كنتم صادقین »<sup>(۴)</sup> یعنی و میگویند آن کفار که چه وقت است این فتح

(۱) تفسیر قمی ج ۲ ص ۱۷۰ .

(۲) تفسیر مجمع البیان ج ۴ ص ۳۳۲ .

(۳) بحار الانوار ج ۵۳ ص ۵۶ .

(۴) السجدة : ۲۸ .

اگر شما راست میگوئید « قل يوم الفتح لا ينفع الذين كفروا ايمانهم ولا هم ينظرون »<sup>(۱)</sup> یعنی بگو روزیکه میآید فتح نفع نمیدهد برای آنکسانیکه کافر شدند ایمان آنها و نه آنها مهلت داده میشوند .

و این دو آیه شریفه در بیان رجعت و ظهور قائم آل محمد است چنانکه در تفسیر قمی فرموده که این آیه مثل است که خداوند این مثل را در بیان رجعت زده است و در ظهور قائم آل محمد بیان کرده .

پس وقتی که خبر داده بر آنها حضرت پیغمبر خبر رجعت را آنها را گفتند این فتح چه وقت خواهد شد اگر شما راست میگوئید آن را و این آیه عطف و متصل است بقول خداوند که فرمود « و لنذيقنهم من العذاب الادنى دون العذاب الاكبر »<sup>(۲)</sup>.

پس از این بیان معلوم شد که این آیه در بیان رجعت و ظهور قائم آل محمد است ، و بعد از تأمل واضح میگردد .

(آیه شصت و هشتم) قوله تعالى در سورة سباء « وجعلنا بينهم وبين القرى التي باركنا فيها قرى ظاهرة وقدرنا فيها السير سيرا فيها ليالي واياماً آمين »<sup>(۳)</sup> یعنی قرار دادیم در بین ایشان و بین قری و دهات همچنانکه مبارك کردیم در آن دهات ظاهری و مقدر نمودیم در آن دهات سیر کردن را سیر کنید در آن دهات شبها و روزها در حال امن .

و اول این آیه در خصوص اهل بیت است و آخرش در شأن قائم آل محمد صلی الله علیه و آله است ، همچنانکه در احتجاج از حضرت باقر «ع» روایت

(۱) السجدة : ۲۹ .

(۲) تفسیر قمی ج ۲ ص ۱۷۱ .

(۳) سبأ : ۱۸ .

نموده در حدیث حسن بصری در این آیه که فرمود: بلکه در ما خداوند ضرب مثل کرده در قرآن پس ما اهل بیت هستیم «القری التي بارک الله فیها» و این فرمایش خداوند در حق کسی است که اقرار کند بفضیلت ما اهل بیت زیرا که ایشان را خداوند دامن کرده بر اینکه بیایند بنزما، پس خداوند فرموده «وجعلنا بینهم و بین القری التي بارکنا فیها» یعنی قرار دادیم در بین ایشان که ائمه باشد و بین شیعیان ایشان «القری التي بارکنا فیها قری ظاهرة» قریه‌های ظاهری و قریه ظاهری قاصدها و نقل کننده احادیث ما ائمه است بسوی شیعیان خودمان و فقهاء شیعیان، و قوله سبحانه «وقدرنا فیها السیر» پس سیر مثل است از برای علم و دانائی که سیر شده باشد بآن علم شبها و روزها در آن قریه‌ها، و این مثل است از برای آنچه سیر میکند از علم در شبها و روزها از ما ائمه بسوی ایشان از حلال و حرام و فریضه‌ها و احکام در امنیت‌اند در آنچه از ما بسوی ایشان رسیده آن وقتیکه آن را از معدن علم اخذ نمایند که از طرف خداوند مأمور شدند که اخذ کنند آن علمها را از آن معدن و زمانیکه این نحو رفتار نمودند در امن هستند از شك و ضلالت و از تبدیل حرام بحلال<sup>(۱)</sup>.

وایضاً در احتجاج از حضرت سجاد روایت کرده که فرمود: بدرستی که خداوند قصد نموده از قری مردان چندی را. عرض نمودند: پس ایشان کدام مردم میباشند؟ فرمود: ما ئیم و فرمود آیا نشنیده فرمایش خداوند را «سیر و افیها لیالی و ایاماً آمنین» آمنین هستند از زیغ<sup>(۲)</sup>.

و در اکمال الدین از حضرت قائم آل محمد «ص» روایت نموده در تفسیر

(۱) الاحتجاج ج ۲ ص ۶۳.

(۲) الاحتجاج ج ۲ ص ۴۲. زیغ بمعنی میل و شك آمده. آمنین من الزیغ

یعنی از میل کردن به باطل و از شك نمودن در حق ایمن و خاطر جمع‌اند.



این آیه که فرمود : ما اهل بیت بخدا قسم آن قری هستیم که خداوند مبارك نموده در آن قری و شما شیعیان قریه های ظاهری هستید<sup>(۱)</sup> .

و در علل الشرایع از حضرت صادق « ع » روایت نموده که آنحضرت با ابوحنیفه فرمود : آیا توئی فقیه و عالم اهل عراق ؟ عرض کرد : بلی . فرمود : بچه فتوی میدهی بر آنها . عرض نمود : بکتاب خدا و سنت رسول او . فرمود : ای ابوحنیفه آیا میدانی کتاب خداوند را حق دانستن و می شناسی ناسخ آن را از منسوخ آن ؟ عرض کرد : بلی پس فرمود : ای ابوحنیفه بتحقیق ادعا کردی يك علم بزرگ را ، وای بر تو خداوند قرار نداده این علم را مگر در نزد اهل آن قرآن که قرآن را خداوند برایشان نازل فرموده ، وای بر تو نیست آن علم مگر در نزد آنکس که الان حاضر است از ذریه حضرت پیغمبر ، و نمی دانم ترا که بشناسی از کتاب خداوند يك حرف را و تأویل حرف را بدانی پس اگر تو هستی همچنانکه میگوئی و حال آنکه نیستی آنچه آنکه میگوئی پس خبر بده بمن از فرمایش خداوند که « سیروا فیها لیالی وایاماً آمنین » باشد این کجای از زمین است . ابوحنیفه عرض نمود : گمان میکنم که مابین مکه و مدینه باشد . پس حضرت توجه فرمود باصحاب خود و فرمود : آیا شما می دانید که بدرستی که در بین مکه و مدینه قطاع طریق و راهزن است و میدانید که در آنجا چه قدر مال مردم و جان خلق تلف میشود . عرض کردند : بلی میدانیم . پس ابوحنیفه ساکت ماند و چیزی پیدانگردد که بگوید ، پس حضرت فرمود که : این آیه شریفه در حق قائم ما اهل بیت است و این امن و آسودگی با او خواهد شد تمام شد<sup>(۲)</sup> .

(۱) کمال الدین ج ۲ ص ۴۸۳ .

(۲) علل الشرایع ج ۱ ص ۸۹ . صدوق علیه الرحمة بسند خود از ابی زهیر بن شیب بن انس و او از یکی از اصحاب خود روایت می کند از حضرت

امام جعفر الصادق علیه السلام، راوی گوید : خدمت حضرت امام صادق علیه السلام بودم جوانی از قبیلہ کنده مسئلہ از حضرت استفتاء نمود حضرت جواب اورا داد غلام را شناختم و مسئلہ ہم یادم بود بکوفہ آمدم پیش ابو حنیفہ رفتم، اتفاقاً همان جوان کندی همان مسئلہ را از ابو حنیفہ پرسید جوابی کہ خلاف فتوی حضرت امام صادق علیه السلام بود گفت .

نزدیک ابو حنیفہ آمدم و گفتم : وای بر تو ای ابو حنیفہ من در مراجعتم از مکہ معظمہ خدمت جعفر بن محمد الصادق رسیدم این جوان همین مسئلہ را از او سؤال نمود برخلاف گفته تو را فرمودند .

ابو حنیفہ گفت : جعفر بن محمد چه می داند ، من از او زیادتر می دانم . من مردانی را دیدہ ام و از لبہای آنان شنیدہ و یاد گرفتم ولی جعفر بن محمد صحفی است و از کتابها اخذ علم نموده - استاد ندیدہ است .

راوی گوید : در پیش خودم قسم خوردم کہ امسال ہم بساید حج بروم ، در فکر تہیہ حج بودم کہ حجی بدستم آمد بار سفر مکہ را بستم خدمت حضرت صادق سلام اللہ علیہ شرفیاب شدہ جریان ابو حنیفہ را گذارش دادم .

حضرت خندیدند سپس فرمود : او کہ گفته من صحفی ہستم راست گفته زیرا من صحف جدم ابراہیم و موسی علیہما السلام را خواندہ ام . گفتم : مانند این صحف را کہ دارد!؟ در این حال دق الباب شد حضرت بہ غلام فرمودند بہ بین کیست ، غلام برگشت گفت : ابو حنیفہ است . فرمود : بیاید .

ابو حنیفہ وارد خانہ شد و سلام گفت حضرت جواب سلام اورا رد کردند، ابو حنیفہ گفت : اصلحك اللہ آیا اجازہ می دہی بنشینم . حضر جواب اورا نداد با اصحاب مشغول صحبت شد و بوی التفات نکردند ، دوبارہ اذن نشستن

خواست این بار هم حضرت باو اعتنا نفرمود ، بعد از دفعه سوم که حضرت اعتنا نفرمود خودش نشست .

بعد از نشستن حضرت بطرف او برگشت و فرمود : ابو حنیفه کجاست و چطور شد . گفتند : اینست اینجا نشسته . حضرت فرمود : آیا توفیقیه اهل عراق هستی ؟ گفت : آری . فرمود : بچه چیز فتوی می دهی ؟ گفت : کتاب خدا (قرآن) و سنت نبی خدا صلی الله علیه و آله وسلم .

حضرت فرمود : آیا کتاب خدا را خوب می شناسی ناسخ و منسوخ او را می دانی ؟ گفت : بلی ، فرمود : ای ابو حنیفه علم را ادعا کردی ، وای بر تو خدا این دانش را پیش احدی غیر از آنها که کتاب را بانان فرستاده قرار نگذاشته است وای بر تو این علم فقط پیش خواص ذریه رسول الله صلی الله علیه و آله است خدایکحرفی هم بتوارث نداده و این ادعای تو بی دلیل بود .

بمن بگو از این قول خدای تعالی : (سیروا فیها لیالی وایاماً آمنین) مراد چیست ؟ و کدام نقطه از زمین است ؟ گفت : بگمانم باید بین مدینه و مکه باشد . حضرت رو کرد باهل مجلس فرمود : آیا شما می دانید که در بین مکه و مدینه راه را مردم می گیرند اموال آنها را غارت و خود آنها را می کشند و مردم در بین مکه و مدینه ایمن نیستند ؟ گفتند : بلی .

ابو حنیفه ساکت شد ، فرمود : یا ابا حنیفه بگو معنی این آیه شریفه : (ومن دخله کان آمناً) را که کجای زمین است ؟ گفت : مکه ، فرمود : می دانی که ابن زبیر در کعبه بود که حجاج بامنجنیق او را سنگباران کرده او را کشت ، آیاوی در کعبه درامن بود ؟

ابو حنیفه نیز ساکت شد ، سپس فرمود : بگو ببینم اگر مسئله ای پیش تو آمد

کہ اور ادرقرآن و سنت نبی اکرم صلی اللہ علیہ و آلہ دلیل پیدا نکردی چه میکنی؟  
گفت : قیاس میکنم و بهرآی خود عمل میکنم. فرمود : ای ابوحنیفہ اول کسی  
کہ قیاس کرد ابلیس بود کہ گفت : (انا خیرمنہ خلقتنی من نار و خلقتہ من طین)  
من از آدم بہترم زیرا مرا از آتش و او را از خاک خلق کردہ ای .

ابوحنیفہ سساکت شد ، فرمود : بگو ببینم بول پلیدتر است یا جنابت ؟  
گفت : بول . فرمود : پس چرا مردم از جنابت غسل میکنند ولی از بول نمیکند .  
نیز سساکت ماند ، فرمود آیا نماز افضل است یا روزہ؟ گفت : صلاۃ ، فرمود :  
پس چرا زن حیض روزہ را قضا میکند ولی نماز را قضای نمی کند ؟ نیز نتوانست  
جواب گوید ، و چند مسئلہ دیگر طرح فرمودند ابوحنیفہ نتوانست جواب گوید .  
آنوقت خواست فتنہ ایجاد نماید گفت : یا جعفر عده ای از دوستان شما  
در کوفہ از فلان و فلان تبری می جویند و میگویند شما بہ آنان امر فرمودہ اید .  
فرمود : یا اباحنیفہ من از این عمل آنها بی خبرم . گفت : آری آنان خیلی کار  
بزرگ انجام میدهند و شما بنویسید از این عمل اجتناب کنند . فرمود : از من  
قبول نمیکند . گفت : اگر نویسندہ شما باشید و پیامبر من البتہ قبول خواهند کرد .  
فرمود : از اینجا تا کوفہ چند فرسخ راہ است ؟ گفت : زیاد است . فرمود :  
فاصلہ بین من و تو چقدر است ؟ ابوحنیفہ گفت : چیزی فاصلہ نداریم . فرمود :  
ابوحنیفہ تو در منزل من داخل شدی و سہ مرتبہ برای نشستن اذن خواستی  
من اذن ندادم تو بدون اعتنا باذن من نشستی و از من اطاعت نکردی ، آنان کہ  
فرسنگها از من دورترند چگونه از من اطاعت خواهند کرد .

ابوحنیفہ از جایش بلند شد سر حضرت را بوسیدہ و رفت و در راہ میگفت  
دانشمندترین مردم است با اینکه او را پیش دانشمندی - استادی - ندیدہ ایم .

پس از این احادیث معلوم گردید که اول آیه در حق ائمه و آخر آیه در شأن قائم آل محمد «ص» است ، و در بین اخبار منافات ندارد و یا آنکه هر کدام از اخبار محمول است بمرتبه از مراتب تأویل چنانکه بیان شد .

(آیه شصت و نهم) قوله تعالى در سوره سبأ «ولو تری اذ فرعوا فلافوت واخذوا من مکان قریب وقالوا آمنا به وانی لهم التناوش من مکان بعید» (۱) یعنی اگر بینی آنها را در آن زمانیکه فرع و جزع می کنند پس فوت نیست و فوت نمی شوند هر چندیکه بگریزند و دریافت می شود از محل نزدیک و بعد از اخذ شدن می گویند که ما ایمان آوردیم براو و این کلام دورست و کجا است که آنها ایمان را اخذ و تناول کنند و بدست بیاورند از مکان دور .

و اخبار در تفسیر این آیه وارد شده که مراد از این اشخاص سفیانی و اتباع او هستند، چنانکه قمی از حضرت باقر روایت کرده که فرمود: گویا من مشاهده می کنم بسوی حضرت قائم آل محمد که استناد نموده پشت مبارک خود را بر کعبه و حجر الاسود. تا آنکه فرمود: پس زمانی که آنحضرت تشریف می آورند بر بیداء بیرون میشود بسوی آنحضرت لشکر سفیانی پس امر می کند خداوند بر زمین که ایشان را فروبرد پس آنها بر زمین میروند ، و اینست معنی فرمایش

ابوبکر حضرمی گفت : فدایت شوم جواب آن دو مسئله اولی را بیان فرمائید . فرمود : یا ابابکر (سیروا فیها لیالی وایاماً آمنین - بگردید در روی زمین شبها و روزها در امن و امان) فرمود : باقائم اهل بیت یعنی بعد از ظهور آنحضرت و اما آیه شریفه (ومن دخله کان آمناً - هر که بر او داخل شود در امن و امان میباشد) هر که او را بیعت کرده و با او داخل شود دست او را مسح کرده در عقد اصحاب وی داخل شود در امن و امان میباشد .

خداوند « ولوتری اذ فزعوا فلا فوت واخذوا من مكان قريب وقالوا آمنا به »  
یعنی ایمان بقائم آل محمد «ص» آوردیم و فائدهٔ ایمان بآنها نرسد زیرا که وقت  
آن گذشته باشد و آن ایمان آنها بعد از نزول عذاب گردد مثل ایمان فرعون<sup>(۱)</sup> .  
و در مجمع در تفسیر این آیه از حضرت امام سجاد «ع» روایت کرده  
کسه فرمود : مراد از این آیه لشگر سفیانی است که آنها را زمین می گیرد  
و فرومی برد<sup>(۲)</sup> .

و ایضاً از حضرت پیغمبر «ص» روایت کرده که فرمود فتنه می شود در بین  
اهل مشرق و اهل مغرب پس آنها در اینحال که هستند خارج می شود بر آنها  
سفیانی از وادی یابس تا آنکه وارد دمشق شود ، پس دودسته لشگر جمع میکند  
ویک جمعی بطرف مشرق روانه میکند تا آنکه آنها نازل می شوند بر بابل از  
شهر ملعون بغداد ، پس می کشند در آن زیادتر از سه هزار را و رسوا می کنند  
زیادتر از صد نفر زن را و میکشند در آن سیصد نفر کبش از بنی عباس را ، و بعد  
از آن روانهٔ کوفه می گردند پس اطراف آن را خراب می کنند ، پس متوجه  
شام شوند پس بیرون می شود یسک علمی هدایت از کوفه و بر آن لشگر ملحق  
می شود ، و لشگر سفیانی را میکشند و از آنها یکی خلاص نمی شود و آنچه آنها  
بدست آورده بودند میگیرند، و دستهٔ دیگر از لشگر سفیانی وارد مدینه می شوند  
و تا سه روز در آنجا قتل و غارت میکنند و بعد از آن متوجه مکه می شوند و زمانیکه  
بزمین بیداء می رسند خداوند جبرائیل را میفرستد و آنها را بزمین خسف  
می کند و دو نفر از آنها خلاص شود پس اینست معنای فرمایش خداوند «ولو

(۱) تفسیر قمی ج ۲ ص ۲۰۵ .

(۲) مجمع البیان ج ۴ ص ۳۹۷ .

تری اذ فزعوا» الایة<sup>(۱)</sup>.

و در مجمع بعد از نقل این فرموده که: اصحاب امامیه ما مثل این حدیث را در احادیث ظهور قائم آل محمد روایت کرده‌اند از حضرت صادق و از حضرت باقر «ع». تمام شد.

پس از این تفسیر معلوم شد که این آیه در مقام بیان علامات و مقدمات ظهور حضرت قائم آل محمد است و مراد از اشخاص فزع کننده لشکر سفیانی است، و مراد از ضمیر «آمنابه» حضرت قائم آل محمد است و در واقع این آیه اختصاص با آنحضرت دارد بدون شبهه.

(آیه هفتم) قوله تعالى در سورة ص «قال فانك من المنظرين\* الى يوم الوقت المعلوم»<sup>(۲)</sup> یعنی خدایتعالی فرمود بابلیس ملعون که تو از مهلت شدگانی تا روز وقت معلوم معین. و این آیه در رجعت ائمه است، و مراد از وقت معلوم وقت رجعت ائمه و ظهور قائم آل محمد است چنانکه بیان این در سورة حجر گذشت و در اینجا کتفاء میکنیم بذکر یک حدیث دیگر از اخباریکه در بیان معنای این آیه وارد شده است و آن حدیث است که:

در کتاب بصائر الدرجات از حضرت صادق «ع» روایت کرده است که شیطان لعنه الله از خداوند سؤال کرد که او را مهلت دهد تا روز قیامت که مردم زنده میشوند حقتعالی ابا کرد و فرمود: تو از مهلت شدگانی تا یوم وقت معلوم، چون آن روز شود ظاهر شود شیطان با جمیع اتباعش از روزیکه خداوند آدم را خلق کرده است تا آن روز و حضرت امیر المؤمنین «ع» برگردد و این آخر برگشتهای آنحضرت است.

(۱) مجمع البیان ج ۴ ص ۳۹۸.

(۲) ص: ۸۰ و ۸۱.

راوی گفت : مگر رجعت‌های بسیار خواهد کرد؟ فرمود: بلی و هر امامی که در قرنی بوده باشد نیکوکاران و بدکاران زمان او برمیگردند تا حقه‌تعالی مؤمنان را بر کافران غالب گرداند و مؤمنان از آنها انتقام بکشند، چون آن روز شود حضرت امیر المؤمنین «ع» بر گردد با اصحابش و شیطان می‌آید با اتباعش و ملاقات ایشان در کنار فرات واقع شود نزدیک بکوفه، پس قتالی واقع شود که هرگز مثل آن واقع نشده باشد، گویا می‌بینم اصحاب حضرت امیر المؤمنین را که صد قدم از پس پشت برگردند و پای بعضی در میان آب فرات داخل شود، پس ابری بزیر آید از آسمان که پر شده باشد از ملائکه و حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله حربۀ از نور بردست داشته باشد و در پیش آن ابر آید، چون نظر شیطان بر آن حضرت افتد از عقب برگردد و اتباعش بساو گویند که اکنون که ظفر یافتی بکجا می‌روی، او گوید من می‌بینم آنچه شما نمی‌بینید من می‌ترسم از پروردگار عالمیان، پس حضرت رسول خدا باو برسد و آن حربه را در میان دو کتفش بزند که او و اتباعش همه هلاک میشوند، پس بعد از آن همه مردم خدا را بیگانگی پرستند و هیچ چیز را با خدا شریک نگردانند و حضرت امیر چهل و چهار هزار سال پادشاهی کند تا آنکه یک مرد از شیعیان آن حضرت هزار فرزند از صلب او متولد شود همه پسر هر سال یک فرزند پس در آن وقت دوباغ سز که خدایتعالی در سورة الرحمن فرموده در دو طرف مسجد کوفه بهمرسد. تمام شد (۱).

پس از این حدیث شریف معلوم شد که مراد از وقت معلوم در آیه رجعت ائمه است و حضرت قائم آل محمد «ص» در رجعت با ائمه و با اجداد خودش خواهد بود، و شاهد بر این خطبۀ حضرت سید الشهداء است در روز عاشورا



خوانده ، چنانکه قطب راوندی از جابر انصاری از حضرت باقر «ع» روایت کرده که آنحضرت باصحاب خودش فرمود بعد از بیان بعضی از فرمایشات : بشارت باد شمارا و شاد باشید شما که ما بنزد پیغمبر خود میرویم پس میمانیم در آن عالم آنقدر که خداوند خواهد پس اول کسیکه زمین شکافته می شود و از زمین بیرون میآید من خواهم شد و بیرون آمدن من موافق میافتد با بیرون آمدن حضرت امیرالمؤمنین و قیام قائم آل محمد و ظهور آنحضرت<sup>(۱)</sup> تا آخر حدیث. و این حدیث مفصل است و انشاء الله در جای مناسب میآید ، پس از این حدیث معلوم شد که حضرت قائم آل محمد با حضرت امیر و حضرت سیدالشهداء خواهد بود ، پس این تفسیر که در این آیه وارد شده منافات بآن تفسیر ندارد که در سورة حجر بیان شد .

(آیه هفتاد و یکم) قوله تعالى در سورة ص «ولتعلمن نبأه بعد حين»<sup>(۲)</sup>

یعنی البته میدانید خبر و وعید را که بشما داده شده بعد از زمانی .

و در کافی از حضرت امیر المؤمنین در تفسیر این آیه روایت کرده است که آنحضرت فرمود : مراد از «بعد حین» نزد ظهور قائم آل محمد است<sup>(۳)</sup> . پس از حدیث مزبور معلوم می شود که این آیه در مقام بیان ظهور حضرت قائم است ، پس معنی آیه بنا بر این تفسیر چنین میشود که البته میدانید خبر قرآن را از وعده بر مؤمنان و از وعید بر کافران و منافقان در وقت ظهور حضرت قائم آل محمد و در زمان سلطنت او .

(۱) الخرائج والجرایح ص ۱۳۸ ط بمبئی .

(۲) ص : ۸۸ .

(۳) بحار الانوار ج ۵۱ ص ۶۲ .

(آیه هفتاد و دوم) قوله تعالی در سوره زمر «واشرق الارض بنور ربها»<sup>(۱)</sup>

یعنی روشن شد زمین بنور انبیت تربیت کننده آن زمین، و این آیه اشاره است به ظهور حضرت قائم آل محمد چنانکه در ارشاد مفید از حضرت صادق «ع» روایت کرده که فرمود: وقتیکه ظاهر شود قائم اهل بیت روشن گردد زمین بنور تربیت کننده آن و مردم غنی میشوند از روشنی آفتاب و ظلمت می رود<sup>(۲)</sup>.

و در تفسیر قمی از آن حضرت روایت کرده که فرمود: در این آیه رب الارض امام زمین است. عرض کردند: وقتیکه ظاهر شود چه واقع می شود. حضرت فرمود: مردم غنی می شوند از ضوء آفتاب و از نور ماه و اکتفاء میکنند مردم بنور امام<sup>(۳)</sup>.

پس از این دو حدیث معلوم می شود که این آیه در شأن قائم آل محمد است، و مراد از روشن شدن زمین ظهور آن حضرت است و روشن بودن عالم است بنور عدل و دادخواهی آن حضرت تا آنکه عدالت نمائی آن بزرگوار از تربیت آفتاب و ماه بر زمین زیادتر فایده میدهد و بر حرکت و رحمت خداوند بسبب ظهور آن حضرت آنقدر می شود که اگر آفتاب و ماه و تربیت آنها نباشد مردم غنی می شوند و محتاج بچیز دیگر نمیشوند اصلاً.

(آیه هفتاد و سیم) قوله تعالی در سوره مؤمن «قالوا ربنا ائنتین

واحييتنا ائنتین»<sup>(۴)</sup> یعنی گفتند ای خدای ما ما را دو مرتبه میرانندی و دو مرتبه

(۱) الزمر : ۶۹ .

(۲) الارشاد : ص ۳۶۳ .

(۳) تفسیر قمی ج ۲ ص ۲۵۳ .

(۴) المؤمن : ۱۱ .

زنده کردی .

وقمی در تفسیر این آیه از حضرت صادق «ع» روایت کرده که حضرت فرمود : این در رجعت است<sup>(۱)</sup> .

یعنی گناهکاران و منافقان این کلام را در رجعت میگویند در وقتیکه در دست اولیاء خداوند در عذاب گرفتار میشوند و سلطنت روی زمین با اولیاء الله بر میگردد .

و این از ضروریات مذهب است و احادیث متواتره بر این دلالت میکند ، از آن جمله روایتی است که قطب راوندی و دیگران از حضرت باقر «ع» نقل کردند که حضرت امام حسین «ع» در صحرای کربلا قبل از شهادت فرمود که : جدم رسول خدا بمن فرمود که ای فرزند ترا بسوی عراق خواهند برد در زمینی که پیغمبران و اوصیای ایشان در آنجا ملاقات یکدیگر کرده اند یا خواهند کرد<sup>(۲)</sup> و در آنجا با تو جماعتی از اصحاب تو شهید خواهند شد که درد و الم بریدن آهن بایشان نخواهد رسید چنانکه آتش را حق تعالی بر حضرت ابراهیم برد و سلام گردانید همچنین آتش جنگ بر تو و اصحاب تو برد و سلام خواهد شد ، پس بشارت باد شما را و شاد باشید که ما بنزد پیغمبر خود میرویم پس میمانیم در آن عالم آنقدر که خداوند خواهد ، پس اول کسیکه زمین شکافته میشود و از زمین بیرون میآید من خواهم بود و بیرون آمدن من موافق میافتد با بیرون آمدن امیر المؤمنین «ع» و قیام قائم ما ، پس نازل میشوند بر من گروهی از آسمان از جانب حق تعالی که هرگز زمین فرود نیامده باشند با جبرئیل و میکائیل و اسرافیل و لشکرهایی از ملائکه و فرود میآید محمد و علی و برادر من و من و جمیع

(۱) تفسیر وقمی ج ۲ ص ۲۵۶ .

(۲) و آنجا را «عمورا» گویند . الخرابج .

آنها که خدا برایشان منت گذاشته از انبیاء و اصبیاء سوار شده بر اسبان خدائی ابلق از نور که هیچ مخلوقی قبل از آن بر آنها سوار نشده است ، پس حضرت رسول «ص» علم خود را بدست<sup>۱</sup> میگیرد و حرکت میدهد و شمشیر خود را بدست قائم ما میدهد ، پس بعد از آن آنچه خدا خواهد مینمائیم پس حقتعالی بیرون میکند از مسجد کوفه چشمه از روغن و چشمه از آب و چشمه از شیر ، پس آنگاه حضرت امیر شمشیر حضرت رسول «ص» را بمن دهد و مرا بجانب مشرق و مغرب بفرستد ، پس هر که دشمن خدا باشد خونش را بریزم و هر بتی را که بیابم بسوزانم تا آنکه بزمین هند بروم و جمیع بلاد هند را فتح کنم و حضرت دانیال و یوشع زنده میشوند و بیایند بسوی حضرت امیر «ع» و گویند راست فرمودند خدا و رسول او در وعده‌ها که دادند پس هفتاد نفر با ایشان بفرستد بسوی بصره که هر که در مقام مقاتله در آید او را بکشند و لشکری بسوی روم بفرستد که آنها را فتح کنند ، پس هر حیوان حرام گوشت که باشد بکشم تا آنکه بغیر از طیب و نیکو در روی زمین نباشد و جزیره را بر طرف کنم و یهود و نصاری و سائر ملل را مخیر کنم میان اسلام و شمشیر ، پس هر که مسلمان شود بر او منت گذارم و هر که اسلام را نخواهد خونش را بریزم و هیچ مرد از شیعیان ما نماند مگر آنکه ملکی خداوند بسوی او بفرستد که خاک را از روی او پاک کند و زنان و منزل او را در بهشت باو بنمایند و هر کور و زمین گیر و مبتلائی که باشد خدا ببرکت ما اهل بیت آن بلا را از او دفع نماید و حقتعالی برکت را از آسمان بزمین نازل میکند بمرتبه که شاخهای درختان میوه دار از بسیاری میوه بشکند و میوه تابستان در زمستان و میوه زمستان در تابستان بعمل میآید ، و اینست معنی قوله تعالی «ولو ان اهل القرى آمنوا واتقوا لفتحنا عليهم بركات من السماء والارض ولكن كذبوا فاخذناهم بما كانوا يكسبون»<sup>۱</sup> یعنی اگر اهل شهرها ایمان

بیاورند و پرهیزکاری کنند هر آینه بگشائیم برایشان برکتها از آسمان وزمین  
ولکن تکذیب کردند پیغمبران ما را پس گرفتیم ایشان را بآنچه کسب کردند .  
پس حضرت فرمود: و ببخشند خداوند بشیعیان ما کرامتی که مخفی نماند  
برایشان هیچ چیز در زمین و آنچه در زمین است حتی آنکه کسیکه خواهد  
احوال اهل خانه خود را بداند او را خداوند الهام کند بآنچه ایشان میکنند<sup>(۱)</sup>.  
تمام شد .

پس از این حدیث چند چیز معلوم شد : اول سلطنت ائمه در رجعت ، دوم  
ذلت و خواری دشمنان ائمه و فریاد و فغان آنها در رجعت ، سیم بودن رجعت  
ائمه با ظهور قائم آل محمد ، چهارم بودن این آیه « ولو ان اهل القرى » در  
خصوص رجعت ائمه .

و این حدیث را از این جهت ذکر کردیم که تفسیر این آیه بود و معنای آن  
و این آیه از ترتیب ما در سورة اعراف فوت شده بود زیرا که در تفسیر صافی  
نبود پس وقتیکه این آیه نیز در رجعت نازل شد پس عدد آیات یکی زیاد شد  
و این آیه هفتاد و چهارم میشود .

( آیه هفتاد و پنجم ) قوله تعالى در سورة مؤمن « انا لننصر رسلا والذین  
آمنوا فی الحیوة الدنیا و یوم یقوم الاشهاد »<sup>(۲)</sup> یعنی البته ما نصرت میکنیم  
پیغمبران خودمان را و یاری میکنیم آن کسانی را که ایمان آورده اند و نصرت  
و یاری ما بایشان هم در دنیا میشود و هم در آخرت .

و این آیه در رجعت است ، چنانکه در تفسیر قمی از حضرت صادق « ع »  
روایت کرده است که آنحضرت فرمود : والله این در رجعت است آیا ندانسته

(۱) الخرایج والجرایح ص ۱۳۸ ط بمبئی .

(۲) المؤمن : ۵۱ .

که بسیاری از پیغمبران یاری کرده نشدند در دنیا و کشته شدند و ائمه بعد از ایشان کشته شدند و نصرت کرده نشدند و این نصرت و یاری خدا برایشان در رجعت خواهد شد<sup>(۱)</sup>.

پس از این حدیث معلوم شد که این آیه در رجعت پیغمبران و ائمه و اوصیای ایشان است.

و در کتاب انوار مضمیثه روایت کرده از صادق «ع» که راوی گوید: از آن حضرت سؤال نمودم از رجعت که آیا آن حق است؟ فرمود: بلی. پرسیدند که اول کسی که رجعت خواهد کرد کی خواهد بود؟ فرمود که: حضرت امام حسین «ع» خواهد بود که بعد از حضرت قائم آل محمد بیرون خواهد شد با اصحابش که با او شهید شدند و هفتاد پیغمبر با او خواهد بود چنانکه با حضرت موسی مبعوث شدند، پس حضرت قائم انگشتر خود را با او خواهد داد و از دنیا خواهد رفت و حضرت امام حسین «ع» او را غسل و کفن و حنوط خواهد کرد و او را در قبر خود مدفون خواهد کرد<sup>(۲)</sup>.

و ایضاً از کتاب فضل بن شاذان روایت نموده از حضرت صادق «ع» که چون قائم آل محمد ظاهر شود و داخل کوفه گردد حقتعالی از پشت کوفه هفتاد هزار صدیق را مبعوث خواهد گردانید و در میان اصحاب او و یاران او خواهند شد<sup>(۳)</sup> تمام شد.

از این اخبار تفسیر آیه واضح شد.

(آیه هفتاد و ششم) قوله تعالی در سورة حم سجده «سنریهم آیاتنا فی الافاق»

(۱) تفسیر قمی ج ۲ ص ۲۵۸.

(۲) بحار الانوار ج ۵۳ ص ۱۰۳.

(۳) بحار الانوار ج ۵۳ ص ۱۰۴.

وفي انفسهم حتى يتبين لهم انه الحق»<sup>(۱)</sup> یعنی زود باشد که بنمائیم بر کفار و اشرار آیات خودمان را در آفاق و در نفسهای آنها تا آنکه واضح شود بر آنها بر اینکه وعده خداوند حق است .

و در کافی از حضرت صادق روایت کرده که فرمود در تفسیر این آیه : می‌نمائیم در آفاق ناقص شدن آفاق را بر آنها پس می‌بینند قدرت خداوند را در نفسهای خودشان و در آفاق . عرض کردند : معنی «حتی يتبين لهم انه الحق» فرمود : ظهور کردن قائم آل محمد و او است حق از جانب خدا و می‌بیند او را خلق و لابد است از ظهور آنحضرت<sup>(۲)</sup> .

و ایضاً روایت کرده در کافی که فرمود : مراد از آیات در انفس و آفاق خسف و مسخ و قذف است، سؤال شد از معنای «حتی يتبين لهم انه الحق» فرمود این را مگو این ظهور قائم آل محمد است<sup>(۳)</sup> .

و در تفسیر صافی فرموده : گویا که امام اراده فرموده که : این واقع میشود در رجعت و در وقت ظهور قائم آل محمد زیرا که می‌بینند در آن وقت از عجایب و غرایب در آفاق و در انفس آنچه را که بآن واضح میشود بر آنها بودن امامت و ولایت و ظهور امام غائب حق ، پس این علامات در انفس و آفاق از برای منکرین است<sup>(۴)</sup> .

(آیه هفتاد و هفتم) قوله تعالى در سورة شوری «ومن كان يريد حرث الدنيا نؤته منها وما له في الآخرة من نصيب» الی قوله «ولولا كلمة الفصل لقضى بينهم»<sup>(۵)</sup>

(۱) فصلت : ۵۳ .

(۲) بحار الانوار ج ۵۱ ص ۶۳ .

(۳) المحجة ص ۷۴۸ ط ضمیمه غایة المرام .

(۴) الصافی ص ۴۵۰ ط تبریز .

(۵) الشوری : ۲۰ و ۲۱ .

یعنی هر کس اراده نماید حرث و منفعت دنیا را عطا میکنیم بر او از ان دنیا و نیست از برای او در آخرت از هیچ نصیب و گرن بود کلمه فصل هر آینه حکم می شد در میان آنها .

و در کافی از حضرت صادق روایت کرده که عرض کردند بآنحضرت که :  
مراد از قول خداوند « الله لطیف بعباده یرزق من یشاء » چیست ؟ فرمود :  
ولایت امیر المؤمنین . عرض کردند مراد از « من کان یرید حرث الاخرة »<sup>(۱)</sup>  
فرمود : معرفت امیر المؤمنین و معرفت ائمه . عرض شد « نزدله فی حرثه » یعنی  
زیاد میکنیم از برای او در دنیا که استیفاء میکند نصیب خودش را از سلطنت  
ائمه و در زمان پادشاهی ایشان . عرض شد « و مالہ فی الاخرة من نصیب » فرمود :  
یعنی نیست از برای او در دولت و سلطنت حقه با امام نصیب و حظی<sup>(۲)</sup> .

پس از این تفسیر معلوم شد که این آیه شریفه در بیان دولت حقه است  
و بیان سلطنت ائمه است ، زیرا که از حدیث واضح شد که مراد از « و مالہ فی  
الاخرة من نصیب » دولت حقه قائم آل محمد است زیرا که دولت و سلطنت  
حقه با امام و آن هم در آخر ائمه پیدا نشده و نیست آن مگر دولت حضرت  
قائم آل محمد .

و اما آخر آیه پس در کافی از حضرت باقر «ع» در قوله تعالی « ولولا کلمة  
الفصل » روایت کرده که آنحضرت فرمود : یعنی اگر نبود آنچه گذشته بود در  
آنها از کلمه از خداوند باقی نمی گذاشت از آنها حضرت قائم آل محمد احدیر<sup>(۳)</sup>  
پس از این تفسیر واضح گردید که آخر آیه نیز در شأن حضرت قائم آل

(۱) الشوری : ۱۹ .

(۲) الصافی ص ۴۵۱ .

(۳) الصافی ص ۴۵۱ .



محمد است و مراد از کلمه فصل زمان مهلت خداوند عالم است بر کفار و بعد از تمام شدن آن ظاهر می شود و مراد از آخرت در این آیه دولت حضرت قائم آل محمد شد ، و از این جهت بود که حضرت صادق «ع» باین بیت مترنم بود:

لکل اناس دولة یزقبونها      و دولتنا فی آخر الدهر یظهر (۱)

(آیه هفتاد و هشتم) قوله تعالی در سوره شوری «و یمح الله الباطل و یمحق الحق بکلماته انه علیم بذات الصدور»<sup>(۲)</sup> یعنی محو میکند خداوند باطل را و حق را محقق میگرداند بسبب کلمات خودش بدرستی که خداوند عالم است بیاطن آنچه در سینه ها است .

و در تفسیر قمی در چند موضع از حضرت صادق روایت کرده که مراد از کلمات ائمه است . و در تفسیر این آیه از حضرت باقر «ع» روایت کرده که فرمود یعنی خداوند باطل را محو و مضمحل میکند بکلمات خود و مراد از کلمات ائمه و حضرت قائم آل محمد است<sup>(۳)</sup> .

پس از این تفسیر واضح گردید که اضمحلال باطل و احقاق حق و ظاهر شدن دین حق بدست ائمه و قائم آل محمد خواهد شد ، و از واضحات است که این بعد از ظهور آنحضرت می شود .

(آیه هفتاد و نهم) قوله تعالی در سوره شوری «ولمن انتصر بعد ظلمه فأولئك ما علیهم من سبیل»<sup>(۴)</sup> یعنی و از برای آنکس که انتصار و طلب نصرت کند

(۱) هر طائفه ای را دولتی است که منتظر اویند و دولت ما در آخر دهر ظاهر خواهد شد .

(۲) الشوری : ۲۴ .

(۳) تفسیر قمی ج ۲ ص ۲۷۵ .

(۴) الشوری : ۴۱ .

بعد از آنکه مظلوم شده پس از برای ایشان راه نیست و بلکه نصرت کرده می شود. و در تفسیر قمی از حضرت باقر «ع» روایت کرده که آنحضرت فرمود «ولمن انتصر بعد ظلمه» یعنی قائم آل محمد و اصحاب آنحضرت زمانیکه ظهور میکنند آنحضرت و اصحاب او طلب نصرت و یاری میکند از جهت کشتن بنی امیه و تکذیب کننده ایشان و از جهت ناصبیهها و بنی امیه و اتباع آنهاست مراد از قوله تعالی «انما السبیل علی الذین یظلمون الناس»<sup>(۱)</sup> تا آخر آیه<sup>(۲)</sup>، و در آخر این آیه قرائت اهل بیت را در تحفة الاخیار نقل نمودم، پس از این تفسیر معلوم گردید که این آیه در شأن حضرت قائم آل محمد است و مراد از ظلم شده و انتصار کننده آنحضرت است بدون شبهه.

(آیه هشتم) قوله تعالی در سورة زخرف «وجعلها کلمة باقية فی عقبه لعلهم یرجعون»<sup>(۳)</sup> یعنی قرار داد خداوند عالم عزذکره کلمة توحید را کلمة باقیه در اولاد ابراهیم شاید که ایشان رجوع کنند.

و در اکمال الدین از حضرت سجاد «ع» روایت کرده که فرمود: این آیه در حق ما ائمه نازل شده است، و قرار داد خداوند توحید را کلمة باقیه در عقب حضرت ابراهیم و قرار داد امامت را در اولاد حضرت سید الشهداء تا روز قیامت<sup>(۴)</sup>. و این حدیث را در علل الشرایع از حضرت باقر<sup>(۵)</sup> و در معانی الاخبار<sup>(۶)</sup>

(۱) الشوری : ۴۲ .

(۲) تفسیر قمی ج ۲ ص ۲۷۸ .

(۳) الزخرف : ۲۸ .

(۴) کمال الدین ج ۱ ص ۳۲۳ .

(۵) علل الشرایع ج ۱ ص ۲۰۷ .

(۶) معانی الاخبار ص ۱۳۲ .

و مناقب و مجمع البيان از حضرت صادق عليه السلام روايت کرده است<sup>(۱)</sup> .  
 وايضاً در مناقب از حضرت پيغمبر روايت نموده که از آنحضرت سؤال کردند از تفسير اين آيه پس فرمود : امامت در اولاد حضرت امام حسين «ع» است و ظاهر شود از صلب او نه نفر امام از آنجمله است مهدي اين امت<sup>(۲)</sup> .  
 و قمي در تفسير فرموده که : مراد از «لعلهم يرجعون» رجعت ائمه است<sup>(۳)</sup> .  
 پس از اين احاديث که در تفسير اين آيه وارد شده معلوم گرديد که اين آيه در شأن ائمه و رجعت ايشان و ظهور قائم آل محمد است زيرا که اگر او ظهور نکند و عالم را در آخر الزمان پراز عدل و داد خواهی نکند امامت تا قيامت در اولاد امام حسين نميشود زيرا که مراد از امامت و سلطنت و رياست حقه است در اولاد آنحضرت و اين واضح است .

(آية هشتاد و يكم) قوله تعالى در سورة فتح « ولوا تزيلوا لعذبنا الذين كفروا منهم عذاباً أليماً »<sup>(۴)</sup> يعنى اگر زایل شوند هر آينه عذاب ميکنيم از آنها آن کسانی را که کافر شدند از آنها عذاب دردناکی .

در تفسير اين آيه قمي از حضرت صادق «ع» روايت کرده که از آنحضرت سؤال کردند که : آيا حضرت امير المؤمنين «ع» قوت نداشت در بدن و قوی نبود در دين خودش و در اطاعت خداوند . پس حضرت فرمود : بلی هم در بدنش قوت و هم در دينش قوی بود . عرض نمودند بخدمت حضرت صادق عليه السلام : پس چه چیز او را مانع شد از دفع کردن دشمنان خود و از بيعت

(۱) مجمع البيان ج ۵ ص ۴۵ .

(۲) الصافي ص ۴۵۵ .

(۳) تفسير قمي ج ۲ ص ۲۸۳ .

(۴) الفتح : ۲۵ .

نکردن او بر اهل بدعت؟ فرمود: سؤال نمودی پس بفهم جواب را مانع شد بحضرت امیر المؤمنین از این آیه از کتاب خداوند عالم. پس عرض نمودند: آن کدام آیه است؟ پس حضرت فرمود: آیه «ولو تزیلوا لعذبنا الذین کفروا» تا آخر، بدرستی که بود از برای خداوند ودیعه‌های مؤمنان در صلبهای کافران و منافقان پس جائز نبود از برای امیر المؤمنین کشتن پدرها تا آنکه بیرون شود ودیعه‌های مؤمنان از صلب آنها پس وقتیکه آن ودیعه‌ها بیرون شد حضرت امیر دست برد بر تیغ و کشت اهل جمل و صفین و نهر و ان را، و همچنین است قائم ما آل محمد ظهور نمیکند تا آنکه بیرون شود ودیعه‌های خداوند از صلبهای کافران و منافقان پس زمانیکه آن ودیعه‌ها بیرون گردید ظهور میکند و میکشد کفار و اشرار را<sup>(۱)</sup>.

و در اکمال الدین روایت کرده بچندین سند معتبر از آنحضرت که فرمود در تفسیر این آیه: اگر بیرون کند خدا آنچه را که در صلبهای مؤمنین است از کافران و آنچه را که در صلبهای کافران است از مؤمنین «لعذبنا الذین کفروا منهم عذاباً الیماً»<sup>(۲)</sup>.

پس از این احادیث که در تفسیر این آیه وارد شده است معلوم می‌شود که تأویل آن در شأن حضرت قائم آل محمد «ص» است اگر تنزیل آن در حضرت امیر المؤمنین «ع» باشد، و همچنین معلوم شد که علت ظهور نکردن قائم آل محمد بیرون نشدن مؤمنان است از صلبهای کافران و باقی بودن کافران است در صلبهای مؤمنان هر چندیکه علت‌های دیگر هم دارد و مراد بیان تمام آنها نیست و اصل علت خواست خداوند عالم است.

(۱) تفسیر قمی ج ۲ ص ۳۱۶.

(۲) تفسیر برهان ج ۲ ص ۱۰۲۳.

(آیه هشتاد و دوم) قوله تعالى در سورة فتح «هو الذي ارسل رسوله بالهدى ودين الحق ليظهره على الدين كله»<sup>(۱)</sup> یعنی خداوند چنان واجب الوجود است که فرستاد پیغمبر خودش را با هدایت واضح و بادین حق ثابت تا آنکه غالب کند او را بر تمامی ادیان و جمیع ادیان را بردارد .

و این آیه وافی هدایه در شأن قائم آل محمد است و تأویل آن در خصوص آنحضرت است ، چنانکه در تفسیر قمی فرموده که مراد از آنکسیکه غالب میشود بر تمامی ادیان او همان امام است که خداوند ظاهر میکند او را و غالب گرداند آنحضرت را بر جمیع ادیان پس آن امام پرمی کند زمین را از عدالت و داد خواهی همچنانکه پر شده از تعدی و ستمکاری ، و بعد از این تفسیر فرموده است که این آیه از آن آیات است که تأویل آن بعد از تنزیل آن خواهد شد<sup>(۲)</sup> تمام شد کلام قمی اعلى الله مقامه .

پس واضح گردید که این آیه شریفه در شأن قائم آل محمد است و حقیر تفصیل تفسیر این آیه را در سورة توبه بابیان واضح نوشتم در مثل این آیه که در آن سوره است .

(آیه هشتاد و سیم) قوله تعالى در سورة ق «واستمع يوم يناد المنادي من مكان قريب يوم يسمعون الصيحة بالحق ذلك يوم الخروج»<sup>(۳)</sup> گوش فرادار روزیکه منادی ندا کند از مکانی نزدیک روزیکه میشوند فریاد را براستی اینست روز خروج و بیرون شدن .

قمی در تفسیر این آیه از حضرت صادق روایت کرده که فرمود : منادی

(۱) الفتح : ۲۸ .

(۲) تفسیر قمی ج ۲ ص ۳۱۷ .

(۳) ق : ۴۱ و ۴۲ .

ندامیکند باسم حضرت قائم آل محمد واسم پدرش و مراد از صبیحه صبیحه ایست که خبر میدهد ظهور قائم آل محمد را<sup>(۱)</sup>.

و در کتاب نجم الثاقب از کمال الدین از حضرت باقر «ع» روایت کرده که فرمودند نامیکند منادی از آسمان که فلان بن فلان او است امام و نام او را میبرد<sup>(۲)</sup>. و نیز از آن کتاب نقل کرده از زرارة از حضرت صادق «ع» که فرمود: نداء میکند منادی باسم قائم آل محمد، زرارة گفت عرض کردم: خاص است یا عام است؟ فرمود عام است آن نداء را می شنوند هر قومی بزبان خودشان<sup>(۳)</sup>. و از غیبت نعمانی نقل نموده از حضرت امیر المؤمنین «ع» که فرمود: منادی نداء میکند از آسمان که ای گروه مردمان بدرستی که امیر شما فلان است و این آن مهدی است که پر میکند زمین را از عدل و داد خواهی چنانکه پر شده از ظلم و ستمکاری<sup>(۴)</sup>.

و از تفسیر عیاشی نقل نموده از حضرت باقر «ع» در حدیث طولانی که فرمود بجابر انصاری بعد از ذکر بعضی از علامات: پس اگر مشتبه شود این علامات بر شما مشتبه نخواهد شد بر شما صدا از آسمان باسم او و او را او. و از غیبت نعمانی نقل نموده از آن حضرت که فرمود در حدیثیکه پس ندا میکند منادی از آسمان باسم قائم آل محمد پس میشوند آن را کسیکه در مشرق است و کسیکه در مغرب است و نمیماند خوابیده مگر آنکه بیدار میشود و نه ایستاده مگر آنکه می نشیند و نه نشسته مگر آنکه برمیخیزد از خوف آن صدا، و فرمود که آن صدا از جبرئیل

(۱) تفسیر قمی ج ۲ ص ۳۲۷.

(۲) نجم الثاقب ص ۸۹.

(۳) نجم الثاقب ص ۸۹.

(۴) نجم الثاقب ص ۸۹.

است در ماه رمضان در شب جمعه بیست و سیم ماه<sup>(۱)</sup>.

و در نجم الثاقب فرموده : و برای این مضمون اخبار بسیار است بلکه متجاوز از حدتواتر، و در جمله از آنها آنرا از محتومات شمردند و فرموده که در اطراف اندلس شهر عجیب است که بنا آن قبل از اسکندر است و در عهد عبدالملک آن را یافتند و بردیوار آن ابیاتی بود از آن جمله اینست :

**حتی یقوم بأمر الله قائمهم من السماء اذا ما باسمه نودی (۲)**

و عبدالملک بعد از دیدن این از زهری پرسید از امر این نداء و منادی زهری گفت خبر داد مرا حضرت امام سجاد که این در خصوص مهدی است از فرزندان فاطمه دختر رسول خدا<sup>(۳)</sup>.

و از کتاب غیبت شیخ طوسی از سیف بن عمیره روایت است که او گفت: در نزد منصور بودم روزی پس از او شنیدم که میگوید ابتداء از پیش خود که: ای سیف بن عمیره لابد است از منادئی که ندا کند باسم مردی از فرزندان ابی طالب از آسمان. گفتم: روایت کرده این را احدی از مردمان. گفت: قسم بآنکه جانم در قبضه قدرت او است که گوشم شنید از او که میگفت لابد است از منادئی که ندا کند باسم مردی از آسمان. گفتم: ای امیر این حدیث است که نشنیدم هرگز مانند آن را. گفت: ای شیخ اگر چنین شد ما اول کسی هستیم که اجابت میکنیم او را، آگاه باش که او یکی از پسر عموهای ماست. گفتم: کدام پسر عموهای شما؟ گفت: مردی از فرزندان فاطمه «ع» آنگاه گفت: ای شیخ اگر آن نبود که من شنیده بودم از حضرت باقر «ع» که مرا بآن خبر دادند

(۱) نجم الثاقب ص ۸۹.

(۲) تا بامر خدا قیام می کند قائم آنها از آسمان آن وقتیکه بنام وی ندا شود.

(۳) نجم الثاقب ص ۹۰.

قبول نمی‌کردم آن‌را هر چند بیکه همه اهل دنیا بگویند و لکن خبر دهنده حضرت باقراست<sup>(۱)</sup>. تمام شد.

پس از این احادیث بسیار معلوم گردید که این آیه در شأن حضرت قائم آل محمد است و در مقام بیان ظهور آنحضرت است.

(آیه هشتاد و چهارم) قوله تعالی در سورة طور «وان للذین ظلموا عذاباً دون ذلك ولكن اکثرهم لا یعلمون»<sup>(۲)</sup> یعنی بدستیکه از برای آن کسانی که ظلم کرده‌اند عذابی است که قبل از عذاب قیامت و یا کمتر از عذاب قیامت و لکن بیشتر مردم نمیدانند آن را.

وقرائت اهل بیت در این آیه چنان است «ظلموا آل محمد حقهم» چنانکه در تحفة الاخیار نقل نموده‌ام.

وقمی در تفسیر این آیه نقل نموده که مراد از «عذاب دون ذلك» آن عذاب است که بر ظالمان آل محمد میشود در رجعت با تیغ<sup>(۳)</sup>.

یعنی در رجعت ائمه با شمشیر قائم آل محمد بر ظالمان اهل بیت عذاب خواهد شد که کمتر از عذاب قیامت باشد، زیرا که عذاب قیامت آنها بسآتش دوزخ خواهد گردید. پس معلوم شد از این تفسیر که این آیه در بیان رجعت ائمه و بیان سلطنت و تسلط قائم آل محمد است بر ظالمان اهل بیت و شرح این در احادیث بسیار موجود است که بر ظالمان چه خواهد شد در رجعت.

(آیه هشتاد و پنجم) قوله تعالی در سورة قمر «اقتربت الساعة وانشق القمر»<sup>(۴)</sup>

(۱) نجم الثاقب ص ۹۰.

(۲) الطور: ۴۷.

(۳) تفسیر قمی ج ۲ ص ۳۳۳.

(۴) القمر: ۱.



یعنی نزدیک شد ساعت و منشق شد ماه .

و در تفسیر قمی از اهل بیت رسالت روایت کرده که مراد از ساعت در این آیه ظهور حضرت قائم آل محمد «ص» است <sup>(۱)</sup> .

و در بعضی از اخبار وارد شده که مراد قیامت است، و منافات در بین احادیث ندارد زیرا که قیامت تنزیل آیه است و ظهور قائم آل محمد تأویل آیه است، و منافات در بین تنزیل و تأویل نیست چنانکه بیان این گذشت در تفسیر آیات سابقه، و یا آنکه ظهور قائم آل محمد تنزیل آیه است و قیامت تأویل آن .

و شاهد بر این از اخبار صحیحیه معتبره حدیث مفضل است که در کتب علماء امامیه مشهور و در زبر عقاید ایشان مسطور و مذکور است و آن حدیث را علامه مجلسی از کتاب منتخب البصائر نقل نموده بسند معتبر از مفضل بن عمر که گفت: از حضرت صادق «ع» سؤال کردم که: آیا آن امامی که مردم انتظار ظهور او می کشند و امیدوار فرج او هستند یعنی مهدی صاحب الزمان وقت معلوم معینی برای ظهور او است . فرمود که: خداوند تعالی ابا و منع نموده از اینکه از برای ظهور آن حضرت وقتی تعیین فرماید که شیعیان بدانند. پس حضرت فرمود که: آیاتی که حقتعالی در امر قیام ساعت در قرآن مجید فرموده است همگی در باب قیام آن حضرت نازل شده است، و هر کس برای ظهور مهدی ما وقتی معین قرار دهد خود را با خدا در علم غیب شریک گردانیده است و دعوی اطلاع بر اسرار خدا کرده است <sup>(۲)</sup> تا آخر آن حدیث .

پس از این حدیث و از تفسیر قمی معلوم شد که مراد از ساعت در این آیه وقت ظهور قائم آل محمد است بدون شبهه، بلکه از این حدیث واضح گردید که تمام آیات که در قیام ساعت است همگی در خصوص ظهور آن حضرت نازل

(۱) تفسیر قمی ج ۲ ص ۳۴۰ .

(۲) بحار الانوار ج ۵۳ ص ۱ .

شده است و آیاتی که در قیام ساعت نازل شده بسیار است و حقیر بطریق اجمال

آنها را در اینجا نقل میکنم تا بذکر آنها این کتاب مزین گردد :

- اول از آنها قوله تعالی «حتی اذا جاءتهم الساعة»<sup>(۱)</sup> در سورة انعام .
- دوم «او تأتیکم الساعة»<sup>(۲)</sup> انعام .
- سیم «یسئلونک عن الساعة»<sup>(۳)</sup> اعراف .
- چهارم «او تأتیهم الساعة بغتة»<sup>(۴)</sup> یوسف .
- پنجم «لا تأتینا الساعة»<sup>(۵)</sup> سبأ .
- ششم «حتی تأتیهم الساعة بغتة»<sup>(۶)</sup> حج .
- هفتم «ویوم تقوم الساعة»<sup>(۷)</sup> روم .
- هشتم «ماندری ما الساعة»<sup>(۸)</sup> جائیة .
- نهم «ویوم تقوم الساعة»<sup>(۹)</sup> ایضاً جائیة .
- دهم «اقتربت الساعة»<sup>(۱۰)</sup> قمر .

- (۱) الانعام : ۳۱ تا زمانیکه بر آنها ساعت آمد .
- (۲) الانعام : ۴۰ یا بشما ساعت آمد .
- (۳) الاعراف : ۱۸۷ می پرسند از تو ساعت را .
- (۴) یوسف : ۱۰۷ یا بیاید بر آنها ساعت ناگهانی .
- (۵) سبأ : ۳ نمی آید بر ما ساعت .
- (۶) الحج : ۵۵ تا بیاید بر آنان ساعت ناگهانی .
- (۷) الروم : ۱۲ و روزیکه ساعت قائم میشود .
- (۸) الجائیة : ۳۲ ما نمی دانیم ساعت چیست .
- (۹) الجائیة : ۲۷ و روزیکه ساعت قائم میشود .
- (۱۰) القمر : ۱ ساعت نزدیک شد .

- يأزدهم «يوم تقوم الساعة»<sup>(۱)</sup> ايضاً روم .  
 دوأزدهم «بل الساعة موعدهم»<sup>(۲)</sup> ايضاً قمر .  
 سيزدهم «ويوم تقوم الساعة»<sup>(۳)</sup> مؤمن .  
 چهاردهم «وما اظن الساعة قائمة»<sup>(۴)</sup> كهف .  
 پانزدهم «اما العذاب واما الساعة»<sup>(۵)</sup> مريم .  
 شانزدهم «وما اظن الساعة قائمة»<sup>(۶)</sup> فصلت .  
 هفدهم «هل ينظرون الا الساعة»<sup>(۷)</sup> زخرف .  
 هيجدهم «فهل ينظرون الا الساعة»<sup>(۸)</sup> قتال .  
 نوزدهم «ان الساعة لآتية لا ريب فيها»<sup>(۹)</sup> مؤمن .  
 بيستم «ان الساعة آتية»<sup>(۱۰)</sup> طه .  
 بيست ويكم «وان الساعة آتية لا ريب فيها»<sup>(۱۱)</sup> حج .

- (۱) الروم : ۵۵ روزيكه ساعت برپا می شود .  
 (۲) القمر : ۴۶ بلکه ساعت وعده گاه آنان است .  
 (۳) المؤمن : ۴۶ وروزيکه ساعت قائم میشود .  
 (۴) الكهف : ۳۶ گمان نمیکنم ساعت را قیام کننده .  
 (۵) مريم : ۷۵ يا عذاب ويا ساعت .  
 (۶) فصلت : ۵۰ ومن گمان نمیکنم ساعت را قیام کننده .  
 (۷) الزخرف : ۶۶ آیا نگاه میکنند مگر ساعت را .  
 (۸) القتال : ۱۸ پس آیا نگاه میکنند مگر ساعت را .  
 (۹) المؤمن : ۵۹ البته ساعت آینده است شك در او نیست .  
 (۱۰) طه : ۱۵ ساعت البته خواهد آمد .  
 (۱۱) الحج : ۷ وساعت آینده است وشك در او نیست .

- بیست ودوم «وان الساعة لآتية»<sup>(۱)</sup> حجر .
- بیست وسوم «وان الساعة لاریب فیها»<sup>(۲)</sup> كهف .
- بیست وچهارم «لعل الساعة تكون قریباً»<sup>(۳)</sup> احزاب .
- بیست وپنجم «لعل الساعة قریب»<sup>(۴)</sup> شوری .
- بیست وششم «وما امر الساعة الا کلمح البصر»<sup>(۵)</sup> نحل .
- بیست وهفتم «ان الله عنده علم الساعة»<sup>(۶)</sup> لقمان .
- بیست وهشتم « الیه یرد علم الساعة»<sup>(۷)</sup> فصلت .
- بیست ونهم «وعنده علم الساعة»<sup>(۸)</sup> زخرف .
- سی ام «بل کذبوا بالساعة»<sup>(۹)</sup> فرقان .
- سی ویکم «واعتدنا لمن کذب بالساعة»<sup>(۱۰)</sup> ایضاً فرقان .
- سی ودوم «یسئلونک عن الساعة»<sup>(۱۱)</sup> نازعات .

- (۱) الحجر : ۸۵ وساعت البته آینده است .
- (۲) الكهف : ۲۱ وساعت در او شك نیست .
- (۳) الاحزاب : ۶۳ شاید ساعت نزدیک باشد .
- (۴) الشوری : ۱۷ شاید ساعت نزدیک است .
- (۵) النحل : ۷۷ ونیست امر ساعت مگر مانند چشم بهم زدن .
- (۶) لقمان : ۳۴ خداوند در پیش او است علم ساعت .
- (۷) فصلت : ۴۷ برگشت علم ساعت بطرف او است .
- (۸) الزخرف : ۸۵ ودر پیش او است علم ساعت .
- (۹) الفرقان : ۱۱ بلکه تکذیب کردند مر ساعت را .
- (۱۰) الفرقان : ۱۱ وما مهیا کردیم بر آن کسیکه ساعت را تکذیب کرد
- « جهنم را » .
- (۱۱) النازعات : ۴۲ از تو ساعت را می پرسند .

- سی وسیم « یسئلك الناس عن الساعة »<sup>(۱)</sup> احزاب .  
 سی و چهارم « ان الذين يمارون في الساعة »<sup>(۲)</sup> شوری .  
 سی و پنجم « وانه لعلم للساعة »<sup>(۳)</sup> زخرف .  
 سی و ششم « وهم من الساعة مشفقون »<sup>(۴)</sup> انبیاء .  
 سی و هفتم « والساعة لاریب فیها »<sup>(۵)</sup> جاثیه .  
 سی و هشتم « والساعة ادهی وامر »<sup>(۶)</sup> قمر .

و اینها جمله آن آیات بود که در قیام ساعت نازل شده است، و بنا بر حدیث مفضل همه این آیات در قیام قائم آل محمد «ع» نازل شده است و در بیان ظهور آن حضرت است .

و در اکثر این آیات خداوند فرموده است که علم آن در نزد خدای تعالی است چنانکه در حدیث مفضل هم این نحو فرموده است ، و تفسیر این همه آیات حدیث مفضل است و آن در بیان تفسیر اینها است .

(آیه هشتاد و ششم) قوله تعالى در سورة واقعه «لا یمسه الا المطهرون\* تنزیل من رب العالمین»<sup>(۷)</sup> یعنی مس نکند و دست نمیزند آن را مگر پاکان از

- (۱) الاحزاب : ۶۳ مردم از تو ساعت را سؤال میکنند .
- (۲) الشوری : ۱۸ آنانکه مجادله می کنند در ساعت .
- (۳) الزخرف : ۶۱ و او البته دانستن است مر ساعت را .
- (۴) الانبیاء : ۴۹ و آنان از ساعت هراسانند .
- (۵) الجاثیه : ۳۲ و ساعت در او شك نیست .
- (۶) القمر : ۴۶ و «عذاب» ساعت سختتر و تلختر «از عذاب دنیا» است .
- (۷) الواقعة : ۷۹ و ۸۰ .

ارجاس باطنی و پاکیزگان از انجاس ظاهری و نازل شده از جانب پروردگار  
عالمیان .

و در اخبار وارد شده که مراد از این قرآن که او را مس نمیکنند مگر پاکان  
قرآن امام عصر عجل الله فرجه است ، و این آیه در خصوص قرآن قائم آل محمد  
نازل شده است ، چنانکه در احتجاج روایت کرده از ابی ذر غفاری که چون  
رسول خدا وفات کرد جمع نمود حضرت امیر المؤمنین «ع» قرآن را و آورد  
آنرا نزد مهاجرین و انصار و عرضه داشت آن قرآن را برایشان چون پیغمبر  
او را بآن وصیت کرده بود ، پس چون ابوبکر آنرا باز کرد بیرون شد در صفحه  
اول آن که باز کرده بود فضایح قوم پس عمر برخواست و گفت : یا علی بر گردان  
آنرا که ما را باو حاجتی نیست . پس حضرت امیر «ع» آنرا گرفت و برگشت .  
تا اینکه میگوید : چون عمر خلیفه شد سؤال کرد از آنحضرت که آن قرآن  
را باو بدهد که آنرا در میان خود تحریف کنند ، پس گفت : یا ابا الحسن اگر  
میآوردی آن قرآن را که آوردی آنرا نزد ابی بکر که مجتمع شویم بر آن فرمود :  
هیئات راهی بر آن نیست ، نیاوردم آنرا نزد ابی بکر مگر آنکه حجت بر شما  
تمام شود و نگویند روز قیامت که از این ما غافل بودیم و نگویند نیاوردی آنرا  
نزد ما بدرستی که آن قرآن که نزد من است مس نمیکنند آنرا مگر مطهرون و اوصای  
از فرزندان من . عمر گفت آیا وقت معلومی برای اظهار آنست ؟ فرمود : بلی  
هر گاه ظهور کند قائم آل محمد «ص» از فرزندان من ظاهر می کند آنرا و امیدارد  
مردم را بر آن پس جاری میشود سنت بر آن قرآن<sup>(۱)</sup> .

و در حدیث مفضل است که سید حسنی که در طرف دیلم و قزوین خروج  
میکند میآید بخدمت قائم آل محمد و عرض میکند : اگر تو مهدی آل محمدی

پس کو آن قرآن که جمع کرده آن را جد تو امیر المؤمنین «ع» بدون تغییر و تبدیل؟ پس حضرت قائم آل محمد آن قرآن را با سائر موارث انبیاء ظاهر میکند<sup>(۱)</sup>.

و در نجم الثاقب از کتاب غیبت نعمانی نقل نموده از حضرت صادق «ع» که فرمود: ظاهر میشود قائم آل محمد بامر جدید و قضائی جدید و کتابی جدید<sup>(۲)</sup>. و نیز در آن کتاب از امیر المؤمنین «ع» روایت کرده که فرمود: گویا نظر میکنم بسوی شیعیان خود در مسجد کوفه که خیمه‌ها برپا کرده‌اند و تعلیم میکنند بر مردم قرآن را بنحویکه نازل شده<sup>(۳)</sup>.

و نیز روایت از اصبع بن نباته نموده از آن حضرت که فرمود: گویا می بینم عجم را که خیمه‌های ایشان در مسجد کوفه است تعلیم میکنند قرآن را بر مردم چنانکه نازل شده. عرض کردم: یا امیر المؤمنین آیا این قرآن بهمان نحو نازل نشده است. فرمود: نه محو شده از آن اسم هفتاد نفر از قریش و اسم پدرهای ایشان و وا نگذاشتند ابولهب را مگر برای نقص رسول خدا چون عم آن حضرت بود<sup>(۴)</sup>.

و ایضاً روایت کرده از حضرت صادق «ع» که فرمود: والله گویا نظر میکنم بسوی حضرت قائم آل محمد در بین رکن و مقام که بیعت میگیرد از مردم بکتاب جدیدی<sup>(۵)</sup>.

و از ارشاد مفید نقل کرده از حضرت باقر «ع» که فرمود: هر گاه ظهور کند

(۱) بحار الانوار ج ۵۳ ص ۱۵ .

(۲) غیبة نعمانی ص ۱۳۶ .

(۳ و ۴) بحار الانوار ج ۵۲ ص ۳۶۴ .

(۵) بحار الانوار ج ۵۲ ص ۲۳۵ .

قائم آل محمد خیمه‌ها میزند برای آنانکه تعلیم میکنند بمردم قرآن آنحضرت را بر آن نحویکه نازل شده ، پس مشکلترین کار خواهد بود بر آنانکه حفظ نمودند آن را امروز زیرا که آن قرآن مخالفت دارد باین قرآن در ترتیب<sup>(۱)</sup> .  
و این حدیث در کتاب غیبت فضل بن شاذان نیز از حضرت صادق «ع» روایت شده .

پس از این احادیث بسیار معلوم شد که این آیه شریفه در خصوص قرآن است که قائم آل محمد آن را می‌آورد چنانکه از تفسیری که از احتجاج نقل شد واضح گردید و اگر مراد از این آیه این قرآن باشد خلاف واقع میشود ، زیرا که این قرآن را یهود و نصاری مس میکنند و بلکه کافر حربی و مشرک که باعتقاد سنیان نیز نجسند مس میکنند و حمل کردن «لایمسه» را بر نفی نه بر نفی خلاف لفظ قرآن است و بلکه خلاف قواعد عربیه است و فتح نمودن باب اغلاط است .  
و در بعضی از اخبار وارد شده که جنب و محدث قرآن را مس نکند و استدلال نموده باین آیه ، پس آن بنا بر فهم عوام است و استدلال بآیه از باب تقریب بذهن مردم است و یا آنکه آن حدیث تمسک بظاهر و استدلال بتنزیل است و این احادیث بیان واقع و تأویل است و منافات در بین آنها ندارد چنانکه معلوم شد .

(آیه هشتاد و هفتم) قوله تعالی در سورة حدید « ولا یكونوا کالذین اوتوا الكتاب من قبل فطال علیهم الامل »<sup>(۲)</sup> یعنی و نبوده باشید مثل آنکسانیکه کتاب بآنها داده شد قبل از شما پس طولانی گردید مدت زندگانی آنها برایشان .  
و در اکمال الدین از حضرت صادق «ع» در تفسیر این آیه روایت نموده که

(۱) الارشاد ص ۳۶۵ .

(۲) الحدید : ۱۶ .



فرمود نازل شده این آیه در خصوص حضرت قائم آل محمد «ولاتكونوا كالدين» الایه<sup>(۱)</sup>.

و در تفسیر صافی فرموده: شاید که مراد آنست که این آیه نازل شد در شأن غیبت قائم آل محمد و در اهل زمان غیبت از مؤمنین<sup>(۲)</sup>. تمام شد.

مؤلف گوید: صریح حدیث آنست که این آیه در شأن حضرت قائم آل محمد است نه آنکه در شأن غیبت قائم آل محمد و در اهل غیبت است از مؤمنین چنانکه در صافی فرموده است و در لفظ آیه خطاب است بلفظ جمع که «ولاتكونوا»<sup>(۳)</sup> باشد، و وقتیکه حضرت صادق فرمود که این آیه در خصوص قائم آل محمد نازل شده معلوم میشود که این خطاب بآنحضرت است و بر اصحاب آنحضرت. و منزّه بودن آنحضرت و اصحاب او از ارتکاب مناهی و پاک بودن ایشان از آلائش بر معاصی منافات ندارد با نهی در آیه گذشته بعلمت آنکه خداوند چقدر نهی هادر قرآن بر رسول خود و انبیاء و اوصیای ایشان فرموده است و چقدر خطاب عتاب آمیز بر اولیاء و پیغمبران خود کرده و از معلومات است که خطابات قرآن از قبیل ایاک اعنی و اسمعی یا جارة است یعنی بتو میگویم و بدیگران میفهمانم پس همچنانکه بر انبیاء خود خطاب فرموده و مراد دیگران است در اکثر مواضع همچنین در این آیه خطاب بحضرت قائم است و مراد اصحاب آنحضرت است و شیعیان او است.

پس آنچه در صافی در «اقول» خودش فرموده است ظاهراً اشتباه است،

(۱) کمال الدین ج ۲ ص ۶۶۸.

(۲) الصافی ص ۴۹۰ طبع تبریز.

(۳) ولایکونوا بلفظ جمع غائب مذکر و عطف است به «تخشع» و بلفظ

جمع مخاطب مذکر هم قرائت شده.

و چونکه خداوند اصحاب قائم آل محمد را مخصوص فرموده با کرامات و خارق عادات و تفضلات و از همین جهت ایشان را نهی فرموده در آیه سابقه از اینکه ایشان بوده باشند مثل آنکسانیکه قبل از ایشان در زمان غیبت بوده اند و در ایام سلطنت طاغیان و فاجران و ظالمان میشدند از الفت و دوستی با منافقان و اشراران زیرا که اصحاب قائم آل محمد ابدأ باین نحو اشخاص و ارجاس حاجت و احتیاج بالفت آنها ندارند .

چنانکه در نجم الثاقب از عیاشی از امیر المؤمنین «ع» روایت کرده که فرمود در ضمن حالات ایام سلطنت قائم آل محمد : قسم بآنخدائی که دانه را شکافته و جان را آفریده که هر آینه زندگی میکنند مردم در آن زمان ملوک و آسوده در ناز و نعمت و بیرون نمیروند از ایشان مردی از دنیا تا آنکه متولد شود از صلب او هزار پسر که مأمونند از هر بدعت و آفت و مفارقت از دین و عمل کننده بکتاب خداوند و سنت پیغمبر او و بتحقیق که نابود و فانی شده برایشان آفات و شبهات یعنی هرگز بافتی مبتلا و بشبهه گرفتار نمیشوند<sup>(۱)</sup>.

و در خطبه محزون امیر المؤمنین «ع» مذکور است که در آن وقت علم قذف میشود در دلهای مؤمنان پس محتاج نمیشود مؤمن بعلمی که در نزد برادر او است پس در آن وقت ظاهر میشود تأویل این آیه «یغن الله کلا من سعته»<sup>(۲)</sup>.

و از کافی نقل کرده از حضرت صادق «ع» که فرمود : بدرستی که قائم آل محمد «ص» هر گاه ظهور کند قوت میدهد خداوند در گوشها و چشمهای شیعیان ما تا اینکه میشود میان ایشان و قائم آل محمد بقدر چهار فرسخ پس با ایشان تکلم

(۱) نجم الثاقب ص ۱۰۱ .

(۲) النساء : ۱۳۰ ، خداوند همه را از فضل و سعادت خود غنی و بی نیاز میگرداند

و خطبه محزون بحار الانوار ج ۵۳ ص ۷۸ .

میکنند و ایشان میشنوند و نظر میکنند بسوی آنحضرت<sup>(۱)</sup>.

و از خراجی نقل کرده از حضرت باقر «ع» که فرمود: هر کس در کنگر قائم اهل بیت مرا از هر صاحب عاهتی و آفتی شفا خواهد یافت یا صاحب ضعفی قوی خواهد شد<sup>(۲)</sup>.

و از غیبت نعمانی نقل کرده از حضرت سجاد «ع» که فرمود: هر گاه ظاهر شود قائم آل محمد ببرد خداوند عزوجل از هر مؤمنی آفت را و برگرداند بر او قوت او را، و بعد از این فرموده است که این تکریم عظیم نه مانند شفا دادن حضرت عیسی و سایر انبیاء است که گاهی بجهت اعجاز و اتمام حجت کور یا لال یا پیس و یا مریض را برای جاحدی و یا منافقی در موارد متعدده شفا میدادند نه بلکه بردن این آفات و رفتن این بلیات از تمام مؤمنین و مؤمنات از آثار موفور السرور و طلوع طلعت غراء و تشریف و تقدیم مراسم قدوم و تهیه آداب لقاء و در کف فیض شرف حضور حضرت مهدی صلوات الله علیه است که چون بهشتیان اول در چشمه حیات و انهار مطهره شست و شو کرده و تن را چون جان از هر عیب و نقصی پاک نموده که توان پا گذاشتن در محفل مقربین و شنیدن تحیه «سلام علیکم طبتم فادخلوها خالدین»<sup>(۳)</sup> پس فرق ما بین این شفا زیادتر است از فرق ما بین ارض و سماء<sup>(۴)</sup>. تمام شد.

پس از اخبار مذکوره و از تفسیر سابق معلوم شد که این آیه در خصوص قائم

(۱) نجم الثاقب ص ۱۰۱.

(۲) نجم الثاقب ص ۱۰۱.

(۳) الزمر: ۷۳، سلام بر شما پاک و پاکیزه شدید وارد بهشت شوید برای

همیشگی.

(۴) نجم الثاقب ص ۱۰۱.

آل محمد واصحاب آنحضرت است و احتیاج بتأویل ندارد .

(آیه هشتاد و هشتم) قوله تعالى در سورة حدید « اعلموا ان الله یحیی الارض بعد موتها »<sup>(۱)</sup> یعنی بدانید بدرستی که خدایتعالی زنده میکند زمین را بعد از آنکه زمین مرده باشد .

در اکمال الدین در تفسیر این آیه از حضرت باقر «ع» روایت نموده که فرمود: یعنی زنده میکند زمین را خداوند بحضرت قائم آل محمد بعد از آنکه مرده باشد زمین، و مراد از مردن زمین کفر اهل زمین است و کافر در حکم میت است . و در کافی از حضرت صادق «ع» در تفسیر این آیه روایت کرده که فرمود : مراد از زنده شدن زمین پر شدن آنست از عدل بعد از پر شدن آن از جور و ستم . و این دو حدیث با همدیگر موافق است و اختلاف ندارند ، زیرا که مراد از پر شدن زمین بعد از حدیث دوم ظهور قائم آل محمد است .

پس از این تفسیر معلوم شد که این آیه در شأن حضرت قائم نازل شده و زنده شدن زمین بدست آنحضرت خواهد شد ، و مادامیکه آنحضرت ظهور نکرده زمین و اهل آن در حکم مرده است و بعد از ظاهر شدن آن بزرگوار از برای آن روحی تازه و حیات بسی اندازه خواهد شد بجهت زیاد شدن باران و گیاه در زمین و پر شدن درختان از میوه و سائر نعمتهای آن بنحویکه مغایرت پیدا کند حالت زمین در وقت ظهور قائم آل محمد با حالت آن در اوقات دیگر و راست آید قول خدایتعالی « یوم تبدل الارض غیر الارض »<sup>(۲)</sup> یعنی روزیکه تبدیل میشود زمین بزمین دیگر چنانکه در نجم الثاقب از نعمانی روایت کرده از کعب که مهدی آخر الزمان علیه السلام چنین کند و زمین را آنحضرت مبدل نماید

(۱) الحدید : ۱۷ .

(۲) ابراهیم : ۴۸ .

بزمین دیگر و صورت زمین را تبدیل کند بصورت دیگر بجهت کثرت عدل و باران  
و اشجار و گیاه و سائر برکات<sup>(۱)</sup>.

و از کشف الغمه روایت کرده از رسول خدا «ص» که فرمود: متنعم میشوند  
امت من در زمان قائم اهل بیت من بنعمتی که هرگز مانند آن متنعم نشده بودند  
از برو و فاجر میفرستد آسمان برایشان باران پی در پی و ذخیره نمیکند زمین چیزی  
از نبات خود را<sup>(۲)</sup>.

و از گنجی در بیان روایت کرده است که میدهد زمین میوه‌های خود را  
و پنهان نمیکند برایشان چیزی را<sup>(۳)</sup>.

و از بغوی روایت کرده که نمیگذارد آسمان از باران خود چیزی را مگر  
آنکه پی در پی میفرستد و نمیگذارد زمین از گیاه خود چیزی را مگر آنکه ظاهر  
میکند آن را تا اینکه آرزو میکنند زندگان مردگان را یعنی کاش زنده میشدند  
و میدیدند<sup>(۴)</sup>.

و از احتجاج نقل نموده از حضرت امیر المؤمنین «ع» که فرمود در قصه قائم  
آل محمد که: در عهد آنحضرت بیرون می‌آورد زمین گیاه خود را و نازل میکند  
آسمان برکت خود را<sup>(۵)</sup>.

و از خصال نقل نموده از آنحضرت که فرمود: در آن زمان زن از عراق  
می‌رود بشام و پای خود را نمیگذارد مگر بر گیاه<sup>(۶)</sup>.

و از اختصاص شیخ مفید از رسول خدا «ص» روایت کرده که فرمود: چون  
وقت ظهور قائم اهل بیت می‌شود منادی ندا کند از آسمان که ای مردم منقطع  
شد از شما مدت جبارین و ولی امر شده بهترین امت محمد تا اینکه فرمود پس

۱ و ۲ و ۳ و ۴) النجم الثاقب ص ۹۷ .

۵ و ۶) النجم الثاقب ص ۹۸ .

در آن زمان جوجه گذارند مرغان در آشیان خود و ماهیان در دریاها و نهـرها جاری شود و بسیار شود آب چشمه‌ها و برویاند زمین چند مقابل میوه و رزق خود را<sup>(۱)</sup>.

عقد الدرر نقل نموده از آنحضرت که فرمود در قصه مهدی آخر الزمان که: مسرور میشود باواهل آسمان و اهل زمین و مرغان و وحشیان و ماهیان در دریا و زیاد میشود باران در دوات او و کشیده میشود نهـرها و مضاعف میکند زمین ثمر خود را و بیرون میکند گنجهای خود را<sup>(۲)</sup>.

و از سعد السعود ابن طاوس نقل کرده در ضمن سؤال ابلیس که پروردگارا مرا مهلت ده تا روزیکه خلق مبعوث میشوند ، و جواب خداوند که نه و لکن تو از مهلت داده شدگانی تا روز وقت معلوم ، پس بدرستی که آن روزیکه من حکم نمودم و حتم کردم که پاک بنمایم زمین را آن روز از کفر و شرک و معاصی و انتخاب کنم از برای آن وقت بندگان را برای خود که آزمودم دل‌های آنها را برای ایمان و پر نمودم آنها را بوع و اخلاص و یقین و تقوی و خشوع و صدق و حلم و صبر و وقار و زهد در دنیا و رغبت در آنچه نزد من است بعد از هدایت ، و میگردانم ایشان را نگاهبان آفتاب و ماه ، یعنی برای عبادت در شب و روز خلیفه خواهم نمود ایشان را در زمین و توانائی دهم ایشان را بر آن دینی که پسندیدم آن را برای ایشان آنگاه عبادت کنند مرا و چیز را برای من شریک قرار ندهند نماز بگذارند در وقتش و زکاة بدهند در زمانش و امر کنند بمعروف و نهی کنند از منکر و بیندازم امانت را در آن زمان بر زمین پس ضرر نرساند چیزی چیزی را و نترسد چیزی از چیزی ، آنگاه بشوند هوام و مواشی در میان مردم پس اذیت نمیکنند بعضی از آنها بعضی را و بردارم نیش هر صاحب نیش را از هوام و غیر

آنها را و ببرم زهر حیوانیکه میگذرد و نازل میکنم برکات را از آسمان و زمین و بدرخشد زمین از نیکوئی نبات خود و بیرون دهد همهٔ ثمر خود را و بیندازم رأفت و مهربانی را در میان ایشان پس با یکدیگر مواسات کنند و بالسویه قسمت نمایند پس بی نیاز شود فقیر و برتری نکند بعضی بر بعضی و رحم کند کبیر صغیر را و احترام نماید صغیر کبیر را و بحق متدین شوند و با و انصاف دهند و حکم کنند ایشانند اولیاء من برگزیدم برای ایشان پیغمبری مصطفی و امینی مرتضی پس گرداندم او را برای ایشان پیغمبر و رسول و گرداندم برای او اولیاء و انصاری اینها خوبترین امتی هستند که اختیار نمودم برای نبی مصطفای خود و امین مرتضای خود این وقتی است که حجب نمودم آن را در علم غیب خود و لابد است که او واقع شود و هلاک نمایم ترا در آن روز با سواران و پیادگان و تمام لشکریان پس برو که تو از مهلت شدگانی تا روز وقت معلوم<sup>(۱)</sup>. تمام شد.

و این آثار و علامات مذکوره در این حدیث تا کنون ظاهر نشده و مطابق اخبار خاصه و عامه ظهور این آثار از خصایص ایام سلطنت حضرت قائم آل محمد است پس از این احادیث معتبرهٔ مزبوره واضح شد که زنده شدن زمین در زمان ظهور قائم آل محمد خواهد گردید و زنده شدن آن ببرکت آنحضرت میشود.

(آیهٔ هشتم و نهم) قوله تعالی در سورهٔ ممتحنه «یا ایها الذین آمنوا لا تقولوا قوماً غضب الله علیهم قد یتسوا من الآخرة كما یتس الكفار من اصحاب القبور»<sup>(۲)</sup> یعنی ای آن کسانی که ایمان آورده اید دوست ندارید آن قومی را که خداوند غضب کرده بر ایشان بتحقیق مأیوس شدند از آخرت چنانکه

(۱) النجم الثاقب ص ۹۸ .

(۲) الممتحنه : ۱۳ .

مأیوس شدند کفار از صاحب قبرها .

و مراد از آخرت در این آیه رجعت است ، یعنی این قوم از رجعت و ظهور

علامات ما مأیوس شدند همچنانکه کفار از قیامت مأیوس شدند .

و این آیه در خصوص علامات و مقدمات قیام قائم آل محمد نازل شده

است ، چنانکه مجلسی اعلی الله مقامه از شیخ حسن بن سلیمان از کتاب خطب

امیر المؤمنین «ع» خطبه طولانی از آنحضرت روایت کرده است ، و در عرض

آن خطبه فرمود که: ضبط نمیکند احادیث ما را مگر قلعه‌های حصین یا سینه‌های

امین یا عقلهای متین ، پس فرمود ای عجب و کل عجب از آنچه واقع میشود

در میان ماه جمادی و رجب . پس مردی از شرطه الخمیس پرسید که این چه

تعجب است که مکرر میکنی ؟ حضرت فرمود: چون تعجب نکنم از آنکه مرده

چند زنده خواهند شد و شمشیر بر سر زنده‌ها خواهند زد و بحق خداوندیکه

حبه را شکافته و گیاه را بیرون آورده و خلایق را خلق فرموده گویا می بینم

ایشان را که در میان بازارهای کوفه راه روند و شمشیرهای برهنه بردوش گذاشته

باشند و زنند بر سردشمنان خدا و رسول و مؤمنان و اینست معنی آنچه خداوند

فرموده است « یا ایها الذین آمنوا لاتتولوا قوماً غضب الله علیهم قد یئسوا

من الآخرة كما یئس الکفار من اصحاب القبور»<sup>(۱)</sup> و ترجمه آیه گذشت<sup>(۲)</sup> .

پس از این حدیث معلوم گردید که این آیه در خصوص رجعت است و مراد

از آخرت زنده شدن جمعی از مؤمنان است در خدمت قائم آل محمد «ص»،

چنانکه از ارشاد شیخ مفید اعلی الله مقامه نقل شده از حضرت صادق «ع» که

فرمود: چون وقت قیام قائم آل محمد بشود در جمادی الاخر و ده روز از

(۱) الممتحنة : ۱۳ .

(۲) بحار الانوار ج ۵۳ ص ۸۱ .



ماه رجب بارانی بیارد که خلائق مثل آنرا ندیده باشند و برویاند خداوند بآن باران گشتهای مؤمنانرا و بدنهای ایشانرا و گویا نظر میکنم بسوی ایشان که آیند از جانب قبیله جهنیه و خاک قبررا از سرهای خود افشانند<sup>(۱)</sup>.

و از این حدیث علت تعجب حضرت امیر المؤمنین «ع» معلوم شد. و ایضاً واضح گردید که آن مرده‌هایی که زنده خواهند شد در حدیث اول که تفسیر آیه بود ایشان در خدمت قائم آل محمد خواهند شد پس از این دو حدیث تفسیر آیه معلوم شد که در آنحضرت است.

(آیه نودم) قوله تعالی در سورة صف «ان الله يحب الذين یقاتلون فی سبيله صفاً كأنهم بنیان مرصوص»<sup>(۲)</sup> یعنی بدرستی که خداوند دوست میدارد آنکسانی را که قتال و جنگ میکنند در راه او در حالتیکه در یک صف میباشند گویا که ایشان یک بنای محکم هستند.

و این آیه شریفه در شأن اصحاب قائم آل محمد «ص» است که ایشان چنان صف میکشند که گویا مثل بنای محکم میباشند، چنانکه علامه مجلسی در زاد المعاد از سید ابن طاوس اعلی الله مقامهما نقل کرده است که مستحب است هر روز بعد از نماز صبح حضرت صاحب الامر را چنین زیارت کنند «اللهم بلغ مولای صاحب الزمان صلوات الله علیه» تا آنکه میفرماید «فصل علی مولای و سیدی صاحب الزمان واجعلنی من انصاره و اشیاعه و الذابین عنه واجعلنی من المستشهدین بین یدیه طائفاً غیر مکره فی الصف الذی نعت اهلہ فی کتابک فقلت صفاً كأنهم بنیان مرصوص علی طاعتک و طاعة رسولک و آله علیهم السلام»<sup>(۳)</sup> یعنی خداوند ا صلوات بفرست بر مولای و سید من

(۱) الارشاد ص ۳۶۳ .

(۲) الصف : ۴ .

(۳) زاد المعاد ص ۴۸۷ ط اسلامیه ۱۳۷۸ .

حضرت صاحب الزمان را وقرار بده مرا از یاری کنندگان او واز شیعیان او واز آنکسانیکه دفع میکنند از آنحضرت وقرار بده مرا از آن اشخاصی که شهید میشوند در خدمت باسعادت او درحالتیکه بطوع و رغبت باشم نه بااکراه و اجبار باشم در صف همچنانیکه تعریف کرده آن صف را در کتاب خودت پس فرموده در صفت آن صف «صفاً کأنهم بنیان مرصوص» درحالتیکه در اطاعت تو واطاعت پیغمبر واطاعت اولاد رسول تو باشم سلام تو برایشان باد .

پس از این دعای شریف واضح گردید که این آیه در شأن قائم آل محمد واصحاب او نازل شده است بدون شك و شبهه .

(آیه نود ویکم) قوله تعالی در سوره صف « یریدون لیطفئوا نور الله بأفواههم والله متم نوره ولو کره الکافرون»<sup>(۱)</sup> یعنی اراده میکنند که خاموش نمایند نور خداوند را بدهان خودشان و خداوند تعالی تمام کننده نور خود است و هر چند که مکروه دارند آنرا کافران .

وقمی در تفسیر این آیه فرموده که : خداوند تمام میکند نور خود را امام فرمود تمام میکند باقائم آل محمد زمانیکه ظاهر شود غالب کند نور خداوند بر تمام ادیان تا آنکه عبادت نشود غیر خداوند و عبادت منحصر بخدا باشد<sup>(۲)</sup> .

پس از این تفسیر معلوم میگردد که این آیه در خصوص قائم آل محمد است ، و در سوره توبه نظیر این آیه ذکر شد و تفسیر آن گذشت و آن تفسیر واضح بود که این آیه در شأن آنحضرت است و مراد از نور در آیه قائم اهل بیت است و در آیه «واشرق الارض بنور ربها»<sup>(۳)</sup> معلوم شد که مراد از نور آن

(۱) الصف : ۸ .

(۲) تفسیر قمی ج ۲ ص ۳۶۵ .

(۳) الزمر : ۶۹ .

حضرت است ودر زیارت است در اوصاف حضرت قائم آل محمد «نور الانوار الذی تشرق به الارض عما قلیل» .

و در نجم الثاقب فرموده که در چند خبر که بعضی گذشت و بعضی خواهد آمد مذکور است در آیه شریفه «والله متم نوره» یعنی بولایت قائم و به ظهور آن حضرت .

و از جابر انصاری از غایة المرام<sup>(۱)</sup> نقل کرده که گفت: داخل شدم در مسجد کوفه در حالتیکه امیر المؤمنین «ع» با انگشتان خود در زمین مینوشت و تبسم میفرمود، پس عرض کردم: یا امیر المؤمنین چه ترا بتبسم آورده فرمود عجب دارم از آنکه میخواند این آیه را و نمیشناسد آن را بحق معرفت پس عرض کردم بآنجناب کدام آیه است یا امیر المؤمنین . فرمود «الله نور السموات والارض» تا آخر «مثل نوره کمشکوة» مشکاة محمد است «فیها مصباح» منم مصباح «فی زجاجة الزجاجة» حسن و حسین است «کأنها کوكب درى» علی بن الحسین است «یوقد من شجرة مبارکة» محمد بن علی است «زیتونة» جعفر بن محمد است «لا شرقية» موسی بن جعفر است «ولا غربية» علی بن موسی الرضا است «یکادزيتها یضییء» محمد بن علی است «ولولم تمسه نار» علی بن محمد است «نور علی نور» حسن بن علی است «یهدی الله لنوره من یشاء»<sup>(۲)</sup> قائم مهدی

(۱) حدیث را صاحب غایة المرام در کتاب «المحجة فیما نزل فی القائم

الحجة» که بضمیمه غایة المرام چاپ شده ذکر نموده است .

(۲) خدا روشنگر آسمانها و زمین است مثل نور او مانند جایگاه چراغ است

که در اوست چراغ و آن چراغ در آبگینه است و آن آبگینه مانند ستاره درخشان که از درخت پربرکت زیتونی شعله ور میشود نه شرقی است و نه غربی نزدیک است که روغن او روشنائی بدهد اگر چه او را آتش مس نکرده باشد

نور بالای نور خدا هدایت می کند بر نور خود هر که را خواهد .

است<sup>(۱)</sup> .

مؤلف گوید : کلمه «المصباح» گویا از این حدیث حذف شده و مراد از آن حضرت فاطمه است<sup>(۲)</sup> ، و محل شاهد از ذکر این حدیث آخر آنست که «یهدی الله لنوره» باشد ، بعلمت اینکه مراد از نور الله در این آیه حضرت قائم است و آن نور اضافه شده است بسوی ضمیر که راجع است بخداوند، پس معلوم میشود که نور خداوند قائم آل محمد است و واضح میگردد که مراد از

(۱) المحجة ص ۷۴۲ .

(۲) بضعه رسالت و ضجیعه ولایت ام الائمة النجباء اسم شریفش فاطمه وزهرا دارای القاب بسیار مانند بتول ، صدیقه ، مرضیه و غیر اینها که در کتب مفصله مذکور و کنیه آنحضرت ام ابیها و ام الحسنین و ام الائمة المعصومین و غیر ذلك در عصمت با انبیاء و ائمه از اولاد طاهرینش شرکت داشت بدلیل آیه تطهیر و قول رسول الله صلی الله علیه و آله که فرمود : « فاطمة بضعة منی يؤذینی من آذاها » فاطمه پاره تن من است هر که او را اذیت کند مرا اذیت کرده و در روایت دیگر است که : هر که مرا اذیت کرده خدا را اذیت کرده . و روایت دیگر : خدا بغضب فاطمه غضبناک میشود و به رضای او راضی می گردد . که تفصیل این ادله در مظان خود مضبوط است .

در سال پنجم مبعث پدر بزرگوارش بیستم جمادی الثانیة متولد و در رحلت حضرت نبی اکرم «ص» ۱۸ سال و هفت ماه از بهار عمر شریفش می گذشت جنات الخلود گوید : بقول اصح روز سوم ماه جمادی الثانیة سال رحلت نبی اکرم «ص» که شیعه آنرا سال حزن و اندوه نامیده از آلام و اسقام دنیا راحت و پیش پدر بزرگوار و مادر محبوبه اش بروضه رضوان خرامید . جنات الخلود ص ۱۸ اعلام الوری ص ۱۴۷ .

«والله متم نوره» آنحضرت است و بلکه آنحضرت نور الانور است چنانکه زیارت سابقه شاهد است و احادیث معراج برهان واضح است .  
 مثل روایت عبد الله بن عباس که از کتاب غیبت فضل بن شاذان نقل شده در حدیث طولانی که خداوند فرمود: ای محمد سر بالا کن ، چون سر بالا کردم انوار علی و حسن و حسین و نه تن از فرزندان حسین را دیدم و حجت قائم اهل بیت خود را دیدم در میان ایشان می درخشید که گویا ستاره درخشانده است ، پس خداوند تعالی فرمود که اینها خلیفه‌ها و حجتهای منند در زمین و خلیفه‌ها و اوصیای تواند بعد از تو ، پس خوشحال کسیکه دوست دارد ایشان را و وای بر کسیکه دشمن دارد ایشان را <sup>(۱)</sup> .

و مثل روایت ابی سلیمان که از ایضاح دفائن و غیر آن نقل شده در حدیث مفصل که خداوند به حبیب خود در معراج فرمود : بدرستی که من خلق کردم ترا و خلق نمودم علی و فاطمه و حسن و حسین و ائمه از اولاد او را از اصل نوری از نور خود . تا آنکه فرمود : ای محمد دوست داری که ایشان را ببینی ؟ عرض کردم : بلی ای پروردگار من . فرمود : التفات کن بجانب راست عرش ، چون نگاه کردم دیدم علی و فاطمه و حسن و حسین و شمر دند تا حسن بن علی <sup>(۲)</sup>

(۱) النجم الثاقب ص ۲۰۱ .

(۲) حضرت امام حسن عسکری روحی له الفداء مکنی به ابو محمد و ملقب به خالص و عسکری و سراج بود ، آنحضرت و پدر و جدش را ابن الرضا می گفتند . هشتم ماه ربیع الثانی سال ۲۳۲ هجری در مدینه طیبه متولد گشت و الدماجدش حضرت امام علی النقی سلام الله علیه چهار ماه پیش از رحلتش به امامت وی تنصیب فرموده و چند نفر از اصحاب خود از جمله یحیی بن یسار عنبری را شاهد گرفت روز جمعه ۸ ماه ربیع الاول سال ۲۶۰ مسموم گشته و از دنیا بطرف جنان خرامید . الفصول المهمة ص ۲۸۴ ، کفایة الطالب ص ۴۵۸ .

ومہدی<sup>(۱)</sup> را در میان آب تنگی از نور کہ ایستاده بودند و نماز می کردند ،  
 و در میان ایشان مہدی آخر الزمان میدرخشید چنانکہ گویا کوکب درخشنده بود<sup>(۲)</sup> .  
 پس معلوم گردید کہ قائم آل محمد نور الانوار است او است نور مطلق  
 و آنحضرت است مراد از «واللہ متم نورہ» ، پس واضح شد نازل بودن این  
 آیہ در خصوص آنحضرت و در شأن آنجناب بدون شبہہ .

(آیة نود و دویم) قوله تعالی در سورة صف «هو الذی ارسل رسوله  
 بالهدی و دین الحق لیظہرہ علی الدین کلہ ولو کرہ المشرکون»<sup>(۳)</sup> یعنی  
 خداوند ہمچنان خداوند است کہ فرستاد پیغمبر خودش را با ہدایت و واضعہ  
 و بادین حق و ثابت تا آنکہ غالب نماید دین او را بر تمامی ادیان و ہرچندیکہ  
 مکروه میگیرند آنرا آن کسانیکہ بخداوند شریک قرار می دهند .

و این آیہ در شأن قائم آل محمد است ، و غالب بودن دین اسلام بر جمیع  
 ادیان در دست مبارک او و بدستیاری آنحضرت خواهد شد ہمچنان کہ تفسیر  
 نظیر این آیہ در سورة توبہ تفصیلاً و در سورة فتح اجمالاً گذشت و در آن دو

(۱) قائم آل محمد حضرت حجة بن الحسن عسکری صاحب الزمان  
 خلیفۃ اللہ فی ارضہ در نیمہ شعبان سال ۲۵۵ و بقولی ۵۶ بسا وجود پربرکت  
 خود این دنیا را منور فرمودہ و تا حال بأمر خداوند در پس پردہ غیبت منتظر  
 فرمان است کہ تشریف آورده کفر و الحاد را از روی زمین برداشته و عدل و عدالت  
 قرآنی را بجای جور و ظلم طاغوتیان بکستراند «اللہم عجل فرجہ الشریف»  
 خدایا فرج او را زودتر و قیام او را آسانتر گردان و او را خودت یاری کن ، خدایا  
 بماہم لیاقت درک فیض حضورش را عنایت فرما بحق محمد و آلہ الطاہرین .

(۲) النجم الثاقب ص ۸۶ .

(۳) الصف : ۹ .

سوره در مثل این آیه خصوصاً در سوره توبه بیان شد و در اینجا محتاج بذکر آن تفسیرها نیست مگر آنکه در ذیل این آیه اکتفاء میکنم بذکر علت غالب بودن دین اسلام بدست قائم آل محمد بسائر ادیان .

يك علت از آن علتها بودن رایت حضرت رسول خدا است با آنحضرت، چنانکه در نجم الثاقب از کتاب غیبت نعمانی نقل کرده از حضرت صادق «ع» که فرمود در خبریکه : رایت رسول خدا را جبرئیل روز بدر نازل نمود و نبود آنوالله از پنبه و نه از کتان و نه از ابریشم و نه از حریر راوی عرض کرد : پس از چه بود ؟ فرمود : از برك بهشت و باز کرد آن را رسول خدا روز بدر آنگاه پیچید آنرا و داد بعلی «ع» پس پیوسته نزد آنحضرت بود تا روز بصره شد یعنی جنک جمل ، پس باز کرد آنرا امیر المؤمنین پس خدایتعالی برای او فتح کرد ، آنگاه آنرا پیچید و آن نزد ما است در اینجا باز نمی کند آنرا احدی تا زمانیکه برخیزد قائم آل محمد ، پس هر گاه برخاست آنرا باز میکند پس نماند در مشرق و نه در مغرب احدی مگر آنکه ملاقات میکند آنرا و سیر میکند رعب از پیش روی آن بمسافت يك ماه و از راست آن بمسافت يك ماه و از چپ آن يك ماه <sup>(۱)</sup> .

و نیز از آن کتاب نقل نموده از حضرت باقر «ع» که فرمود : ای اباحمزه گویا می بینم قائم اهل بیت خود را که نزدیک شده بر این نجف شما ، پس چون نزدیک شد بنجف شما باز میکند رایت رسول خدا را پس چون آن را باز کرد فرمود میآید بر او ملائکه بدر . گفت : چه است رایت رسول خدا ؟ فرمود : چو بش از عمود عرش خداوند و رحمت او است و سائر آن از نصر خداوند است دراز

نمیکند آنرا بسوی چیزی مگر آنکه تباه میکند آنرا<sup>(۱)</sup>.

و از اکمال الدین نقل کرده که چون آن را باز کند فرود آید بر آنحضرت سیزده هزار و سیزده ملائکه که همه آنها منتظر بودند قائم آل محمد را، آنگاه تفصیل آن ملائکه را ذکر فرمودند<sup>(۲)</sup>.

و از غیبت نعمانی نقل کرده از حضرت صادق «ع» که فرمود: چون تلاقی شد میان اهل بصره و امیر المؤمنین «ع» باز کرد رایت رسول خدا را پس بلرزید قدمهای آنها و زرد شد آفتاب که گفتند امان ده یا علی، و چون روز صفین شد سؤال کردند از آنحضرت که آن رایت را باز کند پس اجابت فرمود، پس حضرت حسن و حسین و عمار را شفیع حاجت خود کردند، پس با امام حسن فرمود که ای فرزند من از برای این قوم مدتی است که باید بآن برسند و بدرستی که این رایتی است که باز نمیکند آنرا بعد از من مگر قائم آل محمد تمام شد<sup>(۳)</sup>.

پس علت غالب بودن آنحضرت بر تمام عالم و غلبه نمودن دین اسلام بدست مبارك آن بزرگوار بر تمامی ادیان و ظاهر شدن اسلام در جمیع آفاق و اطراف يك جهت آن بودن همان رایت است در دست آنحضرت.

(آیه نود و سیم) قوله تعالى در سورة صف «نصر من الله وفتح قريب و بشر المؤمنین»<sup>(۴)</sup> یعنی نصرت و یاری از خداوند است و فتح و ظفر نزدیک است و بشارت بده بر مؤمنان از این فتح نزدیک.

(۱) غیبة نعمانی ص ۱۶۵.

(۲) النجم الثاقب ص ۱۰۳.

(۳) غیبة نعمانی ص ۱۶۴.

(۴) الصف: ۱۳.



وقمی در تفسیر این آیه فرموده که فتح قریب فتح قائم آل محمد که فتح آنحضرت نزدیک است که در دنیا واقع می‌شود<sup>(۱)</sup> .

پس از تفسیر مذکور معلوم شد که این آیه در شأن قائم آل محمد است و مراد از فتح قریب فتح و ظفر آنحضرت است که خداوند وعده داده باودرین آیه.

ودلالت میکند براین آنچه که در نجم الثاقب از کتاب تنزیل و تحریف احمد بن محمد سیاری نقل کرده که فرمودند در آیه شریفه اذا جاء نصر الله والفتح که مراد از فتح در این آیه فتح و ظفر حضرت قائم آل محمد است<sup>(۲)</sup> تمام شد.

چنانکه مراد از فتح فتح آنحضرت است همچنین «نصر» در این آیه و یک علت فتح و ظفر آنحضرت معلوم شد که بودن رایت رسول خدا است با او ،

و یک علت دیگر قوی بودن آنجناب واصحاب او است زیادترا از عادت و خارق عادت بودن قوت ایشان است ، چنانکه در کافی از عبد الملك بن اعین روایت

شده که گفت : برخواستم در نزد حضرت باقر « ع » پس تکیه کردم بردستم پس گریستم و گفتم آرزو داشتم که من درك نمايم اين امر را یعنی سلطنت ظاهره

ائمها و در من قوتی باشد . پس فرمود : آیا راضی نیستید که دشمنان بکشند بعضی بعضی را و شما در خانه‌های خود آسوده باشید ، بدرستی که اگر امر چنان

شدی یعنی فرج عظیم آمد داده می‌شود بهر مردی از شما قوت چهل مرد و گرداننده میشود دلهای شما مانند پاره آهن اگر خواسته باشید بآن قوت کوه را بکنید

خواهید کند و شما اید قوام زمین و خزان او<sup>(۳)</sup> .

ودرا کمال الدین از حضرت صادق «ع» روایت کرده که فرموده : نگفت

(۱) تفسیر قمی ج ۲ ص ۳۶۶ .

(۲) النجم الثاقب ص ۵۵ .

(۳) النجم الثاقب ص ۱۰۲ .

حضرت لوط بقوم خود «لوان لی بکم قوه او آوی الی رکن شدید»<sup>(۱)</sup> مگر بجهت آرزوی قوت قائم آل محمد و ذکر نکرد مگر شدت اصحاب او را، پس بدرستی که داده می شود بیک مرد از ایشان قوت چهل مرد را<sup>(۲)</sup>.

وایضاً در همان کتاب از امیر المؤمنین روایت شده که فرمود: قائم آل محمد دست خود را بر سر عباد بگذارد پس نماند مؤمنی مگر آنکه دلش سخت تر از پاره آهن شود و بدهد بآن مؤمن خداوند قوت چهل مرد را<sup>(۳)</sup>.

و در بصائر از حضرت باقر «ع» روایت نموده که فرمود: چون واقع شود امر ما و بیاید قائم مهدی ما می شود مرد از شیعیان ماجری تر از شیر و گذارنده تر از نیزه پایمال میکند دشمن ما را با پای خود و میزند او را با کف خود و این در وقت نزول رحمت خداوند و فرج اوست بر بندگان<sup>(۴)</sup> تمام شد. پس از این احادیث معلوم شد که فتح و ظفر آنحضرت خارج از عادت است و قوت قائم آل محمد و اصحاب او غیر متعارف است و معلوم گردید که «نصر من الله و فتح قریب» آنحضرت است و بشارت بر مؤمنان با آنجناب است. (آیه نود و چهارم) قوله تعالی در سوره ملک «ان اصبح ماء کم غورا فمن یأتیکم بماء معین»<sup>(۵)</sup> یعنی اگر آب شما فرورفت در زمین پس کیست که بیاورد برای شما آب روان خوشگوار.

دراکمال الدین و غیبت شیخ طوسی از حضرت باقر «ع» روایت کردند که

(۱) هود : ۸۰ .

(۲) کمال الدین ج ۲ ص ۶۷۳ .

(۳) الخرایج و الجرایح ص ۱۹۵ ط بمبئی .

(۴) بحار الانوار ج ۵۲ ص ۳۱۸ .

(۵) الملك : ۳۰ .

فرمود این آیه نازل شده در قائم آل محمد خداوند میفرماید: اگر امام شما غائب شد از شما که نمیدانید او در کجا است پس کیست که بیاورد برای شما امام ظاهری که بیاورد برای شما اخبار آسمان و زمین و حلال و حرام خداوند را، آنگاه فرمود: واللّٰه نیامده تأویل این آیه و لابد خواهد آمد تأویل آن<sup>(۱)</sup>.

و در تفسیر قمی فرموده: اگر امام شما غائب گردد پس کیست که بیاورد برای شما يك امام مثل آن امام غائب<sup>(۲)</sup>.

و در کافی از حضرت امام کاظم «ع» روایت کرده که فرمود در تفسیر این آیه: یعنی زمانی که غائب شود از شما امام شما پس کیست که بیاورد با امام جدید<sup>(۳)</sup>. پس از این احادیث معلوم گردید که مراد از این آیه قائم آل محمد است و مقصود از ماء معین آنحضرت است.

و اما وجه مناسبت در تعبیر از آنجناب بماء معین<sup>(۴)</sup> که آب خوشگوار باشد ظاهراً آنست که همچنانکه تمامی چیزها با آب زنده است همچنین حیات قلوب و زندگی معارف حقه با امام است بلکه آن حیات و زندگی که بسبب آن وجود معظم آمده و میآید بچندین مرتبه اعلی و اشد و اتم و ادوم است از آن حیاتی که بسبب آب میآید، بلکه حیات خود آب نیز بزرگت فیض وجود آنحضرت است، بلکه برقرار شدن عالم ملکوت و ناسوت را خداوند منوط فرموده بوجود امام علیه السلام.

(۱) کمال الدین ج ۱ ص ۳۲۵.

(۲) تفسیر قمی ج ۲ ص ۳۷۹.

(۳) کافی ج ۱ ص ۳۴۰.

(۴) معین بمعنای جاری و ظاهر آمده یعنی اگر آب شما از بین رفت کیست که برای شما آب جاری یا آب چاه که اگر نگاه کنی پدا است و دلورا باسانی از او پر میتوانی بکنی بیاورد.

(آیه نود و پنجم) قوله تعالى در سورة قلم «اذ اتتلى عليه آياتنا قال اساطير الاولين \* سنسمه على الخرطوم»<sup>(۱)</sup> یعنی زمانی که خوانده می شود بر آنکس آیات ما میگوید آنها از کذبهای اولها است زود باشد که ماداغ میکنیم بر خرطوم او و دماغ آنکس که این نحو میگوید .

و در تفسیر قمی فرموده که : این داغ بر انف و دماغ در رجعت ائمه خواهد شد در زمانی که رجعت نماید امیر المؤمنین «ع» و رجوع کنند دشمنان آنحضرت پس داغ میکند دشمنان خود را بمیسم که با آنجناب است چنانکه داغ میکنند حیوانات چهارپایانرا بر بینی و لبها و دماغ آنها<sup>(۲)</sup> و تفصیل این داغ نهادن در تفسیر دابة الارض در سورة نمل ذکر شد که این در رجعت ائمه و قیام قائم آل محمد است .

و در اکمال الدین از امیر المؤمنین روایت کرده در حدیث که بعد از ذکر دجال و قاتل او میفرماید : آگاه باشید بدرستی که بعد از این طامة الکبری است عرض شد : یا امیر المؤمنین «ع» چیست طامة الکبری ؟ فرمود : خارج شدن دابة الارض است از نزد صفا با او است خاتم سلیمان «ع» و عصای حضرت موسی که میگذارد خاتم را بر روی هر مؤمنی پس نقش میشود در آن که این مؤمن حق است و میگذارد آن را بر روی هر کافری پس نقش میشود که کافر محض است .

تا آنکه فرمود : بدرستی که مؤمن هر آینه ندا میکند وای بر تو ای کافر و بدرستی که کافر ندا میکند که طوبی بر تو ای مؤمن و آرزو میکنم که من مثل تو مؤمن میشدم پس فایز شوم بفوز عظیم پس بر میدارد دابة الارض سر خود را

(۱) القلم : ۱۵ و ۱۶ .

(۲) تفسیر قمی ج ۲ ص ۳۸۱ .

از میان خافقین باذن خداوند جل جلاله و اینها بعد از طلوع آفتاب از مغرب خواهد شد پس در این وقت توبه برداشته میشود ، پس قبول نشود توبه و نه عملی فایده میدهد و نفع نمیدهد شخصی را ایمان او که از اول ایمان نیاورده بود و یا کسب نکرده بود در ایمان خود خیری را و بعد از آن فرمود سؤال نکنید از من که بعد از اینها چه واقع میشود پس بدرستی که عهد نموده بسا من حبیب من رسول خدا که خبر ندهم آن را بغیر عترت خودم<sup>(۱)</sup> . تمام شد .

پس از این تفسیر در «دابة الارض» و از تفسیر قمی معلوم شد که داغ نهادن بدماغ کفار که در این آیه است در رجعت ائمه است یقیناً .

و اما طلوع آفتاب از مغرب در این حدیث پس مراد از آن ظهور قائم آل محمد است چنانکه نقلش گذشت از صعصعة بن صوحان راوی حدیث ، و اما فایده ندادن توبه و ایمان در آن وقت پس مراد از آن فایده نکردن توبه و ایمان است بعد از دست آوردن کافران و منافقان در حال کفر و نفاق و بعد از بودن ایشان است در مقام قتال و جدال با امام عصر عجل الله فرجه نه توبه و ایمان ایشان است قبل از جنگ و مقاتله با آنحضرت زیرا که توبه و ایمان قبل از جنگ قبول است چنانکه در تفسیر «وان من اهل الكتاب» ذکر شد و همچنین در تفسیر سائر آیات بیان شد و منافات ندارد .

(آیه نود و ششم) قوله تعالى در سورة معارج «سئل سائل بعذاب واقع للكافرين»<sup>(۲)</sup> یعنی سؤال نمود يك سؤال کننده بعدابی که واقع میشود از برای کافران .

و در تفسیر قمی از حضرت باقر «ع» روایت کرده کسه از آنحضرت سؤال

(۱) کمال الدین ج ۲ ص ۵۲۵ .

(۲) المعارج : ۱ .

نمودند از معنی این آیه فرمود : این عذاب واقع يك آتش است خارج میشود از طرف مغرب و يك ملكی آن را میراند از پشت تا آنکه میآید بخانه بنی سعد ابن همام در نزد مسجد ایشان پس ترك نمیکند خانه از خانه های بنی امیه را مگر آنکه آن خانه را وادل آن را میسوزاند و نمیگذارد خانه را که در آن خانه خون آل محمد باشد مگر آنکه آن را میسوزاند و این مهدی وقائم آل محمد است<sup>(۱)</sup>. تمام شد .

پس از این تفسیر معلوم گردید که مراد از عذاب واقع در این آیه آن عذاب است که بدست حضرت قائم آل محمد بر کافران واقع میشود پس این آیه در شأن آنحضرت است و در بعض اخبار وارد است که تنزیل آیه در مورد دیگر است پس منافات ندارد با تأویل چنانکه مراراً ذکر شد .

(آیه نود و هفتم) قوله تعالى در سورة معارج « فاصبر صبراً جميلاً \* انهم يروونه بعيداً \* ونويه قريباً »<sup>(۲)</sup> یعنی ای حبیب ما صبر کن صبر نیکو بدرستی که آن کافران و منافقان می بینند و عده ما را بعید و ما آن را قریب و نزدیک میبینیم . و این آیه در خصوص حضرت قائم آل محمد است و مراد اینست که معاندین و عده قیام قائم آل محمد را بعید می بینند و استبعاد میکنند از آن و ما که خداوندیم ظهور آنحضرت را نزدیک می بینیم و آن را قریب می شماریم .

و دلیل بر این دعای عهد است که علامه مجلسی و دیگران روایت کردند از حضرت صادق «ع» بسند معتبر که هر که چهل صباح این عهد نامه را بخواند از یاوران قائم آل محمد باشد و اگر قبل از ظهور آنحضرت بمیرد خداوند او را از قبر بیرون آورد که در خدمت آنحضرت باشد ، و حقیقتاً بهر کلمه هزار حسنه

(۱) تفسیر قمی ج ۲ ص ۳۸۵ .

(۲) المعارج : ۶ و ۵ .

اورا کرامت فرماید و هزار گناه از او محو کند ، و آن عهد اینست « اللهم رب النور العظيم ورب الكرسي الرفيع » تا آنکه در آخرش میگوید « اللهم اكشف هذه الغمة عن هذه الامة بحضوره وعجل لنا ظهوره انهم يرونه بعيداً ونراه قريباً برحمتك يا ارحم الراحمين »<sup>(۱)</sup> پس سه مرتبه دست خود را بران راست خود میزنی و در هر مرتبه میگوئی العجل يا مولای یا صاحب الزمان یعنی خداوندا کشف کن و بردار این غم را از این امت بظاهر شدن قائم آل محمد و زود بکن برای ماها ظهور آنحضرت را بدرستی که مردم آن را بعید می بینند و ما آن را نزدیک می بینیم و آن را تعجیل بفرمائی بر رحمت خودت ای خدای رحم کننده رحم کنندگان، و بعد از آن میگوئی تعجیل کن ای مولای من ای صاحب الزمان. پس از این دعا واضح گردید که این آیه در شأن حضرت قائم آل محمد است بدون شبهه .

(آیه نود و هشتم) قوله تعالى در سورة معارج « والذين يصدقون بيوم الدين »<sup>(۲)</sup> یعنی و آنکسانیکه تصدیق میکنند بیوم الدین .

در کافی از حضرت باقر «ع» در تفسیر این آیه روایت نموده که آنحضرت فرمود در معنی آیه که تصدیق میکنند بروز ظهور حضرت قائم آل محمد<sup>(۳)</sup> یعنی مراد از بیوم الدین در این آیه یوم قیام قائم اهل بیت است و این حدیث دلیل واضح است که این آیه در شأن آنحضرت و در مقام بیان وقت ظهور آن بزرگوار است .

(آیه نود و نهم) قوله تعالى در سورة جن « حتى اذا رأوا ما يوعدون

(۱) زاد المعاد ص ۴۸۹ ط اسلامیه ۱۳۷۸ .

(۲) المعارج : ۲۶ .

(۳) المحجة ص ۷۵۴ .

فسیعلمون من اضعف ناصراً و اقل عدداً»<sup>(۱)</sup> یعنی تا زمانی که می بینند آنچه را که وعده شده بودند پس در آن وقت زود میدانند که کدام ضعیف تر از جهت ناصرو مدد است و کدام کمتر است از حیث عدد .

و در تفسیر صافی از اهل بیت در تفسیر این آیه روایت نموده که امام فرمود: مراد از این حضرت قائم آل محمد است و اصحاب آنحضرت است<sup>(۲)</sup>.

یعنی مراد از ما یوعدون و دیدن آن دیدن قائم آل محمد و اصحاب اوست و قمی در تفسیر این آیه فرموده که مراد حضرت قائم و حضرت امیر المؤمنین است در رجعت<sup>(۳)</sup>.

پس از این تفسیرها واضح شد که این آیه در خصوص قائم آل محمد است و مراد از دیدن ما یوعدون دیدن آنحضرت است بعد از ظهورش و دیدن سلطنت امیر المؤمنین است بعد از قیام آنحضرت .

(آیه صدم) قوله تعالی در سورة مدثر «فاذا نقر فی الناقور \* فذلک یومئذ یوم عسیر»<sup>(۴)</sup> یعنی پس زمانی که دمیده میشود در صور پس آن روز عسیر و دشوار است .

در کافی در تفسیر این آیه از حضرت صادق «ع» روایت کرده که فرمود : بدرستی که از ما اهل بیت امامی است ظفرداده شده و مخفی و غائب شده ، پس زمانیکه خداوند اراده فرمود ظاهر نمودن امر امامت او را در قلب او یک نکته میگذارد یعنی بقلب او الهام فرماید پس آن امام غائب ظهور میکند و برخیزد

(۱) الجن : ۲۴ .

(۲) الصافی ص ۵۱۳ .

(۳) تفسیر قمی ج ۲ ص ۳۹۱ .

(۴) المدثر : ۸ و ۹ .



بامرامت بامر خداوند<sup>(۱)</sup>.

و در نجم الثاقب از نعمانی از حضرت صادق «ع» روایت کرده که فرمود در آیه « فاذا نقر فی الناقور » که از برای ما امامی است مستقر پس هر گاه اراده فرمود خدای عزوجل اظهار امر خود را میافکند در دلش پس ظاهر شود پس قیام کند بامر خدای عزوجل<sup>(۲)</sup>.

و از تفسیر سیاری از آن حضرت روایت نموده که فرمود در آیه مذکوره : دمیده میشود در گوش قائم آل محمد و او را اذن میدهد خداوند در ظهور. و از اثبات الوصیه مسعودی روایت کرده از مفضل که گفت: سؤال نمودم از حضرت صادق «ع» از تفسیر جابر پس فرمود: خبر مده با وسفله را که افشا خواهند نمود آن را آیا نخواندی در کتاب خداوند « فاذا نقر فی الناقور » بدرستیکه از ما امامی خواهد بود پنهان پس هر گاه اراده فرمود خداوند اظهار امر خود را میافکند در قلبش پس ظاهر میشود تا اینکه بر میخیزد بامر خداوند جل جلاله<sup>(۳)</sup>. تمام شد.

پس از این احادیث بسیار معلوم شد که مراد از ناقور در این آیه قلب قائم آل محمد است و مراد از دمیده شدن صور در خصوص این آیه شریفه الهام خداوند است بدل مبارك آن حضرت ، پس این آیه بصریح این اخبار در شأن آنجناب و تأویل آن در آن بزرگوار است و مراد از یوم عسیر روز ظهور قائم آل محمد است که از برای کفار و اشرار آن روز بسیار دشوار خواهد گردید .

(آیه صد و یکم) قوله تعالى در سورة جن « عالم الغیب فلا یظهر علی

(۱) الکافی ج ۱ ص ۳۴۳ .

(۲) بحار الانوار ج ۵۱ ص ۵۸ .

(۳) اثبات الوصیه ص ۲۰۳ .

غیبه احداً \* الامن ارتضی من رسول فانه یسلک من بین یدیہ ومن خلفه  
 رصداً»<sup>(۱)</sup> یعنی خداوند عالم بر غیب است پس مطلع نمیفرماید بر غیب خود  
 هیچکس را مگر آنکسی را که اختیار کند او را از پیغمبر پس خداوند سلوک  
 میکند از پیش او و از عقب سرا و از برای آن پیغمبر رصدی را و راه دانستن غیب  
 را یعنی خدا غیب را از اخبار گذشته و از اخبار آینده بر برگزیده‌های خودش  
 اطلاع میدهد و غیر از برگزیدگان خداوند غیب را کسی نمیداند و دانستن ایشان  
 نیز با اطلاع دادن خداوند میشود .

و مراد از غیب در این آیه که غیر خداوند و غیر برگزیده خدایتعالی کسی  
 نمی‌داند وقت ظهور امام غائب و غیبت و علت‌های غیبت قائم آل محمد «ص»  
 است که آنرا غیر خداوند و غیر معدن وحی و تنزیل کسی دیگر نمیداند و علم  
 بظهور آن حضرت و علم بعلت غیبت آنجناب منحصر بر خدا و برگزیدگان  
 او است .

و دلیل بر آنکه مراد از غیبت قائم آل محمد و ظهور او و علت غیبت او  
 است نقل تفسیر صافی است از تفسیر قمی در این آیه که فرمود خبر دهد خداوند  
 رسول و برگزیده خود را بآن خبرهائیکه بوده است قبل از او و بآن چیزهائیکه  
 می‌شود بعد از او از خبرهای قائم آل محمد و اخبار رجعت و قیامت<sup>(۲)</sup> .

پس از این تفسیر معلوم شد که مراد از غیب و از خلفه در این آیه قائم آل  
 محمد و اخبار او و وقت ظهور و علت غیبت آنحضرت است ، و شاهد واضح  
 بر اینکه مراد از غیب آنجناب است روایت صدوق است در اکمال‌الدین از  
 حضرت صادق که فرمود در آیه شریفه «هدی للمتقین الذین یؤمنون بالغیب»<sup>(۳)</sup>

(۱) الجن : ۲۶ و ۲۷ .

(۲) تفسیر قمی ج ۲ ص ۳۹۱ ، الصافی ۵۱۴ طبع تبریز .

(۳) البقرة : ۲ .

یعنی این کتاب هدایت است از برای پرهیزکاران همچنان کسانی که ایمان می‌آورند بغیب که متقیان شیعیان امیرالمؤمنین است، و اما غیب پس او حجت غائب است و شاهد بر این قول خداوند تبارک و تعالی است که میفرماید «و یقولون لولا انزل علیه آیه من ربه فقل انما الغیب لله فانظروا انی معکم من المنتظرین»<sup>(۱)</sup> در سوره یونس یعنی و میگویند چرا فر فرستاده نشد بر او آیتی از پروردگار خودش پس بگو که نیست غیب مگر مر خدایتعالی را پس منتظر باشید بدرستی که من باشم از منتظران باشم یعنی برای آمدن آن غیب که از آیات خداوند است تمام شد.

پس از این حدیث صحیح که در تفسیر آیه اول سوره بقره وارد شده معلوم شد که مراد از غیب حضرت امام غائب و قائم آل محمد است، و همچنین واضح گردید که مراد از آیه در سوره یونس غیب است و مراد از غیب در آن نیز امام غائب است و اینها برهان واضح است که مراد از غیب در سوره جن که ذکر شد قائم آل محمد میباشد بلکه ظاهر می شود از این سه آیه که در هر جا که غیب است در قرآن مراد امام غائب است.

و آیات که در آنها اشاره بغیب شده بسیار است و حقیر آنها را اجمالاً در اینجا ذکر میکند تا اطلاع زیادتر باشد:

۱ - «ولله غیب السموات والارض» هود<sup>(۲)</sup>.

۲ - «له غیب السموات والارض»<sup>(۳)</sup> کهف.

(۱) یونس : ۲۰ و حدیث در اکمال الدین ج ۲ ص ۳۴۰.

(۲) هود : ۱۲۳ و مر خدا را است غیب آسمانها وزمین.

(۳) کهف : ۲۶ مر او را است غیب آسمانها وزمین.

- ۳ - «ان الله يعلم غيب السموات والارض»<sup>(۱)</sup> حجرات .  
 ۴ - «ولله غيب السموات والارض»<sup>(۲)</sup> نحل .  
 ۵ - «انى اعلم غيب السموات والارض»<sup>(۳)</sup> بقره .  
 ۶ - «ان الله عالم غيب السموات والارض»<sup>(۴)</sup> ملائکه .  
 ۷ - «فقل انما الغيب لله»<sup>(۵)</sup> یونس .  
 ۸ - «ام عندهم الغيب»<sup>(۶)</sup> طور .  
 ۹ - «ولا اعلم الغيب»<sup>(۷)</sup> انعام .  
 ۱۰ - «ام عندهم الغيب»<sup>(۸)</sup> نون .  
 ۱۱ - «ولا اعلم الغيب»<sup>(۹)</sup> طور .  
 ۱۲ - «قل لا يعلم من فى السموات والارض الغيب الا الله»<sup>(۱۰)</sup> نمل .  
 ۱۳ - «ان لو كانوا يعملون الغيب»<sup>(۱۱)</sup> سبأ .

- (۱) الحجرات : ۱۸ خداوند می داند غیب آسمانها وزمین را .  
 (۲) النحل : ۷۷ و مر خدا راست غیب آسمانها وزمین .  
 (۳) البقره : ۳۳ من می دانم غیب آسمانها وزمین را .  
 (۴) الملائکه : ۳۸ خداوند دانای غیب آسمانها وزمین است .  
 (۵) یونس : ۲۰ بگو غیب مختص خداوند است .  
 (۶) الطور : ۴۱ آیا در نزد آنها است غیب ؟  
 (۷) الانعام : ۵۰ و من نمی دانم غیب را .  
 (۸) نون : ۴۷ آیا نزد آنها است غیب ؟  
 (۹) در سوره طور این آیه وجود ندارد .  
 (۱۰) النمل : ۶۵ بگو نمی داند آنکه در آسمانها وزمین است غیب را مگر خدا  
 (۱۱) سبأ : ۱۴ اینکه اگر می دانستند غیب را .

- ۱۴ - «ولو كنت اعلم الغيب»<sup>(۱)</sup> اعراف .  
 ۱۵ - «اطلع الغيب»<sup>(۲)</sup> مريم .  
 ۱۶ - «ذلك عالم الغيب والشهادة»<sup>(۳)</sup> سجده .  
 ۱۷ - «ذلك من انباء الغيب»<sup>(۴)</sup> آل عمران .  
 ۱۸ - «وعنده مفاتيح الغيب»<sup>(۵)</sup> انعام .  
 ۱۹ - «ذلك من انباء الغيب»<sup>(۶)</sup> يوسف .  
 ۲۰ - «عالم الغيب والشهادة»<sup>(۷)</sup> انعام .  
 ۲۱ - «ثم تردون الى عالم الغيب والشهادة»<sup>(۸)</sup> توبه .  
 ۲۲ - «عالم الغيب والشهادة»<sup>(۹)</sup> رعد .  
 ۲۳ - «الى عالم الغيب والشهادة»<sup>(۱۰)</sup> جمعة .  
 ۲۴ - «عالم الغيب والشهادة»<sup>(۱۱)</sup> مؤمنين .

- (۱) الاعراف : ۱۸۸ اگر غیب را می دانستم .  
 (۲) مريم : ۷۸ یا بغيب آگاه شده .  
 (۳) السجدة : ۶ این دانای غیب وشهادت است .  
 (۴) آل عمران : ۴۴ این از اخبار غیب است .  
 (۵) الانعام : ۵۹ ودرپیش او است کلیدهای غیب .  
 (۶) يوسف : ۱۰۲ این از اخبار غیب است .  
 (۷) الانعام : ۷۳ دانای غیب وشهادت است .  
 (۸) التوبة : ۹۴ سپس برگشته میشود بطرف دانای غیب وشهادت .  
 (۹) الرعد : ۹ دانای علم غیب وشهادت .  
 (۱۰) الجمعة : ۸ بطرف دانای غیب وشهادت  
 (۱۱) المؤمنین : ۹۲ دانای غیب وشهادت .

- ۲۵ - «وستردون الی عالم الغیب والشهادة»<sup>(۱)</sup> توبه .
- ۲۶ - «عالم الغیب»<sup>(۲)</sup> حشر .
- ۲۷ - «تلك من انباء الغیب»<sup>(۳)</sup> هود .
- ۲۸ - «عالم الغیب والشهادة»<sup>(۴)</sup> تغابن .
- ۲۹ - «عالم الغیب لا یعزب عنه»<sup>(۵)</sup> سباء .
- ۳۰ - «اعنده علم الغیب»<sup>(۶)</sup> نجم .
- ۳۱ - «عالم الغیب فلا یظهر علی غیبه احداً»<sup>(۷)</sup> جن .
- ۳۲ - «الذین یؤمنون بالغیب»<sup>(۸)</sup> بقره .
- ۳۳ - «لیعلم الله من یخافه بالغیب»<sup>(۹)</sup> مائده .
- ۳۴ - «التي وعد الرحمن عباده بالغیب»<sup>(۱۰)</sup> مریم .
- ۳۵ - «رجماً بالغیب»<sup>(۱۱)</sup> كهف .

- (۱) التوبه : ۱۰۵ وزود بر گردانده میشود بطرف دانای غیب وشهادت.
- (۲) الحشر: ۲۲ دانای غیب .
- (۳) هود : ۴۹ این از خبرهای غیب است.
- (۴) التغابن : ۱۸ دانای غیب وشهادت است .
- (۵) سبأ : ۳ دانای غیب است «کوچکترین چیز» از او پنهان نیست.
- (۶) النجم : ۳۵ آیا نزد او است دانستن غیب .
- (۷) الجن : ۲۶ داننده غیب غیب خود را بکسی اظهار نمی کند .
- (۸) البقره : ۳ آنانکه بغیب ایمان می آورند .
- (۹) المائده : ۹۴ تا بداند خدا آن کس را که در غیب از خدا میترسد .
- (۱۰) مریم : ۶۱ آن چنان بهشتی که خدا بندگان خود را بغیب وعده داده.
- (۱۱) الكهف : ۲۲ انداختنی بغیب .

- ۳۶- «الذين يخشون ربهم بالغيب»<sup>(۱)</sup> انبياء .  
 ۳۷- «انما تنذر الذين يخشون ربهم بالغيب»<sup>(۲)</sup> ملائكة .  
 ۳۸- «ان الذين يخشون ربهم بالغيب»<sup>(۳)</sup> ملك .  
 ۳۹- «ويقذفون بالغيب»<sup>(۴)</sup> سباء .  
 ۴۰- «من ينصره ورسله بالغيب»<sup>(۵)</sup> الحديد .  
 ۴۱- «وخشى الرحمن بالغيب»<sup>(۶)</sup> يس .  
 ۴۲- «من خشى الرحمن بالغيب»<sup>(۷)</sup> ق .  
 ۴۳- «وما كان الله ليطالعكم على الغيب»<sup>(۸)</sup> آل عمران .  
 ۴۴- «وما هو على الغيب بضنين»<sup>(۹)</sup> التکویر .  
 ۴۵- «حافظات للغيب»<sup>(۱۰)</sup> نساء .

و در اکثر این آیات چهل و پنج هر چند یکی که غیب تفسیر شده بقیامت و یا بچیز

- (۱) الانبياء : ۴۹ آنانکه می ترسند از خدای خود در غیب .  
 (۲) الملائكة : ۱۸ تو میترسانی آنان را که در غیب از خدای خودشان  
 میترسند .  
 (۳) الملك : ۱۲ آنانکه در غیب از خدای خودشان میترسند .  
 (۴) سبأ : ۵۳ و می انداختند به غیب .  
 (۵) الحديد : ۲۵ که با او پیامبران او بگیب یاری می کند .  
 (۶) يس : ۱۱ و بترسد از خدا در غیب .  
 (۷) ق : ۳۳ هر که بترسد از خدا در غیب .  
 (۸) آل عمران : ۱۷۹ و نیست خدا آگاه کننده شما بر غیب .  
 (۹) التکویر : ۲۴ و نیست او بر غیب بخیل .  
 (۱۰) النساء : ۳۴ نگهدارندگان مرغیب را .

دیگرو با همه این منافات ندارد که مراد از غیب در همه این آیات امام غائب باشد. زیرا که منافات در بین تأویل و تنزیل ندارد و تفسیر شدن غیب در این آیات بقیامت و یا بچیز دیگر منافات ندارد با تأویل غیب که در این آیات است بامام غائب و علت غیبت قائم آل محمد، و یا آنکه این آیات تأویل باشد در قیامت و یا در چیز غیر از آن و تنزیل اینها در غیبت امام غائب و وقت ظهور آنحضرت باشد، و یا آنکه هر یکی از قیامت و غیبت آنحضرت تأویل باشد، و یا آنکه هر دو تا تنزیل و یا آنکه بعضی تنزیل در بعضی و بعضی تأویل در بعضی از آیات باشد همچنانکه در آیات ساعت این نحو بود که ذکر شد.

و بالجمله از حدیث اکمال الدین معلوم شد که آیه اول سوره بقره و آیه سوره یونس در شأن حضرت قائم آل محمد است و مراد از غیب در این دو آیه یقیناً امام غائب است بلکه مراد از قوله تعالی « **الْم ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ** » نیز کتاب حضرت قائم آل محمد است، زیرا که در تفسیر عیاشی از حضرت صادق «ع» در تفسیر این آیه روایت کرده که فرمود مراد از این کتاب که ریب در او نیست کتاب علی علیه السلام است که در او ریب نیست<sup>(۱)</sup>. تمام شد.

و معلوم است که کتاب علی «ع» کتاب قائم آل محمد است، و آن کتاب امیر المؤمنین در دست حضرت قائم است و آن را آنحضرت خواهد آورد چنانکه تفصیل آن در آیه « **لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ** » ذکر شد.

و صاحب صافی اعلی الله مقامه معنی کتاب علی «ع» را در حدیث عیاشی ملتفت نشده و بعضی فرمایشها فرموده که ناشی بوده از عدم التفات بمعنی واقعی کتاب علی «ع» و بعد از آنکه معلوم گردید که کتاب علی «ع» همان کتاب است

(۱) العیاشی ج ۱ ص ۲۶ و در تفسیر قمی ج ۱ ص ۳۰، روایت کرده از حضرت صادق «ع» که «مراد از» کتاب، علی «ع» است که در او شک نیست.



که با حضرت قائم میباشد و آن را خواهد آورد پس احتیاج بتکلف صاحب صافی ندارد<sup>(۱)</sup>.

و از آنچه ذکر شد در شرح تفسیر آیه صد و یکم که «عالم الغیب فلا ینظر علی غیبه» الایة باشد، معلوم گردید که این آیه در خصوص حضرت قائم آل محمد است و همچنین از حدیث اکمال واضح شد که آیه اول سوره بقره و آیه مذکوره از سوره یونس نیز در شأن حضرت قائم اهل بیت است.

و این دو آیه در وقت نوشتن آیات این دو سوره از حقیر فوت شده بود زیرا که در تفسیر موجود در نزد حقیر نبود و در اینجا که ذکر شد از کتاب نجم الثاقب پیدا نمود پس عدد آیات بنا بر این صد و سه گردید.

(آیه صد و چهارم) در سوره نازعات قوله تعالی «یوم ترجف الراجفة تتبعها الرادفة»<sup>(۲)</sup> یعنی روزیکه می لرزند حرکت کننده ها و متحرک میگرددانند آنها را که ساکن بودند و اربی او میآید آنچه ردیف آنست.

در تفسیر محمد بن عباس بن ماهیار و فرات بن ابراهیم و مناقب شاذان بن جبرئیل قمی از حضرت صادق «ع» روایت کردند که فرمود در تأویل این آیه که: راجفة حضرت امام حسین «ع» است و رادفة حضرت امیر المؤمنین «ع» است و اول کسی که در رجعت از قبر بیرون میآید حضرت امام حسین «ع»<sup>(۳)</sup> است

(۱) الصافی ص ۲۱ و نظر صاحب صافی با روایتی را که تفسیر قمی نقل کرده و در پاورقی سابق ذکر شد موافق است.

(۲) النازعات : ۶ و ۷.

(۳) تفسیر فرات کوفی چنین است: او «یعنی امیر المؤمنین» اول کسی است که سرش را حرکت می دهد که از خاک پاک شود - یعنی خاک قبر - با حسین بن علی بانود و پنجهزار نفر و اینست معنای قول خدا: انا لننصر رسلنا الی آخر آیه شریفه.

باهفتاد و پنج هزار کس و آنست تأویل قوله تعالی « انا لننصر رسنا »<sup>(۱)</sup> الایة .  
چنانکه گذشت . تمام شد .

پس از این حدیث که از تفاسیر متعدده نقل شده معلوم شد که این آیه در  
رجعت حضرت امام حسین «ع» است که او اول رجعت خواهد نمود و بعد از  
آن حضرت امیر المؤمنین «ع» که ردیف آن بزرگوار است ، و معلوم است که  
رجعت ایشان بعد از ظهور قائم آل محمد است و سلطنت از آنحضرت بحضرت  
امام حسین خواهد رسید چنانچه سابقاً ذکر شد و در خطبه عاشورا رجعت حضرت  
سید الشهداء فی الجملة بیان شد .

و از کامل الزیارة علامه مجلسی از حریر روایت کرده است که گفت بحضرت  
امام جعفر صادق «ع» عرض کردم که : فدای توشوم چه بسیار کم است بقای  
شما اهل بیت در دنیا و چه بسیار نزدیک است اجلهای شما بیکدیگر با احتیاج  
عظیمی که خلق بشما دارند ؟ حضرت فرمود که : هر یک از ما صحیفه داریم که  
در آن نوشته است آنچه باید بآن عمل کنیم در مدت حیات خود چون اینها  
منقضی شد میدانیم که وقت اجل ما رسیده است، و در آن وقت حضرت رسول  
صلی الله علیه و آله میآید و خبر وفات ما را بما میگوید و ثوابهای عظیم حق تعالی  
را بما بشارت میدهد ، و حضرت امام حسین صحیفه خود را خواند و در آن  
صحیفه نوشته بودند آنچه در حال حیات خود کند و آنچه باقی ماند بعد از این  
خواهد کرد ، پس رفت بقتال با امر خداوند ذوالجلال و شهید شد ، و از جمله  
اموریکه باقی مانده بود که گروهی از ملائکه از حق تعالی رخصت طلبیدند که  
بیاری او بیایند چون بزمین آمدند حضرت شهید شده بود حق تعالی وحی کرد  
بسوی ایشان که ملازم قبه او باشند تا از قبر بیرون آید در رجعت و بیاری او بکنید

در رجعت پس گریه کنید بر او و بر آنچه از شما فوت شده است از یاری او و شما مخصوص گردیده اید بیاری او و گریستن بر او پس آن ملائکه بر او میگریند و چون او بیرون آید از یاوران او خواهند بود<sup>(۱)</sup>.

و از این حدیث رجعت امام حسین «ع» واضح گردید و معلوم شد که ملائکه با آنحضرت میشوند.

(آیه صد و پنجم) قوله تعالى در سورة تکویر «فلا اقسم بالخنس\* الجوار الكنس»<sup>(۲)</sup> یعنی قسم بآن ستاره های سیاره که پنهان میشوند در زیر شعاع آفتاب چون وحشیان که در خوابگاه در آیند و در آنجا پنهان میشوند.

این ترجمه از نجم الثاقب است، و در آن کتاب از اکمال الدین و غیبت شیخ طوسی و غیبت نعمانی از حضرت باقر «ع» روایت کرده در تفسیر این آیه که فرمود: مراد از آن امامی است که غائب شود در سال دویست و شصت از هجرت و بعد از غائب شدن ظهور میکند مانند شهاب درخشان در شب تاریک و بآن راوی فرمود اگر درك کردی آن زمان را پس چشمهایت روشن خواهد شد<sup>(۳)</sup>.

و این حدیث را در تفسیر صافی از کافی<sup>(۴)</sup> نیز نقل کرده و ایضاً در نجم الثاقب فرموده که خنس آن ستاره های سیاره است که برای ایشان رجوع است و گاهی از سیر مراجعت میکنند مثل زحل و مشتری و مریخ و زهره و عطارد و برای آفتاب و ماه رجعت نیست.

و حسین بن حمدان روایت کرده از حضرت باقر «ع» که فرمود در آیه

(۱) کامل الزیارات ص ۸۷.

(۲) التکویر : ۱۵ ، ۱۶.

(۳) النجم الثاقب ص ۴۴.

(۴) الکافی ج ۱ ص ۳۴۱.

مبار که «فلا اقسام بالخنس» که او امامی است که غائب می شود در سنه دویست و شصت .

و در اكمال و غیبت شیخ نعمانی مرویست از امهانی که گفت ملاقات کردم حضرت امام محمد باقر را پس سؤال کردم از آنجناب از این آیه فلا اقسام بالخنس پس فرمود آن امامی است که پنهان میشود در زمان خود<sup>(۱)</sup>. تا آخر آنچه گذشت تمام شد .

پس از این احادیث معلوم شد که مراد از خنس و کنس در این آیه قائم آل محمد است و این آیه در خصوص آنحضرت نازل شده .

(آیه صد و ششم) قوله تعالى در سورة غاشیه «هل اتيك حديث الغاشية» الی قوله «تصلی ناراً حامیة»<sup>(۲)</sup> یعنی آیا آمد بر تو حدیث و خبر پوشاننده و پرده کننده و میسوزاند آتش بسیار گرم .

در کافی از حضرت صادق «ع» در تفسیر این آیه روایت کرده که فرمود: می پوشاند و میگیرد کافران را و منافقان را حضرت قائم آل محمد باشمشیر تا آنکه فرمود و معنی تصلی ناراً حامیة یعنی میسوزاند آتش جنک و جدال ایشان را در دنیا بدست اصحاب قائم آل محمد و در آخرت آتش جهنم آنها را می سوزاند<sup>(۳)</sup> تمام شد .

پس از این حدیث تفسیر معلوم گردید که مراد آنحدیث غاشیه حضرت قائم است و مراد از نساراً حامیة آتش جنک اصحاب آنحضرت است و آن بزرگوار است که کافران را میگیرد و آنها را غش میکند و میپوشاند بعذاب و جنک

(۱) النجم الثاقب ص ۴۶ .

(۲) الغاشية : ۱ و ۲ و ۳ و ۴ .

(۳) تفسیر صافی ص ۵۲۷ ط تبریز .

به نصرت .

(آیه صد و هفتم) قوله تعالى در سورة شمس «والشمس وضحيها\* والقمر اذا تليها\* والنهار اذا جليها»<sup>(۱)</sup> یعنی قسم یاد میکنم بافتاب وضوء و روشنی آن و برماه زمانیکه در پی آفتاب آید و بروز زمانیکه جلی و آشکار کند آنرا . در نجم الثاقب از تفسیر شیخ فرات بن ابراهیم نقل نموده از حضرت باقر «ع» که فرمود : حارث اعور عرض کرد بخدمت حضرت امام حسین «ع» : یا بن رسول الله فدای تو شوم خبرده مرا از قول خداوند تعالی «والشمس وضحيها»؟ فرمود : وای بر تو ای حارث این محمد رسول خدا است . گفتم فدای تو شوم قول خداوند والقمر اذا تليها فرمود این امیر المؤمنین علی است که در پی محمد آمده . گفتم : قول خداوند «والنهار اذا جليها» ؟ فرمود : این قائم آل محمد که پر کند زمین را از عدل و داد<sup>(۲)</sup> .

و در تفسیر صافی از کافی و تفسیر قمی از حضرت صادق «ع» روایت کرده که فرمود : شمس رسول الله است که باو واضح کرد خداوند از برای مردم دین ایشان را و قمر امیر المؤمنین است که بعد از رسول خدا آمد و پیغمبر علم خود را باو داد و دلیل خلفاء جورند آنکسانیکه مستبد بامر خداوند شدند و آل رسول الله را منع نمودند و جلوس نمودند در مجلسی که اولاد پیغمبر از ایشان اولی و احق بودند بآن مجلس ، پس پوشاندند دین خدا را بظلم و جور پس حکایت فرمود خداوند فعل آنها را پس فرمود «واللیل اذا يغشيها» و مراد از نهار او امام است از ذریه حضرت فاطمه که سؤال کرده می شود از دین رسول الله پس جلی و آشکار میکند آن دین را از برای سؤال کننده ، پس حکایت فرمود

(۱) الشمس : ۱ و ۲ و ۳ .

(۲) نجم الثاقب ص ۷۵ تفسیر فرات ص ۲۱۱ .

خداوند قول آن امام را پس فرمود «والنهار اذا جلیها»<sup>(۱)</sup> تمام شد .  
پس از این تفسیرها واضح گردید که مراد از نهار در این آیه حضرت قائم  
آل محمد است و مراد از تجلی نهار آشکار فرمودن آنحضرت است دین خداوند  
و دین پیغمبر او را بدون شبهه در این .

(آیه صد و هشتم) قوله تعالی در سورة لیل «واللیل اذا یغشی \* والنهار  
اذا تجلی»<sup>(۲)</sup> یعنی و شب زمانیکه میپوشاند آفتاب را یا روز را و روز زمانیکه  
تجلی میکند و آشکار می شود .

در تفسیر قمی از حضرت باقر «ع» روایت کرده که فرمود : لیل در این  
آیه انکس است که پوشانید حضرت امیر المؤمنین را و حق او را در سلطنت  
خودش و حضرت امیر المؤمنین صبر میکرد در سلطنت آنها تا آنکه منقضی شد  
و بآخر رسید زمان ایشان «والنهار اذا تجلی» فرمود نهار در این آیه اوقائم آل  
محمد است از ما اهل بیت زمانیکه قیام میکند و ظهور نماید غالب می شود  
بر دولتهای باطله و سلطنتهای ظالمه و قرآن زده شده در آن مثلها از برای مردم  
و خداوند خطاب کرده باو پیغمبرش را و ما اهل بیت را پس نمیداند علم قرآن  
را کسی غیر از ما ائمه<sup>(۳)</sup> .

مؤلف گوید : مراد از مثل زدن خداوند در این آیه تشبیه کردن خدایتعالی  
است ظالمان امیر المؤمنین را بلیل که شب ظلمانی باشد و تشبیه فرمودن حضرت  
قائم آل محمد است بنهار تجلی که روز روشن باشد یعنی ظالمان ائمه و سلطنتهای  
آنها مثل شب تاریک است در پوشاندن انوار خداوند و حضرت قائم آل محمد

(۱) الصافی ص ۵۲۹ .

(۲) اللیل : ۱ و ۲ .

(۳) تفسیر قمی ج ۲ ص ۴۲۵ .

مثل روز پرضیا و نور است در بردن ظلمتهای شب و زایل نمودن ظلمهای ظالمان و طاغیان عالم .

پس از این تفسیر معلوم شد که مراد از « والنهار اذا تجلی » روز ظهور تجلی آن افتاب عالمتاب خداوند رب الالباب است و مراد از این آیه شریفه آنجناب سلاة الاطیاب است .

( آیه صد و نهم ) قوله تعالى در سورة قدر « تنزل الملائكة والروح فيها باذن ربهم من كل امر سلام هي حتى مطلع الفجر »<sup>(۱)</sup> یعنی نازل میشوند ملائکه و روح القدس در شب قدر باذن و اجازه پروردگار خودشان از هر امر و کاروان شب سلام است تا طلوع صبح پس ضمیر فیها و ضمیر هی راجع است بلیلة القدر .

پس اول بیان شب قدر باید کرد و بعد از آن نزول ملائکه و روح را که بر که نازل میشوند ، پس میگوئیم بعون الله تعالى : نقل نموده در حدائق از کافی و کتاب فقیه از عمران<sup>(۲)</sup> که سؤال کرد او از حضرت باقر « ع » از قول خداوند « انا انزلناه فی لیلة مبارکة »<sup>(۳)</sup> فرمود : آن شب قدر است ، و آن در هر سال است در هر ماه رمضان در دهة آخر آن و نازل نشده قرآن مگر در شب قدر و فرموده است خداوند « فیها یفرق کل امر حکیم » فرمود یعنی مقدر میشود در شب قدر هر چیز در آن سال تا سال آینده از شب قدر از خیر و شر و طاعت و معصیت و مولود و اجل و رزق ، پس آنچه مقدر شده در آن شب و حکم گردید پس آن حتمی میشود<sup>(۴)</sup> الحدیث .

(۱) القدر : ۴ و ۵ .

(۲) در حدائق : حمران .

(۳) الدخان : ۳ .

(۴) الحدائق الناضرة ج ۱۳ ص ۴۳۸ ط نجف .

ویازدهم<sup>(۱)</sup> از آن دو کتاب<sup>(۲)</sup> نقل کرده از یعقوب که گفت : شنیدم از مردی که سؤال نمود از حضرت صادق «ع» که خبر بده بر من از شب قدر آیا بوده است و میشود در هر سال . پس حضرت فرمود بر آن شخص : هر گاه برداشته شود شب قدر از میان سال هر آینه برداشته میشود قرآن خداوند<sup>(۳)</sup> .

وایضا از رفاعه روایت کردند از حضرت صادق «ع» که فرمود: شب قدر آن اول سال واقع میشود و آن در آخر همان سال نیز واقع میشود زیرا که در آمدن شب قدر دو امر واقع می شود هم اول سال آینده و هم آخر سال گذشته<sup>(۴)</sup> . و باز از محمد بن مسلم روایت نمودند از حضرت باقر «ع» که گفت : سؤال نمودم از آنجناب از علامت شب قدر، پس فرمود علامت آن اولاً طیب بودن بوی آن شب است و ثانیاً سرد بودن آنست فی الجملة در گرمی و گرمی بودن آن شب در سردی هوا<sup>(۵)</sup> .

و از کافی از ابو حمزه روایت کرده که گفت : حضرت صادق «ع» فرمود نوشته میشود در شب قدر رفتن حجاج و مصیبتها و بلاها و روزیها و آنچه در آن سال می شود تا مثل شب قدر از سال آینده پس طلب کن آنرا در شب بیست و یکم و در شب بیست و سیم از رمضان<sup>(۶)</sup> الحدیث .

و از کتاب تهذیب نقل نموده از زرارة از حضرت باقر «ع» که گفت :

(۱) ظاهراً : باز وهم بمعنی : ایضاً .

(۲) من لا یحضره الفقیه و کافی .

(۳) الحدائق الناضرة ج ۱۳ ص ۴۴۰ ط نجف .

(۴) الحدائق الناضرة ج ۱۳ ص ۴۴۰ ط نجف .

(۵) الحدائق الناضرة ج ۱۳ ص ۴۴۰ ط نجف .

(۶) الحدائق الناضرة ج ۱۳ ص ۴۴۰ ط نجف .



سؤال نمودم از شب قدر ، پس فرمود : آن یاشب بیست و یکم است و یاشب بیست و سیم است . عرض کردم : آیا آن يك شب نیست ؟ پس فرمود : بلی آن شب قدر يك شب است . عرض نمودم همان شب را بمن خبرده فرمود چه میشود بر تو که در هر دو شب از این شبها عمل خیر بکنی <sup>(۱)</sup> .

وایضاً از کافی از اسحق بن عمار روایت کرده که گفت : شنیدم از حضرت صادق «ع» که فرمود : قسم بخداوند نمیشود شب قدر مگر در شب نوزدهم از رمضان و شب بیست و یکم از آن و شب بیست و سیم از آن ، پس بدرستیکه در شب نوزدهم «یلتقی الجمعان» و در شب بیست و یکم فرق می شود هر امر محکم و در شب بیست و سیم امضاء میشود آنچه خداوند اراده فرمود از کارهای سال و آن شب قدر است همچنان شب قدریکه خداوند فرموده که آن بهتر است از هزار ماه . عرض نمودم معنای «یلتقی الجمعان» چیست فرمود جمع میکند خداوند در آن شب آنچه اراده فرموده تقدیم آن را و تأخیر آن را و قضاء آن را . عرض کردم : پس معنای امضاء خداوند آنچه را در شب بیست و سیم چیست؟ فرمود : بدرستیکه خداوند تفریق میکند ایشان را در شب بیست و یکم و بداء در آن میشود ، پس وقتیکه شب بیست و سیم شد امضاء میفرماید تقدیرات را پس اشیاء از محتومات میشود که در آن بداء نشود <sup>(۲)</sup> .

و احادیث که در بیان شب قدر وارد شده زیاده از حد تواتر است و ذکر همه آنها خارج از حد این وجیزه است ، و مقصود از ذکر اینها بیان دلالت اخبار است بر اینکه شب قدر در همه سال بوده و خواهد شد زیرا که احادیث گذشته در کمال وضوح است در اینکه شب قدر همیشه بوده و خواهد بود .

(۱) الحدائق الناضرة ج ۱۳ ص ۴۴۱ ط نجف .

(۲) الحدائق الناضرة ج ۱۳ ص ۴۴۲ .

پس وقتی که از این احادیث ثابت شد که شب قدر در همه سال میشود واضح میگردد که ملائکه در آن شب نازل میشوند ، زیرا که بودن شب قدر ملائکه است بانزول ملائکه بعلت اینکه این صریح قرآن است که « تنزل الملائكة والروح فيها » باشد یعنی ملائکه و روح القدس در شب قدر نازل میشوند و اخبار متواتره نیز دلالت دارد بر نزول ملائکه در شب قدر .

و این بنا بر دلالت آیه واحادیث متواتره ضروری دین است ، بعلت اینکه يك چیزی را اگر آیه و اخبار زیاده از حد تواتر و بلکه دعاجات و مناجات ماه رمضان زیاده از تواتر دلالت کند بر بودن آن و وجود و ثابت شدن آن چیز البته آن ضروری میشود و شبهه در آن نمی ماند و منکران از دین بیرون میشود و این از واضحات است و در میان اعلام اسلام از معروفات شده و بودن شب قدر در هر سال و بلکه بودن آن در رمضان و نازل شدن ملائکه و روح در آن شب این هر دو از این قبیل است و مدلول و مفهوم و معنای آیه واحادیث وارده متواتره و ادعیه جات و مناجات و استغاثات است و همچنین چیزی از ضروریات است بالضروره و از بدیهیات است بالبداهه و منکر آن منکر قرآن واحادیث وارده و دعاجات و مناجات صادره از اهل ذکر و قرآن است و کفر چنین شخص از واضحات است بدون شبهه .

و بالجمله وقتی که ثابت شد بودن شب قدر و نازل شدن ملائکه و روح در آن آن شب پس باید معلوم شود که این ملائکه و روح القدس بر که نازل میشوند و روح القدس که بزرگترین ملائکه است با سائر ملائکه در شب قدر بر کدام کس و کدام شخص نزول میکنند و بخدمت که می آیند و امر خداوند را و بلکه جمیع امور وقایع آن سال را بر کدام کس می آورند آیا بر کافر و یا فاسق می آورند و یا بر مؤمن و یا به پادشاهی و یا بر عالم امر خدا را می آورند و آيا شنیده شده است از

عالمی ویا از مؤمنی ویا از پادشاهی ویا از کافری ویا فاسقی که بگوید ملائکه  
 وروح القدس در شب قدر بر من نازل میشوند وهرامری را از جانب خدا برای  
 من میآورند ویا آنکه وقایع و اتفاقات سال را من در شب قدر میدانم کلا تم کلا  
 همچنین چیزی شنیده نشده و کسی این ادعارا نکرده بلکه هیچکس شب قدر  
 را معین نکرده و اگر بشناسد بکسی نگفته و در حدیث محمد بن مسلم حضرت  
 باو معین فرمود باوجود آنکه محمد بن مسلم از صاحب اسرار ائمه است .  
 واز همین جهت است که حضرت باقر « ع » در حدیثیکه در اصول کافی  
 نقل کرده فرموده که : خداوند اعظم و اجل است از اینکه هر امری را که در سال  
 واقع میشود بتوسط ملائکه و روح القدس بر کافری ویا بر فاسقی ویا بر نادانی  
 و جاهلی بفرستد و اموریرا بر غیر اهل آن بدهد <sup>(۱)</sup> تمام شد ملخصاً .

پس از آنچه ماذکر نمودیم واضح شد و معلوم گردید که باید ملائکه و روح  
 القدس با جمیع امور سال و وقایع آن بر شخصی نازل باشند و بخدمت کسی  
 شرفیاب شوند که قابل این مراتب و لایق این مقام عظیم باشد و لیاقت آن داشته  
 باشد که ملائکه و روح القدس که اعظم و اجل و بزرگتر از ایشان است با او سخن  
 بگویند و ملاقات نمایند و اموریکه در عرض سال واقع خواهد شد باو خبر بدهند  
 و با او در آن خصوص تکلم کنند .

و این شخص که لایق اینگونه مراتب باشد نیست مگر امامی معصوم و خلیفه  
 خداوند در زمین ، زیرا که غیر امام عالم واقعی و جز معصوم از جانب خدا  
 و غیر خلیفه و نائب خلاق تبارک و تعالی لایق این مراتب و قابل این کمالات  
 نیست بعلت اینکه غیر امام معصوم همه یا جاهل و نادان و یا آنکه با جهل و نادانی  
 فاسق و یا کافر واقعی است و نادان خصوصاً که فاسق یا کافر باشد قابلیت ندارد

که بر او ملائکه و خصوصاً روح القدس نازل باشد و با او سخن بگویند و امور و وقایع سال بر او عرض کنند .

پس اگر ماهیچ حدیث نداشته باشیم بر اینکه ملائکه و روح القدس در هر شب قدر در همه سال بر امام معصوم نازل میشوند و در هر زمان بخدمت امام و خلیفه در آن وقت نازل میباشند هر اینه معلوم خواهد شد که باید ملائکه و روح القدس بخدمت امام معصوم آن زمان نازل میشوند و در هر شب قدر در هر سال بحضور امام آن عصر نزول میکنند و اموری که در آن سال واقع میشود بر آن امام که در زمان است عرض میکنند و در اتفاقات آن سال با او تکلم مینمایند ، با وجود آنکه احادیث صحیحه و معتبره بسیار از موثقین علماء اخبار وارد شده که ملائکه و روح القدس در شب قدر در هر سال بحضور امام آن عصر نازل میشوند و اموری که در آن سال واقع خواهد شد بخدمت امام زمان عرض میکنند و در آن خصوص با امام آن زمان تکلم مینمایند و با آن امام در آن باب سخن می گویند .

و از جمله آن احادیث حدیث محمد بن ابی عبدالله و محمد بن الحسن از سهل بن زیاد و محمد بن یحیی از احمد بن محمد جمیعاً از حسن بن عباس ابن جریش از حضرت باقر «ع» که فرمود : بدرستی که بتحقیق نازل میشود در شب قدر بسوی ولی الامر و امام زمان تفسیر امور سال بسال و امور میشود در آن سال در کار خودش بکذا و کذا و در کار مردم بکذا و کذا و بدرستی که حادث میشود از برای ولی الامر و امام عصر در هر زمان سوای علوم شب قدر هر روز علم خاص و مکنون و عجیب خداوند مثل آن علمی که در شب قدر نازل شده بر آن امام<sup>(۱)</sup> .

و از آن جمله با سند مزبور در حدیث ابن عباس که حضرت امیر المؤمنین «ع» فرمود باو : بدرستیکه شب قدر در هر سال نازل میشود در آن شب امور سال و بدرستیکه از برای این امر امامان هستند بعد از رسول خدا . پس ابن عباس گفت : آن امامان کدام اشخاصند ؟ حضرت فرمود : اول ایشان منم و بعد از من یازده نفر از اولاد منند از صلب من که امامند - الحدیث<sup>(۱)</sup>.

و از آن جمله با همان اسناد از باقر «ع» در حدیث مفصل فرمود : تا آنکه وقتیکه بیاید شب قدر پس نازل میشود ملائکه در آن شب بسوی ولی امر و امام آن عصر . الحدیث<sup>(۲)</sup>.

و این احادیث در اصول کافی و علی بن ابراهیم در تفسیر « تنزل الملائكة والروح » روایت کرده که نازل میشوند ملائکه و روح القدس بر امام زمان و میدهند باو آنچه را که آن را نوشته اند<sup>(۳)</sup>.

پس از این اخبار مذکور معلوم شد که ملائکه و روح القدس در هر سال در شب قدر بر امام آن زمان و خلیفه خداوند در آن عصر نازل میشود و امور آن سال را بر او عرض میکنند ، و این واضح است از احادیث مزبوره همچنانکه محقق بحرانی در حدایق فرموده است که اخبار دلالت کرده بر اینکه ملائکه در شب قدر نازل میشوند بر امام عصر در هر سال با آنچه مجدد میشود از حوادث و قضایا تمام شد . پس از همه این اخبار واضح شد که ملائکه و روح القدس در هر سال در شب قدر بر امام عصر عجل الله فرجه نازل میشوند و امورات آن سال را در آن شب بر آن حضرت عرض میکنند و بآن بزرگوار در آن خصوص

(۱) اصول کافی ج ۱ ص ۲۴۷ .

(۲) اصول کافی ج ۱ ص ۲۵۳ .

(۳) تفسیر قمی ج ۲ ص ۴۳۱ .

تکلم میکنند .

وبلکه معلوم شد که خود احادیث که دلالت دارند بوجود شب قدر در هر سال و نزول ملائکه در آن شب دلیل واضح و برهان قطعی لائح است بر اینکه ملائکه و روح القدس باید و البته بر امام زمان و معصوم در آن وقت نازل باشند باقطع نظر از این احادیث معتبره که دلالت نمودند بر نزول ملائکه و روح القدس در هر سال در شب قدر بر امام زمان و حجت عصر علیه السلام .

و این احادیث را وقتیکه ضم کردی با اخبار سابقه که دلالت بر وجود شب قدر در هر سال و نزول ملائکه در آن شب داشتند واضح میشود وجود امام معصوم در هر عصر و بودن امام در همه وقت هر چندیکه غائب باشد و موجود بودن وجود امام غائب «ع» در همه زمان هر چندیکه ظاهر نباشد .

پس وجود سوره انا انزلناه دلیل واضح است در قرآن بر وجود امام عصر عجل الله فرجه و این سوره مبارکه برهان قطعی است بر بودن حجت عصر «ع» در همه اوقات ، و آیه « تنزل الملائكة » در آن سوره علامت واقعی است بر وجود فایض الجود امام غائب و بر اینکه امام معصوم از آل محمد موجود است و آن نیست مگر قائم آل محمد .

و از این جهت ائمه ما شیعیان را ترغیب و تحریض فرمودند بر تمسک و احتجاج بسوره انا انزلناه و بر ایمان آوردن بآن سوره ، چنانکه در اصول کافی باسناد سابق از حضرت باقر «ع» روایت کرده که آنحضرت فرمود : ای جماعت شیعیان مخاصمه کنید با مردم در خصوص امامت ما اهل بیت بسوره انا انزلناه تا غالب شوید و راستکار باشید، پس قسم بخداوند بدرستیکه آن سوره حجت خداوند است بر خلق بعد از رسول خدا و بدرستیکه آن سوره سیددین شما است ، و بدرستیکه آن سوره غایت علم ما ائمه است، ای جماعت شیعیان

مخاصمه کنید به « **حم والكتاب المبين \* انا انزلناه في ليلة مباركة** » پس بدرستی که این آیه از برای صاحبان امر امامت است محض بعد از رسول خدا. الحدیث<sup>(۱)</sup>.

واین حدیث شریف دلیل است بر آنچه ما ذکر نمودیم از بسودن سوره مزبوره دلیل بر وجود امام در هر زمان هر چندیکه غائب باشد و بودن این سوره دلیل قطعی بر امامت ائمه بعثت نزول ملائکه در هر سال در شب قدر بر امام آن زمان .

وایضاً در اصول کافی باسناد سابق از حضرت باقر «ع» روایت کرده که فرمود: فضل ایمان آوردن بجمله سوره انا انزلناه وایمان بتفسیر آن سوره بر آنکسی که ایمان او بآن سوره و تفسیر آن نباشد مثل فضل انسان است بر حیوانات چهارپا . الحدیث<sup>(۲)</sup>.

و معلوم است که مراد از ایمان آوردن بآن سوره و بتفسیر آن ایمان آوردن است بر نزول ملائکه و روح القدس بر امام هر عصر در هر سال در شب قدر چنانکه بیان کردیم .

وایضاً در همان حدیث بعد از آنکه حضرت باقر «ع» فضائل شب قدر را بیان فرمود و معین نمود که در ماه رمضان در هر سال است راوی عرض کرد: چطور معرفت برسانم بر اینکه شب قدر در هر سال در رمضان باشد؟ حضرت فرمود: زمانیکه ماه رمضان آمد پس بخوان سوره دخان را در هر شب صد بار پس وقتیکه آمد شب بیست و سیم پس تو نظر میکنی بر تصدیق آنچه سؤال کردی

(۱) اصول کافی ج ۱ ص ۲۴۹ .

(۲) اصول کافی ج ۱ ص ۲۵۱ .

از آن<sup>(۱)</sup>. الحدیث .

وبالجمله از این احادیث که در تفسیر این سوره ذکر شد و در معنی نزول ملائکه و روح القدس نقل کرده شد معلوم شد که باید ملائکه و روح القدس بر امام زمان و حجت قائم آل محمد نازل باشند و باید آنحضرت وجود داشته باشد در هر سال در شب قدر.

پس این سوره « انا انزلناه » و آیه «تنزل الملائكة» دلالت نمود بر وجود حضرت قائم آل محمد و بودن آن بزرگوار همیشه ، پس آیه شریفه تنزل الملائكة اشاره شد در این زمان بحضرت قائم اهل بیت و مراد از آیه نزول ملائکه در شب قدر آنحضرت گردید .

و اما مراد از آخر آیه که «سلام هی حتی مطلع الفجر» باشد پس مقصود از آن نیز امام قائم و ولی عصر است چنانکه در تفسیر قمی در این آیه روایت کرده که فرمود: تحیه است که تحیه داده میشود امام زمان به آن تا آنکه طلوع کند صبح<sup>(۲)</sup> .

و در نجم الثاقب از کتاب تأویل الایات شیخ شرف الدین نجفی نقل نموده از حضرت صادق «ع» که در تفسیر « حتی مطلع الفجر » فرمود : یعنی تا آنکه بر خیزد و ظاهر شود قائم آل محمد<sup>(۳)</sup> .

و ایضاً از آنجناب در آن کتاب روایت کرده در تفسیر کلام خداوند «والفجر ولیال عشر» که فرمود : مراد از فجر حضرت قائم آل محمد است<sup>(۴)</sup> .

(۱) اصول کافی ج ۱ ص ۲۵۲ .

(۲) تفسیر قمی ج ۲ ص ۴۳۱ .

(۳) النجم الثاقب ص ۵۲ .

(۴) النجم الثاقب ص ۵۲ .



پس از تفسیرهای مزبور معلوم گردید که مراد از سلام در این آیه سلام بر حضرت قائم آل محمد است و مراد از فجر در این آیه وهم در والفجر قائم اهل بیت است و مراد طلوع فجر صادق جمال و سلطنت آنحضرت است .  
(آیه صد و دهم) قوله تعالى در سورة عصر «والعصر\* ان الانسان لفي خسر»<sup>(۱)</sup>

یعنی قسم بعصر بدرستی که انسان هر آینه در زیانکاری است .

و این آیه نیز در شأن حضرت قائم آل محمد است همچنانکه در اکمال الدین از امام جعفر صادق «ع» روایت کرده که آنحضرت در تفسیر این سوره فرمود که مراد از عصر قائم آل محمد است که در آن عصر ظاهر میشود بدرستی که انسان هر آینه در زیانکاری است یعنی دشمنان ما «الا الذين آمنوا» یعنی ایمان آوردند به آیات ما اهل بیت «و عملوا الصالحات» یعنی عمل کرده اند بمواسات برادران «وتواصوا بالحق» یعنی امامت «وتواصوا بالصبر» یعنی بالعتره<sup>(۲)</sup> .  
پس از این تفسیر معلوم گردید که مراد از این آیه حضرت قائم آل محمد است .  
و در نجم الثاقب از جمله القاب آنحضرت صاحب العصر را نقل کرده<sup>(۳)</sup>  
و از کتاب ذخیره نقل نموده که از جمله آسماء آنحضرت عصر است که در قرآن مذکور است<sup>(۴)</sup> تمام شد .

و اینها دلیل است بر آنچه ذکر شد از تفسیر آیه که مراد از عصر عصر ظهور قائم آل محمد است که خداوند بآن قسم یاد فرموده است ، و از بس که عصر آنحضرت در نزد خدایتعالی عظمت و حرمت و عزت دارد خداوند بآن

(۱) العصر : ۱ و ۲ .

(۲) کمال الدین ج ۲ ص ۶۵۶ در آنجا «فترة» بدل عتره ذکر شده است .

(۳) النجم الثاقب ص ۵۰ .

(۴) النجم الثاقب ص ۵۱ .

عصر قسم خورده چنانکه از احادیث معتبره معلوم میشود که آن زمان چقدر خوب خواهد شد و بعضی احادیث در این معنی گذشت و فی الجمله بیان حالات آن زمان گردید .

و در خصال از حضرت امیر المؤمنین «ع» روایت کرده که فرمود : اگر قائم ما ظهور کند صلح میشود میان درندگان و بهائم حتی اینکه زن راه میرود در میان عراق و شام نمیگذارد پای خود را مگر بر گیاه و بر سر او است زینتهای او بهیجان نمیآورد او را درندگان و نمیترساند او را هیچ چیز<sup>(۱)</sup> .

و از تأویل آیات در نجم الثاقب روایت کرده که فرموده که گوسفند و گاو و گاو و شیر و مار و انسان از یکدیگر مأمون میشوند<sup>(۲)</sup> .

و از عقد الدرر نقل نموده از امیر المؤمنین «ع» که فرمود در قصه قائم آل محمد که : چرا میکند گوسفند و گاو و گاو در يك مكان و بازی میکنند اطفال با مارها و عقربها و اذیت نمیکند ایشان را بچیزی و شر میرود و خیر میماند<sup>(۳)</sup> .

و از احتجاج از آنحضرت روایت نموده که سازش کنند درندگان و بلکه آنها و سایر حیوانات مطیع اصحاب آنحضرت شوند<sup>(۴)</sup> .

و از صدوق از باقر «ع» روایت کرده که فرمود : گویا می بینم اصحاب قائم آل محمد «ع» را که احاطه نمودند مابین خاقین را و نیست چیزی مگر آنکه منقاد ایشان شود حتی درندگان زمین و درندگان طیور و طلب خوشنودی ایشان را میکند هر چیزی حتی اینکه زمین بزمین دیگر فخر میکند و میگوید گذشت

(۱) النجم الثاقب ص ۹۵ .

(۲) النجم الثاقب ص ۹۵ .

(۳) النجم الثاقب ص ۹۵ .

(۴) النجم الثاقب ص ۹۵ .

امروز بر من مردی از اصحاب قائم آل محمد علیه السلام و از این اخبار در نجوم الثاقب بسیار است<sup>(۱)</sup>.

تمام شد آنچه ما اراده کردیم از نقل آیات وارده در شأن قائم آل محمد صلی الله علیه و آله در دههٔ دوم از ماه پنجم از سال نهم از دههٔ سیم از صده چهارم از هزار دوم از هجرت نبوی صلی الله علیه و آله .

## فهرست‌ها

\* فهرست آیات

\* فهرست اعلام

\* فهرست موضوعات

## فهرست آیات شریفه

- واذ قلتم يا موسى لن نؤمن لك حتى نرى الله جهرة فأخذتكم الصاعقة  
وانتم تنظرون ثم بعثناكم من بعد موتكم لعلكم تشكرون ٥
- الم ترالى الذين خرجوا من ديارهم وهم الوف حذرالموت فقال  
لهم الله موتوا ثم احياهم ٩
- او كالذى مرعلى قرية وهى نخاوية على عروشها قال انى يحيى هذه الله  
بعد موتها فأماته الله مائة عام ثم بعثه ١٢
- وابرىء الاكمه والابرص واحيى الموتى باذن الله ١٥
- وتبرىء الاكمه والابرص باذنى واذا تخرج الموتى باذنى ١٦
- اينما تكونوا يأت بكم الله جميعاً ٢٢
- ولنبلونكم بشيء من الخوف والجوع ونقص من الاموال والانفس  
والثمرات وبشر الصابرين ٢٣
- وقاتلوهم حتى لا تكون فتنة ويكون الدين لله فان انتهوا فلا عدوان  
الا على الظالمين ٢٥ ، ٤٦
- ولا تزر وازرة وزر اخرى ٢٦
- هل ينظرون الا ان يأتهم الله فى ظلل من الغمام والملائكة وقضى الامر ٢٧

- واذ اخذ الله ميثاق النبيين لما اتيتكم من كتاب وحكمة ثم جاءكم  
 ٢٩ رسول مصدق لما معكم لتؤمنن به ولتنصرنه
- ٣١ وعد الله الذين آمنوا  
 افغيردين الله يبغون وله اسلم من فى السموات والارض طوعاً وكرهاً  
 ٣٣ ومن دخله كان آمناً  
 ٣٤ يمددكم ربكم بخمسة آلاف من الملائكة مسومين  
 ٣٥ يا ايها الذين آمنوا اطيعوا الله واطيعوا الرسول واولى الامر منكم  
 ٣٦ الم ترالى الذين قيل لهم كفوا ايديكم قالوا ربنا لم كتبت علينا  
 القتال لولا أخرتنا الى اجل قريب  
 ٣٩ وان من اهل الكتاب الا ليؤمنن به قبل موته  
 ٣٩ اطيعوا الله واطيعوا الرسول واحذروا فان توليتم فانما على رسولنا  
 البلاغ المبين  
 ٤١ فلما نسوا ما ذكروا به فتحنا عليهم ابواب كل شىء حتى اذا فرحوا  
 بما اوتوا اخذناهم بغتة فاذا هم مبلسون  
 ٤٢ يوم يأتى بعض آيات ربك لا ينفع نفساً ايمانها لم تكن آمنت من  
 قبل او كسبت فى ايمانها خيراً  
 ٤٣ هل ينظرون الا تاويله يوم يأتى تاويله  
 ٤٤ ان الارض لله يورثها من يشاء من عباده والعاque للمتقين  
 يريدون ان يطفثوا نورالله بأفواههم ويأبى الله الا ان يتم نوره  
 ولو كره الكافرون  
 ٤٧ هو الذى ارسل رسوله بالهدى ودين الحق ليظهره على الدين كله  
 ولو كره المشركون  
 ٤٨ ، ١٢٨ ، ١٥٣

- والذين يكتزون الذهب والفضة ولا ينفقونها في سبيل الله فبشرهم  
بعذاب اليم ۵۳
- ان اشترى من المؤمنين انفسهم واموالهم بأن لهم الجنة ۵۳
- بل كذبوا بما لم يحيطوا بعلمه ولما ياتهم تأويله ۵۴
- واما نرينك بعض الذي نعدهم ۵۵
- ولو ان لكل نفس ما فى الارض لافتدت به ۵۵
- الا ان اولياء الله لا خوف عليهم ولا يحزنون ۵۶
- لهم البشرى فى الحياة الدنيا وفى الآخرة ۵۶
- ولئن اخبرنا عنهم العذاب الى امة معدودة ۵۷
- بقية الله خير لكم ان كنتم مؤمنين ۵۸
- ولقد اتينا موسى الكتاب فاختلف فيه ۵۹
- ان الذين آمنوا وعملوا الصالحات طوبى لهم وحسن مآب ۵۹
- وذكرهم بأيام الله ان فى ذلك لايات لكل صبارشكور ۶۰
- قال فانك من المنظرين الى يوم الوقت المعلوم ۶۱
- ان فى ذلك لايات للمتوسمين وانها لبسبيل مقيم ۶۲
- اويأتى امر ربك - الى قوله تعالى - وحقا بهم ماكانوا به يستهزؤن ۶۲
- واقسموا بالله جهد ايمانهم لا يبعث الله من يموت بلى وعداً عليه  
حقاً ولكن اكثر الناس لا يعلمون ليبين لهم الذى يختلفون فيه وليعلم  
الذين كفروا انهم كانوا كاذبين ۶۳
- لتفسدن فى الارض مرتين ولتعلن علواً كبيراً فاذا جاء وعد اوليهما  
بعثنا عليكم عبداً لنا اولى بأس شديد فجاسوا خلال الديار وكان  
وعداً مفعولاً ۶۵

- ثم رددنا لكم الكرة عليهم وامنناكم بأموال وبنين وجعلناكم اكثر  
٦٧ نقيراً
- فاذا جاء وعد الاخرة ليسووا وجوهكم - الى قوله تعالى - وان  
٦٩ عدتم عدنا
- ومن قتل مظلوماً فقد جعلنا لوليه سلطاناً فلا يسرف فى القتل انه  
٦٩ كان منصوراً
- جاء الحق وزهق الباطل ان الباطل كان زهوقاً  
٧٠
- فاذا جاء وعد ربى جعله دكاً وكان وعد ربى حقاً  
٧٠
- اجعل بينكم وبينهم ردماً  
٧١
- حتى اذا رأوا ما يوعدون اما العذاب واما الساعة فسيعلمون من هو  
٧١ شرمكاناً واضعف جنداً ويزيد الله الذين اهتدوا هدى
- يعلم ما بين ايديهم وما خلفهم ولا يحيطون به علماً  
٧٢
- ولقد عهدنا الى آدم من قبل فنسى ولم نجد له عزماً  
٧٣
- ومن اعرض عن ذكرى فان له معيشة ضنكاً ونحشره يوم القيامة اعمى  
٧٤
- فلما احسوا بأسنا اذا هم منها يركضون لا تركزوا وارجعوا الى  
٧٥ الى ما اترفتم فيه ومساكنكم لعلكم تسئلون
- وحرام على قرية اهلكناها انهم لا يرجعون  
٧٦
- ولقد كتبنا فى الزبور من بعد الذكر ان الارض يرثها عبادى الصالحون  
٧٧
- اذن للذين يقاتلون بأنهم ظلموا  
٧٨
- الذين ان مكناهم فى الارض اقاموا الصلاة وآتوا الزكاة وامروا  
٧٩ بالمعروف ونهوا عن المنكر والله عاقبة الامور
- وبشر معطلة وقصر مشيد  
٨٠



- ۸۰ ذلك ومن عاقب بمثل ما عوقب به ثم بغى عليه لينصرنه الله
- ۸۱ حتى اذا فتحنا عليهم باباً ذا عذاب شديد
- قل رب اما ترينى ما يوعدون - الى قوله تعالى - وانا على ان نريك  
ما نعدهم لقادرون
- ۸۲ وعد الله الذين آمنوا منكم وعملوا الصالحات ليستخلفنهم فى الارض
- الى قوله تعالى - يعبدوننى لا يشركون بى شيئاً
- ۸۳ ان نشأ نزل عليهم من السماء آية فظلت اعناقهم لها خاضعين
- امن يجيب المضطر اذا دعاه ويكشف السوء .
- ۹۱ واذا وقع القول عليهم اخرجنا لهم دابة من الارض تكلمهم ان الناس  
كانوا باياتنا لا يوقنون
- ۹۲ ويوم نحشر من كل امة فوجاً ممن يكذب باياتنا فهم يوزعون
- ۹۴ سيرىكم آياته فتعرفونها
- ۹۷ وجعلكم انبياء وجعلكم ملوكا .
- ونريد ان نمى على الذين استضعفوا فى الارض ونجعلهم ائمة ونجعلهم  
وارثين ونمكن لهم فى الارض ونرى فرعون وهامان وجنودهما منهم  
ما كانوا يحذرون
- ۹۸ ان الذى فرض عليك القرآن لرادك الى معاد  
ولئن جاء نصر من ربك ليقولن انا كنا معكم
- ۱۰۱ ظهر الفساد فى البر والبحر بما كسبت ايدى الناس  
واسبغ عليكم نعمه ظاهرة وباطنة
- ۱۰۴ ولنذيقنهم من العذاب الادنى دون العذاب الاكبر لعلهم يرجعون
- ويقولون متى هذا الفتح ان كنتم صادقين
- ۱۰۵

- ١٠٦ قل يوم الفتح لا ينفع الذين كفروا ايمانهم ولا هم ينظرون  
وجعلنا بينهم وبين القرى التي باركنا فيها قرى ظاهرة وقدرنا  
فيها السير سيروا فيها ليالي واياماً آمنين  
١٠٦ ولوترى اذ فزعوا فلا فوت واخذوا من مكان قريب وقالوا آمنا به  
وانى لهم اتناوش من مكان بعيد  
١١٢ قال فانك من المنظرين الى يوم الوقت المعلوم  
١١٤ ولتعلمن نبأه بعد حين  
١١٦ واشرقت الارض بنور ربها  
١٤٩ ، ١١٧ قالوا ربنا امتنا اثنتين واحييتنا اثنتين  
١١٧ ولوان اهل القرى آمنوا واتقوا لفتحنا عليهم بركات من السماء  
والارض ولكن كذبوا فأخذناهم بما كانوا يكسبون  
١١٩ انا لننصر رسلنا والذين آمنوا فى الحياة الدنيا ويوم يقوم الاشهاد  
١٢٠ سنريهم آياتنا فى الافاق وفى أنفسهم حتى يتبين لهم انه الحق  
١٢١ ومن كان يريد حرث الدنيا نؤته منها وما له فى الآخرة من نصيب  
١٢٢ - الى قوله - ولولا كلمة الفصل لقضى بينهم  
١٢٤ ويمح الله الباطل ويحق الحق بكلماته انه عليم بذات الصدور  
١٢٤ ولمن انتصر بعد ظلمه فأولئك ما عليهم من سبيل  
١٢٥ وجعلها كلمة باقية فى عقبه لعلهم يرجعون  
١٢٦ ولوتزيلوا لعذبنا الذين كفروا منهم عذاباً اليماً  
واستمع يوم يناد المناد من مكان قريب يوم يسمعون الصيحة بالحق  
١٢٨ ذلك يوم الخروج  
وان للذين ظلموا عذاباً دون ذلك ولكن اكثرهم لا يعلمون  
١٣١

- ۱۳۱ اقتربت الساعة وانشق القمر
- ۱۳۳ او تأتيكم الساعة
- ۱۳۵ ، ۱۳۳ يسألونك عن الساعة
- ۱۳۳ او تأتيهم الساعة بغتة
- ۱۳۳ لا تأتينا الساعة
- ۱۳۳ حتى تأتيهم الساعة بغتة
- ۱۳۴ ، ۱۳۳ ويوم تقوم الساعة
- ۱۳۳ ما تدري ما الساعة
- ۱۳۴ يوم تقوم الساعة
- ۱۳۴ بل الساعة موعدهم
- ۱۳۴ وما اظن الساعة قائمة
- ۱۳۴ اما العذاب واما الساعة
- ۱۳۴ هل ينظرون الا الساعة
- ۱۳۴ فهل ينظرون الا الساعة
- ۱۳۴ ان الساعة لآتية لا ريب فيها
- ۱۳۴ ان الساعة آتية
- ۱۳۴ وان الساعة آتية لا ريب فيها
- ۱۳۵ وان الساعة لآتية
- ۱۳۵ وان الساعة لا ريب فيها
- ۱۳۵ لعل الساعة تكون قريباً
- ۱۳۵ لعل الساعة قريب
- ۱۳۵ وما امر الساعة الا كلمح البصر

- ١٣٥ ان الله عنده علم الساعة
- ١٣٥ اليه يرد علم الساعة
- ١٣٥ وعنده علم الساعة
- ١٣٥ نبل كذبوا بالساعة
- ١٣٥ واعتدنا لمن كذب بالساعة
- ١٣٦ يسألك الناس عن الساعة
- ١٣٦ ان الذين يمارون في الساعة
- ١٣٦ وانه لعلم للساعة
- ١٣٦ وهم من الساعة مشفقون
- ١٣٦ والساعة لا ريب فيها
- ١٣٦ والساعة ادهى وامر
- ١٣٦ ، ١٧١ لا يمسه الا المطهرون تنزيل من رب العالمين
- ١٣٩ ولا تكونوا كالذين اوتوا الكتاب من قبل فطال عليهم الامد
- ١٤١ يغن الله كلا من سعته
- ١٤٢ سلام عليكم طبتم فادخلوها خالدين
- ١٤٣ اعلموا ان الله يحيى الارض بعد موتها
- ١٤٣ يوم تبدل الارض غير الارض
- يا ايها الذين آمنوا لا تتولوا قوماً غضب الله عليهم قد يئسوا من
- ١٤٦ الاخرة كما يئس الكفار من اصحاب القبور
- ١٤٨ ان الله يحب الذين يقاتلون في سبيله صفاً كأنهم بنيان مرصوص
- ١٤٩ يريدون ليطفئوا نور الله بأفواههم والله متم نوره ولو كره الكافرون
- ١٥٠ الله نور السموات والارض - الى آخر آية شريفة نورانية

- ۱۵۵ نصر من الله وفتح قريب وبشر المؤمنين
- ۱۵۷ لو ان لى بكم قوة او آوى الى ركن شديد
- ۱۵۷ ان اصبح ماؤكم غوراً فمن يأتكم بماء معين
- ۱۵۹ اذا تتلى عليه آياتنا قال اساطير الاولين سنسمه على الخرطوم
- ۱۶۰ سأل سائل بعذاب واقع للكافرين
- ۱۶۱ فاصبر صبراً جميلاً انهم يرونه بعيداً ونريه قريباً
- ۱۶۲ والذين يصدقون بيوم الدين
- ۱۶۲ حتى اذا رآوا ما يوعدون فسيعلمون من اضعف ناصراً واقل عدداً
- ۱۶۳ فاذا نقر فى الناقور فذلك يومئذ يوم عسير
- عالم الغيب فلا يظهر على غيبه احداً الا من ارتضى من رسول فانه
- ۱۶۴ يسلك من بين يديه ومن خلفه رصداً
- ۱۶۵ هدى للمتقين الذين يؤمنون بالغيب
- ويقولون لولا انزل عليه آية من ربه فقل انما الغيب لله فانتظروا
- ۱۶۶ انى معكم من المنتظرين
- ۱۶۷، ۱۶۶ والله غيب السماوات والارض
- ۱۶۶ له غيب السماوات والارض
- ۱۶۷ ان الله يعلم غيب السماوات والارض
- ۱۶۷ انى اعلم غيب السماوات والارض
- ۱۶۷ ان الله عالم غيب السماوات والارض
- ۱۶۷ فقل انما الغيب لله
- ۱۶۷ ام عندهم الغيب
- ۱۶۷ ولا اعلم الغيب

- ١٦٧ قل لا يعلم من فى السماوات والارض الغيب الا الله
- ١٦٧ ان لو كانوا يعلمون الغيب
- ١٦٨ ولو كنت اعلم الغيب
- ١٦٨ اطلع الغيب
- ١٦٨ ذلك عالم الغيب والشهادة
- ١٦٨ ذلك من انباء الغيب
- ١٦٨ وعنده مفاتيح الغيب
- ١٦٨ ، ١٦٩ عالم الغيب والشهادة
- ١٦٨ ثم تردون الى عالم الغيب والشهادة
- ١٦٩ الى عالم الغيب والشهادة
- ١٦٩ وستردون الى عالم الغيب والشهادة
- ١٦٩ عالم الغيب
- ١٦٩ تلك من انباء الغيب
- ١٦٩ عالم الغيب لا يعزب عنه
- ١٦٩ اعنده علم الغيب
- ١٦٩ عالم الغيب فلا يظهر على غيبه احداً
- ١٦٩ الذين يؤمنون بالغيب
- ١٦٩ ليعلم الله من يخافه بالغيب
- ١٦٩ التى وعد الرحمن عباده بالغيب
- ١٦٩ رجماً بالغيب
- ١٧٠ الذين يخشون ربهم بالغيب
- ١٧٠ انما تنذروا الذين يخشون ربهم بالغيب

- ۱۷۰ ان الذين يخشون ربهم بالغيب  
ويقذفون بالغيب  
من ينصره ورسله بالغيب  
وخشى الرحمن بالغيب  
من خشى الرحمن بالغيب  
وما كان الله ليطلعكم على الغيب  
وما هو على الغيب بضنين  
حافظات للغيب  
الم ذلك الكتاب لا ريب فيه  
يوم ترجف الراجفة تتبعها الرادفة  
انا لننصر رسلنا  
فلا اقسم بالخنس الجوار الكنس  
هل اتيك حديث الغاشية - الى قوله تعالى - تصلى ناراً حامية  
والشمس وضحيها والقمر اذا تليها والنهار اذا جليها  
والليل اذا يغشيها  
والليل اذا يغشى \* والنهار اذا تجلّى  
تنزل الملائكة والروح \* فيها باذن ربهم من كل أمر سلام هي حتى  
مطلع الفجر  
حم والكتاب المبين \* انا انزلناه فى ليلة مباركة  
والعصر \* ان الانسان لفى خسر

فهرست اعلام و لقبها و کنیه‌ها و قبیله‌ها

		(۱)
۱۶۴	اثبات الوصیة	آدم علیه السلام
۱۸۳، ۱۵۶	احمد بن محمد	۸۴، ۲۹
۱۵، ۱۴	ارمیا	۸۳
۱۸۰	اسحق بن عمار	ابان بن تغلب
۱۱۸	اسرافیل	ابراهیم علیه السلام ۲۰، ۶۰، ۹۷،
۱۳۰	اسکندر	۱۲۵، ۱۱۸
۹۷	اسمعیل	ابن طاوس : سید
۱۳۸	اصبغ بن نیاة	ابن عباس : عبدالله بن عباس
۱۷۵	ام هانی	ابوبصیر
	(ب)	۶۳
	امام محمد باقر علیه السلام ۱۰، ۲۷،	ابوبکر
	۲۸، ۳۰، ۳۵، ۳۹، ۴۰، ۴۵، ۵۱،	ابوالحسن علیه السلام
	۵۵، ۶۷، ۷۵، ۸۱، ۸۶، ۹۳، ۱۱۲،	ابوحمزه
	۱۱۸، ۱۲۹، ۱۴۳، ۱۷۴، ۱۵۶،	ابوحنیفه
		۱۰۸، ۳۴
		۱۳۷
		ابوذر غفاری
		۱۵۲
		ابوسلیمان
		۱۳۰
		ابوطالب
		۱۳۸
		ابولهب



۱۵۰ ، ۹۹ ، ۶۷ ، ۶۶ ، ۳۹ ، ۳۶ ، ۹	۱۸۹ ، ۱۸۳ ، ۱۷۷
۱۵۵ ، ۱۵۲	۱۴ ، ۱۳ ، ۱۲ <span style="float: right;">بختنصر</span>
۱۰۷ <span style="float: right;">حسن بصری</span>	۱۴۴ <span style="float: right;">بغوی</span>
۱۴۷ ، ۹۶ <span style="float: right;">حسن بن سلیمان</span>	۶۵ ، ۱۴ ، ۱۲ ، ۹ ، ۵ <span style="float: right;">بنی اسرائیل</span>
۱۸۳ <span style="float: right;">حسن بن عباس بن حریش</span>	۱۰۱ ، ۹۹ ، ۹۶ ، ۷۰ ، ۶۹ ، ۶۷
<span style="float: right;">حسن بن علی العسکری علیهما السلام</span>	۱۲۵ ، ۶۷ ، ۶۱ ، ۸۹ ، ۷۶ ، ۴۸ <span style="float: right;">بنی امیه</span>
۱۵۲ ، ۱۵۰ ، ۳۸ ، ۳۷	۱۶۱ <span style="float: right;">بنی سعد ابن همام</span>
۱۳۷ <span style="float: right;">حسنی</span>	۱۱۳ ، ۴۸ <span style="float: right;">بنی عباس</span>
۲۶ ، ۲۵ ، ۹ <span style="float: right;">امام حسین علیه السلام</span>	( ج )
۱۰۰ ، ۹۹ ، ۸۱ ، ۷۹ ، ۶۷ ، ۳۹ ، ۳۶	جابر بن عبدالله انصاری ۳۸ ، ۳۶ ، ۳۸ ،
، ۱۵۲ ، ۱۵۰ ، ۱۲۶ ، ۱۲۱ ، ۱۱۸	۱۶۴ ، ۱۵۰ ، ۱۲۹ ، ۱۱۶ ، ۱۰۱ ، ۸۲
۱۷۶ ، ۱۷۴ ، ۱۷۳ ، ۱۷۲ ، ۱۵۵	۱۱۸ ، ۱۱۳ ، ۹۱ ، ۸۳ <span style="float: right;">جبرائیل</span>
۱۷۴ <span style="float: right;">حسین بن حمدان</span>	۱۵۴ ، ۱۲۹
۷۰ <span style="float: right;">حکیمه خواتون</span>	( ح )
( د )	حارث اعور ۱۷۶
۱۱۹ <span style="float: right;">دانیال</span>	حجاج بن یوسف ۴۰ ، ۳۴
۷۸ <span style="float: right;">داود علیه السلام</span>	حجة بن الحسن العسکری علیهما
۹۴ <span style="float: right;">دجال</span>	السلام ۳۸ ، ۲۷ ، ۲۳ ، ۲۲
( ذ )	حریر ۱۷۳
۸۸ <span style="float: right;">ذوالقرنین</span>	۱۱ <span style="float: right;">حزقیل</span>
	امام حسن مجتبی علیه السلام

شهر بن حوشب ٤١

(ص)

امام صادق عليه السلام ١٠ ، ١١ ، ١٢ ،

١٧ ، ٢٣ ، ٢٤ ، ٢٩ ، ٣٣ ، ٣٤ ، ٣٦ ،

٤٠ ، ٥٣ ، ٥٥ ، ٦١ ، ٦٣ ، ٦٥ ، ٦٨ ،

٧٢ ، ٨٦ ، ٨٩ ، ٩١ ، ٩٧ ، ١٠٨ ،

١٤١ ، ١١٤ ، ١٣٩ ، ١٥٠ ، ١٥٤ ،

١٧٩ ، ١٨٠ ، ١٨٧ ،

صدوق ٢٠ ، ٢٤ ، ٢٥ ، ٣٤ ، ١٨٩ ،

صعصعه ٤٤ ، ١٦٠ ،

(ع)

عبدالله بن زبير ٣٤

عبدالله بن عباس ١٥٢ ، ١٨٤ ،

عبدالمك ١٣٠ ،

عبدالمك بن اعين ١٥٦ ،

عثمان ٨٧ ،

عزير ١٤ ، ١٥ ،

علامه مجلسي ١٠١ ، ١٠٥ ، ١٣٢ ،

٤٧ ، ١٤٨ ، ١٦١ ، ١٦٣ ،

علي عليه السلام ٨ ، ٩ ، ٥٠ ، ٧٣ ،

٨٣ ، ٨٧ ، ٩٢ ، ١١٨ ، ١٣٧ ، ١٥٢ ، ١٥٤ ،

١٥٥ ، ١٧١ ، ١٧٦ ،

(ر)

امام رضا عليه السلام ١٨ ، ٢٢ ، ٢٥ ،

٢٦ ، ٢٧ ، ٩٠ ،

رفاعة ١٧٩ ،

(ز)

زرارة ١٧٩ ،

زهري ١٣٠ ،

امام زين العابدين عليه السلام ٨٥ ، ١٠٠ ،

(س)

سام بن نوح ١٦ ،

امام سجاد عليه السلام ١٠١ ، ١٠٧ ،

١١٣ ، ١٢٥ ، ١٣٠ ، ١٤٢ ،

سعد بن عبدالله ٩٦ ،

سفياني ٨٩ ، ١١٢ ، ١١٣ ،

سليمان ٨٨ ،

سهل بن زياد ١٨٣ ،

سيد الشهداء عليه السلام ١٨ ، ٢٦ ،

٦٦ ، ٦٨ ، ٧٠ ، ٧٨ ، ١١٦ ،

سيف بن عميره ١٣٠ ،

(ش)

شرف الدين نجفي ١٨٧ ،

۱۱۸ ، ۱۳۱ ، ۱۴۹ ، ۱۵۶ ، ۱۶۳

( ك )

۱۵۸ امام كاظم عليه السلام

۱۴۳ كعب الاحبار

۱۴۴ گنجی

( ل )

۱۰۴ لقمان

۱۵۷ لوط

( م )

۱۵ محدث كاشانی : فيض

محمد صلى الله عليه وآله وسلم

۶ ، ۸ ، ۹ ، ۸۱ ، ۳۰ ، ۳۱ ، ۳۲ ، ۴۸

۵۰ ، ۷۳ ، ۷۸ ، ۸۳ ، ۸۴ ، ۱۱۸ ،

۱۵۰ ، ۱۵۲ ، ۱۷۶

۱۸۳ محمد بن ابی عبدالله

محمد بن الحسن العسكري عليهما

۳۸ السلام

۱۸۳ محمد بن حسن

۶۹ محمد بن حمران

محمد بن علی : باقر علیه السلام

۱۵۰ ، ۳۶

۱۸۴ ، ۵۴ علی بن ابراهیم

علی بن الحسین عليهما السلام

۱۵۰ ، ۳۶

علی بن محمد عليهما السلام

۱۵۰ ، ۳۷

علی بن موسی الرضا عليهما السلام

۱۵۰ ، ۳۶

۱۵۵ ، ۹۳ عمار

۱۳۷ ، ۸۷ عمر

، ۶۸ ، ۶۱ ، ۵۱ ، ۴۰ ، ۳۵ عیاشی

۱۴۱ ، ۸۶ ، ۸۵

۱۸ ، ۱۷ ، ۱۶ ، ۱۵ عیسی علیه السلام

۱۴۲ ، ۵۲ ، ۴۰ ، ۲۱

( ف )

، ۱۳۰ ، ۴۰ ، ۹ فاطمه علیها السلام

۱۷۶ ، ۱۵۲ ، ۱۵۱

۱۱۳ ، ۹۹ ، ۹۸ ، ۴۷ فرعون

( ق )

۱۳۸ ، ۱۸ قریش

۱۱۸ ، ۱۱۶ قطب راوندی

۱۱۲ ، ۱۰۵ ، ۹۵ ، ۹۳ ، ۹۱ ، ۸۱ قمی

	( ن )	محمد بن علي : جواد عليه السلام
١٣٩ ، ١١٩	نصاري	١٥٠ ، ٣٦
٤١	نصراني	١٨٢ ، ١٧٩ محمد بن مسلم
١٦٤	نعماني	١٨٣ محمد بن يحيى
٨٦ ، ١٦	نوح عليه السلام	١٤٦ مرتضى
	( هـ )	١٤٦ مصطفى
٩٨	هامان	١٣٧ ، ١٣٦ ، ١٣٢ مفضل بن عمر
٥٨	هود	٥٢ مقداد بن اسود
	( ي )	٧٢ ، ٢٢ ، ٢١ مهدي عليه السلام
٨١ ، ٦٨	يزيد بن معاوية	٧٨ ، ٧٩ ، ٨١ ، ٨٦ ، ٩٨ ، ١٢٩
٤١	يعقوب عليه السلام	١٤٥ ، ١٤٢ ، ١٣٧ ، ١٣٢ ، ١٣٠
١٧٩	يعقوب	١٦١ ، ١٥٣ ، ١٥٠
٤١	يوسف	٣٦ موسى بن جعفر عليهما السلام
١١٩	يوشع	١٥٠ ، ١٠٤ ، ٨٠ ، ٤٩
٥٤	يونس	٥٠ ، ٤٨ ، ٨ ، ٦ ، ٥ موسى بن عمران
١٣٩ ، ١١٩ ، ٤١	يهود	١٢١ ، ١٠١ ، ١٠٠ ، ٩٩ ، ٥٩
		١١٨ ميكائيل

فهرست کتب

( ت )	( ا )
تأویل الایات ۱۸۷ ، ۱۸۹	۱۶ اثنا عشریه
تحفة الاخیار ۲۷ ، ۱۲۵ ، ۱۳۱	احتجاج ۱۵ ، ۱۸ ، ۴۴ ، ۵۰ ، ۸۷ ،
تفسیر امام حسن عسکری ۶ ، ۹	۱۰۶ ، ۱۰۷ ، ۱۳۷ ، ۱۳۹ ، ۱۴۴ ، ۱۸۹
تفسیر جوامع ۱۰۰	۱۴۴ اختصاص
تفسیر سیاری ۱۴۶	۸۹ ، ۱۱۷ ، ۱۳۸ ، ۱۴۷ ارشاد
تفسیر صافی ۲۲ ، ۳۴ ، ۳۸ ، ۴۴ ، ۸۳	۱۲۱ انوار مضمیئه
۹۲ ، ۹۶ ، ۱۲۰ ، ۱۲۲ ، ۱۴۰ ، ۱۶۳ ،	۱۵۲ ایضاح النواصب
۱۶۵ ، ۱۷۱ ، ۱۷۴ ، ۱۷۶	
تفسیر علی بن ابراهیم ۴۲ ، ۴۴	( ب )
تفسیر عیاشی ۱۲ ، ۱۵ ، ۱۷ ، ۲۲ ،	۱۸ بحار الانوار
۲۳ ، ۲۶ ، ۲۸ ، ۲۹ ، ۳۹ ، ۴۵ ، ۵۱	۲۹ ، ۷۳ ، ۸۲ ، ۹۷ بصائر الدرجات
۵۲ ، ۵۳ ، ۵۵ ، ۶۳ ، ۶۵ ، ۶۷ ، ۷۱	۱۱۴ ، ۱۵۷
۹۳ ، ۱۲۹ ، ۱۷۱	۸۳ بیضاوی

	( ذ )	١٧٦ ، ١٧٢	تفسير فرات
١٨٨	ذخيرة	٤٤ ، ٤٠ ، ٢٩ ، ١٥ ، ١٢	تفسير قمى
	( ز )	٦٢ ، ٦٠ ، ٥٨ ، ٥٦ ، ٥٥ ، ٥٣ ، ٤٩	
١٤٨	زاد المعاد	٨٠ ، ٧٩ ، ٧٦ ، ٧٢ ، ٦٩ ، ٦٧ ، ٦٤	
٧٨	زبور	١٢٥ ، ١٢٠ ، ١٠٢ ، ٩٧ ، ٨٩ ، ٨٥	
	( س )	١٦٥ ، ١٦٠ ، ١٥٩ ، ١٥٨ ، ١٣٢ ، ١٢٨	
١٤٥	سعد السعود	١٨٧ ، ١٧٧ ، ١٧٦	
	( ع )	١٧٢	تفسير محمد بن عباس بن ماهيار
١٨٩ ، ١٤٥	عقد الدرر	١٥٦	تنزيل وتحريف
١٠٨ ، ٧٢ ، ٣٤ ، ٢٥	علل الشرايع	١٨	توحيد : كتاب
١٢٥		٣٦	توراة
	( غ )	١٧٩	تهذيب
١٥٠	غاية المرام		( ح )
٩٨	غيبة صدوق	١٨٤ ، ١٧٨	حدائق
١٧٤ ، ١٥٧ ، ١٣٠	غيبة طوسى	١٨	حياة القلوب
١٥٢ ، ١٣٩	غيبة فضل بن شاذان		( خ )
١٣٩ ، ١٣٨ ، ١٢٩	غيبة نعمانى	٧٠	خرائج
١٧٥ ، ١٧٤ ، ١٥٥ ، ١٥٤ ، ١٥٢ ، ١٤٢		١٨٩ ، ١٤٤ ، ٦٠ ، ٤٤	نخصال
	( ف )		( د )
١٧٨	فقيه	١٦	الدرة البيضاء
		١٦	الدرة الغرية

مجمع البيان ۲۲ ، ۳۲ ، ۳۳ ، ۴۶ ،  
 ۵۱ ، ۵۲ ، ۵۸ ، ۷۶ ، ۷۸ ، ۸۱ ، ۸۲ ،  
 ۸۵ ، ۹۴ ، ۹۵ ، ۱۰۵ ، ۱۱۳ ، ۱۲۶ ،  
 مختصر البصائر ۹۶  
 المسائل النجفيه ۱۶ ، ۴۶  
 معانى الاخبار ۸۰ ، ۹۸ ، ۱۲۵  
 مناقب ۱۰۴ ، ۱۲۶  
 مناقب ابن شاذان ۱۷۲  
 منتخب البصائر ۳۰ ، ۱۳۲

( ن )

نجم الثاقب ۱۲۹ ، ۱۳۰ ، ۱۳۸ ،  
 ۱۴۱ ، ۱۴۳ ، ۱۵۰ ، ۱۵۴ ، ۱۵۶ ، ۱۶۴ ،  
 ۱۷۲ ، ۱۷۴ ، ۱۷۶ ، ۱۸۷ ، ۱۸۸ ، ۱۸۹ ،  
 ۱۹۰

( و )

واحدہ : کتاب ۳۰ ، ۸۴

( ك )

كافى ۱۰ ، ۱۷ ، ۳۹ ، ۴۴ ، ۴۷ ، ۴۹ ،  
 ۵۰ ، ۵۳ ، ۵۶ ، ۵۸ ، ۵۹ ، ۶۳ ، ۶۵ ،  
 ۶۷ ، ۶۹ ، ۷۲ ، ۷۵ ، ۸۰ ، ۸۴ ، ۸۹ ،  
 ۹۳ ، ۱۲۲ ، ۱۴۱ ، ۱۴۳ ، ۱۵۶ ، ۱۵۸ ،  
 ۱۶۳ ، ۱۷۴ ، ۱۷۵ ، ۱۷۶ ، ۱۷۸ ، ۱۷۹ ،  
 ۱۸۰ ، ۱۸۲ ، ۱۸۴ ، ۱۸۵ ،  
 كامل الزيارة ۱۷۳  
 كتاب فضل بن شاذان ۱۲۱  
 كشف الحجاب ۴۷  
 كشف الغمه ۱۴۴  
 كمال الدين ۱۵ ، ۲۳ ، ۲۴ ، ۳۶ ، ۴۳ ،  
 ۴۷ ، ۵۲ ، ۵۶ ، ۵۸ ، ۶۲ ، ۸۰ ، ۸۶ ،  
 ۹۰ ، ۹۴ ، ۹۹ ، ۱۰۴ ، ۱۰۷ ، ۱۲۹ ،  
 ۱۳۹ ، ۱۴۳ ، ۱۵۵ ، ۱۵۶ ، ۱۵۹ ، ۱۶۵ ،  
 ۱۷۱ ، ۱۷۵ ، ۱۸۸

( م )

مجالس ۹۹

فهرست مکانها

۱۳۷	دیلم		(۱)
	(د)	۱۳۰	اندلس
۱۳۸	رکن		(ب)
	(ش)	۱۱۳	بابل
۱۸۹ ، ۱۴۴ ، ۱۱۳	شام	۱۵۴ ، ۸۱ ، ۳۵ ، ۲۸	بدر
	(ص)	۱۵۵ ، ۱۵۴ ، ۱۱۹	بصره
۱۵۵	صفین	۱۱۳	بغداد
	(ع)	۱۴	بیت المقدس
۱۸۹ ، ۱۴۴ ، ۱۱۸ ، ۱۰۸	عراق	۱۱۳	بیداء
	(ق)		(ج)
۱۳۷	قزوین	۱۸	جبانه
	(ک)		(د)
۱۱۸	کربلا	۱۱۳	دمشق



۱۳۸	مقام	۱۱۲، ۳۴	کعبه
۱۰۸، ۸۲، ۷۸، ۳۵، ۲۳	مکه	، ۱۱۵، ۱۱۳، ۸۳، ۶۷، ۲۸	کوفه
	(ن)	۱۴۷، ۱۲۱	
۱۵۴، ۸۳، ۲۷	نجف		(م)
	(و)	۱۱۳، ۱۰۸	مدینه
۸۳	وادی السلام	۱۳۸، ۱۱۹، ۱۱۵، ۶۱	مسجد کوفه
		۱۵۰	

## فهرست موضوعات

۳	مقدمه مؤلف کتاب
۵	در اثبات مطلق رجعت از آیات
۱۷	گفتاری پیرامون رجعت
۲۲	آیات رجعت حضرات معصومین علیهم السلام
۲۹	یاری پیغمبران پیغمبر و ائمه اسلام را
۴۹	گفتاری درباره حضرت حجت علیه السلام
۹۲	مراد از دابة الارض
۱۰۶	مراد از قری مبارکه که ائمه علیهم السلام است
۱۱۸	سلطنت روی زمین به اولیاء الله برمیگردد
۱۳۳	آیاتی که در «ساعت» وارد شده
۱۴۳	زنده کردن زمین پس از مرگ آن
۱۶۴	پیرامون علم غیب
۱۶۶	آیاتی که درباره «غیب» وارد شده
۱۷۲	بحثی درباره رجعت ائمه علیهم السلام
۱۷۸	شب قدر و فضائل آن

---

۱۹۳	فهرست آیات شریفه
۲۰۴	فهرست اعلام و لقبها و کنیه‌ها و قبيله‌ها
۲۰۹	فهرست کتب
۲۱۲	فهرست مکانها
۲۱۴	فهرست موضوعات
۲۱۶	تقدیر لازم

## تقدیر لازم

این چاپ پنجم « تحفة المهدیه » و « تحفة الشیعه » بر چاپهای سابق این دو کتاب ترجیح و امتیاز دارد چه اینکه با اصل نسخه خطی مؤلف «ره» تطبیق شده و علاوه بر این چاپهای اول و چهارم نیز در اختیار مصحح محترم گذاشته شده بود و از جهت تصحیح اطمینان کامل حاصل شد .

استخراج آیات کریمه و احادیث شریفه و پاورقیهای لازم و فهرستهای آیات و اعلام و امکانه و جزاینها توسط یکی از علمای محترم حوزه علمیه قم انجام یافت و زحمات ایشان مورد تقدیر شایان می باشد، و از ساحت مقدس امام عصر عجل الله فرجه الشریف مسئلت می نمائیم که معظم له را اجر جزیل و توفیق بیشتر در احیای امور دینی دهد .

سدس هزینه چاپ این کتاب از مرحوم حاج بابا هاشم نژاد است که وصیت شده این مبلغ در چاپ کتب دیگر مؤلف در گردش باشد و ضمناً دبیر محترم ستوده مرام با اعطاء دو هزار تومان در هزینه چاپ شرکت کرده اند و بقیه مخارج سرمایه (کتابفروشی حقیری) و بهمت دوستان بزیور طبع آراسته گردیده است. از مطالعه کنندگان گرامی توقع داریم که در حق بانیان سابق و لاحق از طلب آمرزش مضایقه فرمایند . والسلام علی من اتبع الهدی .